

مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

ISSN: 2645-4475

فصلنامه علمی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال سوم، شماره ۴ (پیاپی: ۱۳)، زمستان ۱۳۹۹

نقش فرهنگی مردم در امنیت پایدار شهرستان مریوان
فریبا میراسکندری، سجاد علی بخشی

ارزیابی عملکرد سامانه کیفری ایران در مواجهه با مرتکبان هرmafروdit
فریدون امیرآبادی فراهانی، محمود قیومزاده

رابطه بین استرس با سلامت روانی دانشجویان براساس جنسیت آنان
رضوان نوری علمی، حمزه قپانوری، میترا مجذوبی

ارزیابی پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران بر پایه چارچوب توسعه
پایدار استراتژیک
حمیده فرزانه

پیش‌بینی شفقت به خود بر اساس ذهن‌آگاهی و بهزیستی روانشناختی
دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان
ساره رسایی

ارزیابی رابطه بین رهبری معنوی و وفاداری سازمانی
امین مرادی

پیش‌بینی اختلالات رفتاری بر اساس شیوه‌های تربیتی و صفات شخصیتی والدین
در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی
زهرا کرباسیان

عوامل اجتماعی رفتارهای وندالیستی نوجوانان: مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره
متوسطه شهر گرگان
رضا ثالث موید، محمدسعید بزرگزاده

طراحی مدل فراترکیب شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی دانشجویان در
دانشگاه
محسن نیازی، علی فرهادیان، احسان صنعتکار



- دکتر خدیجه اسدی سروسناتی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر محمد امیرپناهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر فاروق امین مظفری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر محمدرضا حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر عبدالرسول حسینی‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر غلامرضا لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر مهدی معینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

فراخوان پذیرش مقاله:

نشریه «مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.ASSCS.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند. برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- جامعه‌شناسی
- مردم‌شناسی
- جمعیت‌شناسی
- فلسفه علوم اجتماعی
- آسیب‌های اجتماعی
- برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
- مطالعات جوانان
- برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای
- مطالعات فرهنگی و مدیریت راهبردی فرهنگ
- مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی

نشریه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.ASSCS.ir
Shij.journals@gmail.com

چاپ

نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۳۹۳
انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	نقش فرهنگی مردم در امنیت پایدار شهرستان مریوان فریبا میراسکندری، سجاد علی بخشی
۱۱	ارزیابی عملکرد سامانه کیفی ایران در مواجهه با مرتکبان هرmafروودیت فریدون امیرآبادی فراهانی، محمود قیومزاده
۲۷	رابطه بین استرس با سلامت روانی دانشجویان براساس جنسیت آنان رضوان نوری علمی، حمزه قپانوری، میترا مجذوبی
۴۱	ارزیابی پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران بر پایه چارچوب توسعه پایدار استراتژیک حمیده فرزانه
۵۵	پیش‌بینی شفقت به خود بر اساس ذهن‌آگاهی و بهزیستی روانشناختی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان ساره رسایی
۶۵	ارزیابی رابطه بین رهبری معنوی و وفاداری سازمانی امین مرادی
۷۵	پیش‌بینی اختلالات رفتاری بر اساس شیوه‌های تربیتی و صفات شخصیتی والدین در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی زهرا کرباسیان
۸۷	عوامل اجتماعی رفتارهای وندالیستی نوجوانان؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دوره متوسطه شهر گرگان رضا ثالث موید، محمدسعید بزرگزاده
۹۷	طراحی مدل فراترکیب شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی دانشجویان در دانشگاه محسن نیازی، علی فرهادیان، احسان صنعتکار

نقش فرهنگی مردم در امنیت پایدار شهرستان مریوان

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۰۷

کد مقاله: ۲۸۹۶۶

فریبا میراسکندری^{۱*}، سجاد علی بخشی^۲

چکیده

فرهنگ و امنیت پایدار، محوری‌ترین موضوع در یک منطقه جغرافیایی است. با پیروزی انقلاب اسلامی دخالت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیگانگان شروع گردید و با نفوذ در مناطق کردی به دنبال برانگیختن آتش تعصبات مذهبی، فرهنگی و قومیتی در منطقه، ایجاد ناامنی کنند، اما این توطئه بیگانگان و با هوشیاری مردم خنثی شد. امروز نقش فرهنگی مردم در ایجاد امنیت پایدار شهرستان مریوان بسیار تاثیرگذار می‌باشد و بدون امنیت پایدار در مقابل تهدیدات و آسیب‌ها نمی‌تواند به امنیت مناسب دست پیدا کرد. درهم تنیدگی مسائل امنیتی با شرایط فرهنگی و اجتماعی ما را بر آن داشت که در ارتباط با شهرستان مریوان پیرامون نقش فرهنگی مردم در امنیت پایدار آن منطقه به یک تحقیق و پژوهش علمی به روش مردم‌شناسی ژرفانگر و به صورت میدانی، مشارکتی به‌طور مستقیم، با استفاده از اسناد معتبر کتابخانه و مراکز علمی و از ابزار تحقیق (دوربین فیلم‌برداری، دوربین عکاسی، ضبط صوت، نقشه...) مبادرت ورزیم در این راستا از مکتب نظری کارکردگرایی برونسلاو مالینوفسکی استفاده و برای جامعه آماری تحقیق ۴۰ نفر از نخبگان، مردم عادی، مسئولین، دانشجویان، پیشمرگان کرد مسلمان انتخاب شده است. در سؤالهای تحقیق به مواردی چون: ۱. نقش فرهنگی مردم در امنیت پایدار شهرستان مریوان چگونه بوده است؟ ۲. نهاد های مردمی بر کدامیک از مسایل امنیت پایدار اثر گذاشته اند؟ اشاره داشته ایم. باتوجه به پرسش‌های، انجام یافته، نتایج حاصل در تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ مردم این شهرستان با وجود جاذبه های طبیعی گردشگری و اقتصادی، از امنیت پایدار مناسبی برخوردار بوده است.

واژگان کلیدی: امنیت پایدار، مردم، کرد، کردستان، شهرستان مریوان

۱- دکتری جامعه‌شناسی، استادیار و هیات علمی دانشگاه آزاد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

fmireshkandari@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری مردم‌شناسی

۱- مقدمه

امنیت اساسی ترین نیاز جامعه بشری برای پیشرفت و توسعه است و تلاش برای تحصیل آن دغدغه اصلی هر حکومتی است. جامعه در شرایط و فضایی امن قادر است اهداف و ارزش های مهم حیاتی خود را تحقق بخشد یا دست کم از آنها در برابر تهدیدها و آسیب های بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی محافظت کند. پایداری امنیت در جامعه به نظر بسیاری از کارشناسان مهمتر از ایجاد آن است. ممکن است در جامعه ای امنیت به لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد، ولی مردم به عنوان رکن اصلی جامعه احساس پایداری نکنند (رستگار پناه و سلطانی فر، ۱۳۹۱: ۷۶). در امنیت پایدار، امنیت حاکمیت و امنیت مردم دو روی یک سکه اند و راهبردهایی توصیه می شود که بتواند در بلندمدت امنیت حاکمیت مردم را تامین کند (فاتحی، ۱۳۹۱: ۱۱۱). ایجاد و تامین امنیت پایدار از اصلی ترین دغدغه های کشورها و از مهم ترین وظایف دولت ها در سیاست بین الملل و بستر سازی لازم برای پیشرفت و توسعه اقتصادی و هر نوع فعالیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است (علایی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). مردم محوری مهمترین و اولین راهبرد اجتماعی امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران است. سبک رهبری بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) و بدنبال آن مقام معظم رهبری مد ظله العالی در برخورد با مسائل کلان نظام، ازجمله مقوله های امنیت به خوبی نقش محوری مردم را در تحقق امنیت پایدار نشان می دهد (فاتحی، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که بر پایه حضور گسترده مردم قرار داشت، مناطق کردی ایران از جمله کردستان دست خوش حوادث متعددی گردید و ناامنی های در حد بحران امنیتی قرار گرفت در راستای تشدید ناامنی ها گروه های سیاسی سعی نمودند که از مردم برای پیشبرد اهداف خود استفاده نمایند.

شهرستان مریوان یکی از شهر های مهم، در غرب استان کردستان است، با آغاز انقلاب اسلامی شهرستان مریوان توسط گروه های تجزیه طلب به یکی از کانون های بحران در کرستان تبدیل شده بود. دراصل با حمایت های بیگانگان، مریوان به یک کانون مخالف با حکومت تازه تاسیس انقلاب اسلامی سازماندهی شد و بیگانگان قصد تخریب و تغییر در فرهنگ اجتماعی و سعی در ناپایداری امنیت در این شهرستان را داشتند، اما به دلیل اعتقاد فرهنگی، مذهبی مردم منطقه به اهداف خود نرسیدند. هدف شناخت نقش فرهنگی مردم بر تقویت امنیت پایدار شهرستان مریوان می باشد که با استفاده از روش مردم شناسی ژرفاگر همراه با مشاهده مستقیم مشارکتی با استفاده از اسناد و مدارک علمی مکتوب در کتابخانه ها و مراکز علمی کشور و دانشگاه ها استفاده شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- فرهنگ

«از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف کرده است» (معین، ۱۳۸۶: ۶۷۶). «مفهوم فرهنگ را برای اولین نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم انسان شناسان توسعه دادند. سرادوارد تایلر^۱ در سال ۱۸۷۱ میلادی، فرهنگ را چنین تعریف کرد: فرهنگ مجموعه ای پیچیده ای است شامل دانش، عقیده، هنر، قانون، اخلاق، آداب و رسوم و دیگر استعداد ها و عادات که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می آورد» (عسگری خانقاه، ۱۳۹۱: ۲۳۶).

۲-۲- فرهنگ مردم کرد

استان کردستان یک منطقه ی کوهستانی و مرزی می باشد. پیوند قومیتی این جمعیت با کشور همجوار، یکی از عوامل تأثیر گذار در دو کشور می باشد. «مردم کردستان به زبان کردی سخن می گویند (شریفی، ۱۳۶۸: ۹۹). «پیرامون نژاد و خاستگاه کردها بحث های بسیاری صورت گرفته است، و از این طریق عده ایی سعی کرده اند نژاد کرد را دارای هویت مستقل بدانند ولی در بسیاری از نوشتارهای موجود، کردها را از نژاد اصیل ایرانی می دانند» (زکی، ۱۳۷۵: ۲۹). دین کردها چه قبل از اسلام و چه در دوره اسلامی با دین سایر اقوام ایرانی مشترک بوده و هست. امروزه دین رسمی کردها اسلام است و بیشتر مردم تابع و پیرو عقیده اجتهاد امام محمد شافعی و بقیه نیز پیرو مذهب شیعه هستند (شریفی، ۱۳۶۸: ۹۹). یکی از مهم ترین مراسم در میان مردم کردستان که نمود عمومی و کلی دارد جشن نوروز و بزرگداشت آیین آغاز سال است که به صورت خود جوش در اقصی نقاط استان برگزار می گردد. عید فطر و عید قربان نیز به عنوان اعیاد مذهبی دارای اهمیتی خاص هستند و مراسم آیین های خاص خود را دارد. «در کردستان مردان و زنان از دیرباز هرکدام لباس مخصوص به خود داشته اند که ویژگی آن کردی بودن آن است که آن ها را از سایر اقوام ایرانی متمایز می کند (جلالی پور، ۱۳۷۲: ۱۰۴). لباس کردی همانند زبان کردی در مناطق شهرستان مریوان انواع مختلف وجود دارد.

۲-۳- ویژگی‌های فرهنگی شهرستان مریوان

۲-۳-۱- زبان و نژاد مردم مریوان

«زبان اهالی شهرستان مریوان لهجه کردی است و مناطق اورامان به لهجه اورامی تکلم می‌کنند، اورالیها در اورامان و ژاورود و اورامان لهون زندگی می‌کنند که جمعیت قابل توجهی از مردم شهرستان مریوان را تشکیل می‌دهند. قبل از انقلاب به دلیل عدم وجود جاده و راههای مواصلاتی به شهر مریوان، مردم اورامان و ژاورود برای مهاجرت و کوچ به شهر و نیز داد و ستد به پاه و سنج روی می‌آوردند اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و احداث جاده و راههای مناسب و همچنین آغاز جنگ تحمیلی شمار زیادی از مردم اورامان به مریوان مهاجرت کردند که اکنون حدود ۴۰٪ ساکنین شهر را اورامیها تشکیل می‌دهند. نژاد مردم مریوان از نژاد کرد است که نژادی کهن است. قوم کرد از اعقاب عشایر زاگرس «گوتی ها» و «لولویی‌ها» به شمار می‌رود» (سایت استانداری کردستان).

۲-۳-۲- آداب و رسوم مردم مریوان

«لباس کامل کردی مردان، کلاه و چپی، پیراهن، که پیراهن مشترک دیگر ملتها است اما سال که از زمانهای گذشته معمول شده و مردم کردستان برای جابجایی کوله بار نیز از آن استفاده می‌کردند و پارچه لباس از گذشته تا کنون تا حدود زیادی توسط خود مردم منطقه بویژه منطقه اورامان بافته شده و می‌دوزند، کلاه و چپی در سطح شهرستان بر اساس بافت اجتماعی محل و اقشار و طبقات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد مصرف کفش نخ سفید رنگ معروف به گیوه در فارسی و در کردی (کلاش) که تنها در منطقه بافته می‌شود در فصل خشک سال بویژه تابستان گسترش یافته و حتی در شهرهای کردستان و آذربایجان غربی مورد استفاده قرار می‌گیرد- لباس زنانه در گذشته شامل کلاهی بود که پول خرد (سکه) بر روی آن نصب کرده و روی آن پارچه‌ای بنام لچک سر می‌کردند و پیراهنی که اکنون هم معمول است می‌پوشیدند و شلوار کردی مخصوص در رنگهای مختلف و روی پیراهنی روپوشی بنام سکه که بدون آستین بود و اکنون هم از آن استفاده می‌شود پوشیده می‌شد باز هم روی آن بلوزی کوتاه از نوع پارچه‌های مخمل و جنسهای مرغوب که آستین داشت می‌پوشیدند که چند سال ترک شد ولی مجدداً مد روز شده است (این بلوز به زبان کردی سلته نامیده می‌شود) که در صورت استفاده نکردن از آن زن‌ها در گذشته از روپوش بلندتری که تاحد زانو بلند بود استفاده می‌کردند و هم اکنون نیز خانمهای روستائی که به سن کهولت رسیده باشند همچنان آداب و رسوم را حفظ کرده‌اند» (اسناد مریوان مرکز اسناد شهید بروجردی). لباس کردی از زمان حکومت رضا خان، به بهانه یک رنگ کردن لباس در ایران تا حدودی دستخوش تغییر و تحول شد. بطوریکه اکنون بجز لباس روحانیون و بلوز و شلوار کردی مردانه در نحوه لباس پوشیدن و پوشش خانمها و جوانان پسر و دختر تأثیر فرهنگ غرب مشاهده می‌شود» (مطالب مکتوب مرکز اسناد شهید بروجردی).

مردم شهرستان به لحاظ آداب و رسوم محلی هر بخش و دهستان و حتی ده تابع ارزشهای خاص خود است از جمله: لحن صحبت کردن حتی در میان اورامیها و کردهای سورانی متفاوت است مانند فرق ژاورود با اورامان در میان اورامی‌ها، و فرق بین ساکنین کوماسی و سرشیو با ساکنین بخش مرکزی و خامیرآباد در میان کردهای سورانی و همچنین نحوه پوشیدن لباس، درست کردن غذا، اسامی اشیاء، ساخت و ساز خانه و کاشانه، عزاداری، عروسی و ازدواج تفاوتهایی هر چند جزئی مشاهده می‌شود» (مطالب مکتوب مرکز اسناد شهید بروجردی).

۲-۳-۳- فرقه‌ها در مریوان

در بعضی از نقاط شهرستان مریوان، مانند دیگر اقوام دارای فرقه‌های مختلفی می‌باشد، در اینجا به چند فرقه در شهرستان اشاره می‌کنیم:

الف- دراویش: «این فرقه طرفدار طریقه قادر (سید عبدالقادر گیلانی) معروف به غوث بغداد بوده و منشأ و آغاز این طریقه را حضرت علی دانسته و می‌گویند طریقت از ایشان آغاز و از طریق سلسله اولیاء و امامان به عبدالقادر گیلانی رسیده و او هم که یکی از اولیاء و افراد صالح است به سیدهای بعد از خود سپرده تا به سید عبدالاکریم کس نزاری و برادرش سید کاکه حمیدی رسیده و آنها هم بعد از فوت خود به فرزندانسان سپرده‌اند که شیخ کاکه محمد (سید کاکه مه مه) ۲ پسر به اسامی شیخ قادر و شیخ حسین دارد که در میان دراویش معروفتر و دارای طرفدارانی هستند این دو برادر بعد از سال ۱۳۷۰ به مریوان آمده و چند سال در مریوان بوده و مجدداً به کردستان عراق بازگشتند آنان در مسائل سیاسی و امنیتی به نفع هیچ دولتی در عراق فعالیت نکرده و بی طرفی خود را حفظ کرده‌اند آنان در میان دراویش کردستان در اقلیت هستند. هر چند شخصیت‌های خوب و صالحی در میان این گروه وجود داشته‌اند اما این فرقه ناخود آگاه بسیاری از اهداف دشمن را تأمین کرده است» (اسناد مکتوب مربوط به مریوان مرکز مطالعات شهید بروجردی).

ب- صوفیه: «بطور خلاصه باید اشاره کنیم که در کردستان صوفیه پیرو طریقت نقشبندیه بوده و از رهبران معروف آن می‌توان به شیخ سراج الدین، بهاءالدین اشاره کرد که آخرین رهبر آن شیخ سراج الدین معروف به شیخ سراج الدین (شیخ عثمانی) نقشبندی بود که در رمضان ۱۴۱۷ (زمستان ۱۳۷۵) در ترکیه فوت کرد. این گروهک بخاطر بی ریشه بودن و عدم برخورداری از هر گونه انگیزه سیاسی، دینی و به انحراف کشیده شدن از همان اوایل شکل گیری و رفاه طلبی رهبران در اندک زمانی وجود خارجی خود را از دست داده و افراد یا تسلیم و یا به رژیم عراق پناه بردند و رهبران سالخورده به ایران بازگشته و آنهایی هم که عملکرد تاریکی داشتند به دامن رژیم عراق افتاده و خود شیخ نیز در ترکیه فوت کرد. این گروه مهم نقش زیادی در عقب نگه داشتن مردم داشته و سوءاستفاده فراوانی از احساسات و عقاید پاک مردم منطقه کردند» (اسناد مریوان مرکز مطالعات پروژه شهید بروجردی).

۲-۴- امنیت

«امنیت» به معنای بی خوفی و امن بودن، بی بیمی، ایمنی، ایمن شدن و در امان بودن آمده است» (همان: ۲۸۹۴). «امنیت» در امان بودن، ایمنی، بی ترسی، آرامش و آسودگی» معنا شده است» (عمید، ۱۳۷۵: ۲۵).

۲-۴-۱- امنیت پایدار

«امنیت پایدار عبارت است از دستیابی به شرایط مطلوبی که یک دولت، ملت و حکومت فارغ از تهدیدات داخلی و خارجی و نفوذ بیگانگان در عرصه‌های مختلف بتواند به اهداف راهبردی ملی خود دست یابد» (سید رحیم صفوی، ۱۰/ ۳/ ۱۳۹۱، سخنرانی).

۲-۴-۲- امنیت پایدار در مریوان

«شهرستان مریوان از آغاز انقلاب تا به امروز شاهد تحولات سیاسی و فرهنگی مختلف بوده است، بعد از گذشت ۳۵ سال یکی از شهرستان‌های مرزی که از وجود امنیت مناسبی نسبت به دیگر مناطق برخوردار می‌باشد. اگر امنیت در شهرستان وجود نداشته باشد، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی مردم منطقه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، با این وجود امروز احساس امنیت از خود امنیت مهمتر است. محمدتقی اوصانلو در همایش امنیت پایدار مردمی این گونه می‌گوید: جانفشانی مردم شمالغرب زمانی که دشمن در طول دوران دفاع مقدس و سال‌های پس از جنگ در صدد ورود به خاک کشور اسلامی از طریق مرزهای شمالغرب بود مردم استان‌های کردستان و آذربایجان غربی به خصوص در شهرها و روستاهای مرزی بودند که اقتدار نظام اسلامی را فریاد زدند و اجازه تحرک دشمن را ندادند و امروز ما با تجلیل از این مرزداران واقعی که خود مردم هستند در تلاشیم تا گامی در ایجاد امنیت و تداوم آن برداشته باشیم» (اوصانلو، ۱۳۹۳).

۲-۴-۳- اقدامات فرهنگی در شهرستان مریوان

مریوان یکی از شهرهای مهم در حوزه فرهنگ و هنر است و همواره جایگاه ویژه‌ای را در کشور و استان کردستان از لحاظ فرهنگ و ادب به خود اختصاص داده است.

با شروع نهضت حضرت امام خمینی (ره)، مردم مریوان، مانند دیگر مردم کشور در این نهضت حضور داشتند. در آغازین روزهای انقلاب دشمنان، تفرقه‌های قومیتی در کشور ایجاد کرد و استان‌ها و شهرهای مختلف دچار بحران‌های شدند، یکی از آن شهرها که بحران امنیتی اتفاق افتاد مریوان بود، برای مبارزه با ضد انقلاب مردم مریوان با دشمنان مبارزه و آنان را از شهر بیرون کردند، تا اینکه آرامش به شهر دوباره برگشته، پس از آن که مردم برای ایجاد امنیت داخلی نبردهای موفقی را در مریوان انجام دادند، متجاوزان بعثی، ارتفاعات مرزی مریوان را اشغال کردند، دشمن با همکاری گروه‌های ضدانقلاب به مردم حمله می‌کرد و خانه‌ها، مدرسه‌ها و... همه را ویران می‌کردند.

مردم مریوان در قالب سازمان پیشمرگان کرد مسلمان، خود را سازماندهی کردند و با کارهای نظامی و فرهنگی با بیگانگان به مقابله پرداختند. دشمنان اسلام و گروه‌های معاند برای ضربه زدن به وحدت مردم همیشه تلاش می‌کنند، که از راه هجمه‌های مختلف فرهنگی و تفرقه افکنانه وارد شوند، اما این اقدام آنان تاکنون بی نتیجه مانده است و این نشان از همدلی و همراهی مردم با انقلاب بوده است. امروز بعد از ۳۵ سال شهرستان مریوان از جایگاه خوبی برخوردار می‌باشد، این شهرستان در غرب کشور میزبان جشنواره‌های فرهنگی، از جمله جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی که به بخش جهانی آثار فرهنگی پیوست، مراسمات آیینی و غیره ... می‌باشد. رهبر معظم انقلاب در دیدار مردمی در سال ۸۸ «مریوان را شهر مجاهدت‌های خاموش نامید» (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۶).

۳- پیشینه پژوهش

محمدی تلوار (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بررسی جایگاه مشارکت شهروندان شهر سنج در امنیت پایدار باگذری در نظام حقوقی ایران به این نتیجه رسیدند که مشارکت مردمی بر ایجاد امنیت پایدار نقش به سزایی دارد. همچنین تمامی ابعاد مشارکت مردمی شامل ارتقا سطح آگاهی راجع به پدیده ها، تعامل مطلوب و همبستگی با نهادهای متولی امنیت، روحیه ی وحدت، همدلی و انسجام میان مردم و نهادهای حکومتی و ارزیابی میزان تأثیرگذاری مشارکت بر امنیت پایدار تأثیرگذار است. قاسمی و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان نقش مشارکت محلی در ارتقاء امنیت اجتماعی از دیدگاه مردم کرمانشاه انجام دادند، نتایج نشان داد که مردم فعالیتهای مشارکت جویانه خود را در تأمین امنیت محلات، در ۶۰٪ موارد تأثیرگذار دانستند؛ لذا می توان گفت که استفاده از توان و قابلیت های مردم در افزایش امنیت محلات می تواند یاریگر مسئولان باشد، خصوصاً اگر نیازهای مردم در این رابطه مورد بررسی و اولویت بندی قرار گرفته باشد. عنابستانی و همکاران (۱۳۹۳) در رساله خود با عنوان تحلیل امکانات و موانع متنوع سازی فعالیت های اقتصادی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان دریافتند تنوع در فعالیت های اقتصادی، تأثیرات مثبتی بر رضایت از زندگی روستاییان منطقه مورد مطالعه دارد. همچنین مشخص شد که توان های محیطی و موقعیت مرزی، بیش از سایر عوامل (عوامل اقتصادی و اجتماعی) در متنوع سازی اقتصاد روستایی منطقه نقش دارند. به علاوه از میان موانع موجود، موانع نهادی- مدیریتی، عمده ترین مانع در جهت متنوع سازی فعالیت های اقتصادی در روستاهای این منطقه است.

۴- چارچوب نظری

به اعتقاد مالینوسکی «کارکردگرایی بر این نکته استوار است که تمام خصوصیات فرهنگی برای برآوردن احتیاجات افراد در جامعه به وجود آمده اند (مالینوسکی، ۱۳۹۰: ۱۰۴). یعنی کارکرد یک خصوصیت فرهنگی، در قدرت آن برای برطرف کردن برخی از نیاز های اولیه اعضای گروه خلاصه شود. نیازهای اولیه شامل تغذیه، تولید مثل، آسایش، تأمین سلامتی، احساس لذت و خوشی، تحرک و رشد می شود. بعضی از عناصر فرهنگ این نیاز های اولیه را رفع می کنند. پس از آن، نیازهای ثانویه ای نیز وجود دارند که باید ارضا شوند؛ برای مثال، خصوصیات فرهنگی که نیاز اولیه مربوط به غذا را برطرف می سازد به نیازهای ثانویه آن یعنی نیاز تعاون در جمع آوری غذا یا تولید آن نیز باید توجه کند؛ بنابراین جوامع، برای تضمین این تعاون اشکال مختلفی از سازمان سیاسی و کنترل سازمان سیاسی و کنترل اجتماعی را رشد می دهند. نظریه کارکردی مالینوسکی نمی تواند به آسانی علتی را برای اختلاف فرهنگی ذکر کند. نیازهایی که نظریه مشخص می کند، کمابیش نیازهای عمومی هستند که باید تمام جوامع برای ادامه بقا به آنها بپردازند؛ بنابراین اگر چه ممکن است روش کارکردی قادر باشد که به ما بگوید چرا جوامع مشغول پیدا کردن غذا هستند، اما نمی تواند پاسخگوی این سؤال باشد که چرا جوامع مختلف اعمال گوناگونی برای پیدا کردن غذا انجام می دهند؟» (عسگری خانقاه، ۱۳۹۱: ۲۶۱).

۵- موقعیت جغرافیای

۵-۱- جغرافیای استان کردستان

«استان کردستان با مساحت ۲۸۲۰۳ کیلومتر در غرب ایران مجاور کشور عراق بین ۳۴ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد که این مساحت ۱/۷ درصد از مساحت کل کشور را شامل میشود و از نظر وسعت رتبه ۱۶ را در کشور دارا است. از شمال به استانهای آذربایجان غربی و قسمتی از زنجان و از جنوب به استان کرمانشاه و از شرق به استان همدان و قسمتی دیگر از استان زنجان و از غرب به کشور عراق محدود میباشد (سایت استانداری کردستان).

۵-۲- جغرافیای شهرستان مریوان

«شهرستان مریوان در غرب استان کردستان و شهر مریوان در فاصله ۱۲۵ کیلومتری شمال غربی سنج واقع شده است. متوسط بارندگی سالانه مریوان بیش از ۸۰۰ میلی متر در سال می باشد و بدین سبب پر بارانترین شهر استان محسوب می گردد. شهر امروزی مریوان حدود یک قرن سابقه تاریخی دارد و یکی از شاهزادگان شاهپور مشهور است شهر مریوان تا سال ۱۳۴۴ رسماً دژ شاهپور نامیده می شد.

این شهرستان دارای ۲ شهر، چهار بخش، ۱۲ دهستان و ۲۳۳ روستا می باشد و برابر آمارگیری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ دارای: ۱۸۵۱۱۶ نفر جمعیت و ۲۲۸۴۹ خانوار است که ۶۳۷۴۷ نفر شهری و ۱۲۱۳۶۹ نفر در روستا اسکان گزیده اند که از کل

جمعیت شهرستان ۹۴۴۷۸ نفر مرد و ۹۰۶۳۸ نفر زن هستند. طبق سرشماری نفوس و مسکن سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۶۵ شهرستان مریوان دارای ۵ بخش و ۱۱ دهستان و ۲۸۶ آبادی دارای سکنه بوده است و جمعیت آن بالغ بر ۱۱۸۶۰۰ نفر که در مسافتی حدود ۶۰۸۴ کیلومتر مربع با تراکم ۱۹/۵ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است و بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۴۵ مریوان به یک شهر و پنج بخش و ۱۱ دهستان و ۳۸۹ روستا تقسیم شده است» (سایت استانداری کردستان).

۶- تجزیه و تحلیل داده ها و یافته ها

۶-۱- نقش اقدامات فرهنگی در امنیت پایدار

از کل پاسخ‌های پاسخگویان یا اطلاع رسانه ها و نیز مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، مراکز علمی و دانشگاهی آنچه حاصل شده به شرح زیر آمده است.

۶-۲- طرح های فرهنگی توسط نهاد های مردمی

۶-۲-۱- خدمات جهاد سازندگی

برنامه های جهاد سازندگی در روستاهای شهرستان مریوان محدود به فعالیتهای عمرانی نمی شد و جهادگران این نهاد انقلابی در دیگر بخشهای آموزشی و فرهنگی نیز وارد می شدند. جهاد سازندگی با کارهای فرهنگی سعی در فرهنگ سازی در مناطق محروم بود. یکی از این کارها راه اندازی کتابخانه های سیار بود که محله به محله یا روستا به روستا می رفتن تا دانش آموزان بتوانند کتاب های مورد علاقه خودشان را مطالعه کنند و در پایان هم مسابقه کتابخوانی برگزار می کردند. اغلب این کتاب ها توسط مردم به جهاد سازندگی اهدا شد. یکی دیگر از خدمات جهادگران ایجاد درمانگاه و داروخانه های سیار در مناطق صعب العبور بود.

منطقه مریوان بدلیل کوهستانی بودن دارای روستاهای پراکنده می باشد. مردم روستا همراه با جهادگران جهت خدمات رسانی بهتر جاده هایی ایجاد کردن که بعد از ۳۵ سال هنوز در حال استفاده می باشد. به دلیل کمبود امکانات خصوصا در مناطق روستایی این شهرستان، جهادگران اقدام به پخش فیلم های ساخته شده توسط هنرمندان را برای مردم توسط ویدئو پرژکشن کردند که مورد استقبال مردم قرار گرفت و امروز هم بعد از ۳۵ سال جشنواره ای بنام جشنواره ی مردمی فیلم عمار فیلم های ساخته شده با موضوعات مختلف را در شهر و مناطق توسط جوانان مسجد محل پخش و اکران می کنند.

جهاد سازندگی با کمک مردم بومی تصمیم گرفت تا چندین حمام در مناطق خصوصا روستایی احداث کنند، امروز با ساخت و ساز مدرن و پیشرفته در اکثر منازل روستا ها حمام وجود دارد. اجرای سدهای مختلف خاکی و بتنی و نیز بندهای انحرافی و سایر تاسیسات وابسته از جمله اقدامات جهاد سازندگی برای مردم روستاهای مریوان بود تا کشاورزان و باغداران بتوانند از آب سدها استفاده کنند. در اوایل انقلاب جهاد سازندگی همکاری با نهضت سوادآموزی به منظور ریشه کن نمودن بیسوادی در روستاها و مناطق عشایری فعالیت های چشمگیری انجام دادند.

۶-۲-۲- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از جمله فعالیتهای سپاه پاسداران، در این منطقه، می توان از طرح گشت رسالت فرهنگی، طرح هجرت، طرح سرباز معلم، طرح هدایت و ارشاد، برگزاری کلاس و مسابقات قرآن کریم، اعزام اکیپ پزشکی به روستاهای محروم، طرح محرومیت زدایی، برگزاری کلاس های اوقات فراغت، برگزاری یادواره شهدا یاد کرد.

۶-۲-۳- یادمان های دفاع مقدس

شهرستان مریوان از آغاز انقلاب تا به امروز شاهد اتفاقات گوناگونی بوده است یکی از آن اتفاقات حمله عراق به این شهرستان می باشد. مکان هایی که این اتفاقات در آنجا رخ داده امروز بعنوان آثار ملی دفاع مقدس ثبت وضبط گردیده است و یادمانهایی در این مکان های فرهنگی ایجاد شده است، از جمله مهمترین این یادمان ها می توان به یادمان های یادمان قوچ سلطان، یادمان دالانی، یادمان شهدای بیمارستان صحرایی دزلی، بیمارستان صحرایی ابوعمار مریوان، یادمان شهدای والفجر ۴ زیر اشاره کرد.

۶-۲-۴- دریاچه زریوار

یکی از جاذبه های فرهنگی گردشگری شهرستان مریوان دریاچه زریوار می باشد. بدلیل نزدیکی این دریاچه به شهر باعث حضور همیشگی مردم در کنار دریاچه جهت شادی و تفریح خانواده می باشد این دریاچه باعث شده است که مردم از نقاط کشور

جهت بازدید به این شهرستان سفر کنند. باوجود این گردشگران سرمایه گذاران بومی تصمیم به ساخت هتل و کمپ های مختلف گرفتن تا از مهمانان خارجی و داخلی پذیرایی کنند، سالان در فصل های مختلف خصوصا تابستان چندین هزار نفر به این شهرستان سفر می کنند. ماهی های مختلفی در دریاچه وجود دارد که مردم با صید موجب اشتغال زایی کاذب برای مردم شده است. وجود این دریاچه باعث کمک طبیعی در امنیت پایدار شهرستان شده است.

۶-۲-۵- آیین و فرهنگ

الف- تئاتر خیابانی: یکی از کارهای فرهنگی در شهرستان مریوان در چندین سال گذشته صورت گرفته است، جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی است. این هنر باعث شده است تا جایگاه فرهنگی و اجتماعی این جشنواره به منظور ارتباط هنر و مردم تاثرگذار باشد. در این جشنواره، آیین های سنتی توسط هنرمندان به نمایش گذاشته می شود. جشنواره تئاتر خیابانی ترسیمی از فرهنگ اقوام مختلف ایران است، که دریچه ای را برای ترویج فرهنگ در کشور و منطقه می گشاید، و برگزاری این گونه جشنواره ها تاثیر بسیار زیادی در امنیت پایدار در منطقه دارد.

یکی از آیین های مردم مریوان عید نوروزاست، که از قدیمی ترین اعیاد ملی ایرانیان به شمار می رود و مریوان ها نیز که آیین های خاصی دارند و کردها در هر جای جهان که باشند، رسم ها و آیین های آن را اجرا می کنند. یکی از این آداب و سنن، تهیه سبزه است که در زبان کردی «سمنی» خوانده می شود. خرید و خانه تکانی نیز از دیگر مقدمات برای پیشواز عید است. از دیگر آداب و رسوم مردم منطقه در روزهای قبل از فرا رسیدن عید نوروز در مریوان، «چوارشه مه کوله» یا چهارشنبه سوری است. از مهم ترین و رایج ترین رسم های مربوط به چهارشنبه سوری در کردستان، بیرون رفتن مردم از خانه است. این روز اگر هوا مساعد باشد، مردم به سوی دشت و صحرا می روند و در روستاها نیز زنان با خود قیچی به همراه می برند تا چند تار مو از سر بچه های خود را قیچی کنند و دور بیندازند تا با این کار دردها و ناراحتی های آنان در سال جدید دور انداخته باشند. فالگوش نیز از دیگر رسم های چهارشنبه سوری در مریوان است. پا به پای تاریک شدن هوا، دختران و پسران به آرامی و به طوری که دیگران متوجه هدف آنها نشوند، به در خانه های همسایه ها می روند و به سخنان آنها گوش می دهند. اگر در میان گفته ها جمله هایی شنیده شود که مبنی بر تأیید نیت شنونده ها باشد آن را به فال نیک می گیرند و اگر نبود فال بد بوده است. در آخرین روزهای سال کهنه، مردم کردستان شروع به خرید تخم مرغ برای پختن و رنگ کردن آن می کنند. روز قبل از عید را در کردستان «عرفه» می نامند. عرفه یا در واقع «عرفه» از رسم های باستانی است که در آن مردم به قبرستان ها می روند و یاد درگذشتگان خود را گرمی می دارند. هنگام عید خوانچه هایی برای عروس هایی که نامزد کرده اند یا به خانه شوهر رفته اند، فرستاده می شود. تا شب عید نوروزی مردم لباس های نو خود را از خیاطی ها می گیرند، خانه تکانی می کنند و وسایل آتش بازی شب عید را فراهم می آورند. خواروبار نوروزی خریداری و انواع میوه و خشکبار و آجیل برای پذیرایی از مهمانان فراهم شده است» (اسناد مکتوب مریوان مرکز شهید بروجردی). آیین عید نوروز در وحدت و همدلی مردم مریوان بسیار اثر بخش می باشد.

با توجه به مرزی بودن شهرستان مریوان و پراکندگی روستا ها، گروه های جهادی با محوریت عمرانی، بهداشتی جهت خدمات رایگان به مناطق محروم خصوصا روستاهای که از داشتن حمام، مسجد، مدرسه، خانه بهداشت و غیره محروم هستند اعزام می شوند، همین کار و توجه به این مردم باعث شده است تا زندگی بهتری نسبت گذشته، در سایه امنیت پایدار داشته باشند. اکثر افرادی که جهت کار های جهادی به این مناطق اعزام می شوند دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور با رشته های مختلف هستند. حضور گروه های جهادی باعث شده است تا نسبت واگرایی مردم به بیگانگان کاهش یابد و امنیت پایدار در منطقه ایجاد شود. بطور مثال می شود به برپایی بیمارستان های صحرایی با تجهیزات کامل اتاق عمل و پزشکان متخصص در روستاهای مریوان جهت درمان مردم منطقه اشاره کرد.

نهاد های مردمی در نقاط مختلف شهرستان طرح های فرهنگی متنوعی مانند برگزاری یادواره شهدای فصلی در سطح شهر و روستا، برگزاری کلاس های اوقات فراقت برای نوجوان در مناطق مختلف، برگزاری کلاس های قرآن و احکام برای جوانان، برگزاری مسابقات ورزشی در سطح شهرستان، برگزار می کنند.

این شهرستان با توجه به هم مرز بودن با کشور عراق از موقعیت ویژه اقتصادی برخوردار است. همچنین وجود منابع طبیعی اقتصادی همچون معادن سنگ در اشتغال و اقتصادی اثر گذار می باشد. کارخانه های صنعتی مانند کابل سازی و نان صنعتی در شهرستان فعال می باشد. وجود گمرک باشماق باعث شده است تا کالاهای داخلی از طریق این بازارچه به کشور عراق صادر شود و این باعث شده است تا امنیت پایدار در منطقه ایجاد شود.

ب- مراکز علمی: شهرستان مریوان هم مانند دیگر نقاط کشور دارای چندین مرکز علمی باشد که از جمله عوامل ایجاد امنیت پایدار در این منطقه می باشد. سیل مشتاقان به کسب علم و دانش، عنایت الهی و توجه خاص مسئولان دولتی، باعث شد تا طرح ایجاد دانشگاه آزاد در تاریخ (۸۵/۴/۲۸) تصویب شود. این مرکز آموزشی از مهر ماه ۸۶ با (۲۲۰ نفر) دانشجو در چهار رشته

(مکانیک خودرو، کامپیوتر، آموزش ابتدایی، زبان انگلیسی) در ساختمان کوچک استیجاری اداره کار و امور اجتماعی شهرستان مریوان با امکانات اولیه و بسیار ابتدایی شروع به کار کرد. در راستای توسعه دانشگاه آزاد اسلامی مریوان در سال ۷۸، ۴۰ هکتار زمین به صورت اجاره به شرط تملیک از طرف منابع طبیعی این شهرستان واگذار گردید (سایت دانشگاه آزاد مریوان). «دانشگاه پیام نور مرکز مریوان در سال ۱۳۷۳ تأسیس و فعالیت آموزشی خود را در نیمسال دوم ۷۴-۷۳ با پذیرش ۲۴ دانشجو در رشته علوم تربیتی (از طریق کنکور سراسری) آغاز نمود. هم اکنون بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ دانشجو در دانشگاه پیام نور مرکز مشغول به تحصیل هستند» (سایت دانشگاه پیام نور مریوان).

ج- قرآن نفیس نگل^۱: «روستای نگل در ۶۵ کیلومتری غرب سنندج و در مسیر جاده سنندج، مریوان واقع شده است. قرآن نفیس و قدیمی موجود در روستای نگل نیز مورد احترام خاص مردم محل بوده و موجب افتخار و بالندگی دینی و اعتقادی و قوت قلب مردم محل است. بعد از انقلاب هم در دی ماه ۱۳۷۱ توسط افرادی ناشناس به سرقت رفت که با تلاش مداوم مسئولین قضایی کشور و پرسنل فداکار امنیتی، انتظامی و خود مردم مسلمان منطقه در مرزهای شمالی کشور بعد از حدود ۴ ماه پیدا شده و در خرداد ۱۳۷۲ طی مراسمی رسمی و با شکوه که مسئولین سیاسی، نظامی و شخصیت‌های دینی و مذهبی استان حضور داشتند به روستای نگل بازگردانده شد (اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه).

جمع بندی

شهرستان مریوان یکی از شهرهای مهم، در غرب استان کردستان است و در حدود یک سده پیشینه تاریخی دارد. مردم این شهرستان دارای نژاد و فرهنگ کردی می باشند. این شهرستان با کشور عراق هم مرز می باشد. نژاد مردم مریوان از نژاد کرد است، زبان اهالی شهرستان مریوان لهجه کردی است و مناطق اورامان به لهجه اورامی تکلم می کنند. لباس مردان مریوان، کلاه و چپی، پیراهن، که پیراهن تشکیل شده است. در بعضی از نقاط شهرستان مریوان، مانند دیگر اقوام دارای فرقه های مختلفی از جمله دراویش و صوفیه است.

از جمله اقدامات فرهنگی در شهرستان مریوان به برگزاری جشنواره های مختلف از جمله جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی اشاره نمود. یکی از آیین های مردم مریوان عید نوروز است، که از قدیمی ترین اعیاد ملی ایرانیان به شمار می رود و مریوان ها نیز که آیین های خاصی دارند. از دیگر آداب و رسوم مردم منطقه در روزهای قبل از فرا رسیدن عید نوروز در مریوان، «چوارشهمه کوله» یا چهارشنبه سوری است. حضور گروه های جهادی که اکثراً دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور با رشته های مختلف می باشد، باعث شده است تا مردم زندگی بهتری نسبت به گذشته در این شهرستان داشته باشد. همچنین حضور گروه های جهادی باعث شده است تا نسبت واگرایی مردم به بیگانگان کاهش یابد و امنیت پایدار در منطقه ایجاد شود. نهادهای مردمی در نقاط مختلف شهرستان طرح های فرهنگی متنوعی مانند برگزاری یادواره شهدای فصلی در سطح شهر و روستا، برگزاری کلاس های اوقات فراقت برای نوجوان در مناطق مختلف، برگزاری کلاس های قرآن و احکام برای جوانان، برگزاری مسابقات ورزشی در سطح شهرستان، برگزار می کنند.

یکی از جاذبه های فرهنگی گردشگری شهرستان مریوان دریاچه زریوار می باشد. بدلیل نزدیکی این دریاچه به شهر باعث حضور همیشگی مردم در کنار دریاچه جهت شادی و تفریح خانواده می باشد این دریاچه باعث شده است که مردم از نقاط کشور جهت بازدید به این شهرستان سفر کنند. می توان گفت شهرستان مریوان سهم بالایی در فرهنگ و گردشگری را در استان کردستان دارد، همین امر باعث شده است، که ارتباطات فرهنگی ایجاد شده را به دیگر نقاط کشور انتقال دهد و باعث پیشرفت استحکام فرهنگی شوند. نمونه ای از این تبادل فرهنگ ها در زمینه می توان به منطقه گردشگری دریاچه زریوار، گمرک باشماق، روستای زیبای دزلی و جشنواره بین المللی تئاتر مریوان اشاره کرد. این شهرستان با توجه به هم مرز بودن با کشور عراق از موقعیت ویژه اقتصادی برخوردار است. همچنین وجود منابع طبیعی اقتصادی همچون معادن سنگ در اشتغال و اقتصادی اثرگذار می باشد. کارخانه های صنعتی مانند کابل سازی و نان صنعتی در شهرستان فعال می باشد. وجود گمرک باشماق باعث شده است تا کالاهای داخلی از طریق این بازارچه به کشور عراق صادر شود و این باعث شده است تا امنیت پایدار در منطقه ایجاد شود.

منابع

۱. احمدی پور، زهرا؛ الیاسی، آرام (۱۳۹۱). «نقش بازارچه های مرزی بر امنیت منطقه ای مطالعه موردی: بازارچه مرزی باشماق مریوان»، دوره ۸، ش ۴، صص ۹۲-۷۲.
۲. پوراحمد، احمد؛ پیری، اسماعیل؛ محمدی، ادگار؛ پارسا، شهرام. حیدری، سامان (۱۳۹۷). «حکمرمایی خوب شهری در محله های شهری (مورد مطالعه: شهر مریوان)»، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۶، ش ۴، صص ۹۸-۸۱.
۳. جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۷۲). کردستان: علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران: نشر وزارت امور خارجه
۴. رستگار پناه، حسن؛ سلطانی فر، محمد (۱۳۹۱). «راهبردهای رسانه ای امنیت پایدار». فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۵، ش ۱۵، صص ۱۰۰-۷۵.
۵. عسکری خانقاه، اصغر (۱۳۹۱). مردم شناسی (روش، بینش، تجربه)، تهران: نشر علم.
۶. علایی، حسین (۱۳۹۱). «امنیت پایدار در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه امنیت آفاق، دوره ۵، ش ۱۵، صص ۱۴۵-۱۱۹.
۷. عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ عمید، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۸. عنابستانی، علی اکبر؛ شایان، حمید؛ رضوانی، محمد رضا (۱۳۹۲). «تحلیل امکانات و موانع متنوع سازی فعالیت های اقتصادی در روستاهای مرزی مطالعه موردی: شهرستان مریوان»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۳، ش ۴، صص ۸۷-۱۱۱.
۹. فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). «راهبردهای اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار با تاکید بر گفتمان انقلاب اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۵، ش ۱۵، صص ۱۱۸-۱۰۱.
۱۰. قادری، امید (۱۳۹۰). بازسازی معنایی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی «مطالعه ی موردی شهرستان مریوان»، رساله دکترا، رشته جامعه شناسی، گرایش جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه کردستان، ایران.
۱۱. قاسمی، سید رامین؛ رشادت، سهیلا؛ مرادی، نوراله. رضایی، منصور؛ رجبی، نادر؛ آرمان مهر، وجیهه (۱۳۹۳). «نقش مشارکت محلی در ارتقاء امنیت اجتماعی از دیدگاه مردم کرمانشاه»، مجله تخصصی پژوهش و سلامت، دوره ۴، ش ۲، صص ۶۵۷-۶۶۵.
۱۲. مالدینوفسکی، برانیسلاو (۱۳۹۰). سه گزارش از زندگی اجتماعی مردم بدوی (ابتدایی ها)، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. محمدی تلوار، صادق (۱۳۹۸). «بررسی جایگاه مشارکت شهروندان شهر سنج در امنیت پایدار باگذری در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، دوره ۹، ش ۳، صص ۵۸-۳۹.
۱۴. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین یک جلدی فارسی، تهران: انتشارات ساحل.

اسناد و سخنرانی

۱. مرکز اسناد پروژه شهید بروجردی
۲. آیت الله خامنه ای در اجتماع مردم پلوه، ۲۵/۰۷/۱۳۹۰
۳. لوصانلو محمدتقی، ۱۳۹۳/۳/۶
۴. صفوی سید رحیم، ۱۳۹۱/۳/۱۰

The cultural role of the people in the sustainable security of Marivan

Abstract:

Culture and security, the most central issue in a geographic area. With the Islamic Revolution political interference, economic, social and cultural aliens began with influence in the Kurdish region for inciting religious intolerance fire, culture and ethnicity in the region, creating insecurity but the plot was foiled aliens and alert people. Today the cultural city of Marivan very influential in securing sustainable and stable in security threats without adequate security damage can not be achieved.

The intertwining of cultural and social security issues, We were forced to do with the city of Marivan on the cultural role of people in sustainable security in the area to a depth ethnographic research and scientific research methods and field, Participate directly, using authentic documents and Mrakzlmly library and research tools (cameras, cameras, tape recorders, maps...) In this regard, the document says no school functionalism of Bronislaw Malinowski and consisted of 40 persons for society's elite, ordinary people, officials, students, Muslim peshmerga selected.

The research questions such as: 1. Marivan city was the cultural role of people in sustainable security? 2. Public institutions on issues of sustainable security which have been affected? Have noted.

With regard to the question, has been performed, the results of the research show that the culture of this city with natural attractions, tourism and economic, of sustainable security is good.

Keywords: Sustainable security, the people, the Kurdish city of Marivan

ارزیابی عملکرد سامانه کیفری ایران در مواجهه با مرتکبان هرمافروdit

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۰۵

کد مقاله: ۴۲۵۳۱

فریدون امیرآبادی فراهانی^۱، محمود قیوم‌زاده^{۲*}

چکیده

هرمافروditها بخشی از تابعان جامعه را از دیرباز تاکنون تشکیل می‌دهند؛ افراد مذکور که در اقسام هرمافروditهای حقیقی و کاذب قرار می‌گیرند به ترتیب از منظر دستگاه تناسلی و اندام جنسی خارجی با اختلال مواجه هستند. به همین روی، هرمافروditها در مواجهه با بخشی از اعمال بزهکارانه و ارکان دستگاه عدالت کیفری مثل زندان که بر مبنای طبقه‌بندی جنسی دوگانه تأسیس و سازماندهی شده است، ابهام‌ها و آسیب‌های مهمی را پدید می‌آورند. در این خصوص، قانونگذار ایران تنها در حوزه کیفر دیه، رویکرد متناسبی را نسبت به هرمافروditها شناسایی کرده است و در سایر ابعاد، موضع منفعلی را اتخاذ نموده است. چنین رهیافت ناقصی منجر به آن شده است تا جرایم انشایی بر مبنای جنس دوگانه مردانه و زنانه به اعمال هرمافروditها تعمیم پیدا نکند و یا در تسری آن‌ها به افراد مذکور تردید و ابهام‌های جدی پیش بیاید. به علاوه، فقدان تدابیر و مقررات روشن، موجب سردرگمی در نحوه نگهداری افراد مذکور در بازداشت‌گاه‌ها و زندان‌ها شده است. با این مراتب، در طی جستار حاضر با اتکاء به مطالعه تحلیلی و آسیب‌شناسانه تلاش بر آن است تا مهمترین کاستی‌ها و نارسایی‌های مقررات کیفری ایران در مواجهه با هرمافروditها تبیین و راهکارگشایی شود.

واژگان کلیدی: جنس، جنسیت، اختلال هویت جنسی، خنثی، هرمافروdit حقیقی و کاذب، میان‌جنسی‌ها.

۱- دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۲- استاد و عضو هیأت علمی گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

افراد دارای اختلال هویت جنسی^۱ بخشی از واقعیت همه جوامع از دیرباز تاکنون به حساب می‌آیند. به عبارتی روشن‌تر، اگرچه مطابق با تقسیم‌بندی دوگانه جنسی، افراد در هنگام تولد برچسب جنسی^۲ مردانه یا زنانه دریافت می‌کنند اما در این میان افرادی نیز وجود دارند که به خاطر برخورداری از دستگاه تناسلی دوگانه یا اندام جنسی خارجی مبهم دچار اختلال می‌باشند، این افراد که به عنوان هرمافرودیت‌ها^۳ شناخته می‌شوند در اقسام هرمافرودیت‌های حقیقی و کاذب مورد طبقه‌بندی قرار می‌گیرند؛ بر این اساس، هرمافرودیت حقیقی به افرادی اطلاق می‌شود که از دستگاه تناسلی مردانه (بیضه‌ها) و زنانه (تخمدان) به صورت کامل برخوردار می‌باشند و هرمافرودیت‌های کاذب نیز به کسانی گفته می‌شود که اگرچه از منظر کروموزومی، مرد یا زن به حساب آمده و از دستگاه تناسلی مربوط نیز برخوردار می‌باشند اما اندام جنسی خارجی آن‌ها، بافتی شبیه به اندام جنسی مربوط به جنس مخالف را نیز دارد.

هرمافرودیت‌ها اعم از هرمافرودیت‌های حقیقی و کاذب به عنوان بخشی از اعضای جامعه، امکان ارتکاب بزهکاری و مواجهه با دستگاه عدالت کیفری را پیدا می‌کنند؛ با این وجود، در جرایمی که مرتکبان آن بر مبنای جنس دوگانه زنانه و مردانه تعریف شده است این چالش اساسی به وجود می‌آید که تکلیف مرتکبان هرمافرودیت که از منظر اندام جنسی (و به دنبال آن، هویت جنسی) نمی‌توانند تنها در قالب یکی از دو گروه جنسی مذکور قرار گیرند به چه ترتیب است.

با این مقدمه، پرسشی که اکنون پیش می‌آید آن است که مهمترین کمبودها و نارسایی‌های حقوق کیفری در مواجهه با هرمافرودیت‌ها از چه قرار است؟ در مقام پاسخ فرضی گفتنی است، در حال حاضر، جرایمی چون زنا، لواط، تفریض، مساحقه که بر مبنای طبقه‌بندی دوگانه جنسی اعم از مردانه و زنانه مورد انشاء قرار گرفته‌اند به اعمال ارتكابی از ناحیه هرمافرودیت‌های حقیقی تسری نمی‌یابند؛ زیرا این دسته از هرمافرودیت‌ها به عنوان کسانی شناخته می‌شوند که از هر دو دستگاه تناسلی مردانه و زنانه برخوردار می‌باشند و در نتیجه در قالب یکی از گروه‌های جنسی مردانه و یا زنانه قرار نمی‌گیرد. از سوی دیگر، اندام جنسی خارجی مربوط به جنس مخالف هرمافرودیت‌های کاذب باعث شده است تا در تسری برخی از جرایم مثل زنا، مساحقه و همجنس‌گرایی به افراد مزبور تردید و شبهه به وجود آید. البته ابهام‌هایی نیز در خصوص تسری عناوین مجرمانه تعزیری مثل همجنس‌گرایی به افراد پیش‌گفته وجود دارد. به اضافه، رویکرد جنسی انحصاری مردانه و زنانه حاکم بر اجزای دستگاه عدالت کیفری مثل بازداشت‌گاه‌ها و زندان‌ها به صورتی است که می‌تواند بستر اقسام آزار، سوءاستفاده و بزهکاری را در نتیجه نگهداری توأمان هرمافرودیت‌ها با هریک از گروه‌های جنسی مردان و یا زنان فراهم آورد.

در این جستار با اتکاء به روش مطالعه توصیفی-تحلیلی به معرفی و ارزیابی مقررات کیفری ایران در مواجهه با مرتکبان هرمافرودیت اقدام می‌شود. در این خصوص، با جستجوی کلیدواژه‌هایی مثل «دوجنسی‌ها»، «میان‌جنسی‌ها» و «هرمافرودیت‌ها» در پایگاه‌های معتبر علمی از جمله مگ‌ایران، پرتال جامع علوم انسانی و علم‌نت به بررسی این موضوع پرداخته شده است که در حیطه پژوهش‌های حقوقی، چه میزان کار تحقیقاتی در این ارتباط انجام شده است. در این راستا، تلاش شده است تا از دستاوردهای این کارهای تحقیقاتی استفاده شود.

به هر روی، در راستای الگوبرداری از ساختار ناظر بر یک نوشتار علمی منسجم، ابتدا به مفهوم‌شناسی مبادرت می‌شود؛ بدین ترتیب، تلاش بر آن است تا با ارائه تعریف مناسب از هرمافرودیت‌ها، تصویر روشنی از آن نزد مخاطب قرار گیرد.

۲. تعریف هرمافرودیت‌یسیسم

از گذشته تا قرن حاضر، تعریف هرمافرودیت‌یسیسم^۴ توأم با سادگی بوده است. در این زمینه، هرمافرودیت به کسی اطلاق می‌شود که عناصر مربوط به آناتومی هر دو جنس مردانه و زنانه را دارا می‌باشد. (Ellis&Abarbanel, 2013: 472) به دیگر سخن، هرمافرودیت‌یسیسم یا عارضه دوجنسی‌بودن مشتمل بر انواع مختلف سندروم‌ها است که موجب ایجاد افرادی با جنبه‌های فیزیولوژیکی بارز و مشهود جنس مخالف می‌شود. (ویسی و نظری ۱۳۹۵: ۲۳)

به عبارتی روشن‌تر، هرمافرودیت‌ها به افرادی گفته می‌شود که از اندام تناسلی مردانه و زنانه^۵ برخوردار می‌باشند؛ (Nanda, 2014: 129) بر این اساس، افراد یادشده را نمی‌توان در حصار یکی از طبقه‌های دوگانه جنسی مردانه یا زنانه قرار داد. در فقه از هرمافرودیت‌ها با عنوان خنثای مشکل و غیر مشکل یاد شده است. (میلانی و کریمی ۱۳۹۵: ۸۵)

1. Sexual identity disorder.
2. Sexual label.
3. Hermaphrodite.
4. Hermaphroditism.
5. Male and female genitalia.

هرمافرودیت‌ها به عنوان افرادی شناخته می‌شوند که کشش و جاذبه جنسی به هر دو جنس مردان و زنان را با هم دارند؛ بر این اساس، هرمافرودیت‌ها از دوجنسیتی‌ها^۲ متفاوت در نظر گرفته می‌شوند؛ زیرا دوجنسیتی‌ها تنها به کشش جنسی به دو جنس مردانه و زنانه محدود نشده بلکه هویت شخصیتی مردانه و زنانه را با هم دربرمی‌گیرد. (Blechner, 2015: 503)

هرمافرودیت‌ها به عنوان افراد میان‌جنسی^۳ شناخته می‌شوند؛ میان‌جنسی ناظر بر افرادی است که در موقع تولد با دستگاه تناسلی یا اندام جنسی به دنیا می‌آیند که با تعریف معمولی از جنس مردانه و زنانه ناسازگار است. به عبارتی دیگر، تفکیک جنسی این افراد مبهم است. (Kendall, 2012: 313)

۳. انواع هرمافرودیت‌ها

در علم پزشکی نوین، هرمافرودیت‌ها در انواع حقیقی^۴ و کاذب^۵ طبقه‌بندی می‌شوند؛ (Peterman, Sun, & Stahnisch, 2011: 247) بدین‌سان، هریک از اقسام یادشده به ترتیب ذیل مورد معرفی و بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- هرمافرودیت حقیقی

این دسته از هرمافرودیت‌ها از فراوانی کمی برخوردار می‌باشند و دلیل آن هنوز برای بشر نامشخص است؛ بدین‌سان، بافت تخمدان^۶ و بیضه‌ها^۷ در یک فرد جمع شده است. تقریباً حدود ۸۰ درصد از هرمافرودیت‌ها از کارکرد رحمی برخوردار می‌باشند. اندام تناسلی خارجی^۸ افراد یادشده، ترکیبی از اندام جنسی مردانه و زنانه می‌باشد. (Peterman, Sun, & Stahnisch, 2011: 247)

البته در برخی موارد، بیضه‌ها در یک طرف بدن و تخمدان در طرف دیگر آن قرار دارد. (Kumar, Abbas, Fausto, & Aster, 2009: 167) به دیگر سخن، هرمافرودیت حقیقی فردی است که دارای هر دو بافت بیضه‌ای و تخمدانی در یک گناد^۹ [غده جنسی اعم از تخمدان و بیضه] یا دو گناد مجزا باشد. (محصول ۷۶-۱۳۷۵: ۲)

۳-۲- هرمافرودیت کاذب

هرمافرودیت کاذب به کسانی اطلاق می‌شود که از دستگاه تولید مثل یک جنس و از اندام جنسی خارجی جنس مخالف با آن برخوردار می‌باشند. (Colman, 2015: 214) به هرمافرودیت‌های کاذب، هرمافرودیت‌های ناقص^{۱۰} نیز گفته می‌شود. (McClive, 2015: 210) به عبارتی روشن‌تر، هرمافرودیت کاذب ناظر بر افرادی است که اندام تناسلی خارجی آن‌ها شبیه جنس بیولوژیکی مخالف با آن‌ها است؛ (Peterman, Sun, & Stahnisch, 2011: 248) این دسته از هرمافرودیت‌ها از شیوع بیشتری برخوردار هستند. (Reis, 2009: 59) ا عنایت به تعریفی که در بالا گفته شد، هرمافرودیت‌های کاذب در اقسام هرمافرودیت کاذب مردانه^{۱۱} و زنانه^{۱۲} تقسیم‌بندی می‌شوند؛ بدین ترتیب، هریک از انواع یادشده به صورت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱- هرمافرودیت کاذب مردانه

این دسته از هرمافرودیت‌های کاذب اگرچه دارای بیضه می‌باشند ولی از اندام جنسی خارجی زنانه نیز برخوردار می‌باشند. (Eckert, 2016: 27) به دیگر سخن، کودکی که از منظر کروموزومی مرد به حساب می‌آید ولی از هیپوسپادیاس^{۱۳} برخوردار است که شبیه به کلیتوریس و واژن^{۱۴} به نظر می‌رسد. (Peterman, Sun, & Stahnisch, 2011: 248)

1. Sexual attraction to both sexes.
2. Bigenders.
3. Intersex person.
4. True hermaphrodite.
5. False hermaphrodite or pseudohermaphrodite.
6. Ovarian tissue.
7. Testicular tissue.
8. External genitalia.
9. Gonad.
10. Imperfect hermaphrodite.
11. Masculine pseudohermaphrodite.
12. Feminine pseudohermaphrodite.

^{۱۳} Hypospadias: هیپوسپادیاس به مفهوم قرارگیری سوراخ مجرای ادرار در زیر آلت تناسلی پسر می‌باشد. این محل از گلانز تا پَرینه متغیر است. (کلانتری و بقیه ۱۳۸۴: ۱۲۰)

14. Vagina.

۳-۲-۲. هرمافرودیت کاذب زنانه

این نوع از هرمافرودیت‌های کاذب اگرچه از تخمدان برخوردار می‌باشند اما از اندام جنسی مردانه نیز برخوردار می‌باشند. (Eckert, 2016: 27) به عبارتی، کودکی که از منظر کروموزومی،^۱ زن به شمار می‌آید ولی کلیتوریس^۲ وی به اندازه‌ای بزرگ است که شبیه به آلت کوچک مردانه^۳ به نظر می‌رسد. (Peterman, Sun, & Stahnisch, 2011: 248) در این افراد، نمود تخمدان طبیعی ولی بزرگ شدن کلیتوریس به همراه یکی شدن لب‌های مهبل و تشکیل ساختمانی شبیه اسکروتومی^۴ [کیسه بیضه] مشهود است. (عبدی و بقیه ۱۳۹۵: ۸۱) به دیگر سخن، گناد افراد یادشده، تخمدان است ولی دستگاه تناسلی خارجی آن‌ها به خاطر مواجهه جنین با هورمون‌های جنسی مردانه تغییر شکل داده و به درجات، شبیه دستگاه تناسلی مردانه شده است. (رزاقی آذر و بقیه ۱۳۸۶: ۹۸۵)

۴- واکنش قانونگذار در قبال جرایم ارتكابی از ناحیه هرمافرودیت‌ها

در طی فراز حاضر، با بررسی مقررات کیفری به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که قانونگذار در مواجهه با جرایم ارتكابی از ناحیه هرمافرودیت‌ها چه واکنشی را اتخاذ نموده است. بر این اساس، جهت بررسی آسیب‌های حقوق کیفری در قبال جرایم ارتكابی از ناحیه هرمافرودیت‌ها، اعمال بزهکارانه را در دو طبقه اعم از جرایمی که بر مبنای جنس دوگانه مردانه و زنانه مورد انشاء قرار گرفته و جرایمی که جنس مرتکب در آن‌ها نقشی ندارد، تقسیم نموده و در نتیجه، هریک به طور جداگانه بررسی و تحلیل می‌شوند.

۴-۱- جرایم انشایی بر مبنای جنس دوگانه اعم از زنانه و مردانه

با نگاهی به سیاهه جرایم موجود در نظام کیفری مشاهده می‌شود که برخی از اعمال بزهکارانه بر مبنای جنس مرتکب اعم از مرد بودن و زن بودن انشاء شده است؛ بدین سان، باید بررسی شود که هرمافرودیت‌ها در صورت ارتكاب چنین جرایمی چه وضعی پیدا می‌کنند. برای تمرکز و تحلیل متناسب، هریک از مصداق‌های جرایم یادشده به صورت جدا مورد اتمام و ارزیابی قرار می‌گیرد؛ به این مناسبت، ابتدا از بررسی جرم زنا شروع می‌شود.

۴-۱-۱- زنا

زنا از پلیدترین و زشت‌ترین اعمالی می‌باشد که همه ادیان در حرام بودن آن اجماع دارند. (مراذذه ۱۳۹۴: ۴۷) در این زمینه، قانونگذار در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد.

تبصره ۱- جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می‌شود...».

با احتساب تعریف زنا، حکم ارتكاب اعمال یادشده از ناحیه هریک از هرمافرودیت‌های حقیقی و کاذب به صورت جدا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۱-۱- هرمافرودیت حقیقی

با التفات به تعریف زنا ملاحظه می‌شود، طرفین جرم یادشده را مرد و زن تشکیل می‌دهند؛ به عبارتی روشن‌تر، قانونگذار زنا را دایر بر جماع میان مرد و زنی دانسته است که با هم پیوند زناشویی نداشته و شبهه‌ای نیز در میان نبوده باشد؛ بر این اساس، هرمافرودیت‌های حقیقی که دارای اندام تناسلی دوگانه مردانه و زنانه می‌باشند داخل در سیطره مرتکبان جرم زنا قرار نمی‌گیرند؛ زیرا هرمافرودیت‌های حقیقی به هیچ‌کدام از گروه جنسی مردانه یا زنانه منتسب نمی‌گردند.

با این وجود، چنانچه هرمافرودیت حقیقی با مرد یا زن دیگری مبادرت به زنا کند اعم از آن که در نقش زانی یا زانیه ظاهر شوند، هیچ‌کدام از طرفین به عنوان مرتکب جرم زنا مورد پیگرد قرار نمی‌گیرند. در این رابطه گفته شده است، قانونگذار در خصوص چگونگی مجازات خنثای مشکل [هرمافرودیت حقیقی] سکوت اختیار نموده است. (مصدق ۱۳۹۶: ص ۸۲)

1. Chromosomally.
2. Clitoris.
3. Penis.
4. Scrotum.

به علاوه، با مراجعه به منابع فقهی نیز مشاهده می‌شود که چنانچه خنثی [در اینجا هرمافروdit] آلت تناسلی خود را به اندازه حشفه داخل فرج زنی کند، زنا محقق نمی‌گردد؛ چرا که این احتمال وجود دارد که آن‌چه در فرج زن داخل شده، عضو زائد باشد نه آلت مردانه. (شهید ثانی ۱۳۹۷: ص ۱۹) و (نجفی ۱۳۹۱: ص ۲۵ و ۲۶)

۴-۱-۱-۲- هرمافروdit کاذب

اگرچه هرمافروdit کاذب مردانه یا زنانه به خاطر برچسب جنسی مردانه و زنانه‌ای که دارند می‌توانند در ردیف مرتکبان زنا قرار گیرند ولی اندام جنسی خارجی آن‌ها باعث می‌شود تا در مقام تسری مرتکبان زنا به افراد یادشده تردید پیش بیاید؛ بدین‌سان که مرتکبان حد زنا را مرد و زن تشکیل می‌دهد حال آن‌که هرمافروdit‌های کاذب مردانه و زنانه به ترتیب از اندام جنسی خارجی زنانه و مردانه نیز تا حدودی برخوردار می‌باشند. همین موضوع منجر به تردید در تسری مرتکبان زنا به هرمافروdit‌های کاذب می‌شود.

در این خصوص، می‌توان به قاعده فقهی «ادرؤوا الحدود بالشبهات»، تمسک نمود؛ بدین‌سان که کیفرهای حدی با شبهه از میان می‌روند. در این زمینه، ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «در جرایم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی‌الارض، سرقت و کذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود».

از طرف دیگر، چنانچه مردی اقدام به دخول در منفذ (شبهه به فرج) هرمافروdit کاذب مردانه بکند یا در سوی دیگر، هرمافروdit کاذب زنانه، توسط آلت شبهه به مردانه خود اقدام به دخول در فرج زنی بکند، تکلیف نامشخص است؛ با این وجود، از آن‌جا که در تعریف زنا، جماع با آلت تناسلی مرد در فرج زن محقق می‌شود و هرمافروdit کاذب زنانه که دارای اندام جنسی خارجی مردانه است، برچسب جنسی زن را دریافت می‌نماید، بنابراین به عنوان مرد جماع‌کننده در تعریف زنا قرار نمی‌گیرد اگرچه اعمال تشکیل‌دهنده زنا یعنی دخول را انجام داده باشد.

۴-۱-۲- لواط و تفخیز

لواط و تفخیز در شمار جرایمی قرار دارند که دارای کیفر حدی هستند. قانونگذار عناوین لواط و تفخیز را به ترتیب در مواد ۲۳۳ و ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی مورد جرم‌انگاری قرار داده است. در این ارتباط، ماده ۲۳۳ قانون یادشده چنین مقرر نموده است: «لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر است». در خصوص تفخیز نیز ماده ۲۳۵ قانون پیش‌گفته چنین اشعار داشته است: «تفخیز عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر است. تبصره- دخول کمتر از ختنه‌گاه در حکم تفخیز است». همانطور که در بالا ملاحظه می‌شود، آن‌چه موجب تمیز اعمال بزهارانه لواط و تفخیز از یکدیگر می‌شود به دخول به میزان ختنه‌گاه برمی‌گردد. با این تعاریف، حکم ارتکاب اعمال لواط و تفخیز از ناحیه هریک از هرمافروdit‌های حقیقی و کاذب به صورت جدا بررسی می‌شود.

۴-۱-۲-۱- هرمافروdit حقیقی

با لحاظ تعریف قانونی لواط و تفخیز، مرتکبین اعمال مذکور منحصر به جنس مردانه دانسته شده‌اند؛ بنابراین زنان و هرمافروdit‌های حقیقی از سیطره مرتکبان جرایم یادشده خارج می‌باشند. در واقع، اگرچه هرمافروdit‌های حقیقی این امکان را دارا می‌باشند تا با اندام جنسی مردانه خود اقدام به لواط کنند اما رفتار یادشده مشمول عنوان مجرمانه لواط قرار نمی‌گیرد. از طرفی، چنانچه یک مرد با هرمافروdit حقیقی اقدام به لواط کنند، باز هم جرم لواط به اعمال هیچ‌کدام از آن‌ها تسری پیدا نمی‌کند؛ زیرا فاعل و مفعول در جرم لواط منحصر به انسان مذکر دانسته شده‌اند.

۴-۲-۱-۲- هرمافروdit کاذب

هرمافروdit‌های کاذب مردانه به خاطر برچسب جنسی مردانه‌ای که دارند می‌توانند به عنوان مرتکب جرایم لواط و تفخیز مورد شناسایی قرار گیرند؛ با این وجود، از آن‌جا که هرمافروdit‌های کاذب مردانه از اندام جنسی خارجی زنانه نیز تا حدودی برخوردار می‌باشند، در تسری جرم حدی لواط و یا تفخیز به اعمال ایشان و مخاطب آن‌ها، شک و تردید پیش می‌آید؛ زیرا در کنار آلت مردانه افراد منظور، بافتی شبهه به اندام جنسی خارجی زنانه نیز وجود دارد. چنین تردیدی می‌تواند طبق ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی به عدم اثبات جرم یادشده منجر شود.

۴-۱-۳- مساحقه

در قانون مجازات اسلامی مساحقه به عنوان هم‌جنس‌بازی زنان با اندام تناسلی خود مورد شناسایی قرار گرفته است. (ولیدی ۱۳۹۲: ۳۵۴) در این رابطه، ماده ۲۳۸ قانون مذکور بیان می‌دارد: «مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد». بعد از تعریف مساحقه نوبت آن است تا به بررسی حکم ارتکاب رفتار مذکور از ناحیه هریک از هرمافروdit‌های حقیقی و کاذب پرداخته شود.

۴-۱-۳-۱- هرمافروdit حقیقی

با عنایت به تعریف مساحقه، طرفین جرم مساحقه را دو انسان مؤنث تشکیل می‌دهند؛ بنابراین اعمال هرمافروdit‌های حقیقی که از اندام جنسی دوگانه مردانه و زنانه برخوردار می‌باشند داخل در قلمروی جرم یادشده قرار نمی‌گیرد؛ بدین‌سان، اگرچه هرمافروdit‌های حقیقی به لحاظ برخورداری از اندام جنسی زنانه، امکان انجام اعمال تشکیل‌دهنده جرم مساحقه را پیدا می‌کنند اما رفتار آن‌ها منطبق بر جرم مساحقه قرار نمی‌گیرد. از طرف دیگر، چنان‌چه هرمافروdit حقیقی با زنی اقدام به مساحقه کنند باز هم مشمول جرم مساحقه قرار نمی‌گیرند؛ زیرا همانطور که پیشتر نیز بدان تصریح شد، طرفین جرم مساحقه را دو انسان مؤنث تشکیل می‌دهد نه افرادی که اندام جنسی مردانه و زنانه را با هم دارا هستند.

۴-۱-۳-۲- هرمافروdit کاذب

هرمافروdit‌های کاذب زنانه می‌توانند در ذیل مرتکبان جرم مساحقه قرار گیرند؛ با این وجود، اندام جنسی این دسته از هرمافروdit‌ها غیر معمول و مبهم است؛ به همین روی، نمی‌توان اطمینان حاصل نمود که رفتار مساحقه از سوی هرمافروdit‌های کاذب زنانه به صورت کامل انجام شده باشد. به عبارتی روشن‌تر، مشخص نیست که قراردادن اندام تناسلی زنانه بر روی یکدیگر حاصل شده است یا خیر؛ زیرا ممکن است آن‌چه روی هم قرار داده شده باشد عضو زائیدی شبیه به آلت مردانه بوده باشد نه آلت تناسلی زنانه. در واقع، از آن‌جا که هرمافروdit‌های کاذب زنانه دارای آلت شبیه به مردانه می‌باشند بنابراین احتمال و این شبیه مطرح است که آن‌چه روی فرج زن دیگری گذاشته می‌شود، آلت تناسلی زنانه نبوده بلکه از آلت تناسلی زنانه اصلی با بافتی شبیه به آلت مردانه یا عضو زائد دیگری تشکیل شده باشد. همین موضوع باعث تردید در تطبیق چنین مصداقی بر حد مساحقه می‌شود. بر این اساس، با وقوع شک و تردید، اجرای حد مساحقه در مواردی که یک طرف آن را هرمافروdit کاذب تشکیل می‌دهد، منتفی می‌شود.

۴-۱-۴- قوادی

قوادی یا قیادت به عنوان رفتاری که شرایط تحقق جرم جنسی را فراهم می‌کند و باعث می‌شود کسانی که قصد ارتکاب زنا یا لواط را دارند به یکدیگر رسانده شوند در عداد جرایم جنسی مغایر با عفت عمومی شناخته می‌شوند. (مصدق ۱۳۹۶: ۱۹۵) در این زمینه، قانونگذار در ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است.

تبصره ۱- حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیراین صورت عامل، مستوجب تعزیر مقرر در ماده (۲۴۴) این قانون است».

بعد از آگاهی از عنوان مجرمانه قوادی، حکم ارتکاب اعمال اخیر از ناحیه هریک از هرمافروdit‌های حقیقی و کاذب به صورت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۴-۱- هرمافروdit حقیقی

از آن‌جا که لواط و زنا به ترتیب میان افراد دارای جنس مردانه با یکدیگر و افراد برخوردار از جنس مردانه و زنانه با هم ارتکاب می‌یابد بنابراین به هم‌رساندن دو یا چند هرمافروdit حقیقی برای زنا یا لواط نمی‌تواند منجر به تحقق عنوان مجرمانه قوادی شود. در واقع، اگرچه هرمافروdit‌های حقیقی به لحاظ اندام جنسی دوگانه‌ای که دارا می‌باشند امکان ارتکاب اعمال زنا و لواط را پیدا می‌کنند ولی از آن‌جا که از منظر قانونی نمی‌توانند مرتکب جرم زنا و یا لواط شوند بنابراین قوادی در مورد این افراد موضوعیت پیدا نمی‌کند.

به علاوه، به هم‌رساندن یک زن یا مرد با یک هم‌افروdit حقیقی برای زنا یا لواط نمی‌تواند منجر به تحقق قوادی شود؛ زیرا مطابق با آنچه پیشتر بیان شد، زنا یا لواط به ترتیب میان دو انسان مذکر و مؤنث با هم و دو انسان مذکر با یکدیگر محقق می‌شود.

وانگهی قانونگذار در اقدامی نوآورانه در ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «کسی که دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند مستوجب حد نیست لکن به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود».

اگرچه قانونگذار در ماده قانونی اخیر، حمایت از کودکان و مقابله با بهره‌برداری و آزار جنسی به ایشان را در کانون توجه قرار داده است ولی قلمروی حمایت کیفری یادشده تنها کودکان دختر و یا پسر را دربرمی‌گیرد و به هم‌افروdit‌های حقیقی کودک تسری پیدا نمی‌کند؛ چرا که وصف مرتکبان جرایم لواط و زنا به هم‌افروdit‌ها اعم از بالغ و نابالغ منصرف نمی‌شود.

۴-۱-۴-۲- هم‌افروdit کاذب

با التفات به این که از یک‌سو، طبق تبصره ۱ ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی، حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است و از طرف دیگر، در خصوص تسری حد زنا و یا لواط نسبت به اعمال هم‌افروdit‌های کاذب اعم از مردانه و زنانه، تردید وجود دارد، بنابراین در تعمیم کیفر حدی قوادی به کسی که باعث به‌هم‌رساندن هم‌افروdit‌های کاذب مردانه و زنانه جهت تحقق زنا و لواط می‌شود شبهه به وجود می‌آید. چنین تردیدی می‌تواند طبق ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی به عدم اثبات جرم قوادی منتج شود.

۴-۱-۵- قذف

قذف عبارت از دشنام مخصوص نسبت‌دادن زنا یا لواط به دیگری که مستلزم کیفر و عذاب معین می‌باشد. (شامبیانی ۱۳۹۳: ۵۰۴) در این باره، قانونگذار در ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی بیان داشته است: «قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مرده باشد».

با این اوصاف، باید نسبت به این موضوع بررسی شود که چنانچه هریک از هم‌افروdit‌های حقیقی و کاذب مبادرت به نسبت‌دادن زنا و یا لواط به دیگری نمایند مشمول حد قذف قرار می‌گیرند یا خیر. در این رابطه، هریک از افراد دارای اختلال یادشده به قرار ذیل بررسی می‌شود.

۴-۱-۵-۱- هم‌افروdit حقیقی

با عنایت به تعریف قذف، این پرسش پیش می‌آید که نسبت‌دادن زنا و یا لواط به همه افراد منجر به تحقق عنوان مجرمانه قذف می‌شود یا چنین اسنادی تنها به مردان و زنان، مرتکب را مستحق کیفر حدی قذف می‌نماید؟ در این ارتباط، قانونگذار در ماده ۲۵۳ قانون مجازات اسلامی در مقام تبیین شرایط حد قذف چنین اشعار نموده است: «قذف در صورتی موجب حد می‌شود که قذف‌شونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیر متظاهر به زنا یا لواط باشد».

همانطور که در ماده ۲۵۳ قانون مجازات اسلامی ملاحظه می‌شود، در زمره شرایط حد قذف، مرد بودن و یا زن بودن قذف‌شونده نمی‌باشد؛ بر این اساس باید اذعان نمود که نسبت‌دادن زنا و یا لواط به هم‌افروdit‌ها با رعایت شرایط موجود در ماده قانونی یادشده، موجب تحقق عنوان مجرمانه قذف می‌شود.

به عبارتی روشنی‌تر، در برقراری عنوان بزهکارانه قذف، اسناد زنا و یا لواط اساس در نظر گرفته شده است فارغ از آن که مقذوف قادر به انجام زنا و یا لواط باشد یا خیر. به همین روی است که قانونگذار نسبت‌دادن زنا و یا لواط به شخص مرده را نیز به عنوان مصداقی از جرم قذف مورد شناسایی قرار داده است.

۴-۱-۵-۲- هم‌افروdit کاذب

با لحاظ استدلالی که در مورد هم‌افروdit‌های حقیقی گفته شد، در خصوص هم‌افروdit‌های کاذب نیز امکان تسری و اجرای حد قذف به جهت نسبت‌دادن زنا و یا لواط وجود دارد.

به عبارتی روشنی‌تر، آنچه در تسری حد قذف اساس قرار دارد نسبت دادن زنا و یا لواط می‌باشد نه قابلیت انجام دادن آن توسط دیگری.

۴-۱-۶- هم‌جنس‌گرایی

واژه هم‌جنس‌گرایی عنوان نوینی است که برای نخستین بار، قانونگذار در سال ۱۳۹۲ آن را در قانون مجازات اسلامی به کار برده است. (ولیدی ۱۳۹۲: ۳۵۳) در این زمینه، ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «هم‌جنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیذ از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

تبصره ۱- حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است؛

تبصره ۲- حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است، نمی‌گردد.»

با این مراتب، حکم ارتکاب اعمال موضوع جرم بالا توسط هریک از همافرودیت‌های حقیقی و کاذب به ترتیب زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۶-۱- همافرودیت حقیقی

بنا به ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی، هم‌جنس‌گرایی انسان مذکر و مؤنث در غیر از مواردی که مشمول مجازات حدی می‌باشد مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است؛ فارغ از نارسایی که در خصوص عدم تبیین شفاف قلمروی مجرمانه هم‌جنس‌گرایی ملاحظه می‌شود باید خاطرنشان نمود، مرتکبان هم‌جنس‌گرایی را افراد دارای جنس مردانه با هم و افراد برخوردار از جنس زنانه با یکدیگر تشکیل می‌دهند؛ از این حیث، همافرودیت‌های حقیقی که از اندام جنسی دوگانه مردانه و زنانه با هم برخوردار می‌باشند، خارج از دامنه مجرمانه هم‌جنس‌گرایی قرار می‌گیرند.

بر این اساس، چنانچه دو یا چند همافرودیت حقیقی، اعمالی همچون تقبیل و ملامسه را از روی شهوت مرتکب شوند مشمول عنوان مجرمانه هم‌جنس‌گرایی قرار نمی‌گیرد؛ زیرا افراد مذکور به عنوان جنسی خارج از جنس مردانه و زنانه هنوز مورد شناسایی قرار نگرفته‌اند.

۴-۱-۶-۲- همافرودیت کاذب

با عنایت به اندام جنسی مبهم همافرودیت‌های کاذب نمی‌توان قانع شد که هم‌جنس‌گرایی میان همافرودیت‌های کاذب مردانه و زنانه با هریک از مردان و زنان محقق می‌شود؛ زیرا همافرودیت‌های کاذب علاوه بر اندام تناسلی اصلی، از بافتی شبیه به اندام تناسلی خارجی جنس مخالف نیز برخوردار می‌باشند. همین موضوع منجر به آن می‌شود تا در هم‌جنس‌گرایی میان آن‌ها با هریک از مردان و یا زنان تردید حاصل شود. در این رابطه، ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب‌مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود»^۱.

با این وجود ممکن است این دلیل ابراز شود که همین‌که همافرودیت‌های کاذب مردانه و زنانه از برچسب جنسی مردانه و زنانه برخوردار هستند، برای انتساب جرم هم‌جنس‌گرایی به آن‌ها کافی است؛ بنابراین تردید در این موارد موضوعیت پیدا نمی‌کند. به هرروی، چنانچه همافرودیت کاذب مردانه با مردی و یا همافرودیت زنانه با زنی اقدام به اعمال مصرّح در ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی بکنند، مشمول کیفر یادشده قرار می‌گیرند. البته این موضوع چندان نزدیک به واقع به نظر نمی‌رسد؛ زیرا تصور این موضوع سخت است، فردی که از دستگاه تناسلی مردانه و آلت تناسلی خارجی زنانه برخوردار باشد (همافرودیت کاذب مردانه) به همراه یک مرد دیگر که فقط دارای آلت تناسلی مردانه می‌باشند، اعمال هم‌جنس‌گرایی را انجام دهند و به عنوان مرتکبان جرم هم‌جنس‌گرایی مورد پیگرد قرار گیرند.

۱. در خصوص تمییز مواد ۱۲۰ از ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی [که پیشتر در مورد جرم حدی زنا بیان شد] نظریه شماره ۷/۹۳/۳۲۰۳- مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷ قابل اشاره است؛ طبق نظریه مزبور: «... دو ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تعارضی با هم ندارند، با این توضیح که ماده ۱۲۰، در خصوص اعمال قاعده در آن در خصوص کلیه جرائم اعم از تعزیری و ... می‌باشد که اگر در این موارد یعنی در وقوع جرائم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود، حسب‌مورد جرم ثابت نمی‌شود و ماده ۱۲۱ قانون مذکور، در مقام بیان اعمال قاعده در آن در خصوص جرائم موجب حد است به جز موارد استثناء شده در این ماده در سایر جرائم موجب حد به محض ایجاد تردید و شبهه، بدون نیاز به تحصیل دلیل، حد منتفی می‌شود». به نقل از: (گلدوزیان ۱۳۹۶: ۱۵۶)

۴-۱-۷- رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا

یکی از اعمال بزهکارانه‌ای که بر مبنای جنس مردانه و زنانه انشاء شده است و از کیفر تعزیری نیز برخوردار است رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا می‌باشد. در این زمینه، ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات چنین اشعار داشته است: «هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود».

همانطور که در ماده قانونی بالا ملاحظه می‌شود، تعریف ناقصی از رابطه نامشروع و اعمال منافی عفت صورت گرفته است. به همین روی، بعضاً دیده شده است که صرف نشستن دو نامحرم در ماشین یا قدم‌زدن دو نامحرم در پارک مصداق جرم رابطه نامشروع دانسته شده است. (جرم رابطه نامشروع در رویه دادگاه‌ها ۱۳۹۵: ۲۲) با این ترتیب باید گفت، منظور از رابطه نامشروع، هرگونه ارتباط میان زن و مرد نامحرم به قصد التذاذ جنسی و بدون تماس جنسی می‌باشد. همچنین مقصود از عمل منافی عفت غیر از زنا، هرگونه تماس جسمی میان زن و مرد نامحرم به قصد التذاذ جنسی به جز مواقعه است. (قدسی ۱۳۹۴: ۲۵)

با این اوضاع، حکم ارتکاب اعمال مجرمانه یادشده توسط هریک از هرمافروdit‌های حقیقی و کاذب به ترتیب زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۷-۱- هرمافروdit حقیقی

با التفات به تعریف رابطه نامشروع، مرتکبان رفتار یادشده را زن و مردی تشکیل می‌دهند که بین آن‌ها پیوند ازدواج برقرار نیست؛ بدین‌سان، هرمافروdit با هریک از زنان و یا مردان نمی‌تواند مرتکب جرم رابطه نامشروع شود.

به عبارتی روشن‌تر، ارتکاب اعمالی مثل مضاجعه و یا تقبیل از ناحیه یک مرد با هرمافروdit یا یک زن با هرمافروdit منجر به تحقق وصف بزهکارانه موجود در ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات نمی‌شود؛ چرا که وصف مرتکبان جرم یادشده را زن و مرد با هم تشکیل می‌دهد.

۴-۱-۷-۲- هرمافروdit کاذب

با احتساب برچسب جنسی مردانه و زنانه‌ای که هرمافروdit‌های کاذب مردانه و زنانه از آن برخوردار می‌باشند افراد یادشده به لحاظ قانونی می‌توانند در ذیل دامنه مرتکبان جرم ارتباط نامشروع قرار گیرند؛ با این وجود، نمی‌توان هر نوع رابطه میان هرمافروdit کاذب مردانه با زنی یا هرمافروdit کاذب زنانه با مردی را به عنوان مصداق رابطه نامشروع قلمداد نمود؛ زیرا هرمافروdit‌های کاذب، جنس مردانه و زنانه یگانه‌ای نداشته بلکه به شدت و ضعف، از اندام جنسی خارجی جنس مخالف نیز برخوردارند. همین عامل می‌تواند آن‌ها را از منظر هویتی، احساسی و گرایش جنسی^۱ به جنس مقابل نزدیک کند؛ بنابراین این نزدیکی به جنس مخالف به عنوان یک کشش طبیعی و زیستی قلمداد می‌شود و نه اراده‌ای برای انجام بزهکاری. بر این اساس، تأمل بر اختلال جنسی این دسته از افراد ایجاب می‌کند تا در مورد تسری حکم ماده ۶۳۷ به هرمافروdit‌های کاذب تأمل جدی صورت پذیرد.

۴-۱-۸- نداشتن حجاب شرعی

یکی دیگر از جرایمی که قانونگذار بنا به جنس مرتکب آن را مورد انشاء قرار داده است نداشتن حجاب شرعی می‌باشد؛ در این خصوص، تبصره ذیل ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات چنین مرقوم داشته است: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد». واکاوی در مورد حکم نداشتن حجاب شرعی از ناحیه هریک از هرمافروdit‌های حقیقی و کاذب به شرح زیر در دستور کار قرار می‌گیرد.

۴-۱-۸-۱- هرمافروdit حقیقی

بنا به صراحت موجود در تبصره ذیل ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات، تنها زنان می‌توانند به عنوان مرتکب جرم نداشتن حجاب شرعی قرار گیرند؛ بنابراین اگرچه هرمافروdit‌های حقیقی از دستگاه تناسلی زنانه برخوردار می‌باشند اما مؤلف به داشتن حجاب شرعی نیستند.

^۱ Sexual orientation.

۴-۱-۸-۲- هرmafرو دیت کاذب

از آن‌جا که هرmafرو دیت‌های کاذب زنانه، از برجسب جنسی زنانه برخوردار می‌باشند، طبق قانون، افراد مذکور می‌توانند مرتکب جرم موضوع تبصره ذیل نماده ۶۳۸ قانون تعزیرات قرار گیرند؛ با این وجود، برای رفع هرگونه ابهامی توصیه می‌شود تا قانونگذار به صراحت مشخص کند که هرmafرو دیت‌های کاذب زنانه در ذیل دامنه مرتکبان جرم یادشده قرار می‌گیرند.

۴-۱-۹- عدم پرداخت نفقه همسر با داشتن استطاعت مالی

یکی از تعهدهای زوج نسبت به زوجه، پرداخت نفقه است؛ در این‌باره گفته شده است، نفقه زوجه عبارت است از نیازمندی‌های ضروری زندگی وی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و غیره که زوج موظف به تأمین آن‌ها است. (صادقی ۱۳۹۰: ۳۹) در این ارتباط، ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ بیان داشته است: «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود».

با این اوصاف، واکاوی در مورد حکم پرداخت نفقه توسط هریک از هرmafرو دیت‌های حقیقی و کاذب به ترتیب زیر در دستور کار قرار می‌گیرد.

۴-۱-۹-۱- هرmafرو دیت حقیقی

مطابق با رویکرد فقه امامیه، ازدواج افراد خنثای مشکل [هرmafرو دیت حقیقی] حرام و باطل اعلام گردیده است؛ زیرا مرد و زن بودن خنثای مشکل مشخص نیست و بنابراین حق ازدواج با هیچکدام از دو جنس یادشده را ندارد. با این وجود، خنثای غیر مشکل از منظر ازدواج، حکم جنسی را می‌یابد که بدان ملحق شده است. (سامانی ۱۳۹۰: ۱۵۳) بر این اساس، هرmafرو دیت حقیقی در ذیل عنوان مجرمانه ترک انفاق زوجه قرار نمی‌گیرد.

۴-۱-۹-۲- هرmafرو دیت کاذب

چنانچه هرmafرو دیت‌های کاذب مردانه مبادرت به ازدواج کنند لازم است به تعهدات ناشی از آن از جمله پرداخت نفقه زوجه در صورت استطاعت مالی پایبند باشند؛ در غیر این صورت، منعی برای تسری حکم موضوع ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده بر اعمال ایشان وجود ندارد.

۴-۱-۱۰- جنایت

اگرچه مجازات اصلی جنایت عمدی، قصاص اعم از نفس و عضو است ولی یکی از شرایط اجرای قصاص تساوی در جنس می‌باشد؛ در غیر این صورت، با پرداخت تفاضل دیه، اجرای قصاص موضوعیت پیدا می‌کند. در این ارتباط، ماده ۴۲۶ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «در موارد ثبوت حق قصاص، اگر دیه جنایت وارده بر مجنی‌علیه کمتر از دیه آن در مرتکب باشد، صاحب حق قصاص در صورتی می‌تواند قصاص را اجراء کند که نخست فاضل دیه را به او بپردازد و بدون پرداخت آن اجرای قصاص جایز نیست و در صورت مخالفت و اقدام به قصاص، افزون بر الزام به پرداخت فاضل دیه، به مجازات مقرر در کتاب پنجم تعزیرات» محکوم می‌شود».

بر این اساس، وقتی مردی اقدام به قتل عمدی زنی می‌کند، اولیای دم مقتول برای قصاص مرد باید تفاضل دیه یا نیمی از دیه مرد^۱ را پرداخت کنند (میرمحمد صادقی ۱۳۹۶: ۱۹۴) اما در سوی مخالف، یعنی زمانی که زنی، مردی را به عمد می‌کشد، جانی فقط قصاص می‌شود و تفاضلی در کار نیست.

خوشبختانه قانونگذار با اقدام مناسب، در تعیین کیفر دیه، هرmafرو دیت‌ها اعم از حقیقی و کاذب را در کنار جنس مردانه و زنانه به رسمیت شناخته است؛ در این راستا، ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «دیه خنثای ملحق به مرد، دیه مرد و دیه خنثای ملحق به زن، دیه زن و دیه خنثای مشکل، نصف دیه مرد به علاوه نصف دیه زن است. تبصره- در کلیه جنایاتی که مجنی‌علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود».

۱. در این زمینه، مطابق با ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی: «دیه قتل زن، نصف دیه مرد است».

بر این اساس، دیه هرمافروdit حقیقی معادل سه‌چهارم دیه کامل و دیه هرمافروdit کاذب که از منظر کروموزومی، مرد به حساب می‌آید، معادل دیه مرد و دیه هرمافروdit کاذبی که به لحاظ کروموزومی، زن تلقی می‌شود برابر با دیه زن مدنظر قرار گرفته است.

با توجه به اطلاقی که در ماده ۴۲۶ قانون مجازات اسلامی به کار رفته است و همچنین با نظری بر دیه هرمافروditها مندرج در ماده ۵۵۱ قانون پیش‌گفته باید اذعان نمود، هرگاه هرمافروdit حقیقی (خنثای مشکل) مبادرت به قتل عمدی زنی نماید، اولیای دم مقتول برای قصاص قاتل باید یک‌چهارم دیه^۱ کامل را بپردازند. همچنین، در موردی که هرمافروdit حقیقی، مردی را به عمد بکشد، اولیای دم مقتول برای قصاص مرتکب چیزی را رد نمی‌کنند.

وانگهی، در خصوص جنایت شبه‌عمدی و خطای محض به اضافه برخی از موارد مصرح^۲ در جنایت عمدی که در آن‌ها کیفر دیه مورد حکم قرار می‌گیرد، برای احتساب دیه هرمافروditها وفق ماده ۴۲۶ قانون مجازات اسلامی رفتار می‌شود.

با این موارد، اگرچه قانونگذار مبادرت به شناسایی دیه هرمافروditها نموده ولی این شناسایی به صورت ناقص صورت پذیرفته است. به عبارتی روشن‌تر، احکام انشایی تنها منصرف به جنایت نفس می‌شود و در خصوص جنایت عضو، قانونگذار رویکرد شفافی را اتخاذ ننموده است. منظور آن است که اگرچه قانونگذار در مورد جنایت عضو میان مردان و زنان تصریح لازم را به عمل آورده اما از تعیین تکلیف در مورد هرمافروditهای حقیقی^۳ غفلت نموده است. در این‌باره ماده ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می‌کند، به قصاص محکوم می‌شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجراء می‌شود. حکم مذکور در صورتی که مجنی‌علیه زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است. ولی اگر مجنی‌علیه، زن مسلمان و مرتکب، مرد غیرمسلمان باشد، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه، قصاص می‌شود».

همانطور که در ماده ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی ملاحظه می‌شود، نحوه جنایت عضو تنها در مورد زنان و مردان مورد تصریح قرار گرفته است بنابراین مشخص نشده است که بحث تفاضل دیه در مورد هرمافروdit حقیقی یا خنثای مشکل به سبب جنایت عضو چگونه مورد احتساب قرار می‌گیرد؛ بدین‌سان که در مورد خنثای مشکل نیز مثل زنان، چنان‌چه جنایت وارده، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجراء می‌شود یا این‌که قضیه به شکل دیگری است.

به هر روی، این موارد در زمره ابهام‌هایی می‌باشد که نیازمند اهتمام و شفاف‌گرایی سیاستگذاران قانونگذاری می‌باشد؛ البته در یک مورد، قانونگذار دیه جنایت بر عضو را در مورد خنثای مشکل مورد تصریح قرار داده است، در این خصوص، طبق ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی: «قطع بیضه‌ها یا اندام تناسلی مردانه خنثای ملحق به مرد، موجب دیه کامل است. قطع بیضه‌ها یا اندام تناسلی مردانه خنثای مشکل یا ملحق به زن، موجب ارش است».

۴-۲- سایر جرایم

در کنار جرایمی که بر پایه طبقه‌بندی دوگانه جنسی اعم از مردانه و زنانه انشاء شده‌اند، سایر اعمال بزهکارانه‌ای که در مقررات کیفری ایران وجود دارند، فارغ از جنس مرتکب مورد تقنین قرار گرفته‌اند. به عبارتی روشن‌تر، قانونگذار در تبیین وصف مرتکبان چنین جرایمی از واژه «هرکس» و یا «هرشخص» استفاده نموده است که تمام افراد نوع بشر را در ذیل سیطره خود قرار می‌گردد؛ بدین‌سان، فرقی نمی‌کند که مرتکب این سنخ از جرایم در گروه جنسی مردان باشد یا زنان و یا هرمافروditها اعم از حقیقی یا کاذب. به طور مثال، تفاوتی ندارد که در جرم رشاء و ارتشاء، راشی یا مرتشی، در زمره مردان یا زنان و یا هرمافروditها قرار داشته باشد.

۵- آسیب‌های قانونگذاری در رسیدگی به جرایم هرمافروditها

۱. با لحاظ این‌که طبق ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی دیه خنثای مشکل، سه‌چهارم دیه کامل بوده و همچنین وفق ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی، دیه زن نیمی از دیه کامل است بنابراین دیه خنثای مشکل، یک‌چهارم از دیه زن بیشتر است.

۲. در این رابطه، ارتکاب قتل به وسیله افراد نابالغ، ارتکاب قتل دیوانه به وسیله فرد عاقل، ارتکاب قتل فرزند به وسیله پدر یا جد پدری، گذشت اولیای دم از قصاص و مصالحه به پرداخت دیه قابل اشاره هستند. (ولیدی ۱۳۹۲: ۶۲۷)

۳. از آن‌جا که وفق ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی، دیه خنثای ملحق به مرد، دیه مرد و دیه خنثای ملحق به زن، دیه زن است و جنایت عضو نیز طبق ماده ۳۳۸ قانون مجازات اسلامی، به صراحت نحوه جنایت عضو مردان و زنان را مورد احتساب قرار داده است بنابراین تنها در مورد هرمافروditهای حقیقی یا خنثای مشکل به لحاظ عدم صراحت قانونگذار، چالش و ابهام پیش می‌آید.

پس از شناسایی آسیب‌های حقوق کیفری در مواجهه با جرایم هرmafرویدیت‌ها، حال نوبت آن رسیده است تا در خصوص فرآیند کیفری ناظر مرتکبان هرmafرویدیت تأمل و بحثی صورت پذیرد. با این ترتیب، ابتدا از بررسی مرحله تعقیب و تحقیق شروع می‌شود.

۵-۱- در مرحله بازجویی، تعقیب و تحقیق

در حال حاضر، نسبت به بازجویی، تعقیب و تحقیق از هرmafرویدیت‌ها، قاعده قانونی خاصی وجود ندارد؛ با این وجود، قانونگذار در راستای تناسب‌سازی فرآیند بازجویی و تحقیق با جنس و سن مرتکب در ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری چنین مقرر داشته است: «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود». همانطور که ملاحظه می‌شود، بازجویی و تحقیق از متهمان زن و کودکان توسط ضابطان آموزش دیده زن صورت می‌گیرد. این موضوع از آن جهت سنجیده ارزیابی می‌شود که در وهله اول، استفاده از ضابطان زن را جهت تأمین راحتی و اطمینان خاطر بیشتر متهمان زن و کودکان مدنظر قرار داده و متعاقب بر آن، بر آموزش محوری اهتمام نموده است.

با این وجود، پرسشی که پیش می‌آید آن است که تدبیر موجود در ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری به هرmafرویدیت‌های کاذب زنانه نیز تسری پیدا می‌کند یا خیر؟ پاسخ مثبت است؛ زیرا هرmafرویدیت‌های کاذب زنانه از برچسب جنسی زنانه برخوردار می‌باشند. البته روشن است که بقیه هرmafرویدیت‌ها یعنی هرmafرویدیت‌های کاذب مردانه و حقیقی از شمول ماده قانونی مزبور خارج می‌باشند. بر این اساس، لازم است در صورت ارتکاب جرایم از ناحیه هرmafرویدیت‌ها اعم از حقیقی و کاذب، افرادی که اشراف مناسبی به اختلال جنسی دارند رسالت تحقیق نسبت به جرایم ارتكابی را به عهده بگیرند. لازمه اتخاذ چنین راهبردی، قانونگذاری روشن با شناسایی هرmafرویدیت‌ها می‌باشد؛ به علاوه، دادستان‌ها و ضابطان^۱ زیرنظر آن‌ها نیز باید در مورد هرmafرویدیت‌ها و اختلال جنسی آگاهی و آموزش لازم را کسب کنند تا امر تعقیب و بازجویی از ایشان به نحو مساعدی صورت بگیرد.

به هر روی آن چه واضح می‌باشد آن است که دوجنسی‌ها اعم از حقیقی و کاذب از وضع جسمی متمایزی نسبت به مردان و زنان برخوردار می‌باشند و همین نیز توجیه‌کننده اتخاذ یک فرآیند کیفری افتراقی در مواجهه با جرایم ارتكابی از ناحیه ایشان است. منظور آن است که در مواجهه با افراد مذکور نیاز به اتخاذ تدابیری است که همسو با وضع خاص جسمانی و علم به وضعیت آن‌ها انجام شود؛ در غیر این صورت، در مسیر فرآیند کیفری احتمال ایراد آسیب به خصوص آسیب‌های روانی به افراد برخوردار از اختلال‌های یادشده وجود دارد.

۵-۲- در مرحله اجرای مجازات

یکی از مهمترین آسیب‌های ناظر بر دستگاه عدالت کیفری در مواجهه با محکومان هرmafرویدیت، نحوه اجرای قرارهای منتهی به بازداشت متهم یا مجازات زندان می‌باشد؛ در حال حاضر، مراکز سلب آزادی بر مبنای جنس مردانه و زنانه، متهمان و محکومان را در قسمت‌های جداگانه نگهداری می‌کنند؛ بدین سان، مردان با هم و زنان نیز با یکدیگر در بازداشت‌گاه‌ها و یا زندان‌ها نگهداری می‌شوند.

بر این اساس، قانونگذار به دلیل عدم شناسایی افرادی که از اندام جنسی مردانه و زنانه با هم برخوردار هستند، در مورد اجرای قرارهای منتهی به بازداشت متهم و کیفر زندان نسبت به افراد دارای اختلال یادشده سکوت اختیار نموده است؛ بدین سان، با عنایت به تقسیم‌بندی دوگانه مردانه و زنانه ناظر بر بازداشت‌گاه‌ها و زندان‌ها مشخص نیست که هرmafرویدیت‌ها اعم از حقیقی و یا کاذب باید بطور نگهداری شوند.^۲

به هر روی باید اذعان نمود که نگهداری هرmafرویدیت‌ها نزد هریک از گروه جنسی زنان یا مردان از آثار و تبعات منفی برخوردار است؛ چنین طرز نگهداری احتمال سوءاستفاده از هرmafرویدیت‌ها و یا ارتکاب اعمال جنسی را در محیط‌های بسته‌ای چون بازداشت‌گاه‌ها و زندان‌ها تقویت می‌کند. با این وصف، جداسازی هرmafرویدیت‌ها از هریک از گروه جنسی مردان و یا زنان گزینه مناسبی است که در راستای تناسب‌سازی فرآیند کیفری با افراد دارای اختلال یادشده نیاز به تمرکز و عملیاتی‌شدن دارد.

۱. در این خصوص گفتنی است، اداره پلیس شیکاگو در ایالات متحده آمریکا، اقدام به تدوین دستورالعمل‌هایی برای چگونگی برخورد با میان‌جنسی‌ها نموده است؛ در این دستورالعمل‌ها روش برخورد احترام‌آمیز و همچنین نحوه استفاده از القاب برای خطاب قرار دادن میان‌جنسی‌ها تشریح شده است. (Antonopoulos, 2014: 444)

۲. در این باره شایان توجه است، برخی از زندان‌ها در ایالات متحده آمریکا بر مبنای جداسازی اداری (administrative segregation) میان‌جنسی‌ها و ترنس‌ها را از دیگر زندانی‌ها تفکیک و به صورت جدا نگهداری می‌کنند. (Oakes, 2016: 217)

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با مطالعه و تدقیقی که در این جستار انجام شد مشخص گردید، کنشگران قانونگذاری کیفری ایران در مواجهه با همافروdit‌ها اعم از حقیقی و کاذب، رویکرد ناقص و منفعلی را مورد گزینش قرار داده‌اند؛ در حقیقت، به استثنای شناسایی دیه همافروdit‌های حقیقی و کاذب به ترتیب با عنوان‌های خنثی مشکل و خنثای ملحق به مرد و خنثای ملحق به زن، قانونگذار در سایر ابعاد حقوق کیفری، نسبت به تبیین احکام افراد یادشده سکوت اختیار نموده است.

بر این اساس، از یک طرف، در پاره‌ای از جرایم مثل زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، ارتباط نامشروع و غیره که بر مبنای طبقه‌بندی جنسی دوگانه مردانه و زنانه مورد انشاء قرار گرفته‌اند، همافروdit‌های حقیقی خارج از قلمروی مرتکبان اعمال بزهکارانه مذکور قرار می‌گیرند؛ زیرا وصف مرتکبان جرایم یادشده بر مبنای جنس مردانه و زنانه مورد تقنین قرار گرفته است حال آن‌که، همافروdit‌های حقیقی به عنوان افرادی که از اندام جنسی مردانه و زنانه با هم برخوردار می‌باشند به هیچ‌کدام از طبقه جنسی مردانه و یا زنانه منتسب نمی‌شوند؛ بدین‌سان، در حوزه ارتکاب جرایم یادشده از ناحیه همافروdit‌ها، واکنشی از ناحیه قانونگذار کیفری مهیا نشده است. عدم شناسایی همافروdit‌های حقیقی در جرایم حدی و تعزیری انشایی بر مبنای جنس دوگانه مردانه و زنانه نه تنها موجب نقض دفاع اجتماعی و تضعیف نظم عمومی می‌شود بلکه می‌تواند تجری مرتکبان همافروdit و سایر مرتکبان مرد و زن را نیز فراهم آورد؛ زیرا در این صورت، افراد آگاهی پیدا می‌کنند که در صورت ارتکاب اعمالی چون زنا، لواط، تفخیز و غیره که یک طرف آن را فرد همافروdit حقیقی تشکیل می‌دهد از مجازات چنین اعمالی در امان می‌مانند.

از سوی دیگر، در مورد همافروdit‌های کاذب نیز ابهام‌های مهمی مشاهده می‌شود. در واقع، از آن‌جا که همافروdit‌های کاذب مردانه و زنانه به ترتیب از اندام جنسی خارجی جنس مخالف تا حدی برخوردار می‌باشند بنابراین نمی‌توان آن‌ها را به مثابه مردان و زنانی که از چنین اختلالی رنج نمی‌برند یکسان مورد نظر قرار داد. این موضوع باعث می‌شود تا نسبت به تسری جرایمی چون زنا، لواط، مساحقه، همجنس‌گرایی به ایشان تردید به وجود آید و همین تردید نیز مانع اثبات جرم شود. از طرفی، این احتمال نیز مطرح است که وصف مرد و زن به همافروdit‌های کاذب مردانه و زنانه تعمیم پیدا نکند؛ چرا که قانونگذار در مبحث دیه، از خنثای ملحق به مرد و خنثای ملحق به زن تصریح به میان آورده است و حکم دیه مرد و زن را نسبت به آن‌ها مدنظر قرار داده است. به عبارتی روشن‌تر، اگر از منظر قانونگذار، خنثای ملحق به مرد و زن به ترتیب همان مرد و زن به شمار می‌آیند نیازی به تصریح جداگانه حکم دیه برای ایشان نبود. با این مراتب باید اذعان نمود، در انتساب جرایم حدی و تعزیری انشایی بر مبنای طبقه‌بندی جنسی دوگانه به همافروdit‌های کاذب مردانه و زنانه ابهام و تردیدهای مهمی مشاهده می‌شود.

از سوی دیگر، قانونگذار در فرآیند کیفری ناظر بر مرتکبان همافروdit نیز رویکرد پویا و متناسبی را اختیار ننموده است؛ بدین‌ترتیب، اگرچه قانونگذار در انشای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در مورد بازجویی و تحقیق از زنان و کودکان، نگرش افتراقی را اتخاذ نموده است اما در خصوص همافروdit‌ها که از وضعیت خاصی رنج می‌برند چاره‌اندیشی ننموده است. از طرف دیگر، نحوه اجرای کیفر زندان و قرارهای منتهی به بازداشت متهم نسبت به همافروdit‌ها معین نشده است. در واقع، با احتساب طبقه‌بندی دوگانه جنسی مردانه و زنانه که در این نهادها وجود دارد، ترتیب نگهداری همافروdit‌ها مورد غفلت قانونگذار قرار گرفته است.

با احتساب بررسی‌هایی که انجام شد، به‌کارگیری و اجرای تدابیر زیر برای رفع کمبودهای قانونگذاری کیفری در مواجهه با جرایم ارتكابی از ناحیه همافروdit‌ها توصیه می‌شود:

۱. شناسایی همافروdit‌های حقیقی در جرایمی که بر مبنای طبقه‌بندی دوگانه جنسی مردانه و زنانه انشاء شده‌اند:

در این خصوص، پیشنهاد می‌شود تا قانونگذار کیفری در ذیل هریک از جرایم حدی یادشده، برای ارتکاب اعمال مذکور توسط همافروdit‌های حقیقی با یکدیگر یا هریک از آن‌ها با مرد و یا زن دیگری، مجازات تعزیری متناسبی را وضع نماید؛ با این وجود، در جرایمی چون ارتباط نامشروع، نداشتن حجاب شرعی که از کیفر تعزیری برخوردار می‌باشند، توصیه می‌شود تا قانونگذار به صراحت معین نماید که همافروdit‌های حقیقی در ذیل این عناوین مجرمانه یا خارج از آن قرار می‌گیرند.

۲. ابهام‌زدایی ناظر بر همافروdit‌های کاذب در جرایمی که بر مبنای طبقه‌بندی دوگانه جنسی مردانه و زنانه مورد

انشاء قرار گرفته‌اند: اگرچه همافروdit‌های کاذب به لحاظ کروموزومی مرد یا زن به حساب آمده و در پی آن، از دستگاه تناسلی کامل مردانه و یا زنانه برخوردار می‌باشند اما دارای بافتی شبیه به آلت تناسلی مخالف با خود نیز می‌باشند. همین موضوع باعث می‌شود تا در شمول جرایم حدی چون زنا، مساحقه و جرایم تعزیری مثل هجنس‌گرایی به افراد مذکور که تا حدودی از دو آلت جنسی (یکی اصلی و دیگری بافتی شبیه به آلت مخالف آن) برخوردار بوده، تردید پیش بیاید. بنابراین لازم است تا قانونگذار با شناسایی همافروdit‌های کاذب به صراحت

معلوم نماید که هریک از افراد یادشده چه حکمی را در مواجهه با جرایم حدی و تعزیری که بر پایه جنس دوگانه وضع شده‌اند پیدا می‌کنند.

۳. بازجویی، تعقیب و تحقیق مرتکبان هرمافرودیت‌ها توسط ضابطان و مقام‌های قضایی آموزش‌دیده: با لحاظ اختلال جنسی که هرمافرودیت‌ها با آن مواجه هستند پیشنهاد می‌شود تا قانونگذار بستری را در دستگاه عدالت کیفری فراهم کند که امر بازجویی، تعقیب و تحقیق چنین افرادی توسط افراد آگاه از مسائل پیرامون هرمافرودیتیسم صورت پذیرد.

۴. جداسازی نگهداری هرمافرودیت‌ها در مراکز سالب آزاری چون بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها: با عنایت به دستگاه تناسلی و اندام جنسی خارجی هرمافرودیت‌های حقیقی و کاذب و لزوم مقابله با هرگونه آزار، سوءاستفاده و بزهکاری توصیه بر آن است که افراد یادشده از هریک از گروه جنسی مردان و زنان به صورت جدا در مراکز سالب آزادی نگهداری شوند.

منابع

۱. جرم رابطه نامشروع در رویه دادگاه‌ها (۱۳۹۵)؛ گروه پژوهشی انتشارات چراغ دانش، چاپ اول، تهران.
۲. رزاقی آذر، مریم؛ دلشاد، صلاح‌الدین؛ سلیمانی، مهدی و نوربخش، مونا (۱۳۸۶)؛ "ابهام جنسی و بررسی موارد آن: مرور نوشته‌ها و گزارشی از تجربیان ما"، نشریه ژنتیک در هزاره سوم، شماره ۱، صفحات ۹۸۳ تا ۹۹۳.
۳. سامانی، احسان (۱۳۹۰)؛ "احکام ازدواج دوجنسی‌ها"، فصلنامه فقه پزشکی، شماره ۷ و ۸، صفحات ۱۳۳ تا ۱۵۸.
۴. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۳)؛ حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، انتشارات مجد، جلد اول، چاپ دوم، تهران.
۵. صادقی، شهره (۱۳۹۰)؛ نفقه زوجه در مذاهب خمس، انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول، تهران.
۶. عبدی، اکرم؛ ضربتی، نساء؛ اسامی، مهشاد؛ باقری‌زاده، ایمان؛ هادی‌پور، فاطمه؛ هادی‌پور، زهرا؛ شفقتی، یوسف و بهجتی، فرخنده (۱۳۹۵)؛ "مطالعه سیتوژنتیک در چهار نوزاد ارجاع‌شده با ابهام جنسی، دانشنامه صارم در طب باروری"، شماره ۲، صفحات ۷۹ تا ۸۳.
۷. قدسی، سید ابراهیم (۱۳۹۴)؛ موضوعات چالشی در حقوق جزای اختصاصی (بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، انتشارات گام حق، چاپ اول، تهران.
۸. کلانتری، مهدی؛ موسوی، عبدالله؛ احمدی، جواد؛ نحوی، هدایت‌الله؛ پورنگ، هوشنگ و محرابی، ولی‌الله (۱۳۸۴)؛ "نتایج اولیه ترمیم هیپوسپادیاس با روش TIP بیمارستان مرکز طبی کودکان و بهرامی ۷۹-۱۳۷۰"، مجله دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، شماره ۲، صفحات ۱۲۰-۱۲۳.
۹. محصول، نادره (۷۶-۱۳۷۵)؛ "بررسی موارد هرمافرودیسیم حقیقی در بیمارستان مرکز طبی کودکان"، پایان‌نامه جهت اخذ درجه تخصصی در رشته کودکان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی، تهران.
۱۰. مرادزاده، احسان (۱۳۹۴)؛ نظرات غیر مشهور در جرایم حدی، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، تهران.
۱۱. مصدق، محمد (۱۳۹۶)؛ شرح قانون مجازات اسلامی (حدود) مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ دوم، تهران.
۱۲. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۶)؛ حقوق کیفری اختصاصی (۱)، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، چاپ بیست و سوم، تهران.
۱۳. میلانی، علیرضا و کریمی، احمد (۱۳۹۰)؛ "جرایم و مجازات‌های افراد دوجنسی و اختلال هویتی"، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، شماره ۱، صفحات ۹۴ تا ۱۰۲.
۱۴. ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۲)؛ شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی در مقایسه و تطبیق با قانون سابق، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، تهران.
۱۵. ویسی، اصلا و نظری، احسان (۱۳۹۵)؛ جایگاه تغییر جنسیت در نظام حقوقی ایران، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، تهران.
۱۶. شهید ثانی (۱۳۷۹)؛ ترجمه و تبیین شرح لمعه (ترجمه) شیروانی، علی جلد سیزدهم، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، تهران.
۱۷. نجفی، محمد حسن (۱۳۹۱)؛ جواهرالکلام؛ حدود و تعزیرات، جلد اول، چاپ اول، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم.
18. Antonopoulos, N. (2014). "The Unconstitutionality of the Current Housing Arrangements for Intersex Prisoners." *Hastings Const. LQ* 42: 415-441.

19. Blechner, M. J. (2015). "Bigenderism and bisexuality." *Contemporary Psychoanalysis* 51(3): 503-522.
20. Colman, A. M. (2015). *A Dictionary of Psychology*, Oxford University Press. 1-883.
21. Eckert, L. (2016). *Intersexualization: The Clinic and the Colony*, Taylor & Francis.
22. Ellis, A. and A. Abarbanel (2013). *The Encyclopædia of Sexual Behaviour*, Elsevier Science.
23. Kendall, D. (2012). *Sociology in Our Times*: Cengage Learning.
24. Kumar, V., et al. (2009). *Robbins & Cotran Pathologic Basis of Disease E-Book*, Elsevier Health Sciences.
25. McClive, C. (2015). *Menstruation and Procreation in Early Modern France*, Ashgate.
26. Nanda, S. (2014). *Gender Diversity: Crosscultural Variations*, Second Edition, Waveland Press.
27. Oakes, A. R. (2016). *Controversies in Equal Protection Cases in America: Race, Gender and Sexual Orientation*, Taylor & Francis.
28. Peterman, L., et al. (2011). *The Proceedings of the 18th Annual History of Medicine Days Conference 2009: The University of Calgary Faculty of Medicine*, Alberta, Canada, Cambridge Scholars.
29. Reis, E. (2009). *Bodies in Doubt: An American History of Intersex*, Johns Hopkins University Press.

An Analysis of the function of the Iranian Criminal Justice System in the Face of Hermaphrodite Offenders

Fereydoun Amirabadi Farahani¹, Mahmoud Ghayoumzadeh²

1- Ph.D. student of Criminal Law and Criminology, Law Department, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

Professor and faculty member of Law Department, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. (Corresponding author)

Abstract

Hermaphrodites or bisexuals have been part of the community of people from past to present. These individuals do not belong to any male or female sexual group due to having dual genitals. Therefore, hermaphrodites create ambiguities and challenges in confronting some of the offenses and the parts of the criminal justice system, such as the prison, that are organized on the basis of dual sexual classification. In this regard, the Iranian legislator has chosen a balanced approach in the field of hermaphrodites' Diye, and in other dimensions has adopted a passive approach. Such an incomplete approach has led to an inconsistency of the offenses based on male and female sexuality categories on hermaphrodites. In addition, the lack of clear rules and regulations has caused ambiguity in how those people keep in the prisons. In this regard, during this analytical and pathological paper, I attempted to focus on the most important shortcomings and flaws of Iran's criminal law in the face of hermaphrodites.

Keywords: sex, gender, gender identity disorder, Khonsa, true and false hermaphrodites, intersex people.

رابطه بین استرس با سلامت روانی دانشجویان براساس جنسیت آنان

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۳

کد مقاله: ۹۲۰۲۲

رضوان نوری علمی^{۱*}، حمزه قیانوری^۲، میترا مجذوبی^۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین استرس با سلامت روانی دانشجویان براساس جنسیت آنان در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان پرداخت. تحقیق حاضر از لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی، از لحاظ روش جزء تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها یک تحقیق کمی می‌باشد. جامعه آماری در پژوهش حاضر، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ می‌باشند. نمونه آماری در این پژوهش با روش در دسترس به تعداد ۱۰۹ نفر انتخاب گردید. ابزار اندازه‌گیری داده‌ها پرسشنامه بود که متغیر استرس پرسشنامه ۲۱ سوالی بک و متغیر سلامت روان با پرسشنامه ۲۸ سوالی تقوی (۲۰۰۱) سنجیده شد. نتایج نشان داد که رابطه معنی داری بین استرس و سلامت روانی وجود دارد و استرس بالا می‌تواند سلامت روانی را به مخاطره اندازد. سطح استرس دانشجویان تقریباً پائین می‌باشد و همچنین سطح استرس دانشجویان تقریباً پائین می‌باشد.

واژگان کلیدی: استرس، سلامت روان، دانشجویان زن و مرد

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی، گرایش عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان (نویسنده مسئول) elmi1354@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی، گرایش بالینی، دانشگاه علوم تحقیقات واحد بروجرد

۳- کارشناسی ارشد روانشناسی، گرایش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

شواهد نشان می‌دهد که دانشجویان در ردیابی اهداف آموزشی خود با چالش‌های فراوانی مواجه می‌شوند. وقتی چنین تجربی منفی قلمداد می‌گردد، اثر مخربی بر انگیزش و عملکرد آنان بر جای می‌گذارد. به عبارت دیگر، برخی از مطالعات در بررسی منابع درون فردی اثرگذار بر عملکرد تحصیلی یادگیرندگان بر نقش اهمیت هیجانات تحصیلی و از جمله استرس تأکید کردند. استرس در دانشجویان به احساس نیاز زاینده به دانش و به طور همزمان، ادراک فرد مبنی بر نداشتن زمان کافی برای دستیابی به آن دانش اشاره می‌کند. استرس بر سلامت روانی-جسمانی دانشجویان و توانایی شان برای انجام مؤثر تکالیف درسی اثر می‌گذارد (مسعودنیا، ۱۳۹۲).

نظریه تعاملی^۱ پیشنهاد می‌کند که بعد از ارزیابی یک موقعیت فشارزا به عنوان استرس، چالش یا مانع پیشرفت، مسئله بعدی چگونگی سازگاری فرد است. اگر استرس به عنوان یک موقعیت مثبت و همراه با چالش ارزیابی شود، احتمالاً شیوه سازگاری فرد به صورت حل مشکل است و اگر استرس به عنوان یک موقعیت منفی و مانع پیشرفت ارزیابی شود، شیوه شناختی سازگاری فرد ممکن است مانع دور شدن از موقعیت باشد (جلالی تهرانی، ۱۳۸۲).

ناراحتی‌های ناشی از استرس، مانند تند بادی سهمگین بر وجود انسان می‌وزد و این تندبادهای می‌تواند اثرات مخربی بر سلامت روحی و روانی افراد بگذارد. فشارهای روانی باعث اختلال در سیستم بدنی شده و این اختلال زمینه کاهش سلامتی را فراهم می‌آورد و سبب می‌شود که دانشجویان احساس ناکارآمدی، بی‌حوصلگی، ناتوانی اجتماعی و ناتوانی جسمی نمایند. چنین احساس‌هایی باعث می‌شوند که سطح سلامت روانی آنان دچار مشکل و اختلال اساسی گردد. زیرا استرس باعث می‌گردد که فرد از نظر علائم جسمانی دچار مشکل شود و نتواند عملکرد فیزیکی و بدنی مناسبی از خود ارائه دهد. همچنین استرس باعث نگرانی و اضطراب نسبت به آینده می‌گردد، زیرا هنگامی که فرد در وضعیت کنونی استرس دارد، قطعاً نسبت به آینده خود نیز مضطرب می‌باشد. استرس منجر به برهم زدن وضعیت زندگی افراد به خصوص در زمینه استراحت و خواب آنان می‌شود و سبب می‌شود که فرد نتواند به سطح مطلوب آرامش دست یابد. از طرفی استرس باعث می‌شود که فرد در زمینه مسائل اجتماعی خویش دچار مشکل شود. زیرا نمی‌تواند رابطه مناسب و درخور توجه‌ای را با دیگران ایجاد کند. همچنین افراد با استرس بالا، به دلیل دوری و انزوایی کم کم دچار افسردگی و رخوت می‌شوند و همین امر در نهایت می‌تواند سطح سلامت روانی آنان را به شدت کاهش دهد.

سلامتی^۲ و رفاه در گسترده‌ترین معنی آن، پدیده‌ای است که مورد علاقه و توجه تمامی انسان‌ها، گروه‌های اجتماعی و جوامع بشری می‌باشد. سلامتی در گفتمان‌های متنوعی توصیف و تبیین شده است که این گفتمان‌ها به طور اجتماعی ساخت یافته‌اند. گرچه مفاهیم سلامتی، ذهن و بدن طی مکان‌ها و زمان‌های مختلف، متفاوت بوده‌اند اما برای تمامی فرهنگ‌ها و جوامع، نقش اساسی در تجارب زندگی انسان‌ها بازی کرده‌اند (مارکس^۳، ۲۰۰۰).

با در نظر گرفتن سلامتی به عنوان مفهومی متأثر از مجموعه پیچیده‌ای از عوامل زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و محیطی باید اذعان داشت که در این معنا، سلامتی دیگر تنها دغدغه دست‌اندرکاران علوم پزشکی نیست، بلکه تمامی دانشمندان علوم اجتماعی، به ویژه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، به بررسی آن علاقمند می‌گردند (پیروی و همکاران، ۱۳۸۹).

بعد روانی سلامتی در بسیاری از کشورهای جهان (به ویژه کشورهای جهان سوم)، به دلیل توجه اصلی به سایر اولویت‌های بهداشتی، از جمله بیماری‌های واگیردار عفونی در گذشته و یا بیماری‌های مزمن در عصر حاضر، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، نگاهی به آمار و ارقام منتشر شده در زمینه شیوع اختلالات روانی در کشورهای مختلف جهان، حاکی از بحرانی بودن وضعیت سلامت روان^۴ است. طبق برآورد سازمان بهداشت جهانی^۵، بیش از ۵۰۰ میلیون نفر در دنیا مبتلا به یکی از انواع اختلالات روانی هستند که از این عده ۵۰ میلیون نفر مبتلا به اختلالات شدید روانی، ۲۵۰ میلیون نفر مبتلا به اختلالات خفیف روانی، ۱۲۰ میلیون نفر مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی، ۵۰ میلیون نفر مبتلا به صرع بوده و ۳۰ میلیون نفر از دمانس رنج می‌برند (مهریانی، ۱۳۸۵). با توجه به این که انسان موجودی پیچیده، اجتماعی و دارای ابعاد مختلفی است، لذا حیات وی در اثر تعادل نسبی این ابعاد هضم شده و دوام می‌آورد (اکبریگلو و حبیب‌پور، ۱۳۸۹). یکی از این ابعاد، سلامت روان می‌باشد که نظام‌نامه‌ی سازمان بهداشت جهانی آن را این گونه تعریف می‌کند: «سلامت روان، حالت کامل آسایش و کامیابی زیستی-روانی و اجتماعی است و صرف فقدان بیماری یا معلولیت نمی‌باشد». بنابراین برای دستیابی به حالت کامل آسایش و کامیابی زیستی-روانی و اجتماعی، لازم است که عوامل مختلفی که این حالت را برهم می‌زنند مورد بررسی قرار گیرند که یکی از این عوامل، فشارهای روانی و استرس می‌باشند. استرس و اضطراب در زندگی روزمره به وفور دیده می‌شود و همه افراد به دفعات متعدد تحت تاثیر استرس یا تنیدگی و یا فشار

1. Transactional Theory
2. Health
3. Markes, D.
4. Mental Health
5. World Health Organization (WHO)

روانی که در روان‌شناسی به معنی فشار و نیرو است و هر محرکی که در انسان ایجاد تنش کند، استرس‌زا یا عامل تنیدگی نامیده می‌شود (ضرابی، ۱۳۹۱). استرسی که دانشجویان برای فعالیت‌های تحصیلی درک می‌کنند باعث می‌شود که میزان کارایی و عملکرد آنان برای انجام فعالیت‌های تحصیلی کاهش یابد. حال نقش جنسیت نیز در این زمینه نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد، زیرا استرس خود نیز به عوامل مختلفی متکی است که یکی از آنها، مشخصات دموگرافیک مانند جنسیت است.

اهمیت و ضرورت استرس در پژوهش حاضر از این حیث می‌باشد که عدم توجه به استرس در دانشجویان می‌تواند سطح انگیزه و تمایل آنان برای موفقیت در امر تحصیل را کاهش دهد. زیرا استرس باعث می‌گردد که همواره ذهن و افکار آنان به رهایی از فشارها گرفتار بوده که چنین امری پیشرفت و موفقیت تحصیلی را برای دانشجویان ناممکن خواهد کرد. از سوی دیگر استرس راندمان و بازدهی تحصیلی دانشجویان را کاهش خواهد داد و در نتیجه رفته‌رفته انگیزش پیشرفت و موفقیت تحصیلی آنان دچار مشکل و اختلال خواهد شد. بنابراین در کل می‌توان گفت که با توجه به ساختار جمعیتی جوان کشور ایران پرداختن به مسائل روان‌شناختی و تحصیلی این قشر بزرگ اجتماعی از جمله استرس و سلامت روانی به ویژه در نزد دانشجویان دانشگاه آزاد که با حجم زیادی از مطالب درسی در ارتباط هستند، از اهمیت و ضرورت مضاعفی برخوردار است (آریاپوران و کرمی، ۱۳۸۶).

بنابراین مسأله اصلی در این پژوهش آن است که دانشجویان در زمان تحصیل تحت فشارها و استرس‌های بیشماری هستند. این فشارها می‌توانند نگرانی از وضعیت آینده شغلی و زندگی مشترک آنان باشد، می‌تواند نسبت به فشارهای وارده از مسائل تحصیلی و امتحانات باشد، می‌تواند برگرفته از مسائل اقتصادی و کمبودهای مالی آنان در این برهه زمانی باشد و همین که به دلیل ایجاد استقلال و دستیابی به آزادی با مشکلات و مسائل مختلفی در جامعه مانند روابط عاشقانه با جنس مخالف روبرو می‌شوند که باعث وارد شدن فشارهای دیگری می‌شود. همگی این فشارها می‌تواند استرس زیادی را به آنان که در بازه زمانی احساس و اثرگذاری بر زندگی آینده‌شان است، بگذارد و بنابراین دچار مشکلات بیشماری خواهند شد. از سوی دیگر در این بین جنسیت می‌تواند وضعیت را تا حدودی تغییر دهد. بنابراین این سوال مطرح خواهد شد که آیا بین استرس با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان رابطه وجود دارد؟

۲- مبانی نظری

۲-۱- تعاریف سلامت روانی

تودر^۱ (۲۰۰۶؛ به نقل از مهریانی، ۱۳۸۵)، سلامت روان را به شرح زیر تعریف می‌کند:

- (۱) سلامت روان شامل توانایی زندگی کردن ... همراه با شادی، بهره‌وری و بدون وجود دردسر است.
- (۲) سلامت روان مفهوم انتزاعی و ارزیابی نسبی‌گراست از روابط انسان با خود، جامعه و ارزش‌هایش و نمی‌توان آن را جدای از سایر پدیده‌های چندعاملی فهمید که فرد را به موازاتی که در جامعه به عمل می‌پردازد، می‌سازند.
- (۳) سلامت روان، شیوه سازگاری آدمی با دنیاست، انسان‌هایی که موثر، شاد و راضی هستند و حالت یکنواختی خلقی، رفتار ملاحظه‌گرانه و گرایش شاد را حفظ می‌کنند.
- (۴) سلامت روان عنوان و برچسبی است که دیدگاه‌ها و موضوع‌های مختلف مانند: عدم وجود علایم ناتوان‌کننده، یک‌پارچگی کارکرد روان‌شناختی، سلوکی موثر در زندگی شخصی و اجتماعی، احساسات مرتبط با بهزیستی اخلاقی و معنوی و مانند آن را در برمی‌گیرد.

- (۵) برای ارائه یک تئوری در مورد سلامت روان، موفقیت برون روانی کافی نیست، باید سلامت درون روان را به حساب آوریم.
- (۶) سلامت روان، ظرفیت رشد و نمو شخصی است.
- (۷) سلامت روان، یک موضوع مربوط به پختگی است.
- (۸) سلامت روان، یعنی هماهنگی بین ارزش‌ها، علاقه‌ها، و نگرش‌ها در حوزه عمل افراد و در نتیجه، برنامه‌ریزی واقع‌بینانه برای زندگی و تحقق هدف‌مند مفاهیم زندگی است.
- (۹) سلامت روان، در قیاس با سلامت جسم نیست، بلکه به دیدگاه و سطح روان‌شناختی ارتباطات فرد- محیط اشاره دارد. بخش مرکزی سلامت، سلامت روان است، زیرا تمامی تعاملات مربوط به سلامتی، به وسیله روان انجام می‌شود.
- (۱۰) سلامت روان ظرفیت کامل زندگی کردن به شیوه‌ای است که ما را قادر به درک ظرفیت‌های طبیعی خود می‌کند و به جای جدا کردن ما از سایر انسان‌هایی که دنیای ما را می‌سازند، نوعی وحدت بین ما و دیگران به وجود می‌آورد.
- (۱۱) سلامت روان، توانایی عشق ورزیدن و خلق کردن است، نوعی حس هویت بر تجربه خود به عنوان موضوع و عامل قدرت فرد، که همراه است با درک واقعیت درون و بیرون از خود و رشد واقع‌بینی و استدلال.

سازمان بهداشت جهانی، سلامت روان را چنین تعریف کرده است: «بهداشت روانی در درون مفهوم کلی بهداشت جای می‌گیرد و بهداشت یعنی، توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی، جسمی و بهداشتی، سلامتی تنها در نبود بیماری یا عقب‌ماندگی نیست (گنجی، ۱۳۸۶؛ شاملو، ۱۳۹۰).

تعریف گینزبرگ^۱ در مورد بهداشت روانی عبارت است از: «تسلط و مهارت در ارتباط با محیط، به خصوص در سه فضای زندگی، عشق، کار و تفریح». این شخص و همکارانش برای توضیح بیشتر می‌گویند: «استعداد یافتن و ادامه کار، داشتن خانواده، ایجاد محیط خانوادگی خرسند، فرار از مسائلی که با قانون درگیری دارد، لذت بردن از زندگی و استفاده صحیح از فرصت‌ها، ملاک تعادل و سلامت روان است (میلانی‌فر، ۱۳۸۴).

ونتیس^۲ (۱۹۹۵؛ به نقل از تاستو، کولیگان، اسکچی و پولی^۳، ۲۰۰۷)، تعریف سلامت روان را بر اساس ادبیات موضوع، وابسته به هفت ملاک می‌داند که عبارتند از: ۱- فقدان بیماری، ۲- رفتار اجتماعی مناسب، ۳- رهایی از نگرانی و گناه، ۴- کفایت فردی و خودمهارگری، ۵- خویشتن‌پذیری و خودشکوفایی، ۶- تفرد و سازمان‌دهی شخصیت و ۷- گشاده‌نگری و انعطاف‌پذیری. به نظر این دانشمندان، با توجه به ادبیات موجود نمی‌توان با قاطعیت از ملاک‌های پذیرفته شده جهانی برای سلامت روان سخت گفت. بنابراین، سلامت روان از دیدگاه‌های گوناگونی تعریف می‌شود و هر تعریفی از سلامت روان، فرضیه‌های فرهنگی ذاتی خود را داراست.

۲-۲- تعریف استرس

هانس سلیه^۴ روانپزشک اطریشی الاصل مقیم کانادا که پایه‌گذار پژوهش‌های علمی درباره پدیده استرس بوده، از اولین کسانی است که رابطه بین استرس و بیماری‌ها را دقیقاً توجیه کرده است. او استرس را به «درجه سوز و سازه بدن»^۵ بر اثر فشارهای زندگی تعریف می‌کند. البته کلمه استرس نه تنها به روند این پدیده در بدن انسان اطلاق نمی‌شود، بلکه محرک‌های فشار آور^۶ نیز تحت همین نام خوانده می‌شوند (آقامحمدیان‌شعرباف و پاژخزاده، ۱۳۹۱).

سلیه در سال ۱۹۵۶ میلادی روند ارتباط بین استرس و بیماری‌ها را تشریح کرد. به نظر او هر محرک فشارزای بیرونی مانند زخم بدن، مسمومیت، خستگی عضلانی، سرما و گرما و عوامل روانی، اگر فشار کافی داشته باشد، ممکن است منجر به ایجاد واکنشی شود که او آن را «نشانگان کلی سازگاری»^۷ نامیده می‌شود. خصوصیات این نشانگان یا سندرم کلی سازگاری، عبارت است از ازدیاد ترشحات هورمون‌های بخش قشری غده فوق کلیه بر اثر تحریکات غده هیپوفیز مغز^۸، که در نتیجه منجر به واکنش‌های فیزیولوژیک شدید می‌شود و درجه مقاومت بدن را پایین می‌آورد و تعادل حیاتی^۹ بدن را به هم می‌زند و اگر طولانی شود منجر به ایجاد مرض می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۱).

۲-۳- عوامل ایجاد استرس در دانش آموزان و دانشجویان

الف- علل فردی: هر یک از ما نقش‌هایی ایفا می‌کنیم، مانند نقش پدر، همسر، رئیس، دانش آموز، مرئوس، همکار، شهروند و ... ایفای هر نقشی رفتارهای خاص خود را می‌طلبد و انتظاراتی را پدید می‌آورد، گاهی بین این نقش‌ها تضادهایی وجود دارد که را متحمل می‌کند. گاهی مشخص نبودن نقش باعث فشار می‌شود، مثلاً کاری که باید انجام دهیم، مشخص نیست و رئیس به دلیل انجام نگرفتن کار از ما عصبانی است، گاهی تعداد نقش‌هایی که باید ایفا کنیم، زیاد و از توان ما خارج است. مسئولیت زیاد نیز خودش فشارزا است. یکی دیگر از عوامل فردی سن فرد است. افراد مسن به دلیل تجربه بیشتر فشار کمتری متحمل می‌شوند. عامل دیگر جنسیت است. خانم‌ها نسبت به آقایان از صبر و شکیبایی بیشتری برخوردارند و تحمل بیشتری در برابر فشار دارند. رژیم غذایی نیز در تحمل ما نسبت به استرس تأثیر دارد. بعضی از غذاها به آرامش ما و در نتیجه به تحمل ما در برابر استرس کمک خواهند کرد (آقامحمدیان‌شعرباف و پاژخزاده، ۱۳۹۱).

ب- علل گروهی: اولین عامل گروهی وجود یا عدم وجود نیازهای مشترک است. هر چقدر نیازهای یک گروه مشترک و با هم نزدیک تر باشد، فشار کمتری متحمل می‌شود. عامل دوم انسجام در گروه است، اختلاف در داخل گروه و بین افراد با یکدیگر

1. Ginsburg
2. Wentiss
3. Tasto, Colligan, Skjei & Polly
4. Hans Selye.
5. Wear and Tear
6. Stressor
7. General Adaptation Syndrome(GAS)
8. Pituitary Gland
9. Homeostasis

فشار زیادی بر افراد وارد می‌آورد. مشخص نبودن و خوب تعریف نشدن نقش‌ها در داخل گروه عامل دیگری است که هر چقدر نقش‌ها در داخل گروه نامشخص تر باشد، فشار بیشتری بر فرد وارد خواهد آمد (چاوشی‌فر و رسول‌زاده، ۱۳۸۹).

ج- علل مدرسه‌ای: نوع تکالیف درسی، نقشی که دانش‌آموزان باید ایفا کنند، خواسته‌های معلم، ساختار مدرسه و مدیریت مدرسه در میزان فشار وارده بر دانش‌آموز دخیل اند. جو حاکم بر مدرسه و فرهنگ مدرسه نیز با استرس رابطه دارد. اگر جو حاکم بر مدرسه مثبت باشد، دانش‌آموزان پرتلاش، کاری و مسئولیت‌پذیر و خلاق فشار کمتری احساس می‌کنند (گلووین‌کووسکی^۱، ۲۰۰۲).

۳- روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی، از لحاظ روش جزء تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها یک تحقیق کمی می‌باشد. جامعه آماری در پژوهش حاضر، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ می‌باشند. نمونه آماری در این پژوهش با روش در دسترس به تعداد ۱۰۹ نفر انتخاب گردید. ابزار اندازه‌گیری داده‌ها به قرار ذیل می‌باشند:

الف: پرسشنامه استرس بک^۲: در پژوهش حاضر استرس دانشجویان توسط پرسشنامه ۲۱ سوالی بک مورد سنجش قرار گرفت. سوالات این پرسشنامه دارای چهار گزینه اصلاً=۱، خفیف=۲، متوسط=۳ و شدید=۴ می‌باشد. هر عبارت این پرسشنامه بازتاب یکی از علائم استرس است که معمولاً افرادی که از نظر بالینی استرس دارند یا کسانی که در وضعیت استرس قرار می‌گیرند، تجربه می‌کنند (بک و استر^۳، ۱۹۹۰). بازه نمرات این پرسشنامه بین ۲۱ الی ۸۴ می‌باشد که نمره ۵۲/۵ نقطه برش پرسشنامه است که نمرات بیشتر از ۵۲/۵ نشان دهنده استرس بالا و نمرات کمتر از آن نشان دهنده استرس پایین است. مطالعه انجام شده نشان می‌دهد که این پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است. ضریب همسانی دورنی آن (آلفای کرونباخ) ۰/۹۲، پایایی آن با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۷۵ و همبستگی سوالات آن از ۰/۳ تا ۰/۷۶ متغیر است (کاوایانی و موسوی، ۲۰۰۸).

ب: پرسشنامه سلامت روان^۴: پرسشنامه سلامت روان دارای ۲۸ سوال است و به بررسی سلامت روان در چهار بعد سلامت جسمانی (سوال‌های ۱ الی ۷)، عدم اضطراب و اختلال خواب (سوال‌های ۸ الی ۱۴)، کارکرد اجتماعی (سوال‌های ۱۵ الی ۲۱) و عدم افسردگی (سوال‌های ۲۲ الی ۲۸) می‌پردازد. طریقه نمره گذاری این پرسشنامه براساس طیف لیکرت چهار گزینه‌ای بیش از حد معمول=۱، در حد معمول=۲، کمتر از معمول=۳ و بسیار کمتر از معمول=۴ می‌باشد. بازه نمرات این پرسشنامه بین ۲۸ الی ۱۱۲ می‌باشد که نمره ۷۰ نقطه برش پرسشنامه است که نمرات بیشتر از ۷۰ نشان دهنده سلامت روان بالا و نمرات کمتر از آن نشان دهنده سلامت روان پایین است. در این آزمون اگر فرد در هر زیرمقیاس از نمره شش و در مجموع از نمره ۲۲ به بالا را به دست آورد، دارای علائم مرضی می‌باشد. تقوی (۲۰۰۱) در پژوهشی میزان پایایی پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹ و میزان روایی آن را با روش محتوایی ۰/۷۸ بدست آورد.

به منظور دستیابی به هدف نهایی تحقیق، در این پژوهش از دو شیوه کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای استفاده شد. در شیوه کتابخانه‌ای در تحقیق فوق جهت نگارش تئوری و ادبیات تحقیق علاوه بر کتب از مقالات و پایان‌نامه‌های داخلی و خارجی نیز استفاده گردید، هم‌چنین جهت غنی‌سازی ادبیات تحقیق و افزایش اعتبار آن از مجلات و سایت‌های اینترنتی و منابع معتبر داخلی و خارجی بهره گرفته شد. در شیوه پرسشنامه‌ای، پرسشنامه‌های سلامت روانی و استرس به دانشجویان داده شد و بعد از راهنمایی تکمیل پرسشنامه‌ها، فرایند جمع‌آوری اطلاعات به جهت انجام تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفت.

۴- یافته‌های پژوهش

الف- بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش: ابتدا قبل از بررسی فرضیه‌های پژوهش لازم است، نرمال بودن متغیرهای تحقیق با آزمون کولموگروف - اسمیرنف^۵ مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین جدول شماره ۱ به بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق می‌پردازد.

1. Glowinkowski
2. Beck Anxiety Inventory (BAI)
3. Beck & Steer
4. General Health Questionnaire (GHQ-28)
5. Kolmogorov-Smirnov (KS)

جدول ۱: بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیرها	آزمون کولموگروف-اسمیرنوف	
	آماره Z	سطح معناداری
سلامت روان	۰/۸۶۸	۰/۴۳۹
استرس	۱/۱۷۳	۰/۱۲۸
سلامت جسمانی	۱/۳۵۹	۰/۰۷۱
عدم اضطراب و اختلال خواب	۱/۰۳۱	۰/۲۳۸
کارکرد اجتماعی	۱/۰۸۱	۰/۱۹۳
عدم افسردگی	۱/۲۳۳	۰/۰۹۶

با توجه به جدول شماره ۱ می‌توان نتیجه گرفت که سطوح معناداری تمامی متغیرها در آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشند (مومنی، ۱۳۸۹). بنابراین توزیع داده‌های متغیرهای فوق نرمال هستند. لذا نرمال بودن متغیرهای مذکور استفاده کردن از آزمون‌های پارامتریک از جمله همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه را جهت استنباط فرضیه‌های پژوهش توجیه می‌نمایند.

ب- فرضیه اصلی پژوهش: استرس با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان رابطه دارد. جهت بررسی فرضیه اصلی پژوهش از تحلیل همبستگی پیرسون^۱ استفاده گردید. جدول شماره ۲ ضریب همبستگی بین استرس با سلامت روانی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: بررسی میزان همبستگی بین متغیرها در فرضیه اصلی پژوهش

متغیرها	استرس
سلامت روان	-۰/۲۱۸*
سلامت جسمانی	-۰/۳۰۴**
عدم اضطراب و اختلال خواب	-۰/۲۴۸**
کارکرد اجتماعی	-۰/۱۱۹
عدم افسردگی	-۰/۰۱۶

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

از جدول شماره ۲ می‌توان نتیجه گرفت که با سطح اطمینان ۹۵٪ بین استرس با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان رابطه معنی‌داری وجود دارد. علامت منفی نیز گویای این مطلب است که با افزایش استرس در نزد دانشجویان، سلامت روانی آنان کاهش می‌یابد. از طرفی مشخص شد که استرس تنها با دو بعد سلامت جسمانی و عدم اضطراب و اختلال خواب دارای رابطه معنی‌دار با سطح اطمینان ۹۹٪ است. در حالی که استرس هیچ گونه ارتباطی با کارکرد اجتماعی و عدم افسردگی ندارد. همچنین می‌توان گفت که در بین ابعاد سلامت روانی، به دلیل بزرگ‌تر بودن ضریب همبستگی سلامت جسمانی با استرس، استرس بیشترین ارتباط را با سلامت جسمانی در بین دانشجویان دارد. پس در کل می‌توان نتیجه گرفت که استرس با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان رابطه دارد. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تأیید و فرضیه صفر رد می‌گردد.

ج- فرضیه فرعی اول پژوهش: استرس در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سطح بالایی است. جهت بررسی فرضیه فرعی اول پژوهش از آزمون پارامتریک T تک نمونه‌ای^۲ استفاده شد. جدول شماره ۳ به بررسی میزان استرس در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌پردازد.

1. pearson
2. One-Sample T-Test

جدول ۳: بررسی فرضیه فرعی اول پژوهش

متغیر	ارزش تست (نقطه برش)	میانگین	انحراف استاندارد	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
استرس	۵۲/۵	۳۸/۸۲	۹/۰۱۷	-۱۵/۸۳۲	۱۰۸	۰/۰۰۱	-۱۳/۶۷

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که سطح معنی داری استرس کمتر از ۰/۰۵ بوده، بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪، تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات استرس دانشجویان و نقطه برش آن که همان ۵۲/۵ است، می‌باشد و از آنجا که میانگین استرس دانشجویان کمتر از نقطه برش ۵۲/۵ است، پس استرس دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سطح پائینی می‌باشد. لذا فرضیه فرعی اول پژوهش رد و فرضیه صفر تأیید می‌گردد.

د- فرضیه فرعی دوم پژوهش: سلامت روانی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سطح پائینی است.

جهت بررسی فرضیه فرعی دوم پژوهش از آزمون پارامتریک T تک نمونه ای استفاده شد. جدول شماره ۴ به بررسی میزان سلامت روانی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌پردازد.

جدول ۴: بررسی فرضیه فرعی دوم پژوهش

متغیر	ارزش تست (نقطه برش)	میانگین	انحراف استاندارد	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
سلامت روانی	۷۰	۷۸/۶۸	۱۳/۲۲۹	۶/۸۵۶	۱۰۸	۰/۰۰۱	۸/۶۸۸
سلامت جسمانی	۱۷/۵	۱۹/۹۷	۴/۳۶۶	۵/۹۱۲	۱۰۸	۰/۰۰۱	۲/۴۷۲
عدم اضطراب و اختلال خواب	۱۷/۵	۱۹/۹۷	۴/۴۶۴	۵/۷۸۲	۱۰۸	۰/۰۰۱	۲/۴۷۲
کارکرد اجتماعی	۱۷/۵	۱۸/۸	۳/۰۱	۴/۵۳۳	۱۰۸	۰/۰۰۱	۱/۳۰۷
عدم افسردگی	۱۷/۵	۱۹/۹۳	۵/۴۹۲	۴/۶۳	۱۰۸	۰/۰۰۱	۲/۴۳۵

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که سطح معنی داری سلامت روانی کمتر از ۰/۰۵ بوده، بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪، تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات سلامت روانی دانشجویان و نقطه برش آن که همان ۷۰ است، می‌باشد و از آنجا که میانگین سلامت روانی دانشجویان بیشتر از نقطه برش ۷۰ است، پس سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سطح بالایی می‌باشد. همچنین سایر ابعاد سلامت روانی نیز میانگینی بیشتر از نقاطه برش آنان که همان ۱۷/۵ است، به دست آورده اند و سطوح معنی داری آنان نیز کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین ابعاد سلامت روانی دانشجویان از جمله سلامت جسمانی، عدم اضطراب و خاتلال خواب، کارکرد اجتماعی و عدم افسردگی نیز در حد بالایی است. لذا فرضیه فرعی دوم پژوهش رد و فرضیه صفر تأیید می‌گردد.

ه- فرضیه فرعی سوم پژوهش: استرس در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان دارای تفاوت معنی داری است.

جهت بررسی فرضیه فرعی سوم پژوهش از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس یک طرفه بین آزمودنی^۱ استفاده گردید. جدول شماره ۵ شاخص های توصیفی مربوط به استرس در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان را نشان می‌دهد.

جدول ۵: شاخص های توصیفی استرس در بین دانشجویان مرد و زن

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
زن	۷۸	۳۸/۸۷	۸/۷۹۵
مرد	۳۱	۳۸/۷	۹/۷۰۲

جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین استرس دانشجویان زن تاحدودی بیشتر از دانشجویان مرد است. همچنین جدول شماره ۶ با استفاده از آزمون لون^۱ به بررسی برابری واریانس ها در هر جامعه می‌پردازد.

جدول ۶: بررسی برابری واریانس ها در فرضیه فرعی سوم پژوهش

مقدار آزمون لون	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معناداری
۰/۳۵۱	۱	۱۰۷	۰/۵۵۵

همانطور که پیداست سطح معناداری بدست آمده از آزمون لون بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین واریانس ها در هر دو جامعه (دانشجویان مرد و زن) با یکدیگر برابر می‌باشند. همچنین جدول شماره ۷ با استفاده از آزمون تحلیل واریانس به بررسی تفاوت استرس در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌پردازد.

جدول ۷: بررسی فرضیه فرعی سوم پژوهش

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
۰/۵۸۳	۱	۰/۵۸۳	۰/۰۰۷	۰/۹۳۳
۸۷۸۱/۱۰۵	۱۰۷	۸۲/۰۶۶	-	-
۸۷۸۱/۶۸۸	۱۰۸	-	-	-

جدول شماره ۷ گویای این مطلب است که سطح معناداری بدست آمده از آماره F بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ استرس در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان دارای تفاوت معنی داری نیست. پس فرضیه فرعی سوم پژوهش رد و فرضیه صفر تأیید می‌گردد.

و- فرضیه فرعی چهارم پژوهش: سلامت روانی در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان دارای تفاوت معنی داری است.

جهت بررسی فرضیه فرعی چهارم پژوهش از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس یک طرفه بین آزمودنی استفاده گردید. جدول شماره ۸ شاخص های توصیفی مربوط به سلامت روانی در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان را نشان می‌دهد.

جدول ۸: شاخص های توصیفی سلامت روانی در بین دانشجویان مرد و زن

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
سلامت روانی	زن	۷۸	۷۹/۵۸	۱۳/۳۰۷
	مرد	۳۱	۷۶/۴۱	۱۲/۹۶۶
سلامت جسمانی	زن	۷۸	۲۰/۰۷	۴/۴۸
	مرد	۳۱	۱۹/۷	۴/۱۲۴
عدم اضطراب و اختلال خواب	زن	۷۸	۲۰/۲۶	۴/۵۴۸
	مرد	۳۱	۱۹/۲۲	۴/۲۲۴
کارکرد اجتماعی	زن	۷۸	۱۸/۹۲	۲/۸۹
	مرد	۳۱	۱۸/۵۱	۳/۳۲۵
عدم افسردگی	زن	۷۸	۲۰/۳۲	۵/۵۳
	مرد	۳۱	۱۸/۹۶	۵/۳۶۳

جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین سلامت روانی دانشجویان زن تاحدودی بیشتر از دانشجویان مرد است. همچنین جدول شماره ۹ با استفاده از آزمون لون به بررسی برابری واریانس ها در هر جامعه می‌پردازد.

جدول ۹: بررسی برابری واریانس ها در فرضیه فرعی چهارم پژوهش

متغیر	مقدار آزمون لون	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معناداری
سلامت روانی	۰/۰۰۱	۱	۱۰۷	۰/۹۹۸
سلامت جسمانی	۰/۴۸۱	۱	۱۰۷	۰/۴۹
عدم اضطراب و اختلال خواب	۰/۱۴۴	۱	۱۰۷	۰/۷۰۵
کارکرد اجتماعی	۱/۰۷۹	۱	۱۰۷	۰/۳۰۱
عدم افسردگی	۰/۰۱۵	۱	۱۰۷	۰/۹۰۲

همانطور که پیداست سطوح معناداری بدست آمده از آزمون لون بیشتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین واریانس ها در هر دو جامعه دانشجویان مرد و زن) با یکدیگر برابر می باشند. همچنین جدول شماره ۱۰ با استفاده از آزمون تحلیل واریانس به بررسی تفاوت سلامت روانی در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می پردازد.

جدول ۱۰: بررسی فرضیه فرعی چهارم پژوهش

متغیر		مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
سلامت روانی	بین گروهی	۲۲۲/۹۷۴	۱	۲۲۲/۹۷۴	۱/۲۷۷	۰/۲۶۱
	درون گروهی	۱۸۶۷۸/۴۲	۱۰۷	۱۷۴/۵۶۵	-	-
	مجموع	۱۸۹۰۱/۳۹۴	۱۰۸	-	-	-
سلامت جسمانی	بین گروهی	۲/۹۹۲	۱	۲/۹۹۲	۰/۱۵۶	۰/۶۹۴
	درون گروهی	۲۰۵۵/۹۲۶	۱۰۷	۱۹/۲۱۴	-	-
	مجموع	۲۰۵۸/۹۱۷	۱۰۸	-	-	-
عدم اضطراب و اختلال خواب	بین گروهی	۲۴/۱۵۲	۱	۲۴/۱۵۲	۱/۲۱۴	۰/۲۷۳
	درون گروهی	۲۱۲۸/۷۶۶	۱۰۷	۱۹/۸۹۵	-	-
	مجموع	۲۱۵۲/۹۱۷	۱۰۸	-	-	-
کارکرد اجتماعی	بین گروهی	۳/۶۷۴	۱	۳/۶۷۴	۰/۴۰۳	۰/۵۲۷
	درون گروهی	۹۷۵/۲۸	۱۰۷	۹/۱۱۵	-	-
	مجموع	۹۷۸/۹۵۴	۱۰۸	-	-	-
عدم افسردگی	بین گروهی	۴۰/۵۹۶	۱	۴۰/۵۹۶	۱/۳۵	۰/۲۴۸
	درون گروهی	۳۲۱۷/۹۵۵	۱۰۷	۳۰/۰۷۴	-	-
	مجموع	۳۲۵۸/۵۵	۱۰۸	-	-	-

جدول شماره ۱۰ گویای این مطلب است که سطوح معناداری بدست آمده از آماره F بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ سلامت روانی و ابعاد آن در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان دارای تفاوت معنی داری نیستند. پس فرضیه فرعی چهارم پژوهش رد و فرضیه صفر تأیید می گردد.

۵- نتیجه گیری

با توجه به فرضیه اصلی پژوهش که به بررسی رابطه استرس با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می پردازد، می توان گفت که استرس با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان دارای رابطه معنی داری بود. به طوری که با افزایش استرس در نزد دانشجویان، سلامت روانی آنان کاهش می یابد. از طرفی مشخص شد که استرس تنها با دو بعد سلامت جسمانی و عدم اضطراب و اختلال خواب دارای رابطه معنی دار بود. در حالی که استرس هیچ گونه ارتباطی با کارکرد اجتماعی و عدم افسردگی نداشت. همچنین استرس بیشترین ارتباط را با سلامت جسمانی در بین دانشجویان داشت. در همین راستا نتایج پژوهش های هیزمی و همکاران (۱۳۹۵)، توکلی اردغان (۱۳۹۵)، اورکی جلکانی و شرفی (۱۳۹۴)، صالح زاده (۱۳۹۴)، قبادی و همکاران (۱۳۹۴)، ضیاعزیزی (۱۳۹۱)، زرشناس (۱۳۹۰)، سلیمانی زاده و همکاران (۱۳۹۰)، شکری و همکاران (۱۳۸۹)،

مک کلین و همکاران (۲۰۱۶)، نگوین و همکاران (۲۰۱۳)، جونز و جانسون (۲۰۰۹)، چن^۱ و همکاران (۲۰۰۷) و شرینا و همکاران (۲۰۰۴) همسو با نتیجه پژوهش حاضر است. زیرا ایشان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که رابطه معنی داری بین استرس و سلامت روانی وجود دارد و استرس بالا می‌تواند سلامت روانی را به مخاطره اندازد.

لذا با مقایسه نتیجه فرضیه اصلی پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین، این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که استرس از جمله نداشتن احساس خوب نسبت به امورات مختلف زندگی، عدم پیشقدم شدن در کارها، احساس پریشانی، احساس سردرگمی، احساس دلمردگی، احساس دل شکستگی، عدم درک ارزش‌ها و توانایی‌های خویش، داشتن حس ترس در زمینه مسائل جدید و پیش روی زندگی و هراس نسبت به آینده با سلامت روانی در ارتباط است.

علت این ارتباط آن است که هرچه فرد بیشتر احساس کند که در زندگی خود تحت فشار است و نمی‌تواند افکار و ذهنیات خود را متمرکز کند، احساس ناخوشایندی کرده و این احساس می‌تواند سلامت وی را کاهش دهد. زیرا استرس باعث می‌شود که فرد احساس سردرگمی نموده که این احساس سبب می‌گردد که نتواند در موقعیت‌های مختلف زندگی عملکرد مناسبی داشته باشد. این سردرگمی می‌تواند باعث کاهش روابط اجتماعی فرد شده و هرچه روابط اجتماعی ضعیف‌تر گردد، کارکرد اجتماعی که از بخش‌های مهم سلامت روان است کمتر می‌شود. زیرا فردی که همواره تحت استرس است، نمی‌تواند به راحتی با دیگران ارتباط برقرار نماید، زیرا به سرعت دچار بدخلقی و عصبانیت می‌شود که این رفتارهای نوعی رفتارهای ناهنجار در مسائل اجتماعی به حساب می‌آیند که می‌تواند کارکرد اجتماعی را کاهش دهد.

از طرفی افراد با استرس بالا همواره در ترس و نگرانی بوده که این ترس و نگرانی باعث افزایش گوشه‌گیری و انزواطلبی آنان شده که این امر سبب افزایش نشانگان افسردگی می‌شود. بنابراین استرس بالا، عدم کنترل نسبت به امور زندگی را در پی دارد و هرچه سطح کنترل نسبت به مسائل زندگی کمتر شود، احساس پوچی و بیهودگی در فرد بیشتر شده که این امر علاوه بر افزایش اضطراب می‌تواند سلامت روحی و جسمی فرد را به مخاطره اندازد.

استرس باعث می‌شود که فرد احساس سرگیجی، لرزش در اندام بدن و نیز ترقق بیش از اندازه داشته باشد که این امر سبب کاهش عملکرد جسمی فرد شده و نمی‌تواند عملکرد مناسبی از حیث جسمانی داشته باشد که در نهایت سلامت جسمانی که از ابعاد سلامت روانی است را کاهش می‌دهد.

با توجه به فرضیه فرعی اول پژوهش که به بررسی میزان استرس در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌پردازد، می‌توان گفت که استرس در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سطح پائینی است. در همین راستا نتایج پژوهش‌های جونز و جانسون (۲۰۰۹) و شرینا و همکاران (۲۰۰۴) همسو با نتیجه پژوهش حاضر است. زیرا ایشان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که سطح استرس دانشجویان تقریباً پائین می‌باشد.

لذا با مقایسه نتیجه فرضیه فرعی اول پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین، این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان از نشانه‌های استرس از جمله احساس داغی، لرزش پاها، ناتوانی در آرامش، سرگیجه، تپس قلب، بی‌ثباتی، وحشت زدگی، عصبانیت، عدم کنترل، به سختی نفس کشیدن، احساس ترس و واهمه، سوء هاضمه، غش کردن و نیز عرق کردن کمتر برخوردار هستند و این نشانه‌ها در سطح معنی داری کمتر در بین دانشجویان دیده می‌شود. علت این امر آن است که این نشانه‌ها بیشتر مربوط به افرادی است که از اختلالات استرس رنج می‌برند و این نشانه‌ها در افراد نرمال جامعه مثل دانشجویان کمتر مشاهده می‌شود.

با توجه به فرضیه فرعی دوم پژوهش که به بررسی میزان سلامت روانی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌پردازد، می‌توان گفت که سلامت روانی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سطح بالایی است. در همین راستا نتایج پژوهش جونز و جانسون (۲۰۰۹) همسو با نتیجه پژوهش حاضر است. زیرا ایشان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که سطح سلامت روانی دانشجویان تقریباً بالا می‌باشد. در حالی که نتیجه پژوهش هیز می و همکاران (۱۳۹۵) ناهمسو با نتیجه حاصله می‌باشد. زیرا ایشان نشان دادند که نوجوانان از سلامت روانی پائینی برخوردار هستند. علت این ناهمسوئی می‌تواند برگرفته از بازه سنی نمونه مورد مطالعه باشد. زیرا اصولاً در این بازه سنی افراد دچار تغییرات هورمونی شده و این تغییرات به دلیل مرحله بلوغ جسمی و روحی می‌تواند سلامت روانی آنان را دستخوش تغییر کند.

لذا با مقایسه نتیجه فرضیه فرعی دوم پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین، این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان از نشانه‌های سلامت روانی از جمله احساس سلامتی جسمی، توانایی در انجام کارهای روزمره، داشتن احساس قدرت و شادابی، سرزندگی، عدم اضطراب، عدم اختلال در خواب، عدم احساس خستگی، عدم درگیری فکری، عدم ترس و بدخلقی، تسلط بر امورات زندگی و تحصیلی، کنترل بر کارهای شخصی، برنامه ریزی دقیق در کارها و تکالیف درسی، سرعت بالا در انجام کارها، رضایت از انجام دادن درست کارها، احساس تاثیرگذاری بر محیط، قابلیت تصمیم‌گیری درست و در

اسرع وقت، لذت بردن از فعالیت‌های اجتماعی خویش، داشتن ادراک شایستگی نسبت به خود و امید به زندگی بالایی برخوردار هستند.

علت این امر آن است که اکثر دانشجویان مورد بررسی در پژوهش حاضر در مرحله از زندگی به سر می‌برند که نسبت به آینده زندگی خود امیدوار هستند و در تلاش و کوشش هستند که آینده خود را به درستی بسازند که چنین امری باعث افزایش امید به زندگی در نزد آنان می‌شود و همان طور که اشاره شد، امید به زندگی از نشانه‌های سلامت روانی است. از طرفی، چون دانشجویان در حال یادگیری مسائل مختلفی از زندگی از جمله مسائل تحصیلی هستند، احساس اثرگذاری بر محیط نموده که این احساس سطح باورهای ارزشی و شایستگی آنان را افزایش می‌دهد و هرچه فرد بیشتر ادراک شایستگی از خود داشته باشد، احساس سرزندگی نموده که این باور و احساس می‌تواند سلامت روانی را افزایش دهد.

با توجه به فرضیه فرعی سوم پژوهش که به بررسی تفاوت استرس در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌پردازد، می‌توان گفت که استرس در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان دارای تفاوت معنی داری نیست. در همین راستا نتایج پژوهش چن و همکاران (۲۰۰۷) همسو با نتیجه پژوهش حاضر است. زیرا ایشان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنی داری بین مردان و زنان از لحاظ استرس وجود ندارد. در حالی که نتیجه پژوهش قبادی و همکاران (۱۳۹۴) ناهمسو با نتیجه حاصله می‌باشد. زیرا ایشان نشان دادند که استرس زنان بیشتر از مردان بوده و تفاوت معنی داری بین این دو گروه وجود دارد. علت این ناهمسوئی می‌تواند برگرفته از جامعه مورد مطالعه و نیز تفاوت در فشارهای تحصیلی متفاوت بر دانش آموزان از جمله رشته و مقطع تحصیلی می‌باشد.

لذا با مقایسه نتیجه فرضیه فرعی سوم پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین، این گونه می‌توان نتیجه گیری کرد که استرس در پژوهش حاضر تحت تاثیر جنسیت دانشجویان نمی‌باشد و مردان و زنان دانشجویان از نظر آماری دارای استرس یکسانی هستند. در حالی که میانگین استرس زنان تاحدود بسیار کمی بیشتر از مردان بود. علت این امر می‌تواند به همگنی رشته‌های تحصیلی، مقاطع تحصیلی، عوامل فرهنگی و اجتماعی نمونه مورد مطالعه مربوط باشد. زیرا عوامل فرهنگی و اجتماعی و همچنین عوامل تحصیلی می‌توانند بر استرس دانشجویان تاثیر بگذارند و حال اگر از این نظر اختلاف چندانی بین دانشجویان نباشد، استرس در بین آنان تفاوت معنی داری نخواهد داشت.

با توجه به فرضیه فرعی چهارم پژوهش که به بررسی تفاوت سلامت روانی در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌پردازد، می‌توان گفت که سلامت روانی در بین دانشجویان مرد و زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان دارای تفاوت معنی داری نیست. در همین راستا نتایج پژوهش چن و همکاران (۲۰۰۷) همسو با نتیجه پژوهش حاضر است. زیرا ایشان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنی داری بین مردان و زنان از لحاظ سلامت روانی وجود ندارد. در حالی که نتیجه پژوهش نگوین و همکاران (۲۰۱۳) ناهمسو با نتیجه حاصله می‌باشد. زیرا ایشان نشان دادند که سلامت روانی زنان بیشتر از مردان بوده و تفاوت معنی داری بین این دو گروه وجود دارد. علت این ناهمسوئی می‌تواند برگرفته از جامعه مورد مطالعه و نیز تفاوت در شرایط محیطی و خانوادگی نوجوانان می‌باشد.

لذا با مقایسه نتیجه فرضیه فرعی چهارم پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین، این گونه می‌توان نتیجه گیری کرد که سلامت روانی در پژوهش حاضر تحت تاثیر جنسیت دانشجویان نمی‌باشد و مردان و زنان دانشجویان از نظر آماری دارای سلامت روانی یکسانی هستند. در حالی که میانگین سلامت روانی زنان تاحدود بسیار کمی بیشتر از مردان بود. علت این امر آن است که سلامت روانی شامل بهداشت جسمی و روحی افراد است و اگر فرد از اضطراب و افسردگی کمتری رنج ببرد و دارای روابط اجتماعی مناسبی باشد که در چارچوب هنجارهای اجتماعی قرار داشته باشد، از سلامت روانی بالایی برخوردار خواهد بود. بنابراین دانشجویان مرد و زن در این پژوهش دارای میزان سلامت روان یکسانی هستند و می‌توان گفت که از نظر میزان عدم افسردگی، عدم اضطراب، سلامت جسمانی و نیز کارکرد اجتماعی نیز تفاوت معنی داری بین آنان وجود ندارد.

۶- پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش، به تمامی مسئولین مربوطه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان پیشنهاد می‌شود که در طول هر سال تحصیلی دوره‌های آموزش مقابله با استرس در زندگی و راهکارهای ارتقای سلامت روانی برای دانشجویان با بهره‌گیری از اساتید مجرب برگزار شود. با تقویت مشاوره‌های تحصیلی در دانشگاه، زمینه کاهش استرس ناشی از مسائل تحصیلی و همچنین مسائل زندگی را در نزد دانشجویان فراهم آورند. همواره با سنجش مدون و دوره‌ای سلامت روانی دانشجویان زمینه بروز اختلالات روحی و روانی را در نزد دانشجویان کاهش دهند.

۱. آریاپوران، سعید؛ کرمی، جهانگیر (۱۳۸۸). مقایسه علائم جسمانی، ادراک استرس و خودکارآمدی در دانشجویان سیگاری و غیرسیگاری. بهبود (فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه)، ۱۳(۴)، ۳۰۸-۲۹۹.
۲. آقامحمدیان شریاف، حمیدرضا؛ پاژخزاده، شهناز (۱۳۹۱). مقایسه عوامل تنیدگی زا و شیوه های مقابله با آن در دانش آموزان. مجله روان شناسی، ۱۳۴، ۳۸-۲۳.
۳. اکبرنگلو، معصومه؛ حبیب پور، زینب (۱۳۸۹). ارتباط بین سلامت روانی و استفاده از شیوه های سازگاری در والدین کودکان مبتلا به تالاسمی و هموفیلی. مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۸(۴)، ۱۹۶-۱۹۱.
۴. اورکی جلکانی، فاطمه و زهرا شرفی، ۱۳۹۴، بررسی رابطه استرس روزانه دانشجویان بر سلامت روان آنها، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد، دانشگاه تربت حیدریه.
۵. پیروی، حمید؛ حاجبی، احمد؛ پناهی، لیلی (۱۳۸۹). ارتباط بین حمایت اجتماعی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۶. توکلی اردغان، گیلان، ۱۳۹۵، نقش استرس و فرسودگی شغلی در سلامت روان، دومین همایش ملی پژوهش های علوم مدیریت، تهران، گروه پژوهشی بوعلی.
۷. جلالی تهرانی، محمدحسن (۱۳۸۲). بهداشت روانی. جزوه کلاسی، منتشر نشده دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. چاوشی فر، جلال؛ رسول زاده، کاظم (۱۳۸۹). بررسی مقایسه ای عوامل تنیدگی زا و شیوه های رویارویی در نوجوانان مراکز شبانه روزی و نوجوانان دارای والدین. مجله روان شناسی، ۹، ۱۸۴-۱۶۹.
۹. زرشناس، زهرا (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مدیریت استرس به شیوه شناختی-رفتاری بر سلامت روانی، استرس و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دارای استرس دوره دبیرستان شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
۱۰. سلطانی، مرضیه (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین خلاقیت و شیوه های مقابله با استرس در دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۱. سلیمانی زاده، لاله؛ سلیمانی زاده، فرزانه؛ جوادی، مصطفی؛ عباس زاده، عباس (۱۳۹۰). رابطه بین عوامل استرس زای آموزشی و سلامت روان دانشجویان رشته پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رازی کرمان در سال ۱۳۸۷. آموزش در علوم پزشکی، ۳.
۱۲. شاملو، سعید (۱۳۹۰). بهداشت روانی. چاپ بیست و دوم، تهران: رشد.
۱۳. شکری، امید؛ فراهانی، محمدنقی؛ کرمی نوری، رضا؛ مرادی، علیرضا (۱۳۸۹). رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری در تحلیل بین فرهنگی رابطه بین روان رنجورخویی، استرس تحصیلی و رفتارهای سلامت در بین دانشجویان ایرانی و سوندی. پژوهش در سلامت روانشناختی، ۳، ۴.
۱۴. صالح زاده، توران (۱۳۹۴). بررسی رابطه استرس و سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان سردشت، اولین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره و آموزش در ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
۱۵. ضرابی، هما (۱۳۹۱). افسردگی. تهران: بهروز.
۱۶. ضیاعزیزی، مهدیه (۱۳۹۱). بررسی تاثیر روابط بین فردی و استرس زندگی دانشجویی بر سلامت روان دانشجویان مقیم خوابگاه دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال تحصیلی ۹۰-۹۱. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرمان: دانشگاه باهنر.
۱۷. قبادی، سمانه؛ پرندین، شیما و حسینی، سیدعلی (۱۳۹۴). بررسی رابطه استرس ادراک شده و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه پیام نور کرمانشاه، سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، تحقیقات اسلامی سروش مرتضوی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
۱۸. گنجی، حمزه (۱۳۸۶). بهداشت روانی. چاپ اول، تهران: ارسباران.
۱۹. مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۹۲). شدت استرس ادراک شده و راهبردهای مقابله با استرس. روان شناسی معاصر، ۴(۲)، ۸۰-۷۱.
۲۰. مهربانی، پیام (۱۳۸۵). بررسی مقایسه ای سلامت روانی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی و فنی مهندسی بابل. پایان نامه کارشناسی رشته پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل.
۲۱. میلانی فر، بهروز (۱۳۸۴). بهداشت روانی. تهران: قومس.
۲۲. هیزمی، هاله؛ وردی پور، حمید؛ صفائیان، عبدالرسول (۱۳۹۵). استرس و پیشگویی کننده های سلامت روان در نوجوانان ایرانی. طلوع بهداشت، ۱۵(۳)، ۷۸-۹۱.

23. Beck, A.T., Steer, R.A. (1990). Beck Anxiety Inventory Manual. San Anto: Psychological Corporation.
24. Chen, X., Wang, Z., Gao, J., Hu, W. [College students social anxiety associated with stress and mental health]. Wei Sheng Yan Jiu. 2007; 36(2): 197-9. [Chinese].
25. Jones, M.C., Johnson, D.W. (2009). Distress, stress and coping in first-year student nurses. J Adv Nurs; 26(3):475-82.
26. Kaviani, H., & Mousavi, A.S. (2008). Psychometric properties of the Persian version of Beck Anxiety Inventory (BAI). Tehran University Medical Journal. 65(2): 136-140. (Persian).
27. Markes, D. (2000). Health psychology. Theory, Research and practice. London .SAGE publications Ltd.
28. McClain, S., Beasley, S. T., Jones, B., Awosogba, O., Jackson, S., & Cokley, K. (2016). An Examination of the Impact of Racial and Ethnic Identity, Impostor Feelings, and Minority Status Stress on the Mental Health of Black College Students. Journal of Multicultural Counseling and Development, 44(2), 101-117.
29. Nguyen DT, Dedding CH, Pham TT, Wright P, Joske Bunders J. (2013). Depression, anxiety, and suicidal ideation among Vietnamese secondary school students and proposed solutions: a cross-sectional study. BioMed Central public health; 13:1195.
30. Sherina MS, Rampal L, Kaneson N. (2004). Psychological stress among undergraduate medical students. Med J Malaysia; 59(2): 207-11.
31. Tasto, D., Colligan, M., Skjei, E., & Polly, S. (2007). Health Consequences of Shiftwork, Washington DC: NIOSH US Government Printing Office.

ارزیابی پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران بر پایه چارچوب توسعه پایدار استراتژیک

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۶

کد مقاله: ۹۱۸۳۳

حمیده فرزانه^۱

چکیده

آرمان و هدف توسعه پایدار، خلق و ایجاد یک جهان بهتر است. این مفهوم که بر پایه تلاش‌هایی برای گذار از چالش‌ها و دستیابی به وضعیت مطلوب در مسیر توسعه ایجاد شده است، ابعاد ۳گانه‌ای از توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد. با توصیف وضعیت موجود در ایران می‌توان بر وجود چالش‌های اساسی در خصوص جنبه‌های ۳گانه توسعه پایدار اذعان داشت. از این‌رو این مطالعه که با تأکید بر پایداری اجتماعی^۲ به انجام رسیده است با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با نمونه‌گیری هدفمند از طریق کنکاش در اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی مرتبط با توسعه پایدار و نیز بهره‌گیری از «چارچوب توسعه پایدار استراتژیک»^۳ در پی آن است که مشخص کند، این چارچوب بر چه مفاهیمی در پایداری اجتماعی اشاره و تأکید دارد و چه محتوا و شیوه‌هایی را توصیه می‌کند؛ و با در نظر گرفتن قانون برنامه‌های پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه ایران، به تحلیل و ارزیابی این مفاهیم در برنامه‌های توسعه ایران پرداخته است. تحلیل این برنامه‌ها بر پایه چارچوب توسعه پایدار استراتژیک نشان‌دهنده غفلت یا کاستی‌های برنامه در خصوص پایداری اجتماعی در سطوح پنج‌گانه چارچوب معرفی شده (سطوح سیستم، موفقیت، استراتژیک، کنش‌ها و ابزار) می‌باشد؛ و لذا بر لزوم تقویت شاخص‌های مرتبط با این مفاهیم از طریق توجه مضاعف بدان‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی توسعه و یا ارائه استراتژی‌های بدیل در جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار، به ویژه در بعد اجتماعی، به لحاظ اهمیت و ضرورت در جامعه ایرانی، تأکید دارد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، پایداری اجتماعی، چارچوب توسعه پایدار استراتژیک، برنامه‌های توسعه ایران

۱- کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی از دانشگاه علامه طباطبائی و (Strategic Leadership towards Sustainability) از دانشگاه بلکینگه سوئد

2. Social Sustainability

3. Framework for Strategic Sustainable Development (FSSD)

۱- مقدمه

مفاهیم پایداری^۱ و «توسعه پایدار»^۲ بر پایه تلاش‌هایی برای گذار از چالش‌ها و دستیابی به وضعیت مطلوب در مسیر توسعه ایجاد شده است و ابعاد سه‌گانه‌ای از توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد» (Colantonio, 2007, P. 3). بر پایه گزارش کمیسیون برتلند^۳ سازمان ملل متحد، توسعه پایدار «آن توسعه‌ای است که نیازهای نسل کنونی را تأمین کند بدون آنکه برآوردن نیازهای نسل آتی را به مخاطره اندازد» (WCED, 1987, P. 1).

تداوم وضعیت نامطلوب جهان به سبب تشدید بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و اذعان بر گره‌خوردگی و درهم‌تنیدگی تأثیرات متقابل کنش انسان‌ها بر یکدیگر و ضرورت چاره‌اندیشی در این خصوص، منجر به برگزاری اجلاس و تدوین اسناد و بیانیه‌های بین‌المللی همچون اعلامیه استکهلم^۴، اعلامیه ریو^۵ اهداف توسعه هزاره^۶ و اهداف توسعه پایدار^۷ و ظهور رویکردهای علمی و چارچوب‌های نظری متعددی گردید؛ تا از این طریق چشم‌انداز و خط‌مشی‌ای به ملت‌ها و دولت‌های جهان جهت همکاری‌ها و اقدامات مشترک در راستای بهبود وضعیت جهان و زندگی انسان‌ها با کاهش فقر و ناعدالتی اجتماعی و بهبود حقوق بشر و کرامت انسانی، ارتقاء بهداشت و سلامت همگانی، دستیابی به پایداری زیست‌محیطی، ترویج صلح و کاهش خشونت، گسترش مشارکت‌های عمومی و فراهم آوردن بسترهای مطلوب برای ایجاد نهادها و ساختارهای مؤثر ارائه دهد.

همانگونه که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، دستیابی به این اهداف در روابط انسان‌ها با یکدیگر (بعد اجتماعی)، با طبیعت و موجودات دیگر (بعد زیست‌محیطی) و امنیت و پایداری اقتصادی (جنبه اقتصادی) مدنظر می‌باشد. ولیکن، در این مجال با تأکید بر پایداری اجتماعی^۸، افزون بر استخراج و کنکاش در اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و اسناد بین‌المللی مرتبط با توسعه پایدار تا مشخص شود که این اسناد بر چه مفاهیمی تأکید می‌کنند و چه محتوا و شیوه‌هایی را توصیه می‌کنند؛ با بهره‌گیری از «چارچوب توسعه پایدار استراتژیک»^۹ در پی معرفی و شناسایی این مفاهیم و سپس توجه بدان‌ها در برنامه‌های توسعه پنجم و ششم ایران است تا این طریق بتوان با شناخت چالش‌ها و فرصت‌های موجود در جامعه، تقویت شاخص‌های مرتبط با این مفاهیم را از طریق توجه مضاعف بدان‌ها در نقطه محوری سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه و نگاه همزمان و متوازن به ابعاد توسعه پایدار با هدف ارتقای فرایندهای توسعه و نگرش استراتژیک و جامع به برنامه‌ها و طرح‌های توسعه پایدار به منظور پیش‌روی و حرکت در مسیر توسعه پایدار قرار داد. ضرورت و اهمیتی که در جوامع در حال توسعه‌ای همچون ایران دوچندان است.

۲- سوالات تحقیق

- پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه بر پایه چارچوب توسعه پایدار استراتژیک چگونه تعریف می‌شود؟ چه مؤلفه‌هایی را در برمی‌گیرد و بر چه مفاهیمی تأکید می‌کند؟
- با تأکید بر چه مفاهیمی می‌توان بسترهای لازم را برای حرکت در مسیر پایداری و ایجاد ظرفیت‌ها و فرصت‌های بهتر در تحقق اهداف پایداری اجتماعی فراهم کرد؟
- با در نظر گرفتن برنامه‌های توسعه، ایران با چه چالش‌هایی در مسیر پایداری و تحقق اهداف توسعه پایدار، به ویژه پایداری اجتماعی، مواجه است؟
- کم‌توجهی به یکی از ابعاد توسعه پایدار، به طور خاص پایداری اجتماعی، چه چالش‌ها و تهدیدهایی را در اختیار جامعه ایرانی قرار می‌دهد؟

۳- روش تحقیق

در این مطالعه به منظور پاسخ‌دهی به پرسش‌های مطرح شده فوق، در گام اول، منشورها و اسناد بین‌المللی مرتبط با توسعه پایدار مورد کنکاش قرار گرفته است تا از این طریق بتوان اصلی‌ترین مفاهیم را شناسایی و سپس دسته‌بندی کرد. به طور موازی، مفاهیم پایداری اجتماعی بر پایه چارچوب نظری توسعه پایدار استراتژیک نیز مورد مذاقه قرار گرفته است. روش جمع‌آوری اطلاعات، روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با نمونه‌گیری هدفمند بوده است، بدان معنا که نمونه‌هایی انتخاب شده‌اند که از اهمیت و توافق بیشتری در عرصه بین‌المللی برخوردار بوده‌اند که عبارتند از: بیانیه اجلاس استکهلم، اعلامیه ریو،

1. Sustainability
2. Sustainable Development
3. The Brundtland Report (Our Common Future)
4. Stockholm Declaration
5. Rio Declaration on Environment and Development
6. Millennium Development Goals (MDGs)
7. Sustainable Development Goals (SDGs)
8. Social Sustainability
9. Framework for Strategic Sustainable Development (FSSD)

اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار. ولیکن تأکید اصلی، بهره‌گیری از چارچوب توسعه پایدار استراتژیک با هدف بررسی و ارزیابی این مفاهیم در قانون برنامه‌های پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) بوده است.

۴- چارچوب توسعه پایدار استراتژیک

برای دستیابی به نگرش استراتژیک، ساختارمند و جامع در برنامه‌ریزی‌های بر پایه توسعه پایدار، الگوها و چارچوب‌های نظری متفاوتی ارائه شده است تا از طریق به کارگیری آن، جامعه را در دستیابی به هدف مطلوب که همانا دستیابی به جامعه پایدار در تمامی ابعاد ۳ گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است، یاری رساند.

به بیانی، دستیابی به هدف - که همانا جامعه پایدار است - و پی‌موندن این مسیر، افزون بر بینش و تعهد افراد نسبت به آینده پایدار، نیازمند رویکردی علمی، ساختارمند و استراتژیک در مدیریت گذار از چالش‌های پیش‌روی توسعه پایدار و اجتناب از فاجعه‌های بزرگ است (Egmond, 2011) و یکی از این رویکردهای علمی و یکی از مهم‌ترین و کارآترین چارچوب‌های نظری مطرح شده، چارچوب توسعه پایدار استراتژیک است که از سوی کارل هانریک روبرت^۱ ایجاد شده است. این چارچوب، امکان نظری و عملی با رویکردی کل‌نگر و ساختارمند در رویارویی با چالش‌های توسعه را فراهم می‌آورد (Robèrt, 2010, P. 16) و به چگونگی فرایندهای دستیابی به توسعه پایدار در جوامع و سازمان‌ها می‌پردازد.

مدل ۵ سطحی^۲: در چارچوب توسعه پایدار استراتژیک برای برنامه‌ریزی و دسته‌بندی در سیستم‌های دشوار و کمک به تحلیل مشکلات و حل مسائل پیچیده طراحی شده است. اطلاعات موردنیاز دارای اهمیت برای برنامه‌ریزی در این ۵ سطح دسته‌بندی می‌شوند.

سطح سیستم‌ها^۳: در این سطح، یک تصویر بزرگ و دید کلی‌ای از نحوه درگیر شدن در برنامه‌ریزی کارکردها و نیز اهداف، ارزش‌ها و تعاملات با جامعه و زیست‌کره ارائه می‌شود (مرتبط بودن با اهداف کلی مورد نظر).

سطح موفقیت^۴: این سطح به موفقیت و دستیابی به اهداف موردنظر اشاره می‌کند. موفقیت به عنوان توقف کنش‌های غیرپایداری تعریف می‌شود که سیستم زیست‌محیطی - اجتماعی را تهدید می‌کند که بر پایه اصول توسعه پایدار بنا شده‌اند. این اصول در ۴ اصل اساسی جای گرفته‌اند که جامعه انجام آنها را باید متوقف کند تا از نظام زیست‌محیطی-اجتماعی حفاظت شود. این اصول ۴ گانه عبارتند از:

«در یک جامعه پایدار، طبیعت ابراز نیست که به طور سیستماتیک افزایش یابد برای ...»

۱. ... غلظت/ تراکم مواد استخراج شده از پوسته زمین؛ (مانند افزایش غلظت سوخت CO₂ در اتمسفر یا افزایش تراکم کادمیوم^۵ از پوسته زمین در زمین‌های کشاورزی).

۲. ... غلظت مواد تولید شده از سوی جامعه؛ (سمومی نظیر DDT، PCBs و مواد آسیب‌رساننده به لایه ازن، پلاستیک).

۳. ... کاهش وسیله‌های فیزیکی؛ (مانند جنگل‌زدایی، صید بی‌رویه، فرسایش خاک در نتیجه استفاده زیاد از زمین) (Holmberg, et al, 1996).

و در آن جامعه ...

۴. مردم ابزار نیستند در خصوص شرایطی که به طور سیستماتیک، ظرفیت آنان را برای تأمین نیازهای‌شان تضعیف می‌کند» (Ny, et al, 2006). (مانند کاهش اعتماد اجتماعی و بین فردی، تضعیف انسجام اجتماعی و غیره).

سطح استراتژیک/ راهبرد^۶: اصول استراتژیک برای انتخاب کنش‌ها در مسیر دستیابی به هدف با در نظر گرفتن پرسش پس‌نگر^۷ (چه چیزی نیاز است تا در حال حاضر انجام شود تا به هدف موردنظر دست یافت)؛ و نیز پرسش‌های ۳ گانه اولویت‌دهی

1. Karl-Henrik Robèrt
2. The Five Level Framework (5LF)
3. Systems Level
4. Success Level
5. Cadmium
6. Strategic Level

۷. یکی از تکنیک‌های مورد استفاده در فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک، رویکرد آینده‌نگر (Forecasting) است که با توجه به روندها و شرایط موجود، آینده را پیش‌بینی می‌کند و بر این پایه به برنامه‌ریزی و ارائه طرح می‌پردازد. از این‌رو، آینده آن گونه‌ای تصور می‌شود که شرایط موجود نشان داده‌اند لیکن با در نظر گرفتن اینکه آینده مطلوب، مشخص و معین است پرسشی کلیدی مطرح می‌شود که در حال حاضر افراد برای رسیدن به این آینده مطلوب چه باید انجام دهند. تکنیکی که می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد، رویکرد پس‌نگر (Backcasting) است که بر پایه آن، برنامه‌ریزان می‌توانند به ساختن دیدی از موفقیت - به عنوان جنبه اساسی این چشم‌انداز- بپردازند و به آن مواردی پاسخ دهند که اکنون مورد نیاز است. این دو چشم‌انداز می‌توانند با یکدیگر ادغام شوند و این امر، اجازه پردازش اطلاعات در شرایط گوناگون و گسترش کنش‌های پیچیده و واقعی (کانکرت) را فراهم می‌کند. «رویکرد پس‌نگر از سناریوها» به عنوان یک روش برنامه‌ریزی تلقی می‌شود که با توجه به تصاویر ساده‌شده‌ای از آینده از سوی برنامه‌ریزان و برنامه‌نویسان ایجاد می‌شود لیکن با توجه به سوگیری، قضاوت و عدم توافق کافی به سوی رویکرد پس‌نگر از اصول اساسی تمایل می‌یابد. این اصول اساسی موفقیت (ساکسس) را تعریف می‌کنند.

انجام می‌گیرد. در این طرح، هر جامعه/ سازمان کنش‌های ویژه‌ای را بر می‌گزیند تا جامعه/ سازمان را به سوی توسعه پایدار سوق دهد.

سه پرسش اساسی اولویت‌دهی به کنش‌ها که در فرایند برنامه‌ریزی باید لحاظ شود، عبارتند از:

- آیا کنش اقدام شده در مسیر مستقیم و در رابطه با اصول توسعه پایدار است؟
- آیا این کنش یک پایه و بنیاد منعطف را برای پیشرفت و ترقی آینده فراهم می‌آورد؟ (در اجتناب از پایانی راکد و خموش)
- آیا این کنش، به بازگشت سرمایه کافی در فرایند تسریع بخشیدن‌های آتی منجر خواهد شد؟

سطح کنش‌ها:^۱ این سطح به تمامی کنش‌های مورد نیاز و گام‌های عملی در مسیر اهداف تعریف شده و در تطابق با اصول استراتژیک برای رسیدن به موفقیت اشاره می‌کند که به سوی توسعه پایدار گام برمی‌دارند. ایجاد یک کمپین آموزشی متمرکز بر توسعه پایدار برای کارکنان سازمان؛ یا خرید کاغذ و دیگر محصولات موردنیاز از ارگان‌های دارای گواهینامه مدیریت حفاظت از جنگل‌ها، نمونه‌هایی از کنش‌های عملی یک سازمان به شمار می‌روند.

سطح ابزار:^۲ این سطح به ابزارهایی برای کمک و یاری در جهت دستیابی به هدف اشاره دارد. در این چارچوب از پروسه ای.بی.سی.دی ABCD برای اجرایی کردن اهداف مذکور بهره گرفته می‌شود. فرایند استراتژیک (ABCD) برای پیاده‌کردن و به‌کارگیری چارچوب توسعه پایدار استراتژیک در جهان واقعی و سازمان‌ها طراحی شده است. این فرایند ۴ مرحله‌ای به عنوان ابزاری برای تحلیل، ایجاد دید مشترک، طراحی و رهبری برنامه‌ها و ایجاد اجتماعات به کار می‌رود. این ۴ گام عبارتند از:

گام اول: ساختن یک درک و دید مشترک:^۳ اولین بخش این گام شامل ساختن یک مدل ذهنی مشترک بر پایه چارچوب توسعه پایدار استراتژیک خواهد بود. این شامل درک کلی از سیستم زیست‌محیطی - اجتماعی، چالش‌های توسعه پایدار، مدل کیف توسعه پایدار و مفاهیم رویکرد پس‌نگر از اصول اساسی و پرسش‌های اولویت‌دهی می‌شود. بخش دوم، شامل ساختن یک دید از اجتماع/ سازمان در یک جامعه پایدار بر طبق اصول ۴ گانه توسعه پایدار است. این دید به این پرسش پاسخ می‌دهد که ما به عنوان یک اجتماع/ سازمان چه می‌خواهیم ایجاد کنیم.

گام دوم: ارزیابی واقعیت موجود:^۴ در این گام، ارزیابی پایه از فعالیت‌های جاری اجتماع/ سازمان مدنظر است و این فعالیت‌ها از زاویه اصول ۴ گانه توسعه پایدار تحلیل و کنکاش می‌شوند. تخطی از این اصول و فعالیت‌هایی که اجتماع/ سازمان در راستای این اصول (از طریق ارائه محصولات و خدمات) انجام می‌دهد، از موارد اصلی مورد توجه در این مرحله است. نمونه پرسش‌هایی که بر اساس اصول ۴ گانه می‌تواند به تیم در یافتن نقاط ضعف سازمان کمک کند، عبارتند از:

اصل اول: آیا سازمان به سوخت‌های فسیلی وابسته است؟ آیا مواد معدنی مورد استفاده در طبیعت کمیاب هستند؟ اگر بلی، آنها چگونه با تکنولوژی‌های مفید از آن حفاظت می‌کنند؟ و مواردی از این قبیل.

اصل دوم: آیا سازمان از مواد شیمیایی بهره می‌گیرد که با طبیعت بیگانه اما ماندگار در طبیعت هستند؟ آیا چنین موادی در چرخه حیات قرار می‌گیرند یا در زیست‌کره منتشر می‌شوند؟ و مواردی از این دست.

اصل سوم: آیا سازمان فعالیت‌ها و اعمالی را انجام می‌دهد که با سوءمدیریت در بخش‌های مولد زیست‌کره همراه است؟ آیا سازمان به رهاسازی زباله‌های انبوه بدون تجدید و بازگرداندن به چرخه مبادرت می‌کند؟ و نظایر اینها.

اصل چهارم: آیا سازمان به لحاظ اقتصادی وابسته به استفاده زیاد از منابع در پیوند با نیازها و ارزش‌های انسانی است؟ آیا هزینه‌های اجتماعی این زنجیره ارزشی دربرگیرنده تأمین‌کننده‌هایی از کشورهای در حال توسعه نیز می‌شود؟ آیا سازمان می‌تواند مواردی از نقض یا سوءاستفاده از قدرت - اقتصادی، سیاسی و غیره - در طی این چرخه زنجیره ارزشی ذکر کند.

گام سوم: طوفان فکری و ایده‌های خلاقانه:^۵ در این مرحله، با در نظر گرفتن شکاف میان دید ایجاد شده در گام اول و واقعیت موجود در گام دوم، به فهرست بلندی از کنش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های احتمالی اشاره می‌شود که به کاهش این شکاف و فاصله یاری می‌رساند تا جامعه/ سازمان را از وضعیت غیرپایدار به سوی یک جامعه/ سازمان پایدار سوق دهد. این کنش‌ها و اعمال می‌توانند در پیوستاری از خرد - کلان، ساده - پیچیده (از لحاظ اجرایی شدن) یا در بازده زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، محرک برای عمل‌های بعدی در آینده و غیره قرار گیرند. نکته دارای اهمیت در این گام این است که هیچ محدودیتی در خلق این ایده‌ها و اعمال وجود ندارد، حتی اگر به لحاظ منطقی (زمانی، بودجه، کلان بودن و غیره) غیرعملی به نظر برسند.

1. Action Level

2. Tools Level

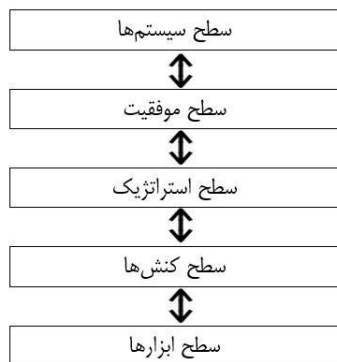
3. A-Step: Awareness/ Building a Shared Understanding and Vision

4. B-Step: Baseline Assessment/ Assessing the Current Reality

5. C-Step: Creative Possible Actions/Brainstorming possible Actions

گام چهارم: اولویت‌دهی به کنش‌ها: ۱ در این گام، کنش‌های محتمل ایجادشده در گام سوم تحلیل و اولویت‌بندی می‌شوند. این با بهره‌گیری از سه پرسش اولویت‌دهی انجام می‌شود که در سطح استراتژیک چارچوب توسعه پایدار استراتژیک بدان پرداخته شد.

- آیا این کنش در مسیر مستقیمی هدایت می‌شود؟
- آیا به عنوان پایه منعطفی برای پیشرفت‌های آتی تلقی می‌شود؟
- آیا به بازگشت سرمایه کافی منجر خواهد شد؟



شکل ۱: چارچوب توسعه پایدار استراتژیک

جامعه/سازمان می‌تواند با انتخاب کنش‌هایی که نمره مناسبی را در این سؤالات کسب کرده‌اند، بر این منابع و سرمایه‌گذاری‌ها متمرکز شود تا در مسیر توسعه پایدار برای یک آینده پایدار گام بردارد. همچنین، این باید در تطابق با اصول ۴گانه توسعه پایدار باشد تا بر استراتژیک بودن کنش، مهر تأیید نهایی را بزند. از دیگر مواردی که می‌تواند در دسته‌بندی و معیار اولویت‌دهی‌ها و ارزیابی اینکه این مسئله تا چه حد جدی است، مفید باشند عبارتند از تأثیرات اجتماعی/ زیست‌محیطی بیشتر و عمیق‌تر؛ سهم نسبی سازمان در این مشکل؛ ضرورت و فوریت احتمال وقوع آن در آینده، توافق عمومی و نیز مؤثر بودن راه‌حل‌های محتمل (امکان تکنولوژیکی و اقتصادی).

۵- پایداری اجتماعی در چارچوب توسعه پایدار استراتژیک

۵-۱- سطح سیستم: سیستم اجتماعی: ۲

زمانیکه از پایداری اجتماعی سخن به میان می‌آید، تأکید بر جنبه دیگری از جامعه [افزون بر جنبه فیزیکی و تأثیرات آن بر کره زمین نظیر کارخانه، خانه، آلودگی و تخریب فیزیکی است]؛ و آن اشاره به سیستم اجتماعی دارد که در زمینه روابط بین فردی، هم میان افراد با یکدیگر و نیز میان مردم و نهادهایشان می‌باشد. بسیاری از مردم جهان هنوز در فقر، نقض یا سوءاستفاده از حقوق انسانی، فساد، بهره‌کشی، تبعیض و فقدان دسترسی به آموزش به سر می‌برند. در برخی از جوامع، این مسائل فقط وقایعی فردی نیستند، بلکه به این مرتب‌اند که جوامع چگونه عمل می‌کنند. باید در نظر داشت که به رغم آنکه مطالعه روان‌شناسانه رفتار افراد جامعه ضروری است اما کافی نمی‌باشد، چراکه سیستم اجتماعی فراتر از کنش‌های فردی می‌باشد. ارتباط میان افراد و شیوه‌ای که آنها خودشان را در قالب گروه‌های غیررسمی، سازمان‌ها، نهادها و جامعه در شکل بزرگ‌تر درک می‌کنند، دارای اهمیت می‌باشد. انسان‌ها گونه‌ای اجتماعی هستند که گروه‌ها را شکل می‌دهند تا نیازهای فردی و جمعی آنان را برآورده سازند. مفهومی اساسی در سیستم اجتماعی، سرمایه اجتماعی است؛ و ویژگی مشترک میان تعاریف پوتنام، ۲ کلمن ۴ و فوکویاما، ۵ در جایگاه صاحب‌نظران این مفهوم، اعتماد میان افراد با یکدیگر، و اعتماد میان مردم و مؤسسات عمومی و نهادهای دولتی نظیر دادگاه‌ها، مدارس، حکومت‌ها و بیمارستان‌هاست.

در اقتصاد، اعتماد روان‌کننده و روان‌ساز در نظر گرفته می‌شود و در جامعه‌شناسی یکی از مهم‌ترین فاکتورها در روابط بین افراد در گروه‌ها و حتی تعاملات فردی و جامعه به شمار می‌رود. اعتماد اجتماعی بالا همچنین با ثبات دموکراسی، سطح پایین از فساد و برابری نسبی اقتصادی همبسته است. از این‌رو، فقدان اعتماد اجتماعی می‌تواند منجر به بروز مشکلات اجتماعی جدی شود. روستین ۶ از تله اجتماعی ۷ سخن می‌گوید که به عنوان یک مسئله در پایداری اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. بدان معنا که نداشتن اعتماد یا سوءاعتماد، بی‌اعتمادی بیشتری را ایجاد می‌کند و این وضعیت همانند یک چرخه معیوب درون جامعه به طور مارپیچی حرکت می‌کند.

نیازهای انسانی: ۸ با در نظر گرفتن اهمیت سرمایه اجتماعی و اعتماد در یک جامعه با کارکرد مطلوب، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه سازمان‌ها و افراد می‌توانند بر این جنبه‌ها اثر گذارند و آن را متأثر کنند؟ از مواردی که می‌تواند کالبد جامعه را تضعیف کند، در ارتباط با نیازهای انسانی، نیازها و احتیاجات ذاتی هستند که ضروری است تا برای مردم

1. D-Step: Decide on Priorities /Actions Prioritization
2. System Level: The Social System
3. Putnam
4. Colman
5. Fukuyama
6. Bo Rothstein
7. social trap
8. Human Needs

برآورده شوند تا آنها به لحاظ جسمانی، روانی و اجتماعی سلامت بمانند. یک مثال خوب از تعریف نیازهای اساسی از سوی اقتصاددان اهل شیلی به نام مانفرد مکس-نیف^۱ ارائه شده است. مقوله‌های ۹گانه نیازهای اساسی مکس-نیف عبارتند از: امرار معاش؛^۲ حمایت؛^۳ مشارکت؛^۴ آسایش / بطلالت؛^۵ خلاقیت؛^۶ محبت؛^۷ درک / فهم؛^۸ هویت^۹ و آزادی.^{۱۰}

این نیازها برای همه افراد حیاتی است و در حقیقت به یکدیگر وابسته هستند. دسته‌بندی مکس-نیف برای استفاده در این چارچوب به این دلایل انتخاب شده‌اند که مهم‌ترین نیازهای انسانی را دربرمی‌گیرند؛ مجموعه‌ای از معیارها (نظیر سازماندهی‌شده، عدم همپوشانی، مکمل و نه قابل جایگزینی با یکدیگر، و سرشتی در طول تاریخ) را برای تعریف نیازهای انسانی در زمینه پایداری را فراهم می‌آورند؛ و نیز آنکه این نیازها برای کیفیت زندگی همه انسان‌ها ضروری هستند. به بیان مکس-نیف، کاستی و موجودی کم در یکی از این نیازهای انسانی منجر به «فقر» می‌شود فارغ از اینکه موجودی بانک ایشان به چه میزان می‌باشد.

۵-۲- سطح موفقیت: پایداری اجتماعی

باید در نظر داشت این سیستم اجتماعی است که افراد را به یکدیگر متصل می‌کند و به آنان در برآوردن نیازها و خواسته‌هایشان یاری می‌رساند. هر چند علیرغم این واقعیت که تمرکز پایداری اجتماعی بر حفظ کالبد اجتماعی است و نه نیازهای فردی، ولیکن اگر مردم دریابند که ممانعت از برآوردن نیازهایشان به سبب شرایطی است که «درون» سیستم اجتماعی ایجاد شده است، این منجر به فرسایش اعتماد و سرمایه اجتماعی خواهد شد. همانگونه که در بالا نیز بدان اشاره شد، اعتماد بین افراد و بین مردم و نهادهای عمومی است که سیستم اجتماعی را همچون چسبی به یکدیگر می‌چسباند. از این‌رو، اصل چهارم به سادگی یک جامعه پایدار را به لحاظ اجتماعی توصیف می‌کند، از آن حیث که به توانایی افراد برای تأمین نیازهای اساسی انسانی و با هدف غایی از پایدار نگه‌داشتن اعتماد و سرمایه اجتماعی درون جامعه اشاره دارد.

پرسش‌هایی که یک سازمان / جامعه می‌تواند مطرح کند تا از این طریق ارزیابی پایه‌ای برای پایداری اجتماعی ایجاد کند عبارتند از:

- تا چه اندازه مردم تحت کنترل یا در معرض کار یا محیط پرمخاطره در سازمان / یا اجتماع ما هستند؟
- آیا عملکرد ما متکی به ایجاد شرایط اقتصادی است که مردم را از برآوردن نیازهایشان باز می‌دارد و یا به تأخیر می‌اندازد؟ [مواردی همچون شرایط کاری خطرناک، کار کودکان و قراردادهای تجاری یک‌طرفه]
- مردم و سازمان‌هایی که به وسیله کار و عملکرد ما، به توانایی آنها در برآوردن نیازهای خود صدمه می‌زند و یا آنها را تضعیف می‌کند، چه کسانی هستند؟ [آنها می‌توانند مشتریان، کارمندان، فروشندگان، تولیدکنندگان و دولت‌ها و جامعه در سطح وسیع باشند].

ذکر این نکته ضروری است که باید میان پایداری اجتماعی از پروژه‌های اجتماعی که جوامع یا سازمان‌ها به کار می‌گیرند، نظیر بزرگداشت رویدادهای فرهنگی یا حمایت از باشگاه‌های ورزشی تمایز قائل شد. گام‌های کوچک و مثبتی که سازمان‌ها در آنها درگیر می‌شوند و به طور فزاینده‌ای بدان‌ها می‌پردازد، اگرچه دارای اهمیت می‌باشند و باید ادامه یابند اما در جهت مهار عناصری نیستند که به لحاظ سیستماتیک سیستم را مورد فرسایش قرار می‌دهند؛ و شاید بتوانند به طرق غیرمستقیم بر بخش‌های دیگر جهان تأثیر گذارند.

۵-۳- سطح استراتژیک: دستورالعمل یا راهبردی برای پایداری اجتماعی

به رویکرد پس‌نگر و ۳ سوال اولویت‌دهی در بخش معرفی نظریه اشاره شد. یک دستورالعمل تکمیلی و بیشتر که در خصوص پایداری اجتماعی عمل می‌کند، «قاعده طلایی»^{۱۱} است. قاعده طلایی که در سنت‌های یهودی و بودایی [و البته اسلام] بدان اشاره اشاره شده است عبارتست از اینکه: «شما نباید آنچه‌ای را نسبت به دیگران انجام دهید که دوست ندارید دیگران نسبت به شما انجام دهند»^{۱۲}. این قاعده ساده بر پایه بسیاری از اصول اخلاقی قرار دارد^۱ و بر بنیاد «همدلی»^۲ ساخته شده است -توانایی ذاتی

1. Manfred Max Neef
2. Subsistence
3. Protection
4. Participation
5. Idleness
6. Creativity
7. Affection
8. Understanding
9. Identity
10. Freedom
11. Golden Rule

۱۲. «آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند و آنچه برای خود نمی‌پسندی را برای دیگران نیز نپسند» (امام علی (ع))

انسان‌ها تا خویش را در موقعیت دیگران قرار دهند و بنابراین، می‌توان بی‌درنگ به عنوان یک روش بدون آموزش قبلی به کار گرفته شود. اگر ما نخواهیم دیگران چیزی را در قبال ما انجام دهند، پس باید به طور جدی این پرسش مطرح شود که آیا کنش‌های ما، قواعد پایداری اجتماعی را نقض و از آن تخطی می‌کند؟

اگر همه انسان‌ها توانایی همدلانه عمل کردن را دارند، چرا آن را در همه شرایط به طور خودکار به کار نمی‌گیرند؟ ممکن است این توانایی زمانی عمل کند که مردم همدیگر را رودررو ملاقات می‌کنند. برای مثال در گروه‌های کوچک نظیر خانواده، دوستان و شاید در روستا. از این رو، استفاده مؤثر از توانایی همدلانه در سطح جهانی مورد چالش می‌باشد و این در حالی است که یک تصمیم فردی بر افرادی تأثیر می‌گذارد که هرگز آنها را ملاقات نکرده است. لذا ضروری است تا پرسیده شود که قاعده طلایی برای یک سازمان چه معنایی می‌دهد؟! در این خصوص به ۵ فرایند اشاره شده است که عبارتند از: همکاری^۳ (رفع نیازهای دو طرف در یک شیوه منفعت‌طلبانه متقابل)؛ درگیر شدن^۴ (بخشی از کنش یا عملی بودن)؛ جامعیت^۵ (اطمینان از اینکه نیازهای دیگران شناخته شده و بدان احترام گذاشته می‌شود)؛ گستردگی^۶ (در پایداری اجتماعی، باز بودن نسبت به تغییرات در فرایندها برای بهتر برآورده کردن نیازهای اعضا و رفع موانع برای برآوردن نیازها معنا می‌دهد)؛ و شفافیت^۷ (به ارتباطات و جوابگویی سازمان‌ها و جوامع اشاره دارد). هر فردی نیز می‌تواند پرسش‌های ذیل را از خودش بپرسد که بر پایه قاعده طلایی مطرح شده‌اند. هرچند که از دیدگاه پایداری اجتماعی این کفایت نمی‌کند و باید در سطح سازمانی پرسیده شود.

- مشارکت^۸: آیا این تصمیم بر اساس مشارکت و گفتگوی کافی با همه گروه‌های متأثر بوده است؟ (آیا این میزان مشارکت، اگر من موضوع و فاعل آن بودم، برای من پذیرفتنی بود؟)
 - شفافیت: آیا این تصمیم در شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده که مردم را قادر سازد تا به اطلاعات دسترسی یابند و از هر جهت بر فرایند نظارت داشته باشند؟ (آیا این میزان شفافیت برای من پذیرفتنی است؟)
 - مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی^۹: آیا مسئولیت به طور واضحی برای همه افرادی که در فرایند برنامه‌ریزی مشارکت دارند، بیان شده است و حتی برای آنهایی که به طور غیرمستقیم از نتایج آن متأثر می‌شوند؟ (آیا این میزان از شفافیت بر حسب مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی برای هر یک از ما پذیرفتنی می‌باشد؟)
 - صداقت/ درستی^{۱۰}: اگر افراد درگیر به طور ناگهانی و به طور دقیق به آنچه محرک تصمیمشان بوده، پی ببرند، آیا شرمسار خواهند بود یا شآن و کرامتشان حفظ شده است؟
- به طور خلاصه، دلالت‌های استراتژیک برای هر سازمان یا جامعه‌ای برای حرکت در مسیر پایداری اجتماعی وابسته به پرسش ذیل است:
- آیا رفتار سازمان/ جامعه، پیامدهایی را در اکنون و در آینده دارد که توانایی‌ها و فرصت‌های مردم را در خصوص هدایت برای یک زندگی تأمین شده محدود کند و یا در تنگنا قرار دهد؟ (Robèrt, et al, 2010).

۶- بحث

در این بخش به دو مبحث متفاوت اشاره می‌شود. در ابتدا به مهم‌ترین محتوای اشاره شده پایداری اجتماعی در اسناد بین‌المللی در خصوص توسعه پایدار اشاره می‌شود؛ و در بخش دیگر به برنامه‌های توسعه پنجم و ششم ایران در چارچوب توسعه پایدار اجتماعی پرداخته خواهد شد.

۶-۱- تحلیل و مقایسه مهم‌ترین مؤلفه‌های اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی

حکایت این اسناد معرفی شده در راستای مفهوم توسعه پایدار، حکایت از همان داستان معروف کشتی و سوراخ شدن جایگاه خود دارد که اگر بدان بی‌اعتنایی شود و ترمیم نگردد، همه مسافران این کشتی (کره زمین) غرق خواهند شد. اجرایی کردن اهداف جامع در این اسناد به ملت‌ها و دولت‌های جهان یاری می‌رساند تا در مسیر جامعه‌ای توسعه یافته که آرمان و هدف غایی بسیاری از جوامع است، حرکت نمایند؛ و با دستیابی به اهداف آن، جهان را جای بهتری برای زندگی سازند.

۱. بشو از من سخنی حق پدر فرزندی // گر به رای من و اندیشه من خرسندی // چیست دانی سر دینداری و دانشمندی // آن روا دار که گر بر تو رود بیسندی (سعدی / کتاب مواعظ / قطعه ۱۹۷)

2. Empathy
3. Cooperation
4. Involvement
5. Inclusiveness
6. Openness
7. Transparency
8. Participation
9. Responsibility & Accountability
10. Honesty

در حالی که ۲ سند اولیه به لحاظ زمانی (بیانیه استکهلم (۱۹۷۲) و اعلامیه ریو (۱۹۹۲)) بیشتر بر موضوعات زیست‌محیطی توجه داشته‌اند و محوریت بر پایداری زیست‌محیطی بوده است، در اسناد اخیر (اسناد توسعه هزاره (۲۰۰۰) و به ویژه اهداف توسعه پایدار (۲۰۱۵)، ابعاد ۳ گانه توسعه پایدار و به ویژه پایداری اجتماعی مدنظر قرار گرفته است. «فرایند ورود مفهوم پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران تقریباً همزمان و همگام با توسعه بین‌المللی این مفهوم بوده است و به مرور سهم عوامل اجتماعی در برنامه‌های توسعه برجسته‌تر شد» (واعظزاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۵۷).

در مقایسه اهداف مندرج در اسناد توسعه پایدار و اهداف هزاره و همانگونه که در مطالعات پیشین نیز بدان اشاره شده است: «کشور ایران در بیشتر شاخص‌های اهداف هزاره رشد خوبی را تجربه کرده است» (کاظمی‌آذر و سلطان‌زاده، ۱۳۹۷، ص. ۴۹)؛ و «در مقایسه با کشورهای جهان از نظر شاخص‌های مرتبط با جمعیت و سلامت توسعه پایدار وضعیتی بهتر از میانگین جهانی داشته و مابین کشورهای پردرآمد و کشورهای با درآمد متوسط به بالا قرار گرفته است. همچنین در برخی شاخص‌ها همانند پوشش واکسیناسیون، ابتلا به دیابت و مرگ و میر ناشی از سوانح و حوادث بیشترین مقدار شاخص و مواردی همچون ابتلا به ایدز کمترین میزان را در جهان دارد» (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۵). به بیانی دیگر، ایران اگرچه در تحقق اهداف هزاره به ویژه کاهش مرگ و میر کودکان و بهبود سلامت مادران (بخش بهداشت و نظام سلامت) و دستیابی همگانی به آموزش ابتدایی موفق بوده است ولیکن در شاخص‌های «کیفیت هوا، بیکاری، افزایش تورم و سایر آسیب‌های اجتماعی روندی به بدتر شدن داشته است» (سلطانی‌پور و دمازی، ۱۳۹۵، ص. ۱)؛ و با چالش‌هایی اساسی در حوزه‌های مرتبط با اهداف توسعه پایدار نظیر محیط زیست، رفاه و بهزیستی همگانی و کاهش فقر و عدالت اجتماعی و نظایر اینها روبرو می‌باشد.

در ادامه، مقوله‌ها و مفاهیم پایداری اجتماعی به کار رفته در این اسناد مرور خواهند شد که به ویژه در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها باید بدان‌ها توجه دوچندانی داشت. این مفاهیم، عصاره‌ای از ارزش‌های جهانشمول و آرزوهای بشری به شمار می‌روند که در نهایت، درصدد تأمین نیازهای فردی و بهبود و توسعه زندگی اجتماعی است. ذکر این نکته بار دیگر ضروری است که در بسیاری موارد، همپوشانی ابعاد ۳ گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی غیرقابل اجتناب و غیرقابل تفکیک است و تکمیل‌کننده یکدیگر می‌باشند.

بهبود حقوق بشر و کرامت انسانی: اصل اول بیانیه استکهلم به حقوق انسان اشاره کرده است؛^۱ و اصل یکم اعلامیه ریو به درستی بدین اشاره دارد که انسان در کانون اهداف توسعه پایدار قرار دارد.^۲ این اسناد که در این خصوص متأثر از اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ می‌باشند بر ارزش نهادن به شأن و کرامت انسانی و بهبود وضعیت زندگی یکایک انسان‌ها توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند تا از این طریق بتوان به ارتقای توسعه اجتماعی و تحقق اهداف توسعه پایدار یاری رساند؛ و در تلاش است تا چارچوبی برای تعاملات اجتماعی در درون و بین جوامع بر پایه شأن و کرامت انسانی، بشردوستی، همدلی، مدارا و صلح و آشتی انسان‌ها با یکدیگر ایجاد کند تا از این طریق بتوان تنش‌های احتمالی و تضادهای بالقوه را کاهش داد و به تحقق جهانی عاری از فقر و خشونت نزدیک شد.

کاهش فقر و نابرابری: اصل پنجم اعلامیه ریو به طور صریح ریشه‌کن کردن فقر را به عنوان شرط اساسی توسعه پایدار در نظر می‌گیرد؛^۴ و آرمان اول اهداف توسعه هزاره^۵ و اهداف اول و دوم توسعه پایدار،^۶ به موضوع فقر و پایان دادن بدان اختصاص دارد. باید در نظر داشت که «توسعه پایدار هدف نیست بلکه حرکت به سمت جهانی با برابری اجتماعی بیشتر و محوریت محیط‌زیستی بیشتر است» (مارتین بلز، ۱۳۹۱) تا از طریق دستیابی و تأمین نیازهای اولیه و اساسی فردی به بهبود و ارتقای زندگی گروهی و نیز بهبود کیفیت زندگی دست یابد. لذا، توجه به برنامه‌ریزی‌ها و همکاری‌های بین‌المللی به منظور کاهش شکاف میان جوامع و میان شهروندان نیز در این راستا قرار می‌گیرد.

برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان: در بسیاری از جوامع، زنان به لحاظ شاخص‌های سلامتی، دسترسی به آموزش، اشتغال، مشارکت و مواردی از این دست در موقعیت پایین‌تری قرار دارند. لذا، برنامه‌های توسعه پایدار باید دربرگیرنده خطمشی‌ها و سیاست‌هایی باشد که همه گروه‌ها و اقشار جامعه از جمله زنان را در برگیرد که از مؤثرترین و تأثیرگذارترین گروه‌های اجتماعی در

۱. اصل اول: انسان حقوقی بنیادی نسبت به آزادی، مساوات و شرایط مناسب و زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با وقار و سعادتمندانه را می‌دهد، دارد و مسئولیت حفظ و بهبود محیط‌زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را به عهده دارد. از این جهت سیاست‌های مشوق و تداوم‌دهنده اپراتارید، جدایی‌طلبی، تبعیض، استعمار و دیگر اشکال ظلم و تسلط خارجی محکوم می‌شوند و باید ناپدید گردند.

۲. اصل ۱: انسان، در کانون اهداف توسعه پایدار قرار دارد. انسان‌ها مستحق برخورداری از یک زندگی سالم و خلاق در هماهنگی با طبیعت می‌باشند.
۳. The Universal Declaration of Human Rights (UDHR)

۴. اصل ۵: کلیه دولت‌ها و مردم در رابطه با وظیفه اساسی ریشه‌کن کردن فقر به عنوان شرط اساسی توسعه پایدار، جهت کاهش تفاوت در سطح زندگی و رفع نیازهای اکثریت مردم جهان، باید با یکدیگر همکاری نمایند.

۵. آرمان ۱: از بین بردن فقر شدید و گرسنگی

۶. هدف ۱: پایان دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه جا؛ هدف ۲: پایان دادن به گرسنگی، تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر و توسعه کشاورزی پایدار

مسیر توسعه به شمار می‌روند. اصل بیستم اعلامیه ریو،^۱ آرمان سوم اهداف توسعه هزاره^۲ و هدف پنجم اهداف توسعه پایدار^۳ بر ضرورت توجه به نقش زنان با هدف توانمندسازی تأکید دارند.

گسترش بهداشت و سلامت: اصل نهم اعلامیه ریو،^۴ آرمان‌های چهارم الی ششم اهداف توسعه هزاره^۵ و هدف سوم اهداف توسعه پایدار^۶ بر ضرورت و تضمین ایجاد بسترهای مطلوب درمانی و سلامتی به منظور گسترش حوزه سلامت و مراقبت‌های بهداشتی به منظور ارتقای سلامت عمومی و بهبود شاخص‌های سلامت اشاره دارند.

آموزش همگانی: در حالی که در اصل نوزدهم بیانیه استکهلم^۷ بر آموزش موضوعات زیست‌محیطی تأکید شده است، آرمان دوم اهداف توسعه هزاره^۸ و هدف چهارم اهداف توسعه پایدار^۹ به آموزش همگانی و فراگیر برای همه اشاره دارند.

ضرورت ترویج صلح: صلح پایه‌ای اساسی برای خلق و ایجاد یک جهان بهتر است، همان آرمان و هدفی که توسعه پایدار نیز در پی تحقق آن است. جنگ و احتمال وقوع جنگ و خشونت افزون بر تأثیرگذاری بر ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی، مؤلفه‌های حقوق بشری، انسانی و اجتماعی را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد. در اصل بیست و ششم بیانیه اجلاس استکهلم،^{۱۰} اصول بیست و چهارم و بیست و پنجم اعلامیه ریو^{۱۱} و هدف شانزدهم اهداف توسعه پایدار^{۱۲} به طور صریح به این موضوع اشاره و بر اهمیت صلح و لزوم مصون ماندن از خشونت و جنگ تأکید شده است. ضروری می‌نماید اشاره شود که صلح را نیز باید در معنایی فراتر از وضعیت جنگی و رزمی، اقدامات خشونت‌آمیز تروریستی و یا عملیات انتحاری در نظر گرفت و بدان توجه داشت که اعمال هرگونه شیوه‌های غیرمسلحانه، صلح و تحقق توسعه پایدار را تهدید خواهد کرد. از این‌روست که ترویج فرهنگ صلح باید مدنظر برنامه‌های توسعه قرار گیرد. «فرهنگ صلح شامل ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهایی است که بیانگر و الهام‌بخش اعمال افراد و مشارکت متقابل اجتماعی مبتنی بر اصول آزادی، عدالت، دموکراسی، رعایت حقوق همه، دگرپذیری و همبستگی، نفی خشونت، تلاش برای پیشگیری از جنگ و حل مشکلات از طریق گفتگو و مشارکت کامل انسان در فرایند توسعه جوامع است» (صیوری و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۲)؛ که می‌تواند فرایندهای توسعه را تسریع بخشد یا آن را در مسیر درستی قرار دهد.

مشارکت: اصل دهم و بیست و یکم اعلامیه ریو،^{۱۳} آرمان هشتم اهداف توسعه هزاره^{۱۴} و هدف هفدهم اهداف توسعه پایدار^{۱۵} بر ضرورت و اهمیت تقویت مشارکت اشاره دارد. فراهم آوردن بسترهای مناسب به منظور مشارکت، فرصت‌های مغتنمی را برای تمرین مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان و نهادینه کردن فرهنگ مشارکت فعالانه و مسئولانه مردم ایجاد می‌کند؛ و می‌تواند چشم‌انداز دستیابی به توسعه پایدار را روشن‌تر و دست‌یافتنی‌تر سازد.

۶-۲- برنامه‌های پنجم و ششم توسعه ایران

۱. اصل ۲۰: زنان نقش حیاتی در زمینه مدیریت و توسعه محیط زیست دارند. از این‌رو مشارکت کامل آنان در نیل به توسعه پایدار ضروری و اساسی است.
۲. آرمان ۳: گسترش و ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان
۳. هدف ۵: دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران
۴. اصل ۹: دولت‌ها برای تقویت و ایجاد توانمندی‌های درمانی برای توسعه پایدار با ارتقاء دانش علمی از طریق تبادلات علمی و تکنولوژیکی و نیز از طریق ترویج، تطبیق، نشر و انتقال تکنولوژی، از جمله تکنولوژی‌های جدید و نوآور، باید با هم همکاری نمایند.
۵. آرمان ۴: کم کردن مرگ کودکان؛ آرمان ۵: بهبود سلامت مادران؛ و آرمان ۶: مبارزه با ایدز، مالاریا، توبرکلوز و دیگر بیماری‌ها
۶. هدف ۳: تضمین یک زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین
۷. اصل ۱۹: آموزش درباره موضوعات زیست‌محیطی برای نسل جوان و بزرگسالان با بذل توجه لازم نسبت به افراد مستضعف، برای وسیع‌تر کردن شالوده عقیده‌ای روشن‌بینانه و رفتاری مسئولانه، از طرف انسان‌ها، مؤسسات و اجتماعات درباره محافظت و بهبود محیط‌زیست در بعد کامل انسانی آن ضروری است. همچنین لازم است که وسایل ارتباط جمعی از کمک به تخریب محیط‌زیست اجتناب نمایند بلکه بالعکس اطلاعاتی آموزشی درباره نیاز به حمایت و بهبود محیط‌زیست برای توانایی دادن به انسان برای توسعه در هر زمینه، ارائه دهند.
۸. آرمان ۲: دست یافتن به آموزش ابتدایی همگانی
۹. هدف ۴: تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه
۱۰. اصل ۲۶: انسان و محیط‌زیست او باید از اثرات تسلیحات هسته‌ای و تمام وسایل تخریب عمومی دیگر مصون بماند. دولت‌ها باید برای رسیدن به توافقی سریع، از طریق ارگان‌های مناسب بین‌المللی، درباره حذف و نابودی کامل چنین سلاح‌هایی بکوشند
۱۱. اصل ۲۴: جنگ ذاتاً نابودکننده توسعه پایدار است. لذا، دولت‌ها باید در زمان تضادهای مسلحانه به قوانین بین‌المللی مربوط به حفاظت از محیط زیست احترام گذاشته و پس از خاتمه جنگ در صورت لزوم در توسعه بیشتر مشارکت کنند؛ اصل ۲۵: صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست وابسته به یکدیگر و غیرقابل تفکیک می‌باشند.
۱۲. هدف ۱۶: ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخ‌گو و فراگیر در همه سطوح.
۱۳. اصل ۱۰: مسائل مربوط به محیط زیست هنگامی به بهترین نحو حل و فصل می‌شوند که کلیه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت داشته باشند. در سطح ملی، هر فرد باید به اطلاعات مربوط به محیط زیست که در اختیار مقامات عمومی می‌باشد از جمله به اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرآفرین موجود در جوامع خویش دسترسی داشته و امکان شرکت در فرآیند تصمیم‌گیری را داشته باشد. دولت‌ها، از طریق اشاعه عام اطلاعات مربوط به محیط زیست، باید در ترویج و ارتقاء آگاهی عمومی در این زمینه بکوشند. دسترسی مؤثر به مذاکرات اداری و قضایی، منجمله به تصمیمات اصلاحی متخذه، باید تأمین گردد؛ و اصل ۲۱: خلاقیت، آرمان‌ها و شهامت جوانان باید جهت جلب مشارکت جهانی در نیل به هدف توسعه پایدار و تضمین آینده‌ای بهتر برای همگان بسیج گردد.
۱۴. آرمان ۸: گسترش مشارکت جهانی برای توسعه.
۱۵. هدف ۱۷: تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای (تحقق) توسعه پایدار.

برنامه‌های توسعه در تلاش هستند تا بر پایه واقعیت‌های موجود، آینده‌های بدیل مطلوبی را ایجاد کنند. برنامه‌های توسعه در ایران نیز که از جانب دولت وقت تهیه و تنظیم می‌شود و پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی قابلیت اجرایی شدن می‌یابد، از تلاش‌های ایران برای حرکت در مسیر توسعه به شمار می‌رود.

مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی در ۳ بخش چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی برنامه پنجم (۲ فصل)؛ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۹ فصل) و قوانین و مقررات تفیذی و ارجاعی در قانون برنامه پنجم (۲ فصل) و در ۲۳۵ ماده تهیه و تدوین شده است. بخش دوم که شامل ۹ فصل می‌باشد عبارتند از: فصل اول: فرهنگ اسلامی - ایرانی (۱۴ ماده)؛ فصل دوم: علم و فناوری (۹ ماده)؛ فصل سوم: اجتماعی (۲۲ ماده) [فصل اجتماعی از: ماده ۲۴ الی ماده ۴۵] شامل زیرعنوان کلی (۲ ماده)، بخش‌های بیمه‌های اجتماعی (۶ ماده)، سلامت (۶ ماده)، بیمه سلامت (۱ ماده)، حمایتی و توانمندسازی (۲ ماده)، سرمایه اجتماعی، جوانان و خانواده (۳ ماده) و ایثارگران (۲ ماده)؛ فصل چهارم: نظام اداری و مدیریت (۲۳ ماده)؛ فصل پنجم: اقتصادی (۱۰۹ ماده)؛ فصل ششم: توسعه منطقه‌ای (۱۷ ماده)؛ فصل هفتم: دفاعی، سیاسی و امنیتی (۱۶ ماده)؛ فصل هشتم حقوقی قضائی (۲ ماده)؛ و فصل نهم: بودجه و نظارت (۲۳ ماده).

برنامه قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی در ۱۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره تهیه و تنظیم شده است که بخش‌های ۲۰ گانه آن عبارتند از: ماده ۱: تعاریف و اختصارات؛ ماده ۲: مسائل محوری برنامه؛ و نیز بخش ۱: اقتصاد کلان (۳ ماده)؛ بخش ۲: بودجه و مالیه عمومی (۴ ماده)؛ بخش ۳: نظام پولی و بانکی و تأمین منابع مالی (۱۱ ماده)؛ بخش ۴: محیط کسب‌وکار، خصوصی‌سازی و مناطق آزاد (۵ ماده)؛ بخش ۵: توازن منطقه‌ای، توسعه روستایی و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر (۲ ماده)؛ بخش ۶: نظام اداری، شفافیت و مبارزه با فساد (۳ ماده)؛ بخش ۷: کشاورزی (۴ ماده)؛ بخش ۸: آب (۳ ماده)؛ بخش ۹: محیط زیست و منابع طبیعی (۱ ماده)؛ بخش ۱۰: انرژی، صنعت و معدن (۱۲ ماده)؛ بخش ۱۱: حمل و نقل و مسکن (۱۲ ماده)؛ بخش ۱۲: آموزش عمومی، آموزش عالی و علم و فناوری (۴ ماده)؛ بخش ۱۳: ارتباطات و فناوری اطلاعات (۳ ماده)؛ بخش ۱۴: سلامت، بیمه، سلامت و زنان و خانواده (۷ ماده)؛ بخش ۱۵: بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی (۹ ماده)؛ بخش ۱۶: امور ایثارگران (۶ ماده)؛ بخش ۱۷: فرهنگ، هنر و ورزش (۱۳ ماده)؛ بخش ۱۸: سیاسی، دفاعی و امنیتی (۸ ماده)؛ بخش ۱۹: حقوقی و قضائی (۷ ماده)؛ بخش ۲۰: نظارت و ارزشیابی برنامه (۵ ماده)؛ و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور در ۷۳ ماده ارائه شده است (قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶).

در ابتدا و پیش از پرداختن به بعد اجتماعی در برنامه‌های توسعه ذکر چند مورد ضروری می‌نماید: اول آنکه، همانگونه که در عنوان برنامه نیز آمده است، از اصطلاح «پایداری» اجتناب شده است و به نظر می‌رسد توسعه بدون پایداری مدنظر بوده است. این بدان معناست که اگرچه در برنامه‌ها گاهی به طور پراکنده به مؤلفه‌های توسعه پایدار اشاره شده است ولیکن درک صحیح و ساختارمندی از مفهوم و اهداف توسعه پایدار وجود ندارد.^۱ از این‌روست که شاید توجه ناموزن به ابعاد ۳ گانه توسعه پایدار (محیط‌زیستی، اقتصادی و اجتماعی) در برنامه‌ها بدین سبب باشد. «در این برنامه‌ها اصل بر توسعه اقتصادی بوده است» (واعظ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۴۷)، به طوریکه برای نمونه ۱۰۹ ماده از ۲۳۵ ماده قانون پنجم توسعه به فصل اقتصادی اختصاص یافته است و در مقابل میث محیط زیست یکی از بخش‌های فصل توسعه منطقه‌ای با ۷ ماده است. در برنامه ششم نیز اگرچه به طور مجزا به محیط زیست و منابع طبیعی (بخش ۹) و نیز مباحث سلامت، بیمه، سلامت و زنان و خانواده (بخش ۱۴) و بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی (بخش ۱۵) پرداخته شده است ولیکن همچنان محور و اساس بر اقتصاد است. درحالیکه باید در نظر داشت «معیارهای اقتصادی تنها نماینده بخشی از نیازهای نسل بشر است» (مکی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲۱) و کم‌توجهی یا بی‌توجهی به ابعاد مختلف توسعه پایدار، پایه‌های استقرار و حرکت در مسیر توسعه را نامتوازن و دستیابی بدان را با دشواری‌های فراوانی روبرو می‌سازد.

دیگر آنکه، توسعه پایدار «امروزه مقارن با مفهوم توسعه عادلانه و همه‌جانبه و متوازن است» (توتونچیان، ۱۳۹۵) و ضروری است که در فرایند و برنامه‌های توسعه به عدالت و برابری توجه ویژه‌ای مبذول گردد که در غیر این صورت فرایند توسعه نامتوازن و دستیابی بدان ناممکن می‌شود. این درحالیست که با اذعان به توسعه نامتوازن مناطق کشور حسب مناطق جغرافیایی، بر عدالت و برابری مناطق به لحاظ دسترسی به زیرساخت‌ها یا توسعه مناطق توجه نشده است.

۱. برای نمونه در برنامه ششم توسعه، در بند پ ماده ۴۸ (بخش ۱۰: انرژی، صنعت و معدن) آمده است: «پ- از طریق سازمان انرژی اتمی ایران در راستای ارتقای آگاهی‌ها و پذیرش اجتماعی و مشارکت‌افزایی در دستیابی به توسعه پایدار برق هسته‌ای و هماهنگی اجتماعی خود اقدامات لازم را طبق قوانین و مقررات مربوطه در این خصوص، با اولویت مناطق دارای ساختگاه هسته‌ای به‌عمل آورد». و یا مورد اول از بند پ ماده ۵۳ (بخش ۱۱: حمل و نقل و مسکن): «پیش‌بینی و مدیریت نیازمندی‌های توسعه ناوگان هوایی کشور با رعایت خط‌مشی‌های مبتنی بر توسعه پایدار»

همچنین باید در نظر داشت برنامه‌ها باید در این مرحله، قابلیت اجرا داشته باشند و عملیاتی باشند (سطح کنش‌های چارچوب توسعه پایدار استراتژیک) در حالیکه توجه به این امر کمتر به چشم می‌خورد.^۱

در ادامه، به مهم‌ترین مفاهیم اشاره شده در بخش نظری، و به طور ویژه پایداری اجتماعی، با توجه به برنامه‌های توسعه ایران پرداخته خواهد شد:

مفهوم سرمایه اجتماعی: در برنامه پنجم توسعه و در فصل سوم - اجتماعی به عنوان سرمایه اجتماعی اشاره شده است (سرمایه اجتماعی، جوانان و خانواده) ولیکن در مواد ذیل آن بدان پرداخته نشده و هیچ استراتژی و سازوکار مشخصی در این خصوص اتخاذ نگردیده است.

در برنامه توسعه ششم در ۲ مورد (بند الف ماده ۷۷ در بخش ۱۵-بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی) و مورد سوم از محور الف ماده ۸۰ بخش ۱۵ (بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی) به این مفهوم اشاره شده ولیکن در یک مورد به جمعیت هلال احمر این مأموریت را داده که اقداماتی در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی انجام دهد؛^۲ و در مورد دیگر به «تدوین سالانه اطلس آسیب‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر اساس شاخص‌های سلامت اجتماعی در کشور توسط سازمان امور اجتماعی و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط»^۳ (ماده ۸۰ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶). اشاره شده است که افزون بر وجود ابهامات بسیار، تهیه و تدوین آن نیز به آینده واگذار شده است.

مفهوم اعتماد: همانگونه که در بخش نظری اشاره شد، اعتماد بین مردم و مؤسسات عمومی/ نهادهای دولتی نظیر دادگاه‌ها، مدارس، حکومت‌ها و بیمارستان‌ها دارای اهمیت بسیار و برای سلامت جامعه و ارتقای سرمایه اجتماعی ضروری است. به بیانی دیگر، در چارچوب توسعه پایدار استراتژیک فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد اجتماعی با چگونگی عملکرد مؤسسات عمومی و نهادهای دولتی همبسته است. لذا در برنامه‌ریزی‌ها باید در خصوص ارتقای بهبود عملکرد و کیفیت خدمات این نهادها توجه ویژه‌ای نشان داد. ضمن آنکه، از این طریق می‌توان بر دیگر ابعاد پایداری نیز تأثیر گذاشت. آنچنان که وقتی «اعتماد» بین مردم به عنوان یک شاخص پایداری اجتماعی وجود نداشته باشد، هیچگونه مشارکتی صورت نمی‌گیرد تا از طریق این مشارکت همگانی بتوان بخشی از مشکلات و مسائل زیست محیطی یا اقتصادی را مرتفع کرد. این در حالیست که در برنامه ششم یک‌بار و در ماده ۱۱۶، بخش ۱۹- حقوقی و قضائی بدان اشاره شده است^۴ که در آن فقط بر ضرورت پیش‌بینی تمهیداتی بدین منظور تأکید شده است و از اصلاح تشکیلات و ساختار سازمانی غفلت کرده است.

نیازهای انسانی: اگرچه همان‌طور که در مطالعات قبلی نیز به درستی بدان اشاره شده است «رویکرد غالب در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه ایران، رویکرد نیازهای اساسی است که نیازهایی مانند اشتغال، بهداشت، مسکن و تغذیه را دربرمی‌گیرد» (واعظ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ص. ۴۵)؛ ولیکن تحلیل این برنامه‌ها مطابق با مقوله‌های ۹ گانه مکس- نیف، نشان‌دهنده آن است که، صرفاً به چند نیاز اساسی پرداخته شده و از دیگر نیازهای انسانی غفلت شده است و یا در معنایی محدود و متفاوت به کار رفته است. برای نمونه در برنامه پنجم توسعه، به مفهوم مشارکت در بندهای ک و ل ماده ۱۸ (فصل دوم - علم و فناوری)،^۵ ماده ۱۷۱

۱. آنچنان که در برخی موارد آیین‌نامه‌های اجرایی موارد ذکر شده به وزارتخانه یا سازمان ذیربط و تصویب هیأت وزیران موکول شده است. برای نمونه در بند ز ماده ۳۸ بخش ۹ (محیط زیست و منابع طبیعی) برنامه ششم توسعه آمده است: «ز- اجرای برنامه مدیریت سبز شامل مدیریت مصرف انرژی، آب، مواد اولیه، تجهیزات و کاغذ، کاهش مواد جامد زائد و بازیافت آنها در ساختمان‌ها و وسائط نقلیه، در کلیه دستگاه‌های اجرایی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در چهارچوب قوانین مربوطه

تبصره- آیین‌نامه اجرائی این بند به پیشنهاد مشترک وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط زیست به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

و یا ماده ۸۰- «دولت مکلف است طبق قوانین مربوطه و مصوبات شورای اجتماعی به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و مفاسد اخلاقی مشتمل بر محورهای ذیل اقدام کند به‌گونه‌ای که آسیب‌های اجتماعی در انتهای برنامه به بیست و پنج درصد (۲۵٪) میزان کنونی کاهش یابد».

۲. «جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به منظور افزایش ضریب ایمنی و تاب‌آوری جامعه، پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از حوادث و سوانح، ارائه خدمات بشردوستانه در قالب قوانین بودجه سنواتی اقدامات ذیل را انجام دهد:

الف- کمک به حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی با استفاده از توان و ظرفیت‌های مردمی و افزایش مشارکت‌های اجتماعی مردم» (قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶)

۳. «دولت مکلف است طبق قوانین مربوطه و مصوبات شورای اجتماعی به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و مفاسد اخلاقی مشتمل بر محورهای ذیل اقدام کند به‌گونه‌ای که آسیب‌های اجتماعی در انتهای برنامه به بیست و پنج درصد (۲۵٪) میزان کنونی کاهش یابد:

الف- پیشگیری

تدوین سالانه اطلس آسیب‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر اساس شاخص‌های سلامت اجتماعی در کشور توسط سازمان امور اجتماعی و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط» (قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶).

۴. «الف- در راستای کاهش مراجعه مردم به مراجع قضائی و تسریع در حل و فصل اختلافات، قوه قضائیه مکلف است با همکاری دولت به منظور افزایش حل و فصل اختلافات از طریق داوری، ایجاد و توسعه نهادهای داوری و اعتمادسازی و ایجاد اقبال عمومی و حمایت از آنها، تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه تمهیدات لازم را پیش‌بینی نماید» (ماده ۱۱۶ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶).

۵. «ک- ایجاد سازوکارهای مناسب برای افزایش سهم مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و استعدادهای برتر در تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کشور

(فصل پنجم: اقتصادی، بخش مسکن)^۱، مورد هـ ماده ۱۹۴ (فصل ششم: توسعه منطقه‌ای، بخش توسعه روستایی)^۲ و ماده ۲۰۵ (فصل هفتم: دفاعی، سیاسی و امنیتی بخش سیاسی، امنیتی)^۳ اشاره شده است ولیکن همانگونه که عیان است در معنایی غیر از آنچه در بخش‌های نظری از آن مراد بوده است. باید در نظر داشت، طبق چهارچوب توسعه پایدار استراتژیک (در سطح موفقیت چارچوب) اگر مردم دریابند که شرایط درون سیستم اجتماعی سبب عدم تأمین نیازهای اساسی آنها شده و یا آن را تضعیف کرده، منجر به فرسایش اعتماد و سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود؛ و این مفاهیم همچون زنجیره‌ای به یکدیگر متصل هستند. مفهوم همدلی: همانطور که در سطح استراتژیک چارچوب توسعه پایدار استراتژیک بدان اشاره شد، قاعده طلایی در پایداری اجتماعی یک دستورالعمل تکمیلی و راهبردی برای عمل در این خصوص می‌باشد که بر پایه همدلی قرار دارد. متأسفانه در هیچکدام از برنامه‌ها بدان اشاره‌ای نشده و راهبردی در این خصوص اتخاذ نشده است. همدلی که به معنای توانایی قرار دادن خویشتن به جای دیگری است، می‌تواند به میزان زیادی مشکلات و مسائلی که نشأت گرفته از عدم فهم و درک متقابل است را مرتفع سازد و منجر به بهبود در روابط و تعاملات با دیگر افراد شود. از این مفهوم می‌توان برای تأکید بر احترام به فرهنگ‌های مختلف و اجتناب از گفت‌وگوهای خشونت و تنازعات نشأت گرفته از تفکر و عمل برتری قومی، نژادی و مذهبی و در نهایت، کاهش تضادها و تنش‌های احتمالی و بالقوه در جامعه بهره گرفت. از آموزش و آشنایی شهروندان با این مفاهیم در راستای حاکم کردن تفکر انسان‌دوستانه به افراد، فرهنگ مدارا و یادگیری برای درک و فهم انسان‌ها در رعایت حقوق خود و دیگران و دوری از تفکر برتری نژادی و قومی و مذهبی و درک صحیح غفلت شده است.

نتیجه‌گیری

همانگونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، نقطه محوری پایداری اجتماعی ارتباط افراد با یکدیگر برای داشتن زندگی مسالمت‌آمیز با یکدیگر، تأمین نیازهای اساسی فردی و بهبود و ارتقای زندگی گروهی است. با توصیف وضعیت موجود در ایران می‌توان گفت، جامعه در خصوص جنبه‌های ۳گانه توسعه پایدار دچار چالش‌های اساسی است؛ ولیکن، به نظر می‌رسد آنچه که بیش از مسائل و بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی در جامعه حائز اهمیت می‌باشد، توجه به بعد اجتماعی توسعه پایدار یا همان پایداری اجتماعی است. نمی‌توان انکار کرد که ایران نیز به سان دیگر کشورهای خاورمیانه، اسیر و درگیر در تنازعات قومی، نژادی و مذهبی، پرخاشگری و خشونت و عدم مدارا و همدلی در جامعه است و نیازمند کوشش‌هایی آگاهانه از طریق احترام به اختلافات ارزشی، اعتقادی و فرهنگی در جامعه و مشارکت فعالانه برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار می‌باشند. پرداختن به این امر که روابط افراد با یکدیگر و در اجتماع چگونه تعریف و عمل می‌شود، و تا چه اندازه به حفظ و ثبات مؤلفه‌های اجتماعی در روابط بین افراد مبتنی بر اصول حقوق بشری و انسانی توجه می‌شود، در راستای پایداری اجتماعی و از وظایف و تعهدات دولت‌هاست؛ که در اسناد مرتبط با توسعه پایدار نیز عامدانه و آگاهانه به نقش دولت‌ها در تحقق اهداف توسعه پایدار اشاره شده است. از این‌روست که اتخاذ موضع انفعالی یا طرد منشورها و چارچوب‌های نظری متعدد در حوزه توسعه پایدار نمی‌تواند راهگشا باشد و باید افزون بر اتخاذ موضع فعال در این عرصه، از طریق آشنایی و شناخت ابعاد و مؤلفه‌های توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه توجه ویژه‌ای بدان‌ها مبذول داشت. اما آنچه از برنامه‌های پنجم و ششم توسعه ایران در چارچوب توسعه پایدار استراتژیک بر می‌آید آن است که این برنامه‌ها به ویژه در خصوص پایداری اجتماعی دچار کاستی‌های اساسی می‌باشند؛ در یک نگاه کلی و با ربط منطقی و پیوستگی و تناسب ابعاد پرداخته نشده است؛ در مرحله تعریف از موفقیت و دستیابی به اهداف مورد نظر باقی مانده‌اند و کمتر قابلیت اجرایی و عملیاتی شدن دارند؛ و حتی به الزامات ابتدایی برنامه همچون نگاه کلی و ساختارمند، سازوکار روشن، اولویت‌دهی به برنامه‌ها و زمان‌دهی مناسب و تناسب با بازگشت سرمایه توجهی نشده است. ضمن آنکه با دید و نگاه از بالا به پایین، از ضرورت و اهمیت نقش‌آفرینی شهروندان غفلت شده است.

۱ - ایجاد سازوکار لازم برای مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و دانشمندان کشور در همایش‌ها، کنفرانس‌ها و مجامع علمی و پژوهشی بین‌المللی و برتر جهان و بهره‌گیری از توانمندیهای دانشمندان و نخبگان ایرانی در جهان و فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی مناسب در داخل و خارج کشور» (ماده ۱۸ از فصل دوم - علم و فناوری، مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹)

۲ - «الف - شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مکلف است نسبت به احصاء مناطق ویژه نیازمند بهسازی و نوسازی در بافت‌های فرسوده و دسته‌بندی طرح‌های واقع در این مناطق، با اولویت:

۱- طرح‌هایی که به دلیل وجود منافع عمومی، اجرای به موقع آنها ضروری است.

۲- طرح‌هایی که از طریق تدوین ضوابط و مقررات و مشارکت مردم و حمایت دولت، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به مرور زمان قابل انجام است، اقدام نماید» (ماده ۱۷۱، مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹).

۳ - هـ - بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن‌سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی مبتنی بر الگوی معماری اسلامی - ایرانی با مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی (ماده ۱۹۴، مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹).

۴ - ج - ایجاد و گسترش زیرساخت‌ها و سازوکارهای لازم برای مشارکت هرچه بیشتر مردم در راستای تقویت و تحکیم امنیت پایدار کشور (ماده ۲۰۵، مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹).

به نظر می‌رسد جامعه ایرانی در گذر به پایداری، راهی پرفراز و نشیب در پیش‌روی دارد و این در گام اول منوط به تغییر در نحوه درک و فهم و تفسیر انسان از روابط، تعاملات و فرایندهای انسان با طبیعت و نیز با یکدیگر است تا از طریق فراهم آوردن بسترهای مطلوب و برنامه‌ریزی‌های مناسب، جامعه را به جای بهتری برای زندگی و مکانی مملو از برابری و عدالت، صلح و مدارا و احترام به تنوع فرهنگی، نژادی و مذهبی تبدیل کند.

منابع

۱. توتونچیان، علیرضا (۱۳۹۵). از اهداف توسعه هزاره تا اهداف توسعه پایدار. اداره نشر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
۲. تیغ‌بخش، سمیرا؛ زهره سعادت‌مند و نرگس کشتی‌آرای (۱۳۹۶). طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی، یک مطالعه کیفی. فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ۸، شماره ۴، پیاپی ۳. صص. ۲۳۹-۲۷۰.
۳. رفیعی، محمد؛ مهسا جهانگیری‌راد، فاطمه صوفی کریمی (۱۳۹۸). تجزیه و تحلیل شاخص‌های توسعه پایدار ایران در بخش‌های جمعیت و بهداشت. شریه مهندسی بهداشت محیط، سال ۶ شماره ۳. صص. ۲۸۰-۲۶۵.
۴. سلطانی‌پور، فرزانه و بهزاد دماری (۱۳۹۵). وضعیت توسعه پایدار در ایران. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، سال ۱۴، شماره ۴ (پیاپی ۵۶)، صص. ۱-۱۴.
۵. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (۱۳۹۶). انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۶. کاظمی‌آذر، شهریار و پانته‌آ سلطان‌زاده (۱۳۹۷). فناوری نانو: رابرد ایران در تکاپوی توسعه پایدار و چالش‌های پیش‌رو. دنیای نانو، سال ۱۴، شماره ۵۲، صص. ۴۸-۵۸.
۷. مارتین بلز، فرانک؛ کم پی‌تی؛ محمدرضا کریمی علویجه و طاهره خارستانی (۱۳۹۱). نقش بازاریابی در پایداری و مسئولیت‌پذیری سازمان. اصفهان: آسمان‌نگار.
۸. مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹). معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
۹. مکی، تکتیم؛ سمیه سادات علویان پطرودی، مرضیه اسدی آقبلاغی، هلن اقصایی، سید حسین هاشمی (۱۳۹۷). مقایسه رویکردهای توسعه پایدار در ایران و سایر کشورها. محیط‌زیست و توسعه، سال ۹، شماره ۱۷، صص. ۱۷-۲۴.
۱۰. واعظ‌زاده، ساجده؛ اسداله نقدی و علی ایاسه (۱۳۹۴). مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران. مطالعات توسعه اجتماعی ایران. دوره ۷، شماره ۲. صص. ۴۵-۵۹.
11. Colantonio, Andrea (2007) Social sustainability: an exploratory analysis of its definition, assessment methods metrics and tools. EIBURS Working Paper Series (2007/01). Oxford Brooks University, Oxford Institute for Sustainable Development (OISD) - International Land Markets Group, Oxford, UK.
12. Egmond, N.D. Van, H.J.M. de Vries (2011). Sustainability: The search for the integral worldview. Futures 43: 853-867.
13. Robèrt, Karl-Henrik (2000). Tools and concepts for sustainable development, how do they relate to a general framework for sustainable development, and to each other? Journal of Cleaner Production 8, 3: 243- 254.
14. Lubin, David A. and Daniel C. Esty (2010). The Sustainability Imperative. The Big Idea. Harvard Business Review. (May 2010): 1-9.
15. Robèrt, Karl-Henrik, Goran Broman, David Waldron, henrik Ny, Sophie Byggeth, David Cook, Lena Johansson, Jonas Oldmark, George Basile, Hordur Haraldsson, Jamie MacDonald, Brendan Moore, Tamara Connell, and Merlina Missimer (2010). Strategic Leadership towards Sustainability. Nordic Swan Labeled papers, Karlskrona, Sweden.
16. Robèrt, Karl-Henrik (2010). Unifying Framework for Strategic Sustainable Development- FSSD - Cambridge in February 2010.
17. Holmberg, J., K.-H. Robèrt, and K.-E. Eriksson (1996). Socio-ecological principles for sustainability. In Getting Down to Earth — Practical Applications of Ecological Economics, International Society of Ecological Economics, edited by R. Costanza, et al. Washington DC, USA.

18. The World Commission on Environment and Development (WCED) (1987). Our Common Future. United Nations, the Oxford University Press.
19. Ny, Henrik, P. MacDonald Jamie, Göran Broman, Ryoichi Yamamoto, and Karl-Henrik Robert (2006). Sustainability constraints as system boundaries: An approach to making life-cycle management strategic. Journal of Industrial Ecology 10, no. 1-2: 61-77.

پیش‌بینی شفقت به خود بر اساس ذهن‌آگاهی و بهزیستی روانشناختی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۰

کد مقاله: ۳۵۲۴۲

ساره رسایی^{*}

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی شفقت به خود بر اساس ذهن‌آگاهی و بهزیستی روانشناختی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر زمان یک پژوهش مقطعی، از لحاظ نوع داده‌ها کمی و از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را همه دانشجویان دانشگاه آزاد همدان تشکیل داد. روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع تصادفی نسبی بود. از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول فیدل و تاباچنیک (۲۰۰۷) ۱۰۶ نفر انتخاب که به لحاظ احتیاط این تعداد به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. ابزار پژوهش شامل سه مقیاس استاندارد شفقت به خود نف (۲۰۰۳)، ذهن‌آگاهی براون و ریان (۲۰۰۳) و بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) بود. برای آزمون فرضیه پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. تحلیل نتایج نشان داد متغیر ذهن‌آگاهی پیش‌بینی کننده معنادار شفقت می‌باشد. متغیر بهزیستی روان‌شناختی نتوانست پیش‌بینی کننده معنادار شفقت باشد.

واژگان کلیدی: شفقت به خود، ذهن‌آگاهی، بهزیستی روانشناختی.

یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش ایجاد زمینه برای رشد همه جانبه فرد و تربیت انسان‌های سالم، کارآمد و مسئول برای ایفای نقش در زندگی فردی و اجتماعی است. از آنجایی که دانشجویان به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند، توجه به این قشر از لحاظ آموزشی و تربیتی، باروری و شکوفایی هر چه بیش‌تر نظام آموزشی و تربیت جامعه را موجب می‌گردد.

یکی از سازه‌های روان‌شناختی که اخیراً در روان‌شناسی غربی مفهوم‌پردازی شده است ولی ریشه‌اش به آیین بودا و سنت شرق برمی‌گردد شفقت یا خود شفقتی^۱ است (نوبی، ۲۰۱۴). هنگام احساس دلسوزی برای دیگران انسان باید به این نکته توجه داشته باشد که آن فرد در حال رنج بردن است، زمانی که ما به افراد آسیب دیده اجتماعی توجه می‌کنیم و به آنها کمک می‌کنیم در واقع برای تجربه رنج ایشان احساس دلسوزی می‌کنیم. نف^۲ شفقت را به عنوان سازه‌ای سه مؤلفه‌ای شامل مهربانی با خود در مقابل قضاوت کردن خود، اشتراکات انسانی در مقابل انزوا و بهشیاری در مقابل همانندسازی افراطی تعریف کرده است (نف، ۲۰۰۳: ۸۵-۱۰۱). خود شفقت‌گری بر پذیرش خود یا پذیرش تجربه خود در چارچوب مهربانی با خویش تأکید دارد. شفقت یا مهربانی با خود، درک خود به جای قضاوت خود و نوعی حمایت نسبت به کاستی‌ها و بی‌کفایتی‌های خود است. اعتراف به این که همه انسان‌ها دارای نقص هستند، اشتباه می‌کنند و درگیر رفتارهای ناسالم می‌شوند، مشخصه اشتراکات انسانی است. ذهن‌آگاهی، در مقابل همانندسازی افراطی در خود شفقتی، به یک آگاهی متعادل و روشن از تجارب زمان حال می‌انجامد و باعث می‌شود جوانب دردناک یک تجربه نادیده گرفته شود و مکرراً ذهن را اشغال نکند (اکین، ۲۰۱۰: ۹-۱۰). کولتز نیز شفقت را به معنی پذیرش این که زندگی سخت و با رنج همراه است، اما در عین حال داشتن انگیزه لازم کاهش دادن و پیشگیری کردن از شفقت بالا باعث عملکرد بهتر روانی و کمک به کاهش آسیب‌های روانی مانند افسردگی، اضطراب و کمال‌گرایی می‌شود (اکین، ۲۰۱۰: ۹-۱۰). افرادی که خود شفقتی بالایی دارند نسبت به افرادی که خود شفقتی کمی دارند سلامت روان‌شناختی بیشتری دارند. زیرا در آنها درد گریزناپذیر است همه انسان‌ها به نوعی با درد و سختی مواجه هستند و احساس شکستی که همه افراد تجربه می‌کنند به وسیله یک سرزنش خود بی‌رحمانه، احساس انزوا و همانندسازی افراطی با افکار و هیجان‌های استمرار نمی‌یابد. (افراد خود شفقت‌ورز به هنگام مواجهه با سختی، خود را سرزنش نمی‌کنند، کاری که افراد عادی و غیر شفقت‌ورز با خود انجام می‌دهند دائم با خود تکرار می‌کنند چرا این اتفاق برای من افتاد، به هنگام مواجهه با مسائل منزوی نمی‌شوند و در خود فرو نمی‌روند، بلکه به دنبال راه کارهای مثبت و سازنده هستند) خود شفقتی علاوه بر آن که فرد را در مقابل حالات روانی منفی محافظت می‌کند، در تقویت حالات هیجانی مثبت نیز نقش دارد. به عنوان مثال خودشفقتی با احساساتی چون پیوند اجتماعی و رضایت از زندگی مرتبط است. همچنین، خودشفقتی به ارضاء نیازهای اساسی خودمختاری، شایستگی و نیاز به برقراری ارتباط کمک می‌کند. افرادی که خود شفقتی بالاتری دارند، مهارت‌های مقابله هیجانی بیشتری گزارش می‌کنند، همچنین در ایجاد تمایز میان احساساتشان و بازسازی خلق منفی توانمندتر هستند (نف، ۲۰۰۳: ۸۵-۱۰۱).

شفقت به خود به صورت معناداری با داشتن شفقت نسبت به دیگران نیز همراه است (نف و پومیر، ۲۰۱۳: ۱۶۰-۷۶). افراد با شفقت با خود بالا تعارضات بین شخصی خود را با در نظر گرفتن نیازهای خود و دیگران حل می‌کنند (یارنل و نف، ۲۰۱۳: ۳-تاب-آوری بالاتر در مقابل استرس دارند (فلدمن و کوپکن، ۲۰۱۱: ۵۵-۱۴۳). نف شفقت با خود را به عنوان سازه‌ای سه مؤلفه‌ای شامل این موارد تعریف می‌کند، محبت نسبت به خود در برابر قضاوت نسبت به خود (درک خود به جای قضاوت یا انتقاد و نوعی مهرورزی و حمایت نسبت به کاستی‌ها و بی‌کفایتی‌های خود) اشتراکات انسانی در مقابل انزوا (اعتراف به این که همه انسان‌ها دارای نقص هستند و اشتباه می‌کنند) و ذهن‌آگاهی در مقابل همانسان‌سازی افراطی (آگاهی متعادل و روشن از تجارب زمان حال که باعث می‌شود جنبه‌های دردناک یک تجربه نه نادیده گرفته شوند و نه به طور مکرر ذهن را اشغال کنند) ترکیب این سه مؤلفه مرتبط، مشخصه فردی است که بر خود شفقت دارد (قربانی، سعیدی، سرافراز و شریفیان، ۱۳۹۲: ۹-۱).

پل گیلبرت نیز آموزش ذهن برای شفقت ورزی را مانند فیزیوتراپی برای ذهن می‌داند که تاثیر سیستم های تهدید و نیز کمال خواهی را با رساندن ما به آرامش و مهربانی به تعادل می‌رساند (پل گیلبرت، ۲۰۱۰: ۲۱).

داشتن شفقت به خود نیازمند این است که فرد به خاطر شکست‌ها یا نرسیدن به استانداردها، به انتقاد سخت‌گیرانه از خود نپردازد، در حقیقت یکی از ویژگی‌هایی که با پرورش شفقت با خود در افراد ایجاد می‌شود خردمندی است که این ویژگی به افراد اجازه می‌دهد بی‌فایده بودن خود انتقادی را درک کنند و مهربان بودن بیشتر با خود را انتخاب نمایند (رنجبر کهن و نوری، ۱۳۹۵: ۲۰۰).

1. self-compassion

2. Neff

3. Yarnell & Neff

دیگر متغیر پژوهش حاضر ذهن آگاهی است، ذهن آگاهی شکلی از مراقبه^۱ است که ریشه در تعالیم و آیین‌های مذهبی شرقی خصوصاً بودا دارد (سجادیان، نشاط‌دوست، مولوی و معروفی، ۱۳۸۴). در آغاز قرن بیستم، جیمز پیش‌بینی کرد که بودیسم تأثیر عمده‌ای بر روی روان‌شناسی غربی خواهد گذاشت. اکنون بیش از دو دهه است که پیش‌بینی او با علاقه روز افزونی به یکپارچه‌سازی روان‌شناسی غربی و معنویت شرقی به وقوع پیوسته است و روان‌شناسان بسیاری به دنبال آموزه‌های بودایی و تکنیک‌هایی برای آموزش ذهن هستند (باباپور خیرالدین پورشریفی، هاشمی و احمدی، ۱۳۹۱: ۳۸-۲۳).

ذهن آگاهی بدان معناست که شخص آگاهی خود را از گذشته و آینده به حال حاضر معطوف کند. زمانی که فرد در حال حاضر حضور داشته باشد، واقعیت را با تمام جنبه‌های درونی و بیرونی‌اش می‌بیند و در می‌یابد که ذهن به دلیل قضاوت و تعبیر و تفسیرهایی که انجام می‌دهد دائماً در حال نشخوار و گفتگوی درونی است. درواقع می‌توان از آن به عنوان به عنوان فرایندی غیرقضاوت‌گرانه و آگاهی متمرکز بر لحظه یاد کرد (استودارد و افاری، ۲۰۱۴). بنابراین ذهن آگاهی به ما این توانایی را می‌دهد تا آسیب‌پذیری‌های فراگیر در انسان را ببینیم و با آن روبه‌رو شویم و آنها را که بخشی از وجود ذاتی و درونی انسان‌ها هستند به چالش بکشیم. ماهیت آگاهی با تفکر و اندیشه، نه مذهبی و نه سحر و جادو است، بلکه موضوعی طبیعی است و به طور بالقوه برای همه ما قابل پذیرش و اجرا است (کابات-زین، ۲۰۰۳: ۱۴۴-۵۶). ذهن آگاهی نوعی آگاهی است که در زمان توجه ما به تجربیاتمان نسبت به موضوع خاصی شکل می‌گیرد. توجهی که هدفمند است (توجه به طور آشکار روی جنبه‌های خاصی از تجربه معطوف می‌شود) و در زمان حال (وقتی ذهن به گذشته یا آینده معطوف می‌شود آن را به زمان حال باز می‌گردانیم) و بدون قضاوت (فرایندی که با روح پذیرش نسبت به آنچه رخ داده است، همراه است) صورت می‌گیرد.

آگاهی از آنچه در آینده اتفاق می‌افتد و آنچه که در حال رخ دادن است «توجه عمیق و مستقیم به آن و مرتبط کردن آن با پذیرش موضوع آسان است، یعنی قدرت عمل مشاهده مشارکتی، گرچه ماهیت این موضوع و توجه به آن ساده است، تمرین ذهن آگاهی اغلب کاری سخت به نظر می‌رسد. تمرینی است که در آن به طور منظم به خود آموزش می‌دهیم تا به آنچه در اطرافمان رخ می‌دهد و ناشی از تجارب ما است، اطمینان کنیم. این تمرین همچنین به معرفی غریزه ما برای اجتناب از مشکل و جنبه‌های چالش برانگیز تجربه درمانی می‌پردازد (کرین، ۲۰۱۷).

درباره رابطه احتمالی ذهن آگاهی و شفقت ورزی، راسل کولتز می‌نویسد: «ذهن آگاهی منافع بالقوه فراوانی دارد که با درمان متمرکز بر شفقت سازگار است. آگاهی ذهن آگاهانه می‌تواند به مراجعان در افکار و هیجان‌های آزاددهنده و غرق شدن در آن محافظت کند؛ چرا که با دستیابی به این توانایی، آن‌ها مشکلات را صرفاً اتفاقاتی زودگذر برداشت خواهند کرد. در نهایت، مراجعان با توانایی ذهن آگاهی می‌فهمند افکار و هیجان‌ها را نباید به «کسی که هستند»؛ بلکه صرفاً به تجربه‌های ذهنی و بدنی ربط دهند (کلنس، ۲۰۱۶).

نهایت این که احساس خرسندی و بهزیستی در طول عمر، از مؤلفه‌های نگرش مثبت افراد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند. در واقع تجربه شادمانی و رضایت از زندگی هدف عالی زیستن در این جهان به شمار می‌رود و احساس غم و ناخرسندی اغلب مانعی در راه انجام وظایف است (هیونبر، اش و لاگین، ۲۰۰۱: ۱۸۳-۱۶۷). احساس بهزیستی به معنای ارزیابی کلی فرد از زندگی است که بر اساس اهداف شخصی و میزان دسترسی به آنها شکل می‌گیرد. این عامل یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر در زندگی تلقی می‌شود. به همین دلیل تأثیرات عمده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت آدمی و در یک کلام مجموعه زندگی انسان دارد و در پی آن همیشه بر عملکرد انسان در سطوح مختلف تأثیر می‌گذارد. بهزیستی روان‌شناختی به عنوان یک ابزار به لحاظ نظری بر جنبه‌های متعددی از سلامت روانی تمرکز دارد. که دارای شش بُعد مثبت شامل ۱- پذیرش خود؛ یعنی نگرش مثبت به خود و پذیرش جنبه‌های مختلف خود مانند ویژگی‌های خوب و بد و احساس مثبت درباره زندگی گذشته. ۲- روابط مثبت با دیگران؛ ۳- احساس استقلال و اثرگذاری در رویدادهای زندگی و نقش فعال در رفتارها. ۳- تسلط بر محیط؛ ۴- حس تسلط بر محیط، کنترل فعالیت‌های بیرونی و بهره‌گیری مؤثر از فرصت‌های پیرامون. ۴- زندگی هدفمند؛ داشتن هدف در زندگی و باور به این که زندگی حال و گذشته او معنی‌دار است. ۵- رشد شخصی؛ ۵- احساس رشد بادوام و دستیابی به تجربه‌های نو به عنوان یک موجود دارای استعدادهای بالقوه ۶- مستقل بودن ۶ (استقلال)، ملاک‌های فوق با کنش‌وری مثبت از قبیل رضایت از زندگی رابطه مثبت و با کنش‌وری‌هایی از قبیل افسردگی رابطه منفی نشان می‌دهد (لاپا، ۲۰۱۵: ۷۳۹-۴۳). با عنایت به مطالب فوق، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی شفقت به خود بر اساس ذهن آگاهی و بهزیستی روانشناختی دانشجویان دانشگاه آزاد همدان می‌باشد.

1. Mindfulness
2. self admission
3. positive relationships with others
4. dominate the environment
5. personal growth
6. independence

۲- پیشینه تحقیق

شفیعی و میری در پژوهش خود دریافتند که بین ذهن آگاهی و بهزیستی روانی رابطه وجود دارد (شفیعی و میری، ۱۳۹۸: ۱۵۱-۶۰). ورعی، مومنی و مرادی در پژوهش خود دریافتند که بین خودشفقت ورزی و بهزیستی روانی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد (نوبی ۲۰۱۴). کرد در پژوهش خود دریافت که بین ذهن آگاهی و شفقت ورزی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین پژوهش وی نشان داد که بین بهزیستی روانی و شفقت ورزی نیز رابطه معنادار مثبتی وجود دارد (کرد، ۱۳۹۵: ۲۷۳-۸۲).

صمدی فرد در پژوهشی با عنوان رابطه بین خودشفقتی و همجوشی شناختی با کیفیت زندگی دانشجویان. بدین نتیجه دست یافتند بین همجوشی شناختی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه مثبت معناداری به دست آمد (صمدی فرد، ۱۳۹۴). قزلسفلو، میراحمدی و جزایری در پژوهشی با عنوان رابطه بین تفکر قطعی نگر و خود شفقتی در دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، بدین نتیجه دست یافتند که همبستگی منفی بین خرده مقیاس‌های خود مهربانی، اشتراکات انسانی و ذهن آگاهی با تمام خرده مقیاس‌های تفکر قطعی نگر (قطعی نگر کلی، قطعی نگر در تعامل با دیگران، مطلق نگر فلسفی، قطعی نگر در پیش بینی آینده و قطعی نگر در حوادث منفی) و خرده مقیاس‌های قضاوت در مورد خود، انزوا و فزون همانندسازی با تمام خرده مقیاس‌های تفکر قطعی نگر رابطه مثبت دارد (قزلسفلو، میراحمدی و جزایری، ۱۳۹۳: ۱۰۶۰-۱۰۴۹).

صدیقی مرانی، ریمس و ورپلانکن در پژوهش خود رابطه معناداری بین شفقت ورزی و ذهن آگاهی ($r=0/60$) یافتند (صدیقی مرانی، ریمس و ورپلانکن، ۲۰۱۹). همچنین هفرنان، گرین و مک‌نالتی و فیتزپاتریک^۱ در پژوهشی با عنوان رابطه بین خود شفقتی و توانایی تنظیم هیجان دانش آموزان کشور انگلیس، بدین نتیجه دست یافتند که همبستگی مثبت معناداری بین شفقت به خود و توانایی تنظیم هیجان وجود دارد (هفرنان، گرین، مک‌نالتی و فیتزپاتریک، ۲۰۱۰: ۳۶۶-۷۳). احمدوند، حیدری نسب و شعیری در پژوهشی با عنوان رابطه بین ذهن آگاهی، بهزیستی هیجانی و تاب‌آوری در سالمندان شهر کره جنوبی، بدین نتیجه دست یافتند که بین این سه متغیر ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد (احمدوند، حیدری نسب و شعیری، ۱۳۹۳: ۱۰۶۰-۱۰۴۹).

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر زمان یک پژوهش مقطعی، از لحاظ نوع داده‌ها کمی و از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد همدان بود. از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول فیدل و تاباچنیک (۲۰۰۷) ۱۰۶ نفر انتخاب که به لحاظ احتیاط این تعداد به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. نمونه مذکور با روش نمونه‌گیری تصادفی نسبی انتخاب شدند.

۳-۱- ابزار پژوهش

پرسشنامه شفقت: برای اندازه‌گیری سازه شفقت از مقیاس شفقت نف استفاده گردید که متشکل از ۲۶ گویه و به صورت لیکرت از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) نمره‌گذاری می‌شود (نف، ۲۰۰۳: ۱۰۱-۸۵). دامنه نمرات پرسشنامه بین ۲۶ تا ۱۳۰ قرار دارند. این مقیاس سه مؤلفه دو قطبی را در قالب ۶ زیر مقیاس، مهربانی با خود در مقابل قضاوت در مورد، اشتراکات انسانی در مقابل انزوا، ذهن آگاهی در مقابل همانندسازی افراطی، اندازه‌گیری می‌کند. میانگین نمرات ۶ مؤلفه با هم جمع شده و یک نمره شفقت کل حاصل می‌شود (خسروی، صادقی و پاینده، ۱۳۹۲: ۵۸-۴۷).

اعتبار و روایی: ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش قزلسفلو و همکاران ۰/۸۳ به دست آمد. هم چنین، ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها به ترتیب خرده مقیاس مهربانی با خود ۰/۷۹، قضاوت در مورد خود ۰/۷۸، مشترکات انسانی ۰/۷۶، انزوا ۰/۷۷، هوشیاری (ذهن آگاهی) ۰/۷۹ و فزون همانندسازی ۰/۸۰ بدست آمد (قزلسفلو، میراحمدی و جزایری، ۱۳۹۳: ۱۰۶۰-۱۰۴۹). آلفای کرونباخ در نسخه ایرانی چنین گزارش شده است: مهربانی با خود ۰/۸۱، قضاوت نسبت به خود ۰/۷۹، اشتراکات انسانی ۰/۸۴، انزوا ۰/۸۵، ذهن آگاهی ۰/۸۰، همانندسازی افراطی ۰/۸۳ و کل مقیاس ۰/۷۶. برای بررسی روایی همگرا از مقیاس حرمت خود روزنبرگ استفاده شد که ۰/۵۹ به دست آمد. همچنین روایی افتراقی از طریق اجرای مقیاس شخصیت خودشفیفته محاسبه و همبستگی معنادار میان نمرات این دو مقیاس (خود شفقت ورزی و شخصیت خودشفیفته) به دست نیامد که حاکی از روایی افتراقی بالا است. روایی همزمان نیز از طریق اجرای پرسشنامه اضطراب بک و پرسشنامه افسردگی بک محاسبه شد و نتایج حاکی از روایی همزمان خوب بود (خسروی، صادقی و پاینده، ۱۳۹۲: ۵۸-۴۷). نتیجه پژوهش نف که روی نمونه‌ای متشکل از ۳۹۱ دانشجویان انجام گرفته بود، پایایی و روایی بالایی را برای آن نشان داده‌اند. همسانی درونی مقیاس از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای کل مقیاس ۰/۹۲ و برای هر کدام از زیر مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۷، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۵ و ۰/۸۱ به دست آمده

است(نف، ۲۰۰۳: ۱۰۱-۸۵). همچنین دو هفته پس از اجرای آزمون از سایر آزمودنی‌ها، بازآزمون به عمل آمد و پایایی بازآزمایی ۰/۹۳ گزارش شد(خسروی، صادقی و پاینده، ۱۳۹۲: ۵۸-۴۷).

پرسشنامه ذهن‌آگاهی: این پرسشنامه توسط برون، ریان و کراسول ۱ ساخته شده است و برای سنجش ذهن‌آگاهی به کار می‌رود. مقیاس ذهن‌آگاهی ۱۵ ماده دارد که افراد پاسخ خود را به هر عبارت با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از «تقریباً هیچ وقت» (با نمره یک) تا «تقریباً همیشه» (با نمره پنج) درجه‌بندی می‌کنند(براون، ریان و کراسول، ۲۰۰۷: ۲۱۱-۳۷). اعتبار و روایی: این مقیاس در جامعه ایران اجرا شده و آلفای آن ۰/۸۲ است و با متغیرهای مربوط از جمله خودشناسی و سلامت روان، در نمونه‌های مختلف ارتباط نشان داده است (امیدی‌بیکی، خلیلی، لواسانی و قربانی، ۱۳۸۱: ۳۴۱-۳۲۷). این مقیاس از پایایی درونی خوبی برخوردار است، به طوری که روی هفت گروه نمونه اجرا شده و آلفای کرونباخ آن بین ۰/۸۲ تا ۰/۸۷ گزارش شده است. روایی این مقیاس نیز در حد بالایی گزارش شده است به طوری که همبستگی‌های بسیار بالایی ($P < ۰/۰۰۰۱$) را با تعدادی از متغیرهای سلامت روان داشته است(امیدی‌بیکی، خلیلی، لواسانی و قربانی، ۱۳۸۱: ۳۴۱-۳۲۷).

پرسشنامه بهزیستی روانی: در مقیاس روان‌شناختی ریف ۲ (۱۹۸۹) که برای بزرگسالان تهیه شده است. آزمودنی باید در یک طیف (لیکرت ۷ درجه‌ای) مشخص سازد که تا چه حد با هر یک از این عبارات موافق یا مخالف است. شیوه نمره‌گذاری گزینه‌های مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) بدین شرح است: کاملاً موافق=۱، تا حدی موافق=۲، کمی موافق=۳، نه موافق و نه مخالف=۴، کمی مخالف=۵، تا حدی مخالف=۶ و کاملاً مخالف=۷. برای به دست آوردن نمره مربوط به هر زیر مقیاس کافی است، نمره همه عبارات مربوط به زیر مقیاس مورد نظر را با هم جمع کنیم. از جمع امتیاز ۱۸ عبارت نیز نمره بهزیستی روان-شناختی کلی به دست می‌آید. عبارات زیر مربوط به هر زیر مقیاس: زیر مقیاس پذیرش خود: ۲ - ۸ - ۱۰. زیر مقیاس روابط مثبت با دیگران: ۳ - ۱۱ - ۱۳. زیر مقیاس خود مختاری: ۹ - ۱۲ - ۱۸. زیر مقیاس تسلط بر محیط: ۱ - ۴ - ۶. زیر مقیاس زندگی هدفمند: ۵ - ۱۴ - ۱۶. زیر مقیاس رشد فردی: ۷ - ۱۵ - ۱۷.

روایی و پایایی: پایایی: ضریب همسانی درونی زیر مقیاس‌های فرم کوتاه مقیاس بهزیستی روان‌شناختی و همچنین ضریب همسانی درونی کل آزمون حدود ۰/۵۰ گزارش شده است. اعتبار: شواهد مربوط به اعتبار همگرای آزمون بهزیستی روان‌شناختی حاکی از آن است که شش عامل بهزیستی روانی با رضایت از زندگی، عزت نفس و اخلاقیات رابطه مثبت با افسردگی، شانس و منبع کنترل بیرونی رابطه منفی دارند (ریف، ۱۹۸۹: ۱۰۸۱-۱۰۶۹).

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد ۴۲ درصد از نمونه را مردان و ۵۸ درصد را دانشجویان زن تشکیل داده اند. با توجه به اطلاعات این جدول ۲۰ درصد نمونه در مقطع کاردانی، ۳۸ درصد دانشجویان در مقطع لیسانس، و ۴۲ درصد در مقطع فوق لیسانس مشغول به تحصیل هستند. با توجه به اطلاعات این جدول ۳۳ درصد کمتر از ۲۰ سال، ۱۶ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال و ۵۱ درصد بیشتر از ۳۰ سال سن داشتند.

۴-۱- بررسی مفروضه‌های تحلیل رگرسیون

- **سطح داده‌های فاصله‌ای:** سطح متغیرهای پیش‌بین و ملاک، زمانی که از SPSS برای برآورد پارامترها استفاده می‌شود باید حداقل فاصله‌ای باشد، که در این پژوهش از داده‌های فاصله‌ای استفاده شده است. همچنین متغیرهای پیش‌بین از نوع فاصله-ای است.

- **آزمون مستقل بودن داده‌ها:** این آزمون با استفاده از آماره دوربین واتسون اندازه‌گیری می‌شود. اگر آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد نشان می‌دهد که این پیش فرض رعایت شده است. در این پژوهش آماره دوربین واتسون ۱/۸۱ به دست آمد که نشان می‌دهد این پیش فرض رعایت شده است.

جدول ۱- آزمون استقلال داده‌ها

آماره	مقدار
دوربین واتسون	۱/۸۱

- **نرمال بودن توزیع صفات:** توزیع نمره‌های متغیر وابسته در جامعه برای هر ارزش متغیر مستقل بایستی به صورت نرمال باشد. برای بررسی این مفروضه آماره کولموگروف اسمیرنوف با استفاده از SPSS مورد بررسی قرار گرفت که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۲- آماره کولموگروف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن

متغیرها	Z آماره	DF	سطح معناداری
شفقت	۰/۰۳	۱۲۰	۰/۰۸

نتایج بررسی نرمال بودن متغیرها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف نشان داد متغیر پژوهش دارای توزیع نرمال است.

- **چند هم خطی:** جهت بررسی این پیش فرض اساسی از شاخص Tolerance و VIF استفاده شد و نتایج نشان داد از آنجایی که در همه متغیرها مقدار Tolerance کمتر از ۰/۱ نبوده و شاخص VIF نیز بیشتر از ۱۰ نبود بنابراین چندهم خطی وجود ندارد.

جدول ۳- بررسی چند هم خطی

متغیر	Tolerance	VIF
ذهن آگاهی	۰/۹۹	۱/۰۰۳
بهبودی شناختی	۰/۹۹	۱/۰۰۳

ذهن آگاهی و بهبودی روان شناختی می‌توانند شفقت به خود را دانشجویان را پیش‌بینی کنند. جهت بررسی این فرضیه پژوهشی از رگرسیون به روش همزمان استفاده شد. رگرسیون اجازه می‌دهد نمره یک فرد در یک متغیر بر اساس نمره او در متغیر دیگر پیش‌بینی شود. در جدول زیر خلاصه نتایج مقدار واریانس تبیین شده و معناداری مدل به روش همزمان ارائه می‌گردد.

جدول ۴ خلاصه نتایج مقدار واریانس تبیین شده و معناداری مدل

شاخص روش	R	R ²	F	DF1	DF2	سطح معناداری
هم زمان	۰/۹۱	۰/۸۴	۲۹۷/۶۵	۲	۱۱۷	۰/۰۰۱

جدول ۱ خلاصه نتایج مقدار واریانس تبیین شده و معناداری مدل را نشان می‌دهد. نسبت F و سطح معناداری آن بیانگر اثر معنادار متغیرهای ذهن آگاهی و بهبودی روان شناختی در معادله رگرسیون است ($p \leq 0.05$). همانطور که مشاهده می‌شود در پیش‌بینی شفقت دانشجویان R² محاسبه شده ۰/۸۴ است یعنی این متغیرها ۰/۸۴ درصد از واریانس متغیر شفقت دانشجویان را تبیین می‌کند.

جدول ۵- ضریب حاصل از رگرسیون به روش همزمان متغیر پیش‌بینی کننده شفقت

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معناداری
	B	SD			
ثابت	۱۸/۶۷	۳/۶۲		۵/۱۶	۰/۰۰۱
ذهن آگاهی	۱/۳۲	۰/۰۵	۰/۹۱	۲۴/۳	۰/۰۰۱
بهبودی روان شناختی	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۴۲	۰/۶۷

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که متغیر ذهن آگاهی پیش‌بینی کننده معنادار شفقت می‌باشد. ضریب بتا نشان می‌دهد که این پیش‌بینی مستقیم است و هر چه نمره ذهن آگاهی دانشجویان بالاتر شود نمره شفقت به خود آنها بالاتر است. این نتیجه نشان می‌دهد که اگر یک واحد به ذهن آگاهی دانشجویان اضافه شود، ۰/۹۱ به نمره شفقت به خود آنها اضافه می‌شود. متغیر بهبودی روان شناختی نتوانست پیش‌بینی کننده معنادار شفقت در سطح ۰/۰۵ باشد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

در تبیین یافته فرضیه می‌توان گفت، این یافته که متغیر ذهن‌آگاهی پیش‌بینی کننده معنادار شفقت می‌باشد. نتیجه این یافته با یافته‌های صمدی‌فرد (۱۳۹۴) قزل‌سلو و همکاران (۱۳۹۳)، هفرنان و همکاران (۲۰۱۰) احمدوند و همکاران (۱۳۹۰) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت گتین ذهن‌آگاهی را به عنوان مشاهده مستقیم ذهن و بدن در زمان حال و بدون قضاوت تعریف می‌کند و آن را پایدارتر و توسعه یافته‌تر از توجه صرف می‌داند (گتین، ۲۰۱۱: ۲۶۳-۲۷۹). قضاوت نکردن، ذهن‌آگاهی را پرورش می‌دهد. وقتی شما با وضعیت هیجانی یا فیزیکی سختی روبرو می‌شوید، با قضاوت نکردن درباره تجربیات، بیشتر از آنچه می‌بینید و هستید و چیزی که باید باشید، آگاه می‌شوید (وگو و دیوید، ۲۰۱۲: ۲۹۶). کسی که در زمان حال زندگی می‌کند، بدون توجه به گذشته و آینده، مسلماً زندگی بهتری خواهد داشت و بیشتر با خود مهربان است، تا کسی که در گذشته زندگی می‌کند، همیشه نگران گذشته است، مسلماً حال و آینده خود را از دست می‌دهد، کسی که در حال زندگی می‌کند، زندگی گذشته و آینده خود را تضمین خواهد کرد، افرادی که در گذشته زندگی می‌کنند، همیشه خود خودخوری دارند و خودخوری کردن، دلیلی است بر این که فرد با خود مهربان نیست، در صدد ظلم و ستم به خود است، که مدام گذشته را مرور می‌کند، با این کار افکار و اعمال خود را تباه خواهد کرد.

راسل کولتز می‌نویسد: «توانایی مشاهده ذهن آگاهانه افکار و هیجان‌های آزاددهنده، بدون غرق شدن در آن یا دوری از آن از طریق هدایت دوباره توجه نیز می‌تواند به مراجعان کمک کند نوعی از تحمل‌پریشانی را متحول سازند که برای شفقت‌ورزی مهم است» (کولتز، ۲۰۱۶).

همچنین می‌توان گفت، مفهوم ذهن‌آگاهی به افراد کمک می‌کند تا بپذیرند اگر چه هیجانات منفی در زندگی همه انسان‌ها وجود دارد، اما بخش ثابتی از شخصیت و روند زندگی نیستند. پذیرش این مسأله فرد را توانمند می‌سازد که به جای واکنش غیرارادی به هیجانات و رویدادهای برانگیزاننده آنها، آگاهانه واکنش نشان دهند و به شیوه‌ای کارآمدتر با زندگی رابطه برقرار کنند (روتس، دی زویسا، فریرسون، هوتون، ویلیامز و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۸۹-۲۹۵). در توضیح این قسمت می‌توان گفت، کسی که از ذهن آگاه و بیدار برخوردار است، انتظار ندارد همیشه زندگی بر وفق مراد او باشد، زیرا هیجانات و امور منفی هم جزء لاینفک هر زندگی است، بنابراین با ذهنی بیدار و هوشیار با هیجانات منفی مواجه می‌شود، با ذهنی بیدار و هوشیار بهترین راه را برای مشکلات انتخاب می‌کند، بنابراین با این ذهن آگاه و هوشیار و پیدا کردن بهترین راه خود، نشانه‌ای از مهربانی با خود است، در نظر بگیرد، فردی که ذهن آگاه ندارد، در مقابله با کوچکترین امر منفی به طور مثال اخذ نمره کم در درس، شروع به پرخاشگری، عصبانیت می‌کند مسلماً این فرد نمی‌تواند راه حل درستی برای مسایل پیدا کند، متوسل شدن به پرخاشگری، گامی است در راه تخریب خود، نه شفقت با خود.

منظور از ذهن‌آگاهی، ذهن بیدار، ذهن هشیار، ذهن فعال و پذیرنده است، این فرایند به فرد کمک می‌کند که به صورت فعالانه وارد زندگی شود نه به صورت منفعل و پذیرا، فردی که آگاه و هوشیار است، تأمل و تعمق آمیخته کار اوست، با فکر و اندیشه کار می‌کند، زندگی می‌کند، همه این علائم در فرد هوشیار و ذهن آگاه دلیلی بر شفقت با خود است) ولی کسی که در حالت خواب، بی‌فکر و بی‌اندیشه، زندگی می‌کند، قطعاً در هیچ قسمتی از زندگی تفکر و نیک اندیشی ندارد، این فرد نه تنها نسبت به خود شفقت‌ورز نیست، بلکه برای هیچ یک از اطرافیان خود هم کاری که نشان دهنده شفقت‌ورزی باشد انجام نمی‌دهد.

رابطه بین ذهن‌آگاهی و خود شفقت‌ورزی را به راحتی می‌توان با این مثال به صراحت تبیین کرد، فردی که بدون هیچ فکر و اندیشه خود را وابسته به مواد مخدر می‌کند، با کسی که با فکر و اندیشه، خود را از این عامل محفوظ نگه می‌دارد، مسلماً فرد وابسته به مواد هیچ گونه شفقت‌ورزی به حال خود نخواهد داشت و هر موادی را به راحتی می‌پذیرد ولی فرد دوم به دلیل داشتن آگاهی و فکر، خود را از همه این عوامل خطرزا محفوظ می‌دارد.

رابطه بین خود شفقت‌ورزی و ذهن‌آگاهی رابطه‌ای دو سویه است، خود شفقت‌ورزی به افراد کمک می‌کند تا احساس بیشتری از تعلق و امنیت را داشته باشند، بنابراین با داشتن خاطری آسوده و راحت و احساس امنیت، ذهن انسان بیدارتر است تا فردی که احساس امنیت ندارد، ناامنی، خود احساس مشغولیت فکری را به ارمغان می‌آورد (رکیو-بوگدان، اریکسون، جکسون و برایان، ۲۰۱۱: ۲۷۲-۲۷۸). همچنین خود شفقت‌ورزی یادگیری مهارت‌های دیگری، از جمله ذهن‌آگاهی که منجر به افزایش آگاهی از حال حاضر و کیفیت زندگی بهتر می‌شود را به دنبال دارد، فردی که خود شفقت‌ورز است، در صدد پرورش اندیشه و تفکر خود بر می‌آید، فردی که خود دسلطوی و شفقت به خود نداشته باشد، در صدد پرورش ذهن آگاه و بیدار در خود نیست، هیچ چیزی برای او اهمیت ندارد، فرد خود شفقت‌ورز، به دنبال علم و مطالعه است، فرد غیر خود شفقت‌ورز، هیچگاه در صدد مطالعه و به دنبال آن پرورش ذهن خود نیست (هالیفکس، ۲۰۰۵: ۱۵۳-۱۴۶).

فردی که خود شفقت‌ورز است در قدم اول تلاش می‌کند تا خود را از تجربه رنج محافظت کند. بنابراین، خود شفقت‌ورزی باعث بروز رفتارهای سازش یافته در جهت حفظ و ارتقای سلامت روانی می‌شود. همچنین خود شفقت‌ورزی بیشتر، مواجهه شدن با

هیجان را مد نظر قرار می‌دهد تا اجتناب کردن از آن، بنابراین افراد خود شفقت ورز اجتناب کمتری دارند و بیشتر از راهبردهای مسأله محور استفاده می‌کنند که این امر در کاهش تجربه اضطراب و افسردگی بسیار اهمیت دارد و فردی که از سلامت روانی برخوردار است، فردی که از سلامت روان برخوردار است، بیشتر با خود مهربان است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت **متغیر بهزیستی روان‌شناختی نتوانست پیش‌بینی کننده معنادار شفقت باشد.** همچنین اشاره شد که احساس خرسندی و بهزیستی در طول عمر، از مؤلفه‌های نگرش مثبت افراد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند. در واقع تجربه شادمانی و رضایت از زندگی هدف عالی زیستن در این جهان به شمار می‌رود و احساس غم و ناخرسندی اغلب مانعی در راه انجام وظایف است (هیونبر، اش و لاگین، ۲۰۰۱: ۱۸۳-۱۶۷). این عامل یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر در زندگی تلقی می‌شود. به همین دلیل تأثیرات عمده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت آدمی و در یک کلام مجموعه زندگی انسان دارد و در پی آن همیشه بر عملکرد انسان در سطوح مختلف تأثیر می‌گذارد. بهزیستی روان‌شناختی به عنوان یک ابزار به لحاظ نظری بر حنیه‌های متعددی از سلامت روانی تمرکز دارد.

زمانی که نگرش زیاده از حد مثبت باشد، فرد نمی‌تواند در خدمت به خود و درصدد ارتقاء خود باشد، نگرش مثبت به خود، مانند خوش‌بینی است، فردی که خوش‌بین باشد و نگران آینده نباشد، به فکر خود نخواهد بود، این علائم نشان دهنده این است که فرد با خود مهربان نیست، انسانی با خود مهربان است، که همه کارها و برنامه‌های او طبق برنامه باشد، افرادی که از بهزیستی روان‌شناختی بالایی برخوردارند، به امید اینکه همیشه و همه زمان این گونه باقی خواهند ماند، قدمی برای خود بر نخواهند برداشت، برنداشتن گام‌های کوچک برای امورات زندگی، باعث جمع شدن مشکلات می‌شود و کسی که غرق در مشکلات باشد، چگونه می‌تواند با خود مهربان باشد.

همچنین اشاره شد که افرادی که از احساس بهزیستی روان‌شناختی برخوردارند، تسلط بر محیط دارند، با دیگران روابط مثبت دارند، زندگی هدفمند دارند، احساس استقلال دارند، همه این عوامل باعث می‌شود که فرد احساسی از خوشبختی و رضایت داشته باشد، داشتن این عوامل در طولانی مدت باعث می‌شود که فرد در صدد مهربان بودن با خود نباشد، کمبود و کاهش در این عوامل باعث می‌شود که فرد برای خود قدمی مثبت بردارد تا بلکه به این عوامل دست یابد، داشتن بهزیستی را می‌توان به داشتن ثروت و مقام تشبیه کرد کسی که مقام و ثروت دارد، در صدد دستیابی به ثروت و مقام بیشتر نیم باشد، به طوری که از ثروت و مقام زیادی حالت سیری به او دست می‌دهد، و هیچ گونه تلاشی برای دستیابی به این عوامل ندارد، ولی کسی که ثروت و مقامی ندارد، همیشه در صدد تلاش برای دستیابی است، خود تلاش کردن و کوشش کردن، نشانه شفقت به خود است.

در هر صورت پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود، از آن جا که ابزار سنجش متغیرها از نوع ابزار خود گزارش‌دهی است، تکمیل پرسش‌نامه‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر علائق افراد به معرفی خود یا خودنمایی و راهکار مدیریت برداشت قرار گرفت. گروه نمونه مورد مطالعه حاضر تنها در دانشجویان دانشگاه آزاد همدان، انتخاب شد. از این رو تعمیم نتایج و به کارگیری ابزار برای مناطق و شهرهای دیگر با توجه به گستردگی فرهنگی و نژادی، و همچنین روی گروه‌های نمونه دیگر باید با احتیاط انجام پذیرد. طولانی بودن سؤالات پرسشنامه و عدم درک بعضی از سؤالات پرسش‌نامه توسط پاسخگویان احتمال محافظه‌کارانه پاسخ دادن پاسخگویان و نظر واقعی خود را اعلام نکردن.

منابع

۱. احمدوند زهرا، حیدری نسب لیلا و شعیری محمدرضا، (۱۳۹۰)، «تبیین بهزیستی روان‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ذهن‌آگاهی»، روان‌شناسی سلامت، فصلنامه علمی/ پژوهشی، شماره ۲.
۲. احمدی عزت‌اله، (۱۳۹۱)، «رابطه مؤلفه‌های فراشناخت و ذهن‌آگاهی با باورهای مذهبی دانش‌آموزان»، مجله روان‌شناسی مدرسه، ۴، ۳۸-۲۳.
۳. امیدویی مهسا، خلیلی شیوا، قربانی مسعود و لواسانی غلام‌علی (۱۳۸۱)، «رابطه ذهن‌آگاهی و خودشناسی منسجم با رضایت‌مندی زناشویی»، مجله روان‌شناسی، ۱۸ (۳)، ۳۲۷-۳۴۱.
۴. باباپورخیرالدین جلیل، پورشریفی حمید، هاشمی توج و احمدی عزت‌اله (۱۳۹۱)، «رابطه مؤلفه‌های فراشناخت و ذهن‌آگاهی با باورهای وسواسی دانش‌آموزان»، روان‌شناسی مدرسه، ۱ (۴)، ۲۳-۳۸.
۵. خسروی صدالله، صادقی مجید و پاینده محمدرضا (۱۳۹۲)، «کفایت روان‌سنجی مقیاس شفت خود»، ۳ (۱۳)، ۵۸-۴۷.
۶. رنجبرکهن زهره و نوری حمیدرضا (۱۳۹۵)، «مبانی نظری و اصول درمان شفقت محور»: تهران: انتشارات نهر.
۷. سجادیان ایلناز، نشاط دوست حمیدطاهر، مولوی حسین و معروفی محسن (۱۳۸۴)، «تأثیر آموزش روش ذهن‌آگاهی بر میزان علائم اختلال وسواس-اجبار در زنان شهر اصفهان»، مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، (۱۳۱).

۸. شفیعی حسن و میری افسانه (۱۳۹۸)، «نقش تعدیل‌کنندگی عزت‌نفس در رابطه بین ذهن آگاهی و بهزیستی روان‌شناختی»، نشریه علمی رویش روان‌شناسی، ۸(۱۰)، ۱۵۱-۱۶۰.
۹. صمدی‌فرد حمیدرضا (۱۳۹۴)، «رابطه بین خودشفقتی و همجوشی شناختی با کیفیت زندگی دانشجویان»، نخستین کنگره بین‌المللی جامعه روانشناسی ایران.
۱۰. قربانی نیما، سعیدی ضحی، سرافراز مهدی‌رضا و شریفیان محمدحسین (۱۳۹۲)، «رابطه شفقت خود، ارزش خود و تنظیم هیجانات خودآگاه»، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۶(۳)، ۹-۱۰.
۱۱. قزلسفلو مهدی، میر احمدی لیلا و جزایری رضوان‌السادات (۱۳۹۳)، «رابطه بین تفکر قطعی نگر و خود شفقتی در دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان»، مقاله پژوهشی مجله دانشکده علوم پزشکی رفسنجان، ۱۳، ۱۰۴۹-۱۰۶۰.
۱۲. کرد بهمن (۱۳۹۵)، «پیش‌بینی بهزیستی ذهنی دانشجویان پرستاری بر اساس ذهن آگاهی و شفقت‌ورزی به خود»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۶، ۲۷۳-۲۸۲.
۱۳. ورعی پیام، مومنی خدامراد، مرادی آسیه (۲۰۲۰)، «نقش میانجی‌گری خودشفقت‌ورزی در رابطه بین نگرش به دین و بهزیستی روان‌شناختی در سالمندان»، فصلنامه علمی-پژوهشی طب توانبخشی، ۹(۱)، ۴۹-۶۲.
14. Akin, A. (2010). Self -compassion and interpersonal cognitive distortions . J Edu; 39:1-9.
15. Brown, K.W., Ryan, R.M. and Creswell, J.D. (2007). Mindfulness: Theoretical foundations and evidence for its salutary effects. Psychol inq, 18(4):211-37.
16. Crane, R. (2017). Mindfulness-based cognitive therapy: Distinctive features. Taylor & Francis.
17. Feldman, C. and Kuyken, W. (2011). Compassion in the Landscape of Suffering. Contemporary Buddhism , 12, 143-155.
18. Gethin, R. (2011). On some definitions of mindfulness. Contemporary Buddhism, 12(01), 263-279.
19. Halifax, J. (2005). The Precious Necessity of Compassion. J Pain Symptom Manag; 41(1):146-55.
20. Heffernan, M., Griffin, M. T. Q., McNulty, S. R. and Fitzpatrick, J. J. (2010). Self -compassion and emotional intelligence in nurses. International Journal of Nurse practitioners, 16 (4), 366-373 .
21. Huebner, E. S., Ash, C. and Laughlin, J. E. (2001). Life experiences, locus of control, and school satisfaction in adolescence. Social indicators research, 55(2), 167-183.
22. Kabat-Zinn, J. (2003). Mindfulness-based Interventions in Context: Past, Personal, and Future. Clinical Psychology: Science and Practice 10, 144-156.
23. Kolts, R. L. (2016). CFT made simple: a clinician's guide to practicing compassion-focused therapy. New Harbinger Publications .
24. Lapa, T. Y. (2015). Physical activity levels and psychological well-being: A case study of University students. Social and Behavioral Sciences, 47(2): 739-743.
25. Neff, K.D. (2003). Self-compassion: An alternative conceptualization of a healthy attitude toward oneself. Self Identity, 2(2): 85-102.
26. Neff, K.D. and Pommier, E. (2013). The relationship between self-compassion and other-focused concern among college undergraduates, community adults, and practicing meditators. Self and Identity, 12(2), 160-176.
27. Newby, K. (2014). The Effects of Yoga with Meditation (YWM) on Self -Criticism, Self-Compassion, and Mindfulness, dissertation for the Degree of Doctor of Psychology, Philadelphia College of Osteopathic Medicine Department of Psychology.
28. Raque-Bogdan, T.L., Ericson, S.K., Jacks, o.J., Martin, H.M. and Bryan, N.A. (2011). Attachment and mental and physical health: self-compassion and mattering as mediators. J Couns Psychol, 58(2), 272-8.33.
29. Ryff, C.D. (1989). Happiness is everything, or is it? Exploration on the meaning of psychological well-being. Journal of Personality and Social Psychology, 57, 1069-1081.
30. Sedighimornani, N., Rimes, K. A. and Verplanken, B. (2019). Exploring the relationships between mindfulness, self-compassion, and shame. Sage Open, 9(3), 2158244019866294.
31. Stoddard, J. A. and Afari, N. (2014). The Big Book of ACT Metaphors: a practitioner's guide to experiential exercises and metaphors in Acceptance and Commitment Therapy. New Harbinger Publications.

32. Vago, D. R. and David, S. A. (2012). Self-awareness, self-regulation, and self-transcendence (S-ART): a framework for understanding the neurobiological mechanisms of mindfulness. *Frontiers in human neuroscience*, 6, 296.
33. Yarnell, L. and Neff, K.D. (2013). Self-compassion, Interpersonal Conflict Resolutions, and Wellbeing. *Self and Identity*, 12, 1-14.

ارزیابی رابطه بین رهبری معنوی و وفاداری سازمانی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۰۲

کد مقاله: ۴۷۸۷۳

امین مرادی^{۱*}

چکیده

تحقیق حاضر با هدف ارزیابی رابطه بین رهبری معنوی و وفاداری سازمانی انجام شده است. در این تحقیق به ارزیابی تاثیر رهبری معنوی بر متغیرهای رضایت شغلی و تعهد سازمانی و تاثیر متغیرهای رضایت شغلی و تعهد سازمانی بر وفاداری سازمانی پرداخته شد. جامعه آماری تحقیق کارکنان شرکت آزمون فلز پارس، بازه زمانی تحقیق شهریور ۱۳۹۹ تا آذر ۱۳۹۹ و حجم نمونه ۱۶۰ نفر انتخاب شد. ابتدا داده‌های تحقیق از طریق پرسشنامه به روش الکترونیکی جمع‌آوری و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نرم‌افزارهای مورد استفاده در این تحقیق spss 22 و smart pls2 می‌باشند. بر اساس نتایج بدست آمده روایی واگرا، روایی همگرا، پایایی ابزار گردآوری اطلاعات و برازش کلی مدل تایید شد. طبق نتایج آزمون فرضیه‌ها تمام فرضیه‌های پژوهش و بارعاملی سوالات مورد تایید قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد رابطه بین رهبری معنوی و رضایت شغلی با ضریب مسیر ۰/۷۶۲، رهبری معنوی و تعهد سازمانی با ضریب مسیر ۰/۷۶۹، رضایت شغلی و وفاداری سازمانی با ضریب مسیر ۰/۳۶۸ و تعهد سازمانی و وفاداری سازمانی با ضریب مسیر ۰/۵۱۵ مورد تایید قرار گرفت. رابطه بین رهبری معنوی و وفاداری سازمانی نیز در آزمون بوت استرپینگ^۲ با ضریب مسیر ۰/۶۷۷ مورد تایید قرار گرفت.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی سازمان‌ها^۳، رهبری معنوی^۴، وفاداری سازمانی^۵، رضایت شغلی^۶، تعهد سازمانی^۷

۱- کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران moradiamin453@yahoo.com

2 bootstrapping

3 Sociology of Organizations

4 Spiritual leadership

5 organizational loyalty

6 Job satisfaction

7 Organizational commitment

۱- مقدمه

جامعه‌امروزی ما به یک جامعه سازمانی تبدیل شده است. به طوری که جامعه بدون سازمان غیرقابل تصور است. از این رو، شناسایی، مطالعه و درک سازمان به منظور طراحی و ایجاد سازمان‌های بهتر و کارا تر برای نسل حاضر بسیار مهم است. واژه جامعه معانی متعددی دارد ولی در جامعه‌شناسی دلالت دارد بر افرادی که توسط الگوهای تعاملی، نهادها و ابزارهای کنترل اجتماعی مشترک، با هم پیوند خورده و هویت خاصی یافته‌اند. در این حالت واژه جامعه گستره وسیعی از گروه‌ها را در بر می‌گیرد که اندازه و ماهیت متفاوتی دارند. به کمک این دیدگاه می‌توان امپراتوری، کشور، ایالت، شهر، روستا، قبیله و طایفه‌ها را نوعی جامعه دانست. سازمان‌ها از جمله پدیده‌های مورد توجه جامعه‌شناسان محسوب می‌شوند. در واقع مطالعه سازمان‌ها همواره یکی از موضوعات مهم علم جامعه‌شناسی بوده است. در قلمرو جامعه‌شناسی سازمان‌ها، رابطه سازمان‌ها و جامعه و نحوه اثرگذاری و اثرپذیری متقابل آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. همچنین موضوعاتی نظیر انواع سازمان‌ها، نحوه پیدایش آن‌ها، کارکردها و نقش‌های متفاوت سازمان‌ها در جامعه، ساختارها و فرآیندهای سازمانی، ویژگی‌های ساختارهای رسمی و غیر رسمی در سازمان‌ها، ساخت قدرت در سازمان‌ها و آثار آن در جامعه، انواع تعاملات اجتماعی در سازمان‌ها و آسیب‌شناسی سازمان‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرند. جامعه‌شناسی سازمان‌ها به عنوان یکی از زمینه‌های مهم مطالعه در علم مدیریت نیز مدنظر قرار می‌گیرد و مباحث عمده‌ای از نظریه‌های سازمان و مدیریت را به خود اختصاص می‌دهد (قلی‌پور، ۱۳۹۷: ۲۳-۱۱). در دهه‌ی اخیر مدیریت سازمان‌ها تشخیص داده است در دستیابی به مزیت رقابتی پایدار و اثربخش، منابع انسانی بیشترین اهمیت را دارند. در دنیایی که دانش و ارتباط با مشتریان بیش از پیش اهمیت یافته است، سرمایه‌ی انسانی که نشان دهنده‌ی حجم دانش، مهارت‌های فنی، خلاقیت و تجربه‌ی سازمان است، اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد و به همین شیوه نیروی کار دارای‌های هزینه بردار محسوب نمی‌شوند؛ بلکه دارایی‌های مولد تلقی می‌شود؛ بنابراین سازمان‌ها همواره نگران از دست دادن نیروی انسانی خود هستند. از جمله فعالیت‌های سازمان‌ها برای حفظ کارکنان خود، تقویت وفاداری آنان است؛ زیرا امروزه وفاداری کارکنان به سازمان موضوعی با اهمیت در مباحث سازمانی می‌باشد. سازمان‌ها باید تلاش کنند بالاترین سطح تعهد و وفاداری را در نیروی کار خود حفظ کنند زیرا آن‌ها با بیشترین علاقه مندی در سازمان انجام وظیفه می‌کنند (قنبری و عبدالملکی، ۱۳۹۸: ۱۸). وفاداری سازمانی به عنوان یکی از ارزش‌های ضروری برای کارکنان در سازمان جهت بقای سازمان و تعالی آن مطرح است. وفاداری، کارکنان را نسبت به اهداف سازمان مسئول کرده و آن‌ها را سوق می‌دهد تا به نحو احسن وظایف خود را در سازمان به انجام برسانند و با سازمان احساس نزدیکی و همبستگی پیدا کنند و در سازمان ماندگار باشند. ایجاد وفاداری در کارکنان نیازمند بهادادن و رسیدگی به خواسته‌های مادی و غیرمادی کارکنان در جنبه‌های مختلف است. این مسئله در سازمان در سطوحی مانند وفاداری کارکنان به سازمان، وفاداری سازمان به کارکنان و تأثیرات وفاداری سازمانی بر وفاداری مشتریان به سازمان مورد تأکید است (طه زاده، ۱۳۹۲: ۶۵). با توجه به مطالب یاد شده، مقاله در چهار بخش تدوین شده است. در بخش اول بیان مسئله، مبنای نظری درباره متغیرهای تحقیق، توسعه فرضیه‌های تحقیق و پیشینه پژوهش مطرح می‌شوند. سپس روش تحقیق بیان شده و پس از آن، یافته‌های تحقیق به همراه ارزیابی مدل تحقیق بیان می‌شود. بخش پایانی مقاله نیز به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص داده شده است. در ادامه فرضیه‌های تحقیق در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- فرضیه‌های تحقیق

ردیف	فرضیه
۱	رهبری معنوی بر رضایت شغلی تأثیر مثبت و معناداری دارد.
۲	رهبری معنوی بر تعهد سازمانی تأثیر مثبت و معناداری دارد.
۳	رضایت شغلی بر وفاداری سازمانی تأثیر مثبت و معناداری دارد.
۴	تعهد سازمانی بر وفاداری سازمانی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۲- بیان مسئله

رقابت تنگاتنگ موجود در عرصه‌های تجاری و اقتصادی، سازمان‌ها را مجاب کرده است که برای پیشی گرفتن از رقباء خود را به قابلیت‌های استراتژیک و سرمایه‌های کلیدی مجهز کنند. در این میان علم به نقش محوری نیروی انسانی متخصص، شایسته و در عین حال وفادار از اهمیت زیادی برخوردار است. وفاداری سازمانی به منزله‌ی احساس تعلق و تمایل به حفظ عضویت و ارتباط با یک سازمان تعریف شده است و بر احساس وابستگی، اشتیاق شدید به عضویت در یک گروه، آمادگی برای تشریک مساعی، حس اعتماد، همسویی داوطلبانه با یک گروه و تمایل به پیروی از رهنمودهای سازمانی دلالت دارد. وفاداری سازمانی انگیزه‌ی بیشتری برای حضور در سازمان برای کارکنان فراهم می‌کند و باعث می‌شود کارکنان جهت دستیابی به اهداف سازمانی تلاش و کوشش

حداکثری داشته باشند (کعب عمیر و نعمی، ۱۳۹۵: ۵۶؛ پور عزت و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۶). مهم‌ترین سرمایه سازمان‌ها، کارکنان وفادار و متخصص هستند که بر فعالیت‌های خود در سازمان و آنچه باید انجام دهند اشراف کامل دارند. اما این اشراف و مهارت در امور تخصصی امروزی فقط با فعالیت پیوسته و تماس مداوم با شرایط کاری سازمان مورد نظر به دست می‌آید. در نتیجه نیاز است کارکنان به سازمان وفادار نگه داشته شوند تا روز به روز بر حوزه کاری خود تسلط بیشتری پیدا کنند. همواره وجود مداوم و ثابت کارکنان در سازمان اهمیت داشته است. وفاداری کارکنان به سازمان و ماندگاری طولانی مدت آن‌ها در سازمان، موجب تقویت بخش نیروی انسانی سازمان شده و منابعی از تجربیات را برای سازمان در بر خواهد داشت. کارکنانی که به سازمان وفادار بوده و در طول سال‌های متمادی برای سازمان فعالیت می‌کنند، با سیاست‌ها، استراتژی‌ها و رسالت سازمان به خوبی آشنا بوده و می‌دانند چگونه باید در راستای منافع سازمان قدم بردارند و در نتیجه نیازی به آموزش، توجیه و مسائلی از این قبیل ندارند. در مقابل تغییر پیاپی کارکنان و عدم وفاداری کارکنان به سازمان، موجب وارد آمدن هزینه‌های زیادی به سازمان شده و در واقع نوعی دوباره کاری در سازمان رخ می‌دهد و منابع سازمان اتلاف می‌شود (طه زاده، ۱۳۹۲: ۶۸). با توجه به نقش موثری که کارکنان وفادار می‌توانند در تحقق اهداف سازمانی ایفا کنند، نیاز به پژوهش‌های کاربردی و گسترده‌ای در زمینه وفاداری سازمانی کاملاً احساس می‌شود. مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود تاثیر متغیر رهبری معنوی بر متغیرهای رضایت شغلی و تعهد سازمانی و تاثیر متغیرهای رضایت شغلی و تعهد سازمانی بر وفاداری سازمانی می‌باشد. حال سوالاتی مطرح می‌شود که متغیر رهبری معنوی چه تاثیری بر متغیرهای رضایت شغلی و تعهد سازمانی دارد؟ متغیرهای رضایت شغلی و تعهد سازمانی چه تاثیری بر وفاداری سازمانی دارند؟ برای پاسخ به سوالات از داده‌های بدست آمده بوسیله پرسشنامه استفاده می‌شود. قلمرو مکانی تحقیق شهر اصفهان (شرکت آزمون فلز پارس) و بازه زمانی آن شهریور ۱۳۹۹ تا آذر ۱۳۹۹ می‌باشد. در ادامه مبانی نظری تحقیق و پیشینه پژوهش بیان می‌گردد و سپس داده‌های پرسشنامه در بخش روش تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳- مبانی تحقیق

امروزه اغلب کارکنان، بیشتر از گذشته درباره زندگی کاری خود فکر می‌کنند و نگران هستند. آن‌ها حرفه خود را با امید و انتظاراتی ویژه برای رسیدن به بالاترین سطح در سازمان شروع می‌کنند و اکثر آن‌ها به پیشرفت خود، رسیدن به قدرت، کسب بالاترین مسئولیت‌ها و پاداش‌ها اهمیت می‌دهند. به عبارت دیگر، امروزه کار، جزء جدایی ناپذیر زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود و افراد زمان زیادی از وقت خود را در سازمان‌ها می‌گذرانند. در این میان، وفاداری سازمانی یکی از الزامات اساسی عصر حاضر در سازمان است. وفاداری سازمانی، به عنوان نگرشی که کارکنان را به سازمان پیوند می‌دهد و پایه و اساس تعهد آن‌ها به سازمان می‌باشد، تعریف شده است. کارکنان وفادار به سازمان علاوه بر متعهد بودن به موفقیت سازمان این باور را دارند که کارکردن برای سازمان مورد نظرشان بهترین انتخاب آن‌ها است. چنین کارکنانی نه تنها برای ماندن در سازمان برنامه ریزی می‌کنند، بلکه در جستجوی استخدام جایگزین نبوده و پیشنهادهایی را که دارند نیز رد می‌کنند. وفاداری سازمانی کارکنان به طور کلی ناشی از دلبستگی کارکنان یا تصور کلی آنان از ارتباط متقابل رفتار کارکنان و سازمان است و می‌توان آن را به عنوان ادراک چندجانبه کارکنان از وابستگی سازمانی تعریف کرد (مهداد و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶). بر همین اساس این تحقیق به ارزیابی رابطه بین رهبری معنوی و وفاداری سازمانی پرداخته است. در این بخش ابتدا متغیرهای تحقیق تعریف و مبانی مرتبط با فرضیه‌ها مطرح می‌گردد، سپس پیشینه داخلی و خارجی پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- رابطه بین رهبری معنوی، رضایت شغلی و تعهد سازمانی

رهبری معنوی عنصر مهمی در سازمان می‌باشد که با تحقیق، تفکر، ادراک، ارزش‌گذاری، اقدام فرد در جامعه با روحیه تیمی و نه اقدام انفرادی در ارتباط است. رهبران معنوی به بیان احساسات و خردمندی نظم بخشیده و در پیروان خود برای پذیرش مسئولیت ایجاد علاقه مندی می‌نمایند (معمارزاده و صانعی، ۱۳۹۰: ۱۰). رهبری معنوی به معنی فرایند استفاده از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهایی است که لازمه انگیزش درونی خود و دیگران می‌باشد. رهبری معنوی از طریق ایجاد حساسیت نسبت به خود و دیگران و ماوراء طبیعت در افراد سازمان، آن‌ها را نسبت به شغل و کار خود علاقه مند می‌کند و باعث برانگیختن آنان نسبت به وظایف کاری می‌شود (ضیایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۱). رهبران معنوی به واسطه ارتباط با زیر دستان خود، درک بیشتری از معنویت شخصی، معنا و هدف کار، ارتباط با جامعه و رفاه معنوی دارند. یک رهبر معنوی به فرد کمک می‌کند تا یک فرد کامل باشد و با ارتباط با دیگران و جامعه، وی را به سمت اهداف بالاتری ترغیب می‌کند. رهبری معنوی ارزش‌ها، فرایندها و سیستم‌های اصلی سازمانی را با ارزش‌ها و آرمان‌های اصلی افراد ادغام می‌کند و آن‌ها را با سازمان سازگارتر می‌کند. این فرایند به طور بالقوه باعث هماهنگی بیشتر بین معنویت سازمانی و معنویت شخصی می‌شود، تعامل فرد با دیگران را افزایش می‌دهد و باعث افزایش معنویت

محل کار می‌گردد (افسر و همکاران^۱، ۲۰۱۶: ۸۱). رهبری معنوی تاثیر قابل توجهی بر رضایت شغلی و تعهد سازمانی دارد. رضایت شغلی طرز تلقی و یا قضاوتی است که اعضای یک سازمان نسبت به شغل و محیط کار خود دارند که باعث افزایش کارایی، بروز خلاقیت و احساس رضایت فردی می‌شود (آذرنيوشان و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۸). تعهد سازمانی نیز یک حالت روانشناختی با یک تفکر عادت گونه است که منعکس کننده‌ی احساسات یا باورها در رابطه با ارتباطات کارمندان با سازمان است. تعهد سازمانی همان احساس پیوند، همانندسازی و تلاش برای ماندن و حرکت در مسیر اهداف و مأموریت‌های سازمان می‌باشد (فرخی و فرح بخش، ۱۳۹۹: ۵۲). معنویت محل کار را می‌توان بازتابی از ارزش‌ها و تجارب افراد در داخل سازمان به همراه زندگی شغلی و حرفه‌ای توصیف کرد. معنویت محل کار با افزایش خلاقیت، صداقت، شادی، آرامش و با بهبود تکامل فردی باعث می‌شود افراد در محل کار احساس موفقیت کنند و به تبع آن میزان رضایت کارکنان افزایش یابد (فانگیدای و همکاران^۲، ۲۰۱۶: ۶۴۱). سازمان‌هایی که میزان معنویت بالایی دارند رشد سریع‌تر، کارایی و نرخ بازدهی بالاتری دارند. مدیران را نیز می‌توانند با بهبود فضای معنوی، عملکرد فردی و سازمانی را ارتقا دهند و باعث می‌شود کارکنان احساس کنند سازمان به آن‌ها احترام می‌گذارد و از آن‌ها حمایت می‌کند. در نتیجه میزان رفاه و کیفیت زندگی آنان ارتقا می‌یابد و احساس تعهد بیشتری نسبت به سازمان دارند (کمبرل و هووا^۳، ۲۰۱۴: ۱۱۶). بنابراین رهبری معنوی باعث افزایش رضایت شغلی و تعهد سازمانی می‌شود و بر همین اساس فرضیه‌های زیر مطرح می‌گردد:

فرضیه ۱: رهبری معنوی بر رضایت شغلی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه ۲: رهبری معنوی بر تعهد سازمانی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

۳-۲- رابطه بین رضایت شغلی و وفاداری سازمانی

رضایت شغلی احساس مثبت فرد نسبت به شغل خود می‌باشد که در نتیجه ارزیابی فرد از ویژگی‌های شغلی حاصل می‌شود. این مفهوم یک حالت احساسی مثبت و مطبوع است که نتیجه ادراک افراد از شغل خود می‌باشد (غلامی، ۱۳۹۹: ۷۸). وفاداری سازمانی نیز بکارگیری تمام توان کارکنان برای نیل به اهداف سازمانی، مسئولیت پذیری، انجام مشتاقانه کار، تلاش مضاعف، هماهنگی با تغییرات و برقراری ارتباطات موثر بین کارکنان می‌باشد (اسماعیلی و صیدزاده، ۱۳۹۶: ۵۲). زمانی که کارکنان از شغل و سازمان خود احساس رضایت کنند تمایل به منطقی بودن و ریسک پذیری دارند. بنابراین ممکن است تمایل به کاهش ریسک و ماندن در سازمانی که فعالیت می‌کنند را داشته باشند و وفاداری سازمانی خود را ارتقا دهند (میننه و هو^۴، ۲۰۱۶: ۱۰۶). بنابراین رضایت شغلی باعث افزایش وفاداری سازمانی می‌شود و بر همین اساس فرضیه‌ی زیر مطرح می‌گردد:

فرضیه ۳: رضایت شغلی بر وفاداری سازمانی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

۳-۳- رابطه بین تعهد سازمانی و وفاداری سازمانی

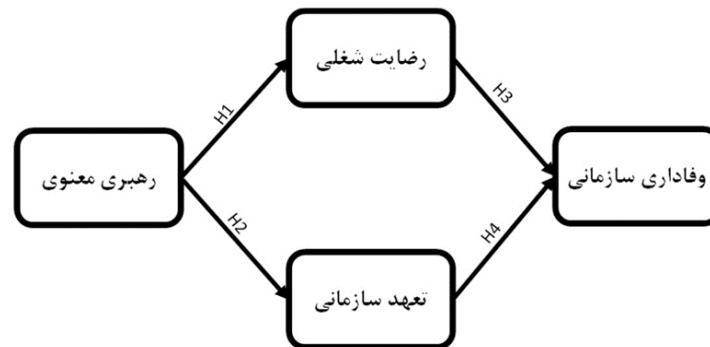
تعهد سازمانی تعهدی روانشناختی و نگرش‌های مثبت یا منفی افراد نسبت به کل سازمانی است که در آن مشغول به کار هستند. تعهد سازمانی حالت روانی است که بیانگر نوعی تمایل، نیاز و احترام به منظور ادامه فعالیت در سازمان می‌باشد (مرتضوی و عریضی، ۱۳۹۹: ۴۳). وفاداری سازمانی نیز به معنی احساس تعلق و تمایل به حفظ عضویت و ارتباط با یک سازمان می‌باشد که بر احساس وابستگی، اشتیاق شدید به عضویت در یک گروه، آمادگی برای تشریک مساعی، حس اعتماد، همسویی داوطلبانه با یک گروه و تمایل به پیروی از رهنمودهای سازمانی دلالت دارد (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۶). وقتی افراد از نظر روانشناختی وابسته و متعهد به سازمان‌ها باشند، تمایل دارند که روابط خود را با سازمان یا ارائه دهنده خدمات حفظ کنند و دارای ارتباطاتی مثبت با سازمان باشند و به کارکنان وفادار سازمان تبدیل شوند (دین^۵، ۲۰۰۷: ۱۶۵). بنابراین تعهد سازمانی باعث افزایش وفاداری سازمانی می‌شود و فرضیه‌ی زیر مطرح می‌گردد:

فرضیه ۴: تعهد سازمانی بر وفاداری سازمانی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

1 Afsar et al
2 Fangidae et al
3 Campbell and Hwa
4 Minh and Huu
5 Dean

۴- پیشینه تحقیق

تحقیقات محدودی در زمینه ارزیابی عوامل موثر بر وفاداری سازمانی انجام شده است. (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۲) در پژوهشی به تحلیل مقایسه‌ای نقش ابعاد گوناگون عدالت در جو سازمانی و وفاداری سازمانی پرداختند. نمونه آماری تحقیق ۷۰۰ نفر از کارکنان یک شرکت نرم افزاری در تهران بودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد عدالت اطلاعاتی و مشاهده‌ای بیشترین تاثیر و عدالت زبانی و توزیعی کمترین تاثیر را بر وفاداری سازمانی دارند. (ترکیان و کریمی، ۱۳۹۸) در پژوهشی به ارزیابی مدل روابط بین فضیلت و وفاداری سازمانی با بهزیستی روانشناختی و اشتیاق شغلی پرداختند. نمونه آماری تحقیق ۳۲۷ نفر از معلمان دوره متوسطه دوم شهر اصفهان بودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد بین فضیلت و وفاداری سازمانی با اشتیاق شغلی و بهزیستی روانشناختی معلمان دوره متوسطه دوم شهر اصفهان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. (اندیشمند و همکاران، ۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی رابطه وفاداری سازمانی و رفتارهای انحرافی در محیط کار به واسطه نقش فضیلت سازمانی در بین کارکنان دانشگاه علوم دریایی پرداختند. نمونه آماری تحقیق ۳۴۰ نفر از کارکنان دانشگاه علوم دریایی بودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد رابطه معنی داری بین وفاداری سازمانی و رفتارهای انحرافی در محیط کار به واسطه فضیلت سازمانی وجود دارد. (ارقاوی و همکاران، ۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی عدالت تعاملی به عنوان رویکردی برای افزایش وفاداری سازمانی در بین کارکنان هیئت علمی دانشگاه فلسطین پرداختند. نمونه آماری تحقیق ۱۰۵ نفر از کارکنان هیئت علمی دانشگاه بودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد بین عدالت تعاملی در دانشگاه فنی فلسطین و سطح وفاداری سازمانی در بین کارکنان آموزشی این دانشگاه تاثیر معناداری وجود دارد. (سوکور و همکاران، ۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تاثیر استرس شغلی بر وفاداری سازمانی و قصد ترک کار پرداختند. نمونه آماری تحقیق ۳۴۰ نفر از کارکنان بخش مراقبت بهداشتی در چندین بیمارستان دولتی در کشور مالزی بودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد استرس شغلی تاثیر زیادی بر وفاداری سازمانی و قصد ترک از آن را دارد و مدیران سازمان های بهداشتی باید بیشتر بر عوامل استرس زا تمرکز کنند تا قصد ترک سازمان کاهش و وفاداری سازمانی افزایش یابد. بر اساس فرضیه‌ها و مبانی نظری، مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

۵- روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی-توسعه‌ای، از نظر ماهیت توصیفی-پیمایشی و از نظر جمع آوری اطلاعات، کتابخانه-ای و میدانی است. محدوده زمانی تحقیق شهریور ۱۳۹۹ تا آذر ۱۳۹۹ و قلمرو مکانی تحقیق استان اصفهان می‌باشد. جامعه آماری کارکنان شرکت آزمون فلز پارس و روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد. حجم نمونه بوسیله تکنیک نمونه‌گیری برای مدلسازی معادلات ساختاری محاسبه می‌شود. بر همین اساس برای محاسبه حجم نمونه از فرمول ۱ استفاده می‌شود.

$$5q \leq n \leq 15q$$

در فرمول ۱، q تعداد سوالات پرسشنامه و n حجم نمونه است. با توجه به اینکه تعداد سوالات پرسشنامه ۲۵ سوال است، ۱۶۰ پرسشنامه توزیع شد که برای تحلیل داده‌ها از آن‌ها استفاده شده است. برای بررسی روابط علی از مدلسازی معادلات ساختاری بهره گرفته می‌شود. نرم افزارهای مورد استفاده نیز $spss 22$ و $smart pls 2$ می‌باشند. در قسمت آمار توصیفی از فراوانی و میانگین و در قسمت آمار استنباطی از مدلسازی ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده می‌شود. روایی صورتی پرسشنامه بر اساس نظر کارشناسان مورد تایید قرار گرفت. پایایی ابزار گردآوری اطلاعات نیز از طریق آلفای کرونباخ و روایی سازه

از طریق روایی همگرا و روایی واگرا تعیین گردید. در ادامه روایی واگرا و همگرا متغیرها، پایایی و برازش کلی مدل ابزار گردآوری اطلاعات نشان داده شده است.

۵-۱- روایی همگرا

برای تایید روایی همگرا باید از همبستگی بارهای عاملی استفاده کرد. اگر همبستگی بین بارهای عاملی گویه‌ها بالا باشد، پرسشنامه دارای روایی همگرا می‌باشد. این همبستگی برای اطمینان از این که آزمون آنچه را که باید سنجیده شود می‌سنجد، ضروری است. برای روایی همگرا باید میانگین واریانس استخراج شده و پایایی ترکیبی محاسبه شود. روایی همگرا زمانی وجود دارد که AVE از ۰/۵ و CR از ۰/۷ بزرگتر باشد. همچنین مقدار CR باید از AVE بزرگتر باشد. در جدول ۲ روایی همگرا مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲- روایی همگرایی متغیرها (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

ردیف	متغیرها	شاخص CR	شاخص AVE	< = >	نتیجه
۱	رهبری معنوی	۰/۷۱	۰/۵۹	CR>AVE	تایید
۲	رضایت شغلی	۰/۸۲	۰/۵۶	CR>AVE	تایید
۳	تعهد سازمانی	۰/۸۴	۰/۵۱	CR>AVE	تایید
۴	وفاداری سازمانی	۰/۸	۰/۶۶	CR>AVE	تایید

بر اساس جدول ۲ برای تمامی متغیرها شاخص CR بزرگتر از ۰/۷ و شاخص AVE بزرگتر از ۰/۵ محاسبه شده است و همچنین مقدار CR بزرگتر از AVE است. بنابراین روایی همگرایی پرسشنامه مورد تایید می‌باشد.

۵-۲- روایی واگرا

روایی واگرا اثبات یگانگی یک ابزار اندازه‌گیری است. در این روش میزان همبستگی بین سوالات یک عامل با آن عامل و میزان همبستگی بین سوالات یک عامل با عامل‌های دیگر مقایسه می‌گردد. روایی واگرا نشان می‌دهد چقدر سوالات یک عامل با سوالات سایر عوامل تفاوت دارند. یکی از روش‌های تعیین روایی واگرایی سازه‌ها استفاده از روش ماتریس فورنل و لارکر است که در این روش روایی واگرا زمانی در سطح قابل قبول است که میزان واریانس استخراج شده برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد. در جدول ۳ روایی واگرا مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳- روایی واگرایی متغیرها (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

وفاداری سازمانی	تعهد سازمانی	رضایت شغلی	رهبری معنوی	سازه‌ها
			۰/۸۶۴	رهبری معنوی
		۰/۷۰۱	۰/۵۹۵	رضایت شغلی
	۰/۷۷۴	۰/۶۳۵	۰/۶۷۲	تعهد سازمانی
۰/۸۶۳	۰/۵۱۷	۰/۶۴۷	۰/۵۲۱	وفاداری سازمانی

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که روایی واگرایی پرسشنامه مورد تایید است.

۵-۳- پایایی ابزار گردآوری اطلاعات

وقتی گفته می‌شود ابزار گردآوری داده‌ها باید ویژگی پایایی را داشته باشند بدین معناست که اگر در چند زمان مختلف در یک جمعیت از آن استفاده کنیم در نتیجه به دست آمده اختلاف چندانی مشاهده نمی‌کنیم. برای اندازه‌گیری پایایی از شاخصی به نام ضریب پایایی استفاده می‌شود. دامنه ضریب پایایی از صفر تا ۱+ است به این معنا که اگر ضریب صفر باشد عدم پایایی و اگر این ضریب یک باشد پایایی کامل را نشان می‌دهد. برای سنجش پایایی یا قابلیت اعتماد، ثبات و سازگاری پرسشنامه، از مهم‌ترین شاخص سازگاری درونی یعنی آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب پایایی آلفای کرونباخ زمانی مفید است که سوالات

به صورت صحیح-غلط طرح نشده باشند و جهت سنجش ثبات درونی سوالات به کار می‌رود. چنانچه ضریب محاسبه شده از ۰/۷ بیشتر باشد سوالات پرسشنامه از نظر پایایی دارای همبستگی درونی مناسبی بوده و قابل پذیرش است. در جدول ۴ پایایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است که نشان‌دهنده‌ی اعتمادپذیری و انسجام درونی بالای پرسشنامه است.

جدول ۴- پایایی ابزار گردآوری اطلاعات (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

ردیف	متغیر	آلفای کرونباخ	نتیجه
۱	رهبری معنوی	۰/۷۴۵	تایید
۲	رضایت شغلی	۰/۷۷۶	تایید
۳	تعهد سازمانی	۰/۷۸۱	تایید
۴	وفاداری سازمانی	۰/۸۵۳	تایید

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که پایایی ابزار گردآوری اطلاعات مورد تایید است.

۶- برازش کلی مدل تحقیق

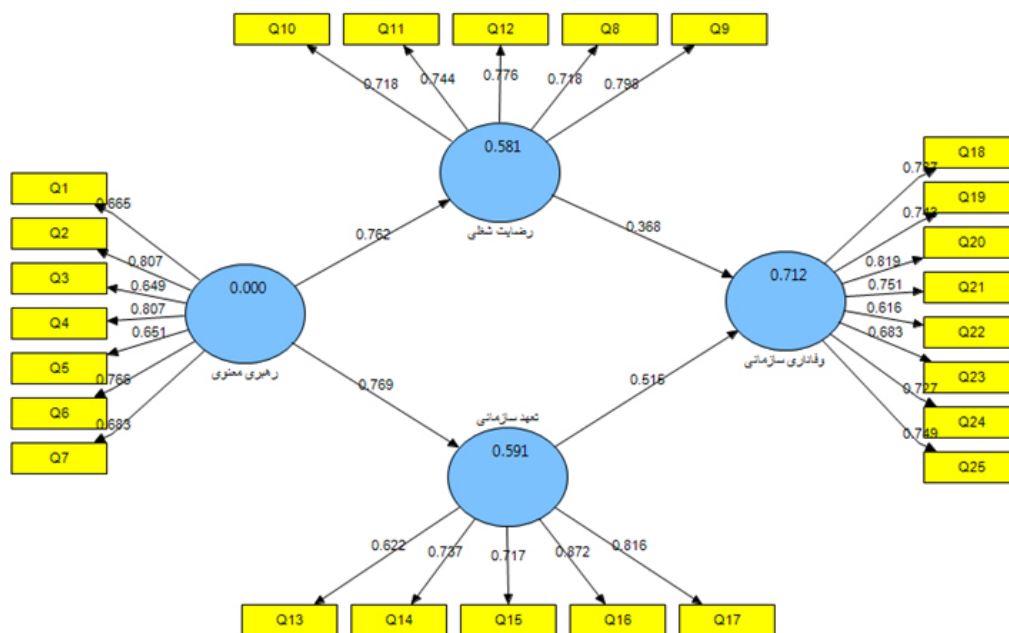
از معیار یا شاخص GOF برای بررسی اعتبار یا کیفیت مدل در تحلیل‌های آماری استفاده می‌شود. شاخص GOF عددی بین صفر تا یک است که هر چه مقدار آن به یک نزدیکتر باشد نشان از اعتبار و کیفیت بالاتر مدل است. معیار GOF مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است که توسط این معیار پژوهشگر می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش کلی را نیز کنترل نماید. برای این معیار سه مقدار ۰/۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان قدرت پیش بینی ضعیف، متوسط و قوی معرفی شده است. شاخص GOF بوسیله فرمول ۲ محاسبه می‌شود.

$$GOF = \sqrt{Commuality \times R^2}$$

در این فرمول Commuality همان میانگین مقادیر اشتراک هر سازه و R^2 همان ضریب تعیین می‌باشد.

$$Commuality = ۰/۶۳۴ \quad R^2 = ۰/۶۲۸ \quad GOF = ۰/۶۳۰$$

معیار GOF محاسبه شده برابر با ۰/۶۳۰ می‌باشد که این عدد با توجه به مقادیر ۰/۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF نشان از برازش کلی قوی برای مدل دارد. در شکل ۲ بارعاملی و ضرایب مسیر نشان داده شده است.



شکل ۲- بارعاملی و ضرایب مسیر

۷- یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه می‌شود و تایید یا رد فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار می‌گیرند.

۷-۱- آمار توصیفی

آمار توصیفی، مجموعه‌ای از روش‌هایی است که برای سازمان دهی، خلاصه کردن، تهیه جدول، رسم نمودار، توصیف و تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده از نمونه آماری به کار گرفته می‌شود. بر اساس نتایج بدست آمده ۸/۸ درصد از پاسخ‌دهندگان را زنان و ۹۱/۲ درصد از جمعیت نمونه آماری این تحقیق را مردان تشکیل می‌دهند. بیشترین فراوانی در متغیر سن مربوط به گروه سنی ۳۱-۴۰ سال است که ۵۳/۷ درصد از پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که ۷۱ نفر (۴۴/۳ درصد) از پاسخ‌دهندگان این تحقیق مجرد و ۸۹ نفر (۵۵/۷ درصد) متاهل بودند. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس سطح سواد نشان از آن دارد که بیشترین فراوانی مربوط به سطح کارشناسی (۵۸/۷ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به سطح دکترا (۱/۸ درصد) است. همچنین بیشترین فراوانی متغیر درآمد مربوط به درآمد ۳-۴ میلیون (۶۱/۲ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به درآمد بالاتر از ۵ میلیون (۵/۶ درصد) می‌باشد.

۷-۲- آمار استنباطی

آمار استنباطی راجع به ویژگی‌ها و پارامترهای مربوط به جامعه آماری تحقیق و کیفیت ارتباط بین مفاهیم و متغیرها می‌باشد و کاربرد الگوها و فرایندهای کشف شده‌ی نمونه در جامعه آماری را مشخص می‌کند. سطح معنی‌داری نیز میزان خطایی است که در رد فرضیه صفر محاسبه می‌کنیم. این مقدار اگر از خطای ۰/۰۵ کمتر باشد فرض صفر یا همان عدم ارتباط متغیرها رد می‌شود. بر همین اساس همانطور که در نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد سطوح معنی‌داری برای تمام متغیرهای تحقیق کمتر از خطای ۰/۰۵ است لذا فرض صفر (مخالف) مربوط به تمام فرضیه‌ها رد می‌شود و با توجه به ضرایب استاندارد محاسبه شده می‌توان گفت که فرضیه‌های تحقیق مورد تایید و میزان تاثیر متغیرها بر یکدیگر به صورت مثبت و به میزان ضرایب استاندارد محاسبه شده می‌باشد. بر اساس نتایج فرضیه‌ها متغیرهای رهبری معنوی بر رضایت شغلی و تعهد سازمانی تاثیر مثبت و معناداری دارد. متغیرهای رضایت شغلی و تعهد سازمانی نیز بر وفاداری سازمانی تاثیر مثبت و معناداری دارند. رابطه بین رهبری معنوی و وفاداری سازمانی نیز در آزمون بوت استرپینگ^۱ با ضریب مسیر ۰/۶۷۷ مورد تایید قرار گرفت. در جدول ۵ نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داده می‌شود.

جدول ۵- آزمون فرضیه‌ها (مأخذ: یافته‌های محقق)

ردیف	سطح معنی‌داری	مقدار T	ضریب استاندارد	نتیجه
فرضیه ۱	$p < 0.01$	۷/۳۶۹	۰/۷۶۲	تایید
فرضیه ۲	$p < 0.01$	۱۰/۱۴۲	۰/۷۶۹	تایید
فرضیه ۳	$p < 0.01$	۱۴/۷۳۴	۰/۳۶۸	تایید
فرضیه ۴	$p < 0.01$	۶/۱۹۲	۰/۵۱۵	تایید

۸- بحث و نتیجه گیری

در این مقاله به ارزیابی رابطه بین رهبری معنوی و وفاداری سازمانی پرداخته شد. ابتدا مقدمه و سپس بیان مسئله و فرضیه‌های تحقیق مطرح شد. در بخش بعدی مبانی تحقیق، پیشینه تحقیق و روش تحقیق بیان گردید. همچنین روایی (واگرا و همگرا) و پایایی ابزار گردآوری اطلاعات و برازش کلی مدل تحقیق محاسبه و در پایان آمار توصیفی و استنباطی ارائه گردید. نرم افزارهای مورد استفاده برای بررسی روابط علی spss22 و smart pls2 بود. داده‌های مورد نیاز این پژوهش به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی بدست آمده است. پرسشنامه تحقیق شامل ۲۵ سوال در ارتباط با متغیرهای تحقیق بود که سهم متغیر رهبری معنوی، ۷ سوال؛ متغیر رضایت شغلی، ۵ سوال؛ متغیر تعهد سازمانی، ۵ سوال و سهم متغیر وفاداری سازمانی ۸ سوال در نظر گرفته شد. آزمون فرضیه‌ها در بخش آمار استنباطی نشان داد که فرضیه‌های تحقیق مورد تایید می‌باشد. بر اساس نتایج

¹ bootstrapping

فرضیه‌ها متغیرهای رهبری معنوی بر رضایت شغلی و تعهد سازمانی تاثیر مثبت و معناداری دارد. متغیرهای رضایت شغلی و تعهد سازمانی نیز بر وفاداری سازمانی تاثیر مثبت و معناداری دارند.

منابع

۱. اسماعیلی محمودرضا و صیدزاده حیدر، (۱۳۹۶)، «تاثیر رضایت شغلی بر عملکرد با نقش میانجی وفاداری سازمانی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت، شماره ۲۵، صص ۶۸-۵۱
۲. اندیشمند ویدا، اسدی خانوکی امیرصدرا و اسدی خانوکی محمود، (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه وفاداری سازمانی و رفتارهای انحرافی در محیط کار به واسطه نقش فضیلت سازمانی در بین کارکنان دانشگاه علوم دریایی»، فصلنامه علمی آموزشی علوم دریایی، شماره ۲۰، صص ۱۱۸-۱۰۹
۳. آذرینوشان مریم، مشایخ مریم و محمدی شیرمحله فاطمه، (۱۳۹۷)، «رابطه نوآوری سازمانی با عملکرد شغلی و رضایت شغلی معلمان»، فصلنامه علمی-پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۹۴-۷۵
۴. پورعزت علی اصغر، احسانی مقدم ندا، یزدانی حمیدرضا و فائز کوکب، (۱۳۹۲)، «تحلیل مقایسه ای نقش ابعاد گوناگون عدالت در جو سازمان و وفاداری سازمانی: پژوهشی پیرامون یک سازمان فناوری اطلاعات»، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۸۸-۶۵
۵. ترکیان بنفشه و کریمی فریبا، (۱۳۹۸)، «مدل روابط بین فضیلت و وفاداری سازمانی با بهزیستی روانشناختی و اشتیاق شغلی (مورد مطالعه: معلمان دوره متوسطه دوم شهر اصفهان)»، نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۷۷، صص ۶۴-۵۵
۶. ضیایی محمدصادق، نرگسیان عباس، آبیای اصفهانی سعید، (۱۳۸۷)، «نقش رهبری معنوی در توانمندسازی کارکنان دانشگاه تهران»، نشریه مدیریت دولتی، شماره ۱، صص ۸۶-۶۷
۷. طه زاده مسعود، (۱۳۹۲)، «وفاداری سازمانی»، نشریه موج، شماره ۶ و ۷، صص ۷۷-۶۵
۸. غلامی الهام، (۱۳۹۹)، «تاثیر رضایت شغلی بر عملکرد سازمانی»، فصلنامه رهیافتی در مدیریت بازرگانی، شماره ۲، صص ۸۹-۷۷
۹. فرخی نفیسه و فرح بخش کیومرث، (۱۳۹۹)، «تاثیر تعهد شغلی بر تعهد سازمانی با نقش میانجی صمیمیت در خانواده ی اصلی»، نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۷۹، صص ۵۹-۵۱
۱۰. قلی پور آرین، (۱۳۹۷)، «جامعه شناسی سازمان ها»، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات سمت
۱۱. قنبری سیروس و عبدالملکی جمال، (۱۳۹۸)، «نقش رهبری اخلاقی در وفاداری سازمانی با میانجی گری تعلق خاطر کاری»، نشریه پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۴، صص ۳۶-۱۷
۱۲. کعب عمیر نوری و نعامی عبدالزهرا، (۱۳۹۵)، «اثر عدالت سازمانی ادراک شده بر وفاداری سازمانی و بهزیستی شغلی با میانجی گری سایش اجتماعی و تعدیل کنندگی کنترل شغلی در کارکنان بیمارستان گلستان اهواز»، نشریه آموزش پرستاری، شماره ۳، صص ۶۳-۵۵
۱۳. مرتضوی نرگس السادات و عریضی حمیدرضا، (۱۳۹۹)، «رابطه تعارض کار-خانواده با تعهد سازمانی: نقش تعدیلی عدالت سازمانی ادراک شده»، نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۷۹، صص ۵۰-۴۲
۱۴. معمارزاده غلامرضا و صانعی مهدی، (۱۳۹۰)، «الماس رهبری معنوی در نظام اداری ایران»، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، شماره ۷، صص ۱۸-۹
۱۵. مهداد علی، حسام قاسمی حسین و غفوری محمدرضا، (۱۳۹۸)، «تاثیر وفاداری سازمانی و جافتادگی سازمانی بر عملکرد انطباقی: نقش تعدیل گر و وظیفه شناسی»، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، شماره ۲۹، صص ۲۵-۴۷
16. Afsar, Bilal, Badir, Yuosre and Kiani, Umar Safdar (2016). Linking spiritual leadership and employee pro-environmental behavior: The influence of workplace spirituality, intrinsic motivation, and environmental passion, Journal of Environmental Psychology, Vol. 45. pp. 79-88.
17. Arqawi, Samer M., Al hila, Amal A., Abu Naser, Samy S. and Al Shobaki, Mazen J. (2018). Interactive Justice as an Approach to Enhance Organizational Loyalty

- among Faculty Staff At Palestine Technical University (Kadoorei), International Journal of Academic Information Systems Research, Vol. 2. pp. 17-28.
18. Campbell, James Kennedy and Hwa, Yen Siew (2014). Workplace Spirituality and Organizational Commitment Influence on Job Performance among Academic Staff, Jurnal of Pengurusan, Vol. 40. pp. 115-123.
 19. Dean, Alison M. (2007). The Impact of the Customer Orientation of Call Center Employees on Customers' Affective Commitment and Loyalty, Journal of Service Research, Vol. 10. pp. 161-173.
 20. Fanggidae, Rolland E., Suryana, Yuyus, Efendi, Nuri and Hilmiana (2016). Effect of a Spirituality Workplace on Organizational Commitment and Job Satisfaction, 3rd Global Conference on Business and Social Science, Vol. 219. pp. 639-646.
 21. Minh, Ngo Vu and Huu, Nguyen Huan (2016). The Relationship between Service Quality, Customer Satisfaction and Customer Loyalty: An Investigation in Vietnamese Retail Banking Sector, Journal of Competitiveness, Vol. 8. pp. 103-116.
 22. Sukor, Mohammad Saipol Mohd, Panatik, Siti Aisyah and Yunus, Wan Mohd Azam Wan Mohd (2020). The Influence of Job Stressor on Organizational Loyalty and Intention to Quit among Health Care Staff, Indian Journal of Public Health Research & Development, Vol. 11. pp. 1779-1783.

پیش‌بینی اختلالات رفتاری بر اساس شیوه‌های تربیتی و صفات شخصیتی والدین در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۰۹

کد مقاله: ۲۲۸۰۶

زهرا کرباسیان^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی اختلالات رفتاری بر اساس شیوه‌های تربیتی و صفات شخصیتی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی انجام شده است. روش پژوهش توصیفی از نوع زمینه‌یابی است و جامعه آماری شامل تمامی والدین دانش‌آموزان پسر دوره ابتدایی منطقه ۱۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود که از میان آن‌ها ۷۲ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس با اجرای پرسشنامه علائم مرضی CSI-4 اسپیرافکین و گادو (۱۹۹۴) و چک‌لیست (DSM-52013)، بر روی دانش‌آموزان و تشخیص اختلال رفتاری آنان، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و سپس پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) و پرسشنامه شخصیتی چندوجهی مینه سوتا MMPI-2RF بر روی والدین دانش‌آموزان اجرا شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره انجام گرفت. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که رابطه مثبت معناداری میان ابعاد سبک‌های فرزندپروری از جمله سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با نشانگان اختلال رفتاری وجود دارد و همچنین ارتباط منفی معناداری بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با نشانگان اختلال رفتاری وجود دارد. ارتباط مثبت معنی‌داری در مقیاس‌های جسمانی/شناختی، درونی‌سازی و برون‌سازی، بین فردی و علایق و آسیب‌شناسی شخصیتی در سطح $\alpha=0/01$ در پرسشنامه CSI-4 با نشانگان رفتاری وجود دارد. با توجه به میزان t و سطح معنی‌داری مشخص شد، سبک فرزندپروری مستبدانه و سبک مقتدرانه سهمی مناسب در تبیین نشانگان اختلال رفتاری دانش‌آموزان دارند؛ اما سبک سهل‌گیرانه تأثیر معنی‌داری در نشانگان اختلال رفتاری نداشت ($P \geq 0/05$). براساس نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که شیوه‌های فرزندپروری از مهم‌ترین مولفه‌های تحول فرزند است و نقش مهمی در سلامت رفتار فرزندان ایفا می‌کند. مقیاس‌های جسمانی/شناختی، درونی‌سازی و برون‌سازی، بین فردی و علایق و آسیب‌شناسی شخصیتی می‌توانند منجر به بروز نشانگان اختلال رفتاری گردند.

واژگان کلیدی: اختلال رفتاری، صفات شخصیتی شیوه‌های تربیتی، دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

۱- مقدمه

تعدادی از کودکان بنابر دلایل مختلف در فرایند رشد خود با مشکلات هیجانی و رفتار خاصی روبرو می‌شوند و در این مراحل قادر به تأمین انتظارات و تکالیف رشدی نیستند و نمی‌توانند رفتارهای مناسب با سطح رشدی خود را بروز دهند و در رفتارهای اجتماعی و تحصیلی با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند (شرود و گوردن^۱، ۲۰۱۷). میزان شیوع اختلال‌های دوره کودکی طبق مطالعات همه‌گیرشناسی کشورهای مختلف پس از سال ۲۰۱۰، ۱۲/۴ تا ۵۱/۳ درصد از کودکان ۶ تا ۱۸ ساله، اختلالی قابل تشخیص دارند. میزان شیوع اختلالات شدید یا اختلالات رفتاری به ۵/۹ تا ۱۹/۴ درصد می‌رسد (برد^۲، ۲۰۱۶). یک‌سوم تا نیمی از تمام مراجعان به مراکز خدمات روان‌شناختی را کودکان ناسازگار و دچار اختلال رفتاری تشکیل می‌دهند (پدرسن و مستکاس^۳، ۲۰۱۴). بررسی‌های نشان می‌دهند دومین بیماری روان‌پزشکی رایج در دختران و پسران ارجاع داده‌شده به کلینیک‌های روان‌پزشکی، اختلال رفتاری است (زوکولیو^۴، ۲۰۱۵). در ایران نیز مطالعاتی جهت بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری در کودکان و نوجوانان انجام گرفته است که هر کدام نتایج متفاوتی داشته‌اند. در پژوهش ضیاءالدینی و شفیع‌زاده (۱۳۸۹) میزان شیوع اختلال رفتاری در دانش‌آموزان دبستانی سیرجان در دختران ۸/۷ درصد و در پسران ۱۳/۱ درصد، در تحقیق یوسفی، عرفانی، خیرآبادی و قانع (۱۳۸۸) میزان شیوع اختلال رفتاری در کردستان ۶/۹ درصد، یوسفی و هوشیاری (۱۳۹۴) میزان شیوع اختلال رفتاری در دانش‌آموزان دوره دبیرستانی شهر سنج ۸/۸ درصد، نجفی، فولادپنگ، علیزاده و محمدی فر (۱۳۸۸) میزان شیوع اختلال رفتاری در دانش‌آموزان دبستانی شهر شیراز ۵ درصد و شیرازی، ولی‌پور، مظاهری و رودباری سقایی (۱۳۹۳) میزان اختلال رفتاری دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر زنجان را ۹/۲ درصد گزارش نموده‌اند. اختلال رفتاری که یکی از اختلال‌های رفتاری دوران کودکی و نوجوانی را تشکیل می‌دهد، با مشکلات متعدد رفتاری، تحصیلی، اجتماعی و هیجانی همراه است که فرایند سازگاری والدین با فرزند را در خانواده با مشکل روبه‌رو می‌کند (ماش و ولف^۵، ۲۰۱۶). اختلال رفتاری به عنوان یک اختلال از طبقه تشخیص اختلال‌های رفتار ایدایی، کنترل تکانه و رفتاری در پنجمین ویرایش راهنمای تشخیص و آماری اختلال‌های روانی، الگوی رفتاری پایدار و تکرار شونده‌ای مشتمل بر نقض حقوق اساسی دیگران و تجاوز از هنجارهای اصلی اجتماعی متناسب با سن کودک یا نوجوان (زیر ۱۸ سال)، این موضوع ویژه مکان واحد و وابسته به موقعیت بخصوص نیست، بلکه مشکلات رفتاری در خانه، مدرسه، اجتماع و در میان همسالان و همکلاسان، به طور کامل آشکارند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). هونگ، تیلن و لابی^۶ (۲۰۱۶) نشانگان اختلال رفتاری را حضور چندرفتار ضداجتماعی نسبتاً بادوام و تکراری در موقعیت‌های مختلف عملکرد فرد و حداقل در یک دوره زمانی یک ساله تعریف کرده‌اند و شیوع این اختلال را بین ۳ تا ۱۴ درصد و در پسران سه برابر دختران گزارش نموده‌اند. ناتوانی در حل مسئله، عزت نفس پایین، رفتارهای پرخاشگرانه و ناسازگارانه، ضعف در عملکرد تحصیلی و ناتوانی در مهارت‌های اجتماعی کلامی و غیرکلامی از پیامدهای اختلال رفتاری است (قرلسفلو و همتی پویا، ۱۳۹۷). تعدادی از این کودکان در پیروی از هنجارها و مقررات و رفتارها به سبک جامعه پسند شدیداً مشکل دارند و در نظر همسالان و بزرگسالان و جامعه خود بیشتر از آنکه بیمار روانی به حساب بیایند افرادی بزهکار و بد تلقی می‌شوند (نول و بوکستین^۷، ۲۰۱۶). اختلال رفتاری در دوره کودکی و نوجوانی اثرات نامطلوبی بر زندگی آینده وی می‌گذارد؛ مثلاً بزرگسالانی که در کودکی مبتلا به اختلال رفتاری تشخیص داده شده بودند، از سلامت جسمانی و روانی کمتری برخوردار و در زمینه فرزندپروری نیز با مشکلات بیشتری روبرو بودند (چینگ و وانگ^۸، ۲۰۱۶).

افراد که اختلال رفتاری دارند در بزرگسالی در معرض خطر این موارد هستند: اختلال‌های خلقی، اختلال‌های اضطرابی، اختلال‌های فشار روانی پس آسیبی، اختلال‌های کنترل تکانه، اختلال‌های روان پریشی، اختلال نشانه جسمانی و اختلال‌های مرتبط با مواد. نشانه‌های این اختلال با بالا رفتن سن و افزایش قدرت جسمانی و توانایی‌های شناختی و بلوغ جنسی تغییر می‌کند، نشانه‌های رفتاری که ابتدا ظاهر شده‌اند (مثل دروغ‌گویی، دزدی از فروشگاه) معمولاً کاهش می‌یابند. درحالی که مشکلات رفتاری دیرتر بروز پیدا می‌کنند (مثل تجاوز به عنف، دزدی توأم با درگیری با قربانی) عموماً تشدید می‌یابند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳).

این افراد به شدت در معرض طرد همسالان، عملکرد ضعیف تحصیلی، افزایش رفتار پرخاشگرانه قرار دارند (خدمت‌گزار، ثاره، وکیلی و اصغر نژادفرید، ۱۳۸۷). همچنین آماده ابتلا به اختلال‌های خلقی، مصرف مواد و بزهکاری و اختلال شخصیت ضد اجتماعی در بزرگسالی هستند (سادوک و سادوک، ۲۰۱۵). در موارد دیگر اختلال رفتاری شامل مدرسه‌گریزی مکرر، ویرانگری و

1. Schroeder & Gordon
2. Bird
3. Zoccolillo
4. Mash & Wolfe
5. Hong, Tillman & Luby
6. Noll & Bukstein
7. Chang & Wang

پرخاشگری جسمانی شدید یا تهاجم گروهی به دیگران نظیر لخت کردن و نزاع گروهی و کتک کاری میشود. (کاپلان، ۲۰۰۷؛ ترجمه رضاعی، ۱۳۹۳). کودکان با اختلال رفتاری به احتمال بیشتری دارای هوشیهر پایین‌تر، مهارتهای کلامی ضعیف، ضعف عملکرد در آزمون های کارکردهای اجرایی، تحمل پایین ناکامی، آستانه پایین هیجانات منفی، فقدان بازداری، تخلف از قوانین، مشکلات پیش فعالی، توجه و تمرکز ناقص و عزت نفس پایین می‌باشند (هیل^۱، ۲۰۰۵؛ به نقل از عسگری، ۱۳۸۶).

بسیاری از عوامل در پیدایش این اختلال نقش دارند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مربوط به والدین و سبک تعاملات رفتاری میان آنهاست. روش تربیتی تنبیهی و خشن که وجه مشخصه آن پرخاشگری کلامی و جسمانی شدید باشد سبب بروز رفتار پرخاشگرانه و غیرانطباقی در کودک می‌گردد (سهرابی، خانجانی و زینالی، ۱۳۹۵). روانشناسان بر این باورند که شیوه‌های تربیت فرزند بر بسیاری از جنبه‌های روانشناختی از جمله رشد روانشناختی، سازگاری اجتماعی، اعتماد به نفس و مشکلات رفتاری نوجوانان تأثیر فراوان دارد (بلنتاین^۲، ۲۰۱۵). در این راستا مطالعات متعددی که به بررسی علت‌ها و پیامدهای مشکلات رفتاری کودکان پرداخته‌اند، حاکی از آن است که رفتارهای مشکل‌ساز کودکان از تعامل چندگانه عوامل بیولوژیکی، محیطی و خانوادگی نشأت می‌گیرد (ریچ و کوثریدو^۳، ۲۰۱۶) که در میان عوامل خانوادگی، سبک‌های فرزندپروری با ماندگاری و انتقال مشکلات رفتاری کودک به دوران تحولی بعدی رابطه مستقیم دارد (میلر، لویی و پریور^۴، ۲۰۱۷). هر چند همه کودکان دارای سطحی از مشکلات رفتاری‌اند که به مرور زمان و با رشد کودک تغییر می‌کند؛ ولی در دوران کودکی به دلیل تعامل مستمر والدین با کودکان، آن‌چه بیشترین تأثیر را در این تغییر دارد مهارت‌های فرزندپروری است (فورهند و لانگ^۵، ۲۰۱۴)؛ بنابراین پژوهشگرانی مانند سلیگمن، شافر، بامریند^۶ به طور کلی چهار شیوه فرزندپروری را مطرح کرده‌اند که شامل روشهای مقتدرانه^۷، مستبدانه^۸، سهل‌گیرانه^۹ و بی‌اعتنا می‌باشد و والدین تحت تأثیر عواملی مانند سطح سواد، طبقه اجتماعی، سن و فرهنگ این روش‌های تربیتی را به کار می‌گیرند و هر یک از این سبکها تأثیرات متفاوتی بر شخصیت فرزندان می‌گذارد (شعبانی و مویدی، ۱۳۹۶). بامریند (۱۹۹۱) شیوه‌های فرزندپروری را بر اساس نوع والدین و خانواده به والدین سهل‌گیر، والدین سخت‌گیر و والدین مقتدر تقسیم کرده است: در خانواده‌های سهل‌گیر به طور کلی قوانین بسیار محدودی وجود دارد و افراد نسبت به اجرای قوانین و آداب و رسوم اجتماعی چندان تقیدی ندارند و هر کس هر کاری بخواهد انجام می‌دهد و دخالت در کارهای یکدیگر معنا ندارد، آسان‌گیری بیش از حد می‌تواند برای کودک مخرب باشد و او را لوس، پرتوقع و خودخواه بار بیاورد به طوری که توجه و محبت مداوم از دیگران را دارد (نوابی نژاد، ۱۳۹۴). بامریند (۱۹۹۱) معتقد است که در روشهای مستبدانه بر قدرت والدین بیش از اندازه تأکید می‌شود. والدینی که از این شیوه استفاده می‌کنند، گرایش به محدودیت استقلال کودکان و مجبور کردن آن‌ها به پیروی از قوانین سخت‌گیرانه توأم با تهدید در صورت نقض قوانین دارند. این دسته از والدین گرایش بسیار کمی نسبت به پاسخگویی و پذیرش فرزندانشان از خود نشان می‌دهند (مارسیگلیا^{۱۰}، ۲۰۱۴). این افراد در برابر انتقاد بزرگترها بی‌تفاوت‌اند و از ثبات عاطفی کمی برخوردارند و سرانجام اینکه گرایش بیشتری به انحرافات اخلاقی نشان می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۹۶)؛ اما منظور از خانواده مقتدر، خانواده‌ای است که کودکان را به شیوه‌ای که در نظر او اطمینان بخش و قاطع است، آزاد می‌گذارند. در چنین خانواده‌ای فرزند به استقلال و آزادی فکری تشویق می‌شود، در حالی که نوعی محدودیت و کنترل از طرف والدین بر او اعمال می‌شود. در این نوع از سبک فرزندپروری اظهار نظر و ارتباط کلامی وسیعی در تبادل فرزند با والدین وجود دارد و گرمی و صمیمیت و محبت نسبت به کودک در سطح بالایی است (بی‌ریا، ۱۳۹۵). فرزندانی که با سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش رشد یافته‌اند، از شایستگی‌های تحصیلی و رفتارهای اجتماعی برخوردارند و مشکلات رفتاری کمتری دارند (مک کوبی^{۱۱}، ۲۰۱۱). این والدین بر دیدگاه خود به عنوان یک بزرگسال تأکید می‌کنند اما علایق شخصی فرزندان و راههای خاص را نیز تصدیق می‌کنند و در نظر می‌گیرند. والدین مقتدر هم‌پذیرنده و هم‌پاسخ دهنده هستند. آن‌ها کودکان را کنترل می‌کنند و مقررات واضحی برای رفتارهای کودکان وضع می‌کنند. آن‌ها قاطع هستند ولی سختگیر نیستند و روش انضباطی شان بیشتر حمایتی است تا اینکه تنبیهی باشد (تام^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۴).

پژوهش‌هایی که به بررسی تأثیر الگوهای تعامل خانوادگی در ایجاد اختلالات رفتاری و عاطفی کودکان پرداخته‌اند، از یک سو این اختلالات را نوعی واکنش کودک به نابسامانی‌های خانوادگی دانسته‌اند (پندینا^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۷) و از سوی دیگر به محرک-

1. hill
2. Ballantine
3. Rich & Querido
4. Miller, Lewis, & Prior
5. Forehand & Long
6. Baumrind
7. Authoritative parenting
8. Authoritarian parenting
9. Permissive parenting
10. Marsiglio, C.S
11. Maccoby
12. Tam
13. Pandina

های محیطی نامناسب، مانند عدم پذیرش کودک، عدم محبت و حمایت کافی از طرف والدین، افراط در محبت، بی هدفی در خانواده، سردی کانون خانواده و سختگیری های والدین ساخته‌اند (بارلو^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). کزدا و همکاران (۲۰۱۴) معتقد است عواملی مثل خصوصیات والدین، خلق و خوی کودک و محیط خانوادگی، با تأثیری که بر روش‌های فرزندپروری می‌گذارد، موجب بروز رفتارهای خاصی در کودکان می‌شود. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که کیفیت ابعاد فرزندپروری با مشکلات رفتاری و اختلال رفتاری کودکان رابطه دارد. به گونه‌ای که روش‌های ناکارآمد فرزندپروری شامل منفی‌گرایی و فقدان گرمی (فیفر، مک‌رنت و جودیک، ۲۰۱۵)، آسان‌گیری، بی‌ثباتی و فقدان پاسخگویی (گلدشتاین و هاروی، ۲۰۱۷) در بروز نافرمانی نقش دارد. سبک‌های فرزندپروری نه تنها در رفتارهای حال حاضر کودک، بلکه در بروز مشکلات رفتاری دوره‌های بعدی نیز موثر است (پرپلت چیکووا و کازدین، ۲۰۱۴). میلر و همکاران (۲۰۱۴) در یک مطالعه طولی بر نوجوانان ۱۴ ساله دریافتند، فرزند تنبیه گر و همراه با واکنش شدید والدین، پیش‌بینی کننده مشکلات برونی‌سازی شده نوجوانان در ۱۸ سالگی است. بر این اساس، اگر چه معمولاً انتظار می‌رود این مشکلات رفتاری طی ۱۴ الی ۱۸ سالگی کاهش یابد، اما مشکلات رفتاری برخی نوجوانان به واسطه فرزندپروری ناکارآمد، در این دوره افزایش می‌یابد و با انتقال به دوران بعدی، مشکلاتی از قبیل بزهکاری، طرد همسالان، اخراج از مدرسه، اعمال مجرمانه و خشونت بین فردی را در سنین بزرگسالی پیش‌بینی می‌کند (کبلی و آگدن، ۲۰۱۵). به نقل از حاجی رضی، از خوش، طهماسبیان و بیات، (۱۳۹۴)، برخی پژوهش‌های دیگر رابطه شیوه‌های فرزندپروری با مشکلات رفتاری و اختلال رفتاری را بررسی نموده‌اند:

گارثی^۵ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان اثرات شیوه‌های فرزندپروری والدین روی اختلالات خلقی و رفتاری در نوجوانان به این نتیجه دست یافتند که برخی از سبک‌های فرزندپروری مانند استبدادی و بی توجه با آغاز پیامدهای زیانبار برای نوجوانان مانند اضطراب، پرخاشگری، کاهش عزت نفس و مصرف مواد ارتباط دارد. نوجوانانی که والدین خود را خشن، کنترل کننده و بی اغماض ارزیابی می‌کنند به احتمال بیشتر از اختلالات رفتاری رنج خواهند برد.

میلوسکی^۶ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان شیوه‌های فرزندپروری مادری و پدری و ارتباط آن با اختلالات رفتاری و مشکلات برونی‌سازی شده و رضایت از زندگی نوجوانان روی نمونه‌ای متشکل از ۲۷۲ دانش‌آموز دبیرستانی به این نتایج دست یافتند که روش تربیت مادری با اقتدار عزت نفس و رضایتمندی بالاتر و مشکلات رفتاری کمتری در نوجوانان مرتبط است. این در حالی بود که برتری شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادر بر شیوه سهل‌گیرانه در تمام نتایج حاصله روشن بود. همچنین بید، رید و وبستر-استراتون^۷ (۲۰۱۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند، والدینی که هیجانات مثبت دارند و به رفتارهای اجتماعی فرزندان توجه دارند، فرزندان آن‌ها از رفتارهای ضداجتماعی دور هستند و مشکلات رفتاری کمتری دارند. نتایج تحقیق زارع، بخشی‌پور و حسن-زاده (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان شیوه‌های فرزندپروری و سلامت روانی در میان جوانان نشان دادند میان شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و سلامت روان رابطه منفی، میان شیوه فرزندپروری مقتدرانه و سلامت روانی رابطه مثبت و میان شیوه سهل‌گیرانه و سلامت روانی رابطه منفی وجود دارد. طباطبایی (۱۳۹۴) در تحقیقی که به بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سلامت روانی دختران پرداخته بود به این نتایج دست یافت که میان شیوه تربیتی قاطع و اطمینان بخش و سلامت روانی رابطه معنادار و میان شیوه فرزندپروری مستبدانه با بهداشت روانی رابطه معکوس داشت اما میان شیوه سهل‌گیرانه با بهداشت روانی در هیچ یک از سطوح اطمینان رابطه معنادار وجود نداشت. نتایج مطالعات کینان، هپ و ول، چانگ، استپ و استومر-لوبر^۸ (۲۰۱۶) نشان داد که از روی رفتارها و سبک‌های والدگری والدین می‌توان اختلال رفتاری در دختران را پیش‌بینی کرد. طباطبایی و فضلی و یارعلی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان ابتدایی به این نتایج دست یافتند که شیوه مقتدرانه با کاهش اختلال رفتاری رابطه دارد. در پژوهش دیگر که توسط شفیع-پور، شیخی، میرزایی و کاظم‌نژاد لیلی (۱۳۹۴) با عنوان بررسی سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان انجام شده بود این نتایج دریافت شد که سبک فرزندپروری مقتدرانه هم با مشکلات رفتاری درونی سازی شده و هم با مشکلات برونی سازی شده رابطه منفی معنادار دارد و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه تنها با مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده رابطه مثبت معنادار داشت.

شخصیت افراد خانواده به ویژه والدین از جمله عناصر مداخله کننده در روابط بین شخصی است. شخصیت یک سازه کلی است که از مجموعه ویژگی‌های قابل مشاهده که در تعامل با عناصر محیط ایفای نقش می‌نمایند اشاره دارد (پروین، ۲۰۰۵)

1. Barlow
2. Piffner, McBurnett, Rathouz, & Judice
3. Goldstein, & Harvey
4. Perepletchikova & Kazdin
5. Gharthe
6. Milevsky
7. Baydar, N., Reid, M. J. & Webster-Stratton
8. Keenan, Hipwell, Chung, Stepp & Stouthamer-Loeber

(نیگ، ۱۹۹۸) به نقش ویژه آسیب‌شناسی روانی و صفات شخصیتی والدین در پیشگویی مشکلات رفتاری برون‌ریزانه‌ای کودک اشاره داشته که هنوز ناشناخته است. وی در مطالعه‌ای دیگر با در نظر گرفتن همبودی اختلال نافرمانی مقابل جویانه و اختلال سلوک با اختلال نقص توجه بیش‌فعالی دریافت که در مقایسه با گروه بدون تشخیص، والدین پسرانی که نافرمانی و یا اختلال سلوک را به طور همزمان با اختلال نقص توجه بیش‌فعالی داشتند در توافق‌پذیری پایین، روان‌آزرده‌خوبی بالا و اضطراب از خود نشان می‌دادند (شولتز، دوان، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۰). هیرامورا، یوچی، شیکایی، شن و کتیامورا (۲۰۱۰) نشان دادند که پرخاشگری کودکان تا حدود زیادی با استفاده از سرشت کودک و فرزندپروری والدین قابل تبیین است. ون‌آکن، یونگر و ره‌وراون و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای بر روی ۱۱۲ پسر و والدینشان نشان دادند که ثبات هیجانی والدین صفت شخصیتی است که با رفتارهای برونی‌سازی کودکان مرتبط است. کومزی، رایکونن هینون و همکاران (۲۰۰۸) مشاهده کردند که برونگرایی بیشتر والدین پیش‌بینی‌کننده مهار موثرتر کودک و روان‌نژندی خوبی بالاتر والدین پیش‌بینی‌کننده افزایش هیجانات منفی کودک هستند. در تحقیقات پورتر و وودورث (۲۰۰۶) و پاردرینی (۲۰۰۸) نتیجه‌گیری شده است که ویژگی‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی با اختلال سلوک رابطه قوی دارد. همچنین نشانه‌های اختلال سلوک ویژگی‌های رفتاری سایکوپاتیک در بزرگسالی را پیش‌بینی می‌کند (بیورک و همکاران، ۲۰۰۷) یکی از پیامدهای مهم در اختلال سلوک صفات شخصیتی است که در صورت عدم درمان سایکوپاتیک می‌شوند. ویژگی‌های سایکوپاتیک شامل دو نوع ویژگی است، یکی ویژگی‌های میان‌فردی مانند دیگران را زیر نفوذ خود قرار دادن، تقلب، فریبندگی و جذابیت‌های سطحی و بزرگ‌نمایی است و دیگر ویژگی‌های عاطفی که شامل عاطفه سطحی، فقدان همدلی، گناه، پشیمانی و نپذیرفتن مسئولیت اعمال ضد اجتماعی خویش است (پاردینی، لاکمن و فربک، ۲۰۰۳؛ به نقل از رضا بیگی داورانی، ۱۳۹۲)

بنابراین طبق یافته‌های پژوهشگران برخورد والدین با کودکان و شیوه‌های تربیتی و فرزندپروری که والدین بکار می‌گیرند می‌تواند تغییراتی محسوس در رفتارهای آنان ایجاد کند و سبب بروز رفتارهای مطلوب و یا حتی تنش و اختلال در رفتارشان به وجود آورد. شیوه‌های فرزندپروری یا شیوه‌های تربیتی والدین بر بروز ناهنجاریهای رفتاری فرزندان آثار درخور توجهی می‌گذارد. سبک فرزندپروری می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رشد روانی اجتماعی، عملکرد تحصیلی، رفاه و سلامت و حتی مشکلات رفتاری فرزندان باشد؛ بنابراین در این پژوهش برآنیم تا اثرات شیوه‌های تربیتی بر نشانگان اختلال رفتاری را در دانش‌آموزان دوره ابتدایی مورد بررسی قرار دهیم. لذا سوال اصلی پژوهش عبارت است از: آیا شیوه‌های تربیتی و ثفات شخصیتی والدین می‌توانند اختلال رفتاری را در کودکان پیش‌بینی کنند؟

۲- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف کاربردی بوده، روش آن توصیفی از نوع زمینه‌یابی است. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش شامل تمامی والدین (مادر یا پدر) دانش‌آموزان مدارس پسرانه دوره ابتدایی منطقه ۱۵ شهر تهران در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود. نمونه-ای به حجم ۷۲ نفر از این والدین به شیوه هدفمند در دسترس از طریق روش برآورد حجم در مطالعات معطوف به تصمیم توسط نرم‌افزار پس^۱ انتخاب شدند. بدین صورت که برای انتخاب نمونه والدین، ابتدا در تمامی مدارس ابتدایی پسرانه منطقه ۱۵ دانش-آموزان مشکل‌دار بر اساس سوابق تربیتی و انضباطی موجود در دفاتر شناسایی شد که تعداد آن‌ها ۲۷۳ نفر گزارش شد. سپس جهت غربالگری دانش‌آموزان دارای نشانگان اختلال رفتاری، پرسشنامه علائم مرضی فرم معلمان به پیوست چک لیست DSM-5 به معلمان که بیشترین شناخت از دانش‌آموزان داشته‌اند تحویل داده شد پس از تکمیل نمودن آن‌ها توسط معلمان؛ پژوهشگر دانش-آموزانی که سه نمره و بالاتر در پرسشنامه علائم مرضی کودکان و ۶ نمره و بالاتر در چک لیست DSM-5 کسب نموده بودند در گروه نمونه شرکت دادند. پس از شناسایی دانش‌آموزان دارای اختلال رفتاری، پرسشنامه علائم مرضی کودکان اسپیرافکین و گادو CSI-4 (۱۹۸۴) و چک لیست DSM-5 (۲۰۱۳) و پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) بر روی یکی از والدین دانش-آموزان دارای اختلال رفتاری انجام شد. سرانجام ۷۲ نفر از والدین دانش‌آموزان دارای نشانگان اختلال رفتاری، پرسشنامه‌ها را به صورت کامل تکمیل نموده و داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با روشهای آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار؛ و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی و رگرسیون چندمتغیره با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳- ابزارهای پژوهش

پرسشنامه علائم مرضی کودکان CSI-4: جهت سنجش اختلال رفتاری از پرسشنامه علائم مرضی کودکان استفاده شد. این مقیاس اولین بار در سال ۱۹۸۴ توسط اسپرافکین و گادو بر اساس طبقه‌بندی سومین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی با فهرست اسپرافکین، لانی، یونیتا، گادو به منظور غربال ۱۸ اختلال رفتاری و هیجانی در کودکان ۵ تا ۱۲ ساله طراحی شد. این پرسشنامه، دارای دو چک لیست والد و معلم است. چک لیست والد ۹۷ سوال دارد و ۱۷ اختلال را می‌سنجد و چک لیست معلم با ۷۷ سوال، ۱۳ اختلال را مورد سنجش قرار می‌دهد که ۸ سوال آن مربوط به ارزیابی اختلال رفتاری است. اعتبار و پایایی این پرسشنامه در دانشگاه استونی بروک به تایید رسیده است. در ایران نیز ضریب پایایی ابزار با روش آزمون مجدد محاسبه شد که در چک لیست والد با ضریب ۰/۹۶ و در چک لیست معلم با ضریب ۰/۹۳ گزارش شده است. اعتبار صوری پرسشنامه که بر اساس ملاک‌های تشخیصی DSM-IV می‌باشد توسط اساتید روان‌پزشکی و روانشناسی انستیتو روان‌پزشکی تهران تایید شده است (قهاری، مهریار، بیرشک، ۱۳۸۲).

اسپرافکین، لانی و گادو در سال ۱۹۸۴ همبستگی این آزمون (CSI-3R) و مقیاس‌های رفتاری کودک را در ADHD، اختلال رفتاری و ODD به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۵۸ و ۰/۷۲ گزارش کرده‌اند (به نقل از توکلی زاده، ۱۳۷۶). محمداسماعیل (۱۳۸۶) نیز ضریب اعتبار فرم والد را با روش بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته از ۰/۲۹ برای اختلال هراسی تا ۰/۷۶ برای اختلال رفتاری برآورده کرده است. لازم به ذکر است در پژوهش حاضر نیز اعتبار پرسشنامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۵۱ به دست آمد. چک لیست DSM-5: چک لیست DSM-5 که از راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی DSM-5/انجمن روانپزشکی آمریکا ترجمه آوادیس و همکاران در سال ۱۳۹۵ اقتباس شده است و ملاک‌های تشخیصی آن برای اختلال سلوک به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند. ملاک‌های تشخیصی آن براساس نشانه‌های:

- ۱- پرخاشگری نسبت به افراد و حیوانات
- ۲- تخریب اموال
- ۳- تقلب یا سرقت
- ۴- تخلف جدی از مقررات

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری: فرم اولیه پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه فرزندپروری را بامریند (۱۹۹۱) طراحی کرده و ساخته است. این پرسشنامه را حسین‌پور (۱۳۸۱) ترجمه کرده است و پس از تحلیل عاملی، پرسشهای شماره ۲۸، ۱۴، ۱۳ و ۲۶ حذف شدند. این پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. جمله‌های شماره ۲۸، ۲۴، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۱۶ به شیوه سهل‌گیرانه، جمله‌های شماره ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۰، ۲۵، ۲۶ به شیوه استبدادی و جمله‌های ۱۱، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰ به شیوه مقتدرانه مربوط می‌شوند. در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم تا حدودی موافقم، تاحدودی مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از صفر تا ۴ نمره‌گذاری شده است. در انستیتو روان‌پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه کرده و اصلاحات لازم را در آن صورت داده است، سپس از ده صاحب نظر در زمینه روانشناسی و روانپزشکی خواسته شده است تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص و نظر اصلاحی خود را نیز بیان کنند. نتایج به دست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است. (زنگنه، ۱۳۸۵)، اسفندیاری (۱۳۷۴)، بورای (۱۹۹۱) و دیانا بامریند (۱۹۹۱) در پژوهش‌های خود از این پرسشنامه استفاده کرده‌اند. بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش "بازآزمایی" استفاده کرده و نتایج زیر را به دست آورده است: ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری. او همچنین "ثبات درونی" را با استفاده از فرمول کرونباخ محاسبه کرده که ۰/۷۵ برای شیوه سهل‌گیری، ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه مقتدرانه را به دست آورده است (طباطبایی، ۱۳۹۶).

فُرَم بازسازی شده پرسشنامه شخصیتی چندوجهی مینه‌سوتا-۲ (MMPI-2RF): در ایران MMPI-2RF توسط کامکاری و شکرزاده (۱۳۸۸) ترجمه و انطباق‌یابی گردیده است که جامعه مورد بررسی عبارتند از: جامعه ورزشکاران تیم ملی، کارکنان سازمان‌های مختلف از جمله پلیس، شهرداری، ستاد مبارزه با مواد مخدر و ...، دانشجویان، شهروندان ساکن در تهران و شهرستان‌های مختلف کشور، افراد دارای مشکلات بالینی از جمله اسکیزوفرنیا، وسواس، افسرده، مضطرب و ...، معلمان و ...، روسازی و اعتباریابی شده است. ضرایب اعتبار برای مقیاس‌های بالینی (پنجاه مقیاس) بالاتر از ۰/۸۰ بود که این اقدام از طریق روش آلفا کرونباخ، دوتیمه کردن و ضریب ثبات با تأکید بر آزمون - بازآزمون صورت گرفت و نشان‌دهنده ضرایب اعتبار مطلوب بود. برای بررسی روایی پرسشنامه نیز از تحلیل عامل سلسله‌مراتبی متعامد برای بررسی روایی سازه، ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی روایی ملاکی از نوع همزمان، روایی تشخیصی با استفاده از روش فاصله اطمینان، روش نمودار پراکنش و ضریب حساسیت و وضوح‌گرایی استفاده شده است.

این آزمون با تأکید بر قانون بازآزمایی مجدد در استانداردسازی آزمون‌های روانشناختی توسط شاهین طبع و همکاران (۱۳۸۸) در دانشگاه علوم انتظامی، مورد اعتبارسنجی و سنجش روایی قرار گرفت و با حجم نمونه ۲۰۰ نفر از دانشجویان سال اول تا چهارم،

ضرایب اعتبار فراتر از ۰/۸۰ بدست آمد. همچنین نتایج حاصل تحلیل عامل تأییدی با شاخص شلر- هولز و نیکویی برازش استاندارد شده در سطح $\alpha=0/05$ معنی دار بود و نشان دهنده روایی سازه این ابزار در ایران می باشد. آزمون مزبور که در ایران استاندارد شده است، دارای ۳۳۸ سؤال بوده و از طریق نرم افزار پیشرفته به سرعت نمره گذاری شده و می تواند برای هر آزمودنی، پنج نیمرخ مجزای در راستای ارائه خدمات پیشگیری، راهنمایی و مشاوره ارائه دهد. این آزمون در حیطه پرسشنامه های دوگزینه ای قرار دارد.

۴- یافته ها

جدول (۱) نتایج میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی تحقیق را نشان می دهد

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرها شاخص ها	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف معیار
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	۴	۲۸	۱۶/۲۲	۵/۸۸
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۵	۴۰	۳۰/۵۶	۹/۴۶
سبک فرزندپروری مستبدانه	۱۰	۳۲	۲۰/۳۱	۶/۲۷
اختلال رفتاری براساس CSI-4	۱	۲۶	۱۳	۵/۵۲
اختلال رفتاری بر اساس DSM-5	۱	۲۰	۹/۲۵	۲/۵۷

با توجه به جدول ۱، پایین ترین نمره بین پاسخگویان در مولفه سبک فرزندپروری سهل گیرانه، ۴ و بالاترین نمره ۲۸ بوده است، همچنین میانگین نمرات پاسخگویان در این متغیر ۱۶/۲۲ و انحراف معیار آن برابر با ۴/۶۵ بوده است. به منظور انتخاب آزمون پارامتریک یا ناپارامتریک، ابتدا می باید از توزیع آماری متغیرها، اطمینان حاصل کرد. برای آزمون نرمال بودن توزیع، از آزمون کولموگروف-اسمینوف استفاده شد.

جدول ۲. نتایج آزمون کولموگروف-اسمینوف برای متغیرها

متغیرها شاخص ها	مقدار آزمون	سطح معنی داری
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	۰/۹۲۲	۰/۳۶۳
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۹۱۲	۰/۳۷۶
سبک فرزندپروری مستبدانه	۱/۲۱۵	۰/۰۸۸
اختلال رفتاری براساس CSI-4	۰/۹۳۹	۰/۳۴۲
اختلال رفتاری بر اساس DSM-5	۰/۷۶۴	۰/۶۰۳

چنانچه در جدول ۲ نمایان است، توزیع تمامی متغیرها با توجه به این که سطح معناداری آن ها بزرگتر از ۰/۰۵ است، نرمال هستند.

جدول ۳. آزمون لوین جهت بررسی تجانس واریانس ها

متغیرها شاخص ها	مقدار آماره لوین	سطح معناداری
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	۰/۱۵۹	۰/۶۹۰
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۷۸۶	۰/۳۷۷
سبک فرزندپروری مستبدانه	۰/۰۱۱	۰/۹۱۸
اختلال رفتاری براساس CSI-4	۰/۱۴۸	۰/۷۰۱
اختلال رفتاری بر اساس DSM-5	۰/۱۳۴	۰/۷۱۵

با توجه به جدول ۳ سطح معناداری تمامی متغیرها بزرگتر از ۰/۰۵ است می توان گفت که واریانس از تجانس برخوردار است.

جدول ۴. ضرایب همبستگی بین اختلال رفتاری و سبک های فرزندپروری

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۱				
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۴۶	۱	۱		
سبک فرزندپروری مستبدانه	۰/۴۷۱	-۰/۴۹	۱	۱	
اختلال رفتاری براساس CSI-4	۰/۴۴۸	-۰/۵۳	۰/۳۷	۱	
اختلال رفتاری بر اساس DSM-5	۰/۴۳۴	-۰/۳۹	۰/۳۳۶	۰/۸۱۵	۱

در جدول ۴ همبستگی میان سبک‌های فرزندپروری و اختلال رفتاری با توجه به DSM و علائم مرضی نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که سبک مقتدرانه با اختلال رفتاری رابطه منفی معنادار و سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه با اختلال رفتاری با توجه به DSM و علائم مرضی رابطه مثبت و معنادار دارند و این ارتباط در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار است. پس از تایید نرمال بودن داده‌ها و تجانس واریانس‌ها و روابط معنادار بین متغیرها جهت بررسی سوالات پژوهش آزمون رگرسیون انجام شد. خلاصه نتایج در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون همزمان پیش‌بینی اختلال رفتاری با توجه به DSM

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی‌داری	R	R ²	F
نشانیگان اختلال رفتاری با استفاده از DSM	شیوه سهل‌گیرانه	۰/۲۷	۱/۹۳	۰/۵۹	۰/۳۳۵	۰/۱۲۶	۱۵/۱۶
	شیوه مستبدانه	۰/۶۰	۵/۱۸	۰/۰۰۱			
	شیوه مقتدرانه	-۰/۵۴	-۴/۳۹	۰/۰۰۱			

جدول ۵ پیش‌بینی اختلال رفتاری با توجه به DSM را از روی سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد ضریب رگرسیون چندخطی معنادار است ($R=0/335, F(3/336)=15/16, P \leq 0/001$). همچنان که جدول نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه میان ترکیب خطی متغیرهای پیش بین و اختلال رفتاری ۰/۳۳۵ بود. شیوه‌های فرزندپروری ۰/۱۲۶ اختلال رفتاری را تبیین می‌کنند. همچنان که جدول نشان می‌دهد به ازای هر واحد افزایش در نمرات شیوه فرزندپروری مقتدرانه، اختلال رفتاری با توجه به DSM فرزندان آن‌ها ۰/۵۴ واحد کاهش می‌یابد و به ازای هر واحد افزایش در نمرات شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و شیوه مستبدانه، اختلال رفتاری با توجه به DSM به ترتیب ۰/۲۷ واحد و ۰/۶۰ واحد افزایش می‌یابد.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون همزمان پیش‌بینی اختلال رفتاری با توجه به علائم مرضی CSI-4

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی‌داری	R	R ²	F
نشانیگان اختلال رفتاری با استفاده از علائم مرضی CSI-4	شیوه سهل‌گیرانه	-۰/۱۰	-۰/۶۰	۰/۵۴۸	۰/۴۲۱	۰/۱۷۷	۷/۰۷
	شیوه مستبدانه	۰/۴۵	۳/۱۷	۰/۰۰۳			
	شیوه مقتدرانه	-۰/۳۹	-۲/۹۹	۰/۰۰۵			

جدول ۶ پیش‌بینی اختلال رفتاری با استفاده از علائم مرضی CSI-4 را از روی سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد ضریب رگرسیون چندخطی معنادار است ($R=0/421, F(3/336)=7/07, P \leq 0/001$). همچنان که جدول نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه میان ترکیب خطی متغیرهای پیش بین و اختلال رفتاری ۰/۴۲۱ بود. شیوه‌های فرزندپروری ۰/۱۷۷ اختلال رفتاری را تبیین می‌کنند. همچنان که جدول نشان می‌دهد به ازای هر واحد افزایش در نمرات شیوه فرزندپروری مقتدرانه، اختلال رفتاری با توجه به علائم مرضی فرزندان آن‌ها ۰/۳۹ واحد کاهش می‌یابد و به ازای هر واحد افزایش در نمرات شیوه فرزندپروری مستبدانه، اختلال رفتاری با توجه به علائم مرضی ۰/۴۵ واحد افزایش می‌یابد.

جدول ۷. ضرایب رگرسیون جهت پیش‌بینی نشانیگان اختلال رفتاری از طریق مقیاس‌های صفات شخصیت

متغیر ملاک	متغیرهای	ضریب	میزان	سطح
------------	----------	------	-------	-----

معنی داری	t	بتا	پیش بینی کننده	نشانیگان اختلال رفتاری با استفاده از علائم مرضی
۰/۰۰۱	۴/۱۳	۰/۷۱	پرخاشگری	
۰/۰۰۲	۴/۰۶	۰/۱۵	روان پریشی	
۰/۰۰۹	۳/۹۲	۰/۳۵	بی مسئولیتی	
۰/۰۱	۳/۰۳	-۰/۰۱	روان نژندی	
۰/۰۰۶	۳/۱۲	-۰/۱۸	درون گرایی	

با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست آمده، می توان مطرح نمود که مولفه صفات شخصیتی تأثیر مثبت و معنی داری بر اختلال رفتاری کودکان وجود دارد. بدین ترتیب باتوجه به نتایج بدست آمده به این نتیجه رسیدیم که مقیاس های «جسمانی/شناختی و درونی سازی» و «برونی سازی، بین فردی، علایق و آسیب شناسی شخصیت در شیوع نشانیگان اختلال رفتاری کودکان نقش مهمی دارد که با افزایش استفاده از آنها اختلال رفتاری در کودکان افزایش و با کاهش آنها نشانیگان اختلال رفتاری نیز کاهش می یابد.

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر دلالت بر اثرات شیوه های فرزندپروری بر نشانیگان اختلال رفتاری دانش آموزان دارد. نتایج به دست آمده در این تحقیق، یافته ها و مطالعات پیشین در زمینه تأثیر شیوه های فرزندپروری بر نشانیگان اختلال رفتاری را تأیید می کند. این نتایج نشان می دهد هر چه والدین با شیوه های مقتدرانه آشنا تر باشند احتمال وجود نشانیگان اختلال رفتاری در فرزندان آن کاهش می یابد و شیوه های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه در روش های تربیتی والدین تا حدودی تبیین کننده نشانیگان اختلال رفتاری در فرزندان آنهاست. یافته های این پژوهش با پژوهش های بسیاری از پژوهشگران مانند گارثی و همکاران (۲۰۱۷)، میلوسکی و همکاران (۲۰۱۷)، بیدر و همکاران (۲۰۱۶)، زارع و همکاران (۲۰۱۶)، طباطبایی (۱۳۹۴)، کینان و همکاران (۲۰۱۶)، طباطبایی و همکاران (۱۳۹۳) و شفیق پور و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. در اکثر این مطالعات انجام شده در ارتباط با سبک فرزندپروری و مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان به ارتباط معکوس سبک مقتدرانه و ارتباط مستقیم سبک مستبدانه با بروز مشکلات رفتاری اشاره شده است.

در تبیین نتایج این یافته می توان بیان نمود والدینی که از روش های مستبدانه در تربیت فرزندان خود بهره گرفته اند با توجه به اینکه الگوی ارتباطی کمتر آرمانی بوده و اغلب با سخت گیری و خشونت بیش از حد و تنبیه همراه هست و هر خطایی که از فرزند سر می زند با حمله به شخصیت کودک و ایجاد احساس شرمساری و گناه در او همراه است و این زمینه را برای ایجاد تصویری ضعیف از شخصیت خود و کاهش اعتماد به نفس و رفتارهای مخرب در کودک فراهم می سازد. کودک در چنین خانواده هایی نمی تواند بین تنبیه و خشونت که علیه او اعمال شده و رفتارهای خود ارتباط منطقی برقرار سازد و این تصویری را در ذهن کودک تثبیت مینماید که والدین او حقیقت محض هستند و در نتیجه زمینه را برای کودک برای انجام رفتارهای مهار گیسخته و از جمله اختلال رفتاری فراهم می نماید. از سوی دیگر تنبیه های کینه توزانه و خشونت ها غیرمنطقی تصور بی احترامی و بی توجهی را در ذهن کودک شکل خواهد داد و چنین تصویری باعث بروز برخی از رفتارهای ضداجتماعی مانند فرار از منزل، پرخاشگری و رفتارهای ضد هنجار اجتماعی و مشکلات رفتاری خواهد شد.

همچنین نتایج نشان داد بین شیوه های فرزندپروری مقتدرانه و اختلال رفتاری رابطه منفی معنادار وجود دارد؛ و شیوه های فرزندپروری مقتدرانه قادر به تبیین اختلال رفتاری در دانش آموزان دوره ابتدایی می باشد. این یافته را می توان اینطور توجیه نمود والدینی که پیرو الگوی مقتدرانه در تربیت فرزند خود بوده اند در برخورد با رفتارهای اشتباه کودک همیشه بر رفتارهای او تأکید کرده اند و هرگز شخصیت کودک خود را تخریب نکرده اند و اگر هم تنبیه شده صرفاً بخاطر نارضایتی از انجام رفتارهای او بوده است و بجای اینکه کودک را هراسان و پریشان نمایند سعی کرده اند به اصلاح رفتار بیشتر توجه نمایند و کمبود دانش، تجربه و مهارت ها و اندیشه منطقی او را اصلاح نمایند. در چنین خانواده هایی که از روش های مقتدرانه استفاده می شود می دانند که باید کودک خود را برای مقابله با مشکلات و ناملازمات آماده نمایند و والدین می دانند که بدون وجود آنها تحمل مشکلات برای کودکان شان امکان پذیر نیست بنابراین بجای تنبیه و خشونت و رفتارهای ناعادلانه به فرزند خود آموزش های لازم برای مقابله با مصایب زندگی را خواهند داد. با توجه به اینکه در این الگوی تربیتی کودک هرگز طرد نمی شود و فراتر از رفتارهای ناشایستی که از او سر می زند مورد توجه واقع می شود و رفتارهای مثبت او نیز همواره مورد تشویق قرار می گیرد و بدین وسیله احساس دوست داشتن را در کودکان خود پرورش می دهند و این باعث خواهد شد میل به همکاری و حس اعتماد به نفس و عزت نفس در کودکان برانگیخته شود و به تبع آن کودکان در چنین محیطی سازگاری بیشتری را در اجتماع خود نشان خواهند داد. بدیهی است که

کودکان با چنین روش فرزندپروری و تربیتی زمینه را برای رفتارهای مطلوب فراهم و این کودکان کمتر دچار رفتارهای ناشایست و از جمله اختلال رفتاری خواهند شد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در سطح اطمینان ۹۵ بر اختلال رفتاری تأثیر معنی‌دار ندارد. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های شفیع پور و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. شاید بتوان نتایج ضد و نقیض را این گونه تبیین نمود که شیوه‌های تربیتی والدین اغلب بر حسب تعامل بین دو شیوه رفتاری، در تغییر است. بعد اول به بررسی رابطه عاطفی با فرزند می‌پردازد و به رفتاری بی‌توجه و طرد کننده ختم می‌شود. بعد دوم نظارت والدین بر کودک را در برمی‌گیرد و از رفتاری محدود کننده و مطالبه کننده تا روشی آسانگیر و بی‌ادعا متغیر است و در آن برای رفتار کودک، محدودیت‌های مختصری منظور شده است. حال می‌توان چنین نتیجه گرفت که ترکیب روش سهل‌گیرانه و عدم نظارت والدین همراه با خشونت و طرد، پیشگویی کننده معتبری برای اختلال رفتاری است. به نظر می‌رسد که شیوه‌های سهل‌گیرانه از سبک‌های تربیتی ناکارآمد هست و باعث بروز مشکلات رفتاری و اختلال رفتاری در کودکان می‌شود، اما اینکه در برخی پژوهش‌ها معنی‌دار و در برخی معنی‌دار نیست شاید تفاوت در نوع ابزار بکارگرفته شده و شرایط جمع‌آوری داده‌ها این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین اختلاف موجود را می‌توان به شرایط خانوادگی، فرهنگی، روانی اجتماعی حاکم بر زندگی فرزند نیز نسبت داد. این پژوهش نیز همانند دیگر پژوهش‌های حوزه روانشناسی با محدودیتهایی مواجه بوده است. مشخص نبودن میزان تحصیلات، سن و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین شرکت کننده و همچنین میزان صداقت شرکت کنندگان در پاسخ به پرسشنامه‌های خودگزارشی است که احتمال دارد در نتیجه پژوهش اثرگذار بوده باشد. با توجه به اینکه ابزار به کار گرفته شده برای سنجش سبک‌های فرزندپروری و علائم مرضی ابزار غربی و غیربومی است بنابراین ممکن است نتایج با تردیدهایی همراه باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود سبک فرزندپروری مقتدرانه به شیوه کاربردی در مباحث آموزش خانواده به والدین آموزش داده شود. آموزش مسئولان مدرسه و معلمان نسبت به شیوه‌های فرزندپروری برای هماهنگی این شیوه‌ها میان خانه و مدرسه. متخصصان از طرق متفاوت مانند برگزاری کلاسهای آموزشی در مدارس، استفاده از رسانه‌های گوناگون مانند برشورها و سی‌دی‌های آموزشی در جهت بالا بردن آگاهی والدین در زمینه سبک‌های فرزندپروری و تأثیر آن در رفتار فرزندان اقدام لازم را به عمل آورند. پژوهش حاضر در دیگر دوره‌های تحصیلی مانند مقطع ابتدایی یا راهنمایی و یا دانشجویان دانشگاه اجرا شود. در پژوهش‌های آتی تأثیر سایر متغیرهای روانشناختی در اختلال رفتاری با کنترل طبقات اجتماعی-اقتصادی والدین مورد بررسی قرار گیرد. در چک لیست DSM-5 راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی ملاک‌های تشخیصی برای اختلال رفتاری با توجه به هنجارهای فرهنگی بومی سازی شود.

منابع

۱. اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلال رفتاری و مادر کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان، پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی روانپزشکی ایران.
۲. انجمن روان پزشکی آمریکا. (۲۰۱۳). راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی، ویراست ۵، ترجمه: یحیی سید محمدی. (۱۳۹۳). چاپ دوم، تهران انتشارات روان.
۳. انجمن روان پزشکی آمریکا. (۲۰۱۳). راهنمای تشخیص و آماری اختلال‌های روانی، آوادیس، هامایاک و همکاران، ۱۳۹۵ چاپ دوم، تهران: انتشارات رشد.
۴. بی‌ریا، ناصر. (۱۳۹۵). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
۵. توکلی زاده، جهان‌شیر؛ جعفر بوالهری، امیر هوشنگ؛ مهریار و محمود دژکام، (۱۳۷۶). همه گیر شناسی اختلالات رفتاری ایدایی و کمبود توجه در دانش آموزان دبستانی شهر گناباد. فصلنامه اندیشه و رفتار، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ۴۰-۵۱.
۶. حاجی سیدرضی، حمیده؛ ازخوش، منوچهر؛ کارینه، طهماسبیان و بیات، مریم. (۱۳۹۴). معناداری اثربخشی آموزش والدین کودکان نافرمان بر روش‌های فرزندپروری مادران و مشکلات رفتاری کودکان، خانواده پژوهی، ۸، (۴)، ۱-۱۴.
۷. خدمتگزار، حسین؛ ثاره، حسین؛ وکیلی، یعقوب و اصغر نژاد فرید، علی اصغر. (۱۳۸۷). سبک اسنادی بزهکاران دارای اختلال رفتاری و مراقبان کانون اصلاح و تربیت، مجله روانپزشکی و روان شناسی بالینی ایران، ۱۲(۱)، ۲۱-۱۷.
۸. زینالی، شیرین؛ خانجانی، زینب و سهرابی، فائزه. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش والدین بر کاهش علائم اختلال رفتاری و پرخاشگری نوجوانان ۱۶-۱۴ سال، مجله سلامت و بهداشت، ۶، (۵)، ۵۶۵-۵۷۴.
۹. سادوک بنیامین و سادوک، میرجینیا. (۲۰۱۵). خلاصه روان پزشکی علوم رفتاری. ترجمه: فرزین رضاعی (۱۳۹۵). چاپ اول، تهران انتشارات ارجمند.

۱۰. شعبانی، زهرا و مویدی، معصومه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با افسردگی دانش آموزان دختر دوره متوسطه و پیش دانشگاهی، خانواده و پژوهش، ۱۴(۳۶)، ۱۰۷-۱۲۵.
۱۱. شفیعی پور، زهرا؛ شیخی، علی؛ میرزایی، مهشید و کاظم نژاد لیلی، احسان. (۱۳۹۴). سبکهای فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان، پرستاری و مامایی جامع نگر، سال ۲۵، شماره ۷۶، ۵۶-۴۹.
۱۲. شیر، اسماعیل؛ ولی پور، مصطفی؛ مظاهری، محمدعلی و رودباری سقایی، بهناز. (۱۳۹۳). بررسی شیوع مشکلات رفتاری درونی سازی و برونی سازی در بین دانش آموزان مدارس راهنمایی پسر شهرستان زنجان، تحقیقات علوم رفتاری، ۱۲ (۱)، ۴۴-۵۳.
۱۳. ضیاء الدینی، حسن و شفیعی زاده، ناهید (۱۳۸۹). همه گیرشناسی اختلال بیش فعالی با کمبود توجه و اختلال رفتاری در دانش آموزان دبستانی سیرجان، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی (اندیشه و رفتار)، ۱۱(۴)، ۴۱۹-۴۲۵.
۱۴. طباطبایی، سیدعلی؛ فضلی، رخساره و یارعلی، جواد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبکهای فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان دوره ابتدایی، فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۱۸، ۷-۲۳.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری با بهداشت روانی دختران، فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۱(۲)، ۸۹-۱۰۹.
۱۶. عسگری، مرضیه. (۱۳۸۶). مقایسه توانایی برنامه ریزی - سازماندهی در نوجوانان با و بدون اختلال رفتاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۷. قزلسفلو، مهدی و همتی پویا، مهدی. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش نظم بخشی هیجانی بر سازگاری عاطفی، اجتماعی و تحصیلی پسرهای ۱۰ تا ۱۴ سال دچار اختلال رفتاری، فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۱۲(۲)، ۱۸۳-۲۰۲.
۱۸. کاپلان، هرولد، سادوک، بنجامین، (۲۰۱۵). خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری، روانشناسی بالینی ترجمه: رضاعی، فرزین، (۱۳۹۴). جلد سوم تهران: انتشارات ارجمند.
۱۹. گنجی، مهدی، (۱۳۹۳). آسیب شناسی روانی DSM-5، تهران، جلد دوم، انتشارات ساوالان.
۲۰. نجفی، محمود؛ فولادچنگ، محبوبه؛ عزیزاده، حمید و محمدفر، محمدعلی. (۱۳۸۸). میزان شیوع اختلال کاستی توجه و بیش فعالی، اختلال رفتاری و اختلال نافرمانی مقابله ای در دانش آموزان دبستانی، فصلنامه کودکان استثنایی، ۹(۳)، ۲۳۹-۲۵۴.
۲۱. نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۹۴). سه گفتار درباره اهمیت و تربیت فرزندان. تهران: انتشارات کلینی
۲۲. یوسفی، فایق و هوشیاری، سوما. (۱۳۹۴). شیوع و عوامل مرتبط با اختلال رفتاری در دانش آموزان متوسطه شهرستان سنندج، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال نوزدهم، شماره اول، ۳۷-۴۳.
۲۳. یوسفی، فایق؛ عرفانی، نصرالله، خیرآبادی، غلامرضا و قانع، حسین. (۱۳۸۹). بررسی شیوع اختلالهای رفتاری و نافرمانی در دانش آموزان راهنمایی کردستان، اندیشه و رفتار، سال ششم، شمار ۲۴۸-۵۴.
24. Ballantine, J. (2015). Raising competent kids: The authoritative parenting style for parents particularly. *Childhood Education*, 78(1), 46-47.
25. Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
26. Baydar, N., Reid, M. J. & Webster-Stratton, C. (2016). The role of mental health factors and program engagement in the effectiveness of a preventive parenting program for head start mothers. *Child Development*, 74(5), 1433-1453.
27. Bird, H. R. (2016). Epidemiology of childhood disorder cross cultural context. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 37, 35-49.
28. Chang, CN., Wang, W., (2016). Conduct disorder in girls: neighborhoods, family characteristics and parenting behaviors. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 28, 1-11.
29. Forehand, R., Long, N. (2014). Outpatient treatment of the acting put child: procedures, long term follow-up data, and clinical problems. *Advanced behavior research therapy*, 10, 129-177.
30. Gadow, k. d., sprafkin, j. (1994). *Child symptom inventories manual*. Story brook, NY: checkmate plus.
31. Garthe, R., Reynolds, J., Kalafut, C., & John, J. (2017). The effects of parenting styles on adolescent depression, anxiety and substance use. *Journal of Clinical Psychology*, 10, 26-32.
32. Goldestein, L. H., Harvey, E. A. (2017). Examining subtypes of behavior problems among 3-year-old children, part iii: investigating differences in parenting practices and parenting stress. *Journal of child psychology*. 35, 125-136.

33. Hong, J., Tillman, R., & Luby, J. (2016). Disruptive behavior in preschool children: Distinguishing normal misbehavior from markers of current and later childhood conduct disorder. *Journal of Pediatrics*, 15(3): 723–730
34. Keenan, K., Hip well, A., Chung, T., Step, S., Stouthamer-Loeber, M., Lobber, R., et al. (2010). The Pittsburgh girl studies: Overview and initial findings. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 39(4): 506–521.
35. Maccoby, E. E. (2011). Middle childhood in the context of the family. In W.A. Collins(Ed.), *Development during middle childhood: The years from six to twelve* (pp. 184-239). Washington, DC: National Academy Press.
36. Marsiglia, C.S. (2017). Impact of parenting styles and locus of control on emerging adults' psychosocial success. *Journal of Education and Human Development*, 1(1), 143-154.
37. Mash, E J., & Wolfe, D A. (2016). *Abnormal Child Psychology*. Wadsworth, Cengage Learning.
38. Masten, A.S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. *American*.
39. Milevsky, A., Schechter, M., Nether, S., & Keehn, D. (2017). Maternal and paternal parenting styles in adolescents: Associations with self-esteem, depression and life satisfaction. *Journal of Child and Family Studies*, 73, 39-47.
40. Miller-Lewis, L. R., Prior, M. R., (2017). Early childhood externalizing behavior problems: child, parenting, and family-related predictors over time. *Journal of abnormal child psychology*, 34, 891-906.
41. Noll, J., & Bukstein, O. (2016). Predicting treatment response for oppositional defiant and conduct disorder using pre-treatment adrenal and gonadal hormones. *Journal of Child and Family Studies*, 21(6): 973-983.
42. Pandia, Y. S., Kim, B. S. K., Chiang, J., & Ju, C. M. (2017). Acculturation, enculturation, parental adherence to Asian cultural values, parenting styles, and family conflict among Asian American college students. *Asian American Journal of Psychology*, 1(1), 67–79.
43. Pedersen, W., & Mastekaasa, A. (2011). Conduct disorder symptoms and treatment. *Journal of Adolescence*, 34(5): 1025-1035.
44. Pereplechikova, F., & Kazdin, A. E. (2014). Assessment of parenting practices related to conduct problems: development and validation of the management of children's behavior scale. *Journal of child and family studies*, 13(4), 385-403.
45. Pfiffner, L. J., McBurnett, K., Rathouz, P. J., & Judice, S. (2015). Family correlates of oppositional and conduct disorders in children with attention deficit/hyperactivity disorders, *journal of abnormal child psychology*, 33(5), 551-563.
46. Rich, B., & Querido, J. G. (2016). Parenting disruptive preschoolers: experiences of mothers and fathers. *Journal of abnormal child psychology*, 32(2), 203-213.
47. Schroeder, C. S., Gordon, B. N. (2017). *Assessment and treatment of childhood problems: A clinician's guide*. Guilford press.
48. Tam, cl, Chan, a, kadirvelu, a & khoo, a, (2014). parenting styles and self-efficacy of adolcsent - volume 12 issue 14vcysion I. o.
49. Zare, F., Bakhshipour, B., & Hassanzadeh, R. (2014). Parenting style and mental health in Iranian adolescents. *Journal of Novel Applied Sciences*. Available online at www.jnasci.org.
50. Zoccolillo, M. (2015). Gender and the development of conduct disorder. *Development Psychopathology*, 5, 65-78.

عوامل اجتماعی رفتارهای وندالیستی نوجوانان؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دوره متوسطه شهر گرگان

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۱

کد مقاله: ۷۷۲۶۸

رضا ثالث موید^۱، محمدسعید بزرگ‌زاده^۲

چکیده

پژوهش حاضر باهدف شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای وندالیستی نوجوانان شهر گرگان انجام گرفته شده است. برای نیل به این هدف مبانی و چارچوب نظری متشکل از نظریه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی تدوین گردید و بر پایه آن فرضیاتی تنظیم شدند. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر گرگان تشکیل می‌دهند که تعداد ۳۶۸ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای یک مرحله‌ای توأم با طبقه‌ای متناسب انتخاب شده و اطلاعات موردنیاز با استفاده از تکنیک پرسشنامه گردآوری شده است. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌های دومتغیره و چند متغیره، رابطه آماری معناداری بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ازهم‌گسیختگی خانواده، ارتباط با دوستان خرابکار، نحوه گذران اوقات فراغت، موفقیت تحصیلی و جنس با متغیر رفتارهای وندالیستی دانش آموزان وجود دارد. بر اساس ضرایب بتای استاندارد، متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و ازهم‌گسیختگی خانواده بیشترین رابطه را با متغیر رفتارهای وندالیستی داشته‌اند، به‌طوری‌که روی هم ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در کل، حدود ۴۷ درصد از تغییرات متغیر رفتارهای وندالیستی توسط متغیرهای مذکور قابل پیش‌بینی است.

واژگان کلیدی: رفتارهای وندالیستی، نوجوانان، ازهم‌گسیختگی خانواده، ارتباط با دوستان خرابکار، موفقیت تحصیلی، نحوه گذران اوقات فراغت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی.

۱- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

۲- کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گرایش منابع انسانی

وندالیسم^۱ یا تخریب اموال عمومی، هرچند مسئله‌ای نوظهور و نوپایی است، اما همه‌ساله در جهان مبالغ زیادی جهت ترمیم این تخریب‌ها پرداخت می‌گردد. وندالیسم نه تنها به عنوان یک کج‌روی و رفتاری بزهکارانه، بلکه به عنوان یک معضل یا مسئله اجتماعی^۲ در بسیاری از جوامع از سوی صاحب‌نظران و آسیب‌شناسان مطرح شده است. با توجه به جوان بودن جمعیت در ایران، انتظار طبیعی این است که چنین موضوعی مورد توجه فراوان قرار گرفته شود. و اینکه توجه به مسائل اجتماعی نوجوانان و جوانان بیش‌ازپیش از اهمیت خاصی برخوردار است. هر ساله به امکانات آموزشی مدارس خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌شود و از آنجاکه هیچ‌گونه برآورد و محاسبه‌ای در این خصوص صورت نمی‌گیرد، به صورت نامحسوس است. بنابراین شناسایی رفتارهای تخریبی در محیط‌های آموزشی و اقدام پیشگیرانه از بروز این گونه رفتارها، تا حدودی می‌تواند مشکلات مکان‌های آموزشی را رفع کند و از نظر آموزشی محیط‌های سالمی را برای تربیت نوجوانان و نسل آینده به وجود آورد، لذا مطالعه وندالیسم به عنوان یک آسیب جدی اجتماعی با توجه به آنکه قشر جوان، در سنین تحصیل به خصوص در مقطع متوسطه قرار دارند، و شناخت عوامل مؤثر بر بروز این گونه رفتارها در بین نوجوانان می‌تواند بستر مناسبی را برای کاهش این رفتارها را در بین آن‌ها فراهم آورد و تا زمانی که علل و عوامل این گونه رفتارها شناخته نشود و فقط به محاکمه عمل مجرمانه اکتفا شود، نه فرد بزهکار درمان می‌شود و نه ریشه‌های فساد از جامعه کنده می‌شود. طبق آمار و ارقام بزهکاری‌ها و جرائم چندساله اخیر مراکز قضایی ایران، بزهکاری^۳ و رفتار خرابکارانه در بین نوجوانان، جوانان و دانش‌آموزان، روند غیرطبیعی و فزاینده‌ای داشته است که آثار و نتایج آن بر سلامت عمومی^۴ جامعه تأثیر منفی دارد.

تحولات و روندهای اجتماعی معاصر - فرآیند توسعه^۵، گسترش شهرنشینی^۶ و صنعتی شدن^۷ - موقعیت اجتماعی جوانان و نوجوانان را دگرگون ساخته و مشکلات و چالش‌هایی را پیش روی آن‌ها قرار داده است. به عنوان نمونه با کوچک‌تر شدن خانواده از نظر اندازه و کارکرد آن، خانواده از حالت یک واحد تولیدی خارج شده و بسیاری از مسئولیت‌های خود را در زمینه آموزش جوانان از دست داده و دیگر قادر به تأمین همه‌ی نیازهای جوانان تا سن بلوغ نیست. سازمان‌های دولتی، مدارس و دیگر نهادها به تدریج این نقش را از والدین می‌گیرند. پس با گسترش نهادهای آموزشی به‌ویژه در سطح دبیرستان و دانشگاه تعداد بیشتری از جوانان به مدت طولانی‌تری به تحصیل می‌پردازند. نظام آموزشی نیز ظاهراً در زمینه آموزش جوانان ناموفق است. میزان مردودی‌ها، میزان تکرار دروس و ترک تحصیل در یک سال تحصیلی از جمله مسائل آموزش نگران‌کننده به شمار می‌آیند. اگرچه همه‌ی جوانان در نظام آموزشی با تنش‌هایی روبه‌رو می‌شوند، لیکن فرصت‌های آموزشی نابرابر که فقرا، افراد به اصطلاح پایین‌شهر و مناطق محروم با آن روبه‌رو هستند مشکلات به مراتب بیشتری را پیش روی آن‌ها قرار می‌دهد. جوانان در چنین خانواده‌هایی معمولاً در مدارس با کمترین امکانات درس می‌خوانند، از فرصت‌های آموزشی کافی برخوردار نیستند و کمترین فرصت را برای دستیابی به موفقیت‌های متداول دارند. در عین حال نظام آموزشی مهم‌ترین بستر اجتماعی شدن^۸ به شمار می‌آید. مدرسه مکانی هست که تربیت و آموزش به‌طور رسمی در آن صورت می‌گیرد و نیز مکانی هست که جامعه امروز را با جامعه آینده مرتبط می‌سازد، از این‌رو مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش آموزش و پرورش به حساب می‌آید و لزوم بررسی مسائل و مشکلات نظام آموزش و پرورش را بیشتر می‌کند. یکی از این مسائل و مشکلات که سالانه خسارت فراوانی را به نهاد آموزش و پرورش وارد می‌سازد، پدیده وندالیسم هست.

۲- بیان مسئله

ادبیات پیرامون پدیده وندالیسم حاوی مثال‌های بی‌شماری است و نشان می‌دهد که وندالیسم از قدمت تاریخی طولانی برخوردار است، جیمز وایز^۹ آغاز این پدیده را قدم گذاشتن انسان به باغ بهشت می‌داند. تخریب و نیش قبور فراعنه مصر جهت یافتن اشیاء گران‌بها و شعارهای به‌جامانده در خرابه‌های شهر پمپی^{۱۰} در جنوب شرقی شهر ناپل شواهدی دال بر وندالیسم را نشان می‌دهد (وایز، ۱۹۸۲: ۳۸).

وندالیسم یا تخریب عمومی، نمونه‌ای از کج‌روی و یکی از پیچیده‌ترین نمونه‌های رفتار انسانی است. در اغلب تعاریف ارائه‌شده در باب مفهوم وندالیسم در مباحث انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، محققین و صاحب‌نظران از آن به عنوان رفتار معطوف به تخریب و خرابکاری اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی نام برده‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۲).

1- vandalism
2- problem social
3- Delinquency
4- general health
5- Development
6- Urbanism
7- industrialization
8- socialization
9- Jim wise
10- Pompeii

وندالیسم یا تخریب اموال عمومی به‌عنوان عارضه‌ای جبران‌ناپذیر بر منابع و امکانات جوامع امروزی هرساله خسارات فراوانی را به سرمایه‌های ملی و عمومی وارد می‌سازد. به نظر می‌رسد قسمت عمده‌ای از این آسیب‌ها به‌وسیله دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. به‌گونه‌ای که گاه از محیط آموزشی فراتر رفته به‌جز تخریب اموالی چون درودیوار و پنجره، میز و صندلی مدرسه، به تخریب اموال بیرون از محیط آموزشی مثل فضای سبز، صندلی اتوبوس‌ها و سینماها و آثار تاریخی و غیره نیز دست می‌زنند. این معضل علاوه بر هزینه‌های کلانی که صرف جبران آن می‌شود، موجب ناراحتی روحی و روانی مردم و مسئولان شده است. از این‌رو وندالیسم نه‌تنها به‌عنوان یک رفتار بزهکارانه بلکه به‌مثابه معضل یا مسئله‌ای اجتماعی در بسیاری از جوامع مطرح شده است.

وندالیسم عموماً پدیده‌ای جهانی است و اهداف وندال‌ها و عملکرد آنان بدون توجه به اینکه در چه کشوری می‌باشد بسیار شبیه است. هرساله در سراسر جهان، میلیون‌ها دلار صرف تعمیر و جایگزینی چیزی می‌شود که وندال‌ها کمر به نابودی آن‌ها بسته‌اند. به نظر جرم‌شناسان وندالیسم به عمل آسیب‌رسانی به اشیاء گفته می‌شود ولی خشونت به معنای صدمه رساندن به اشخاص است که مرز بین جرائم خرد مانند ندادن بلیط هنگام سوارشدن به وسایل نقلیه عمومی و یا آسیب رساندن به آن و اشکال جدی‌تر جنایت نظیر سرقت مسلحانه و یا قتل است. وندالیسم عمدتاً متوجه اموال و اشیاء است تا اشخاص و چنانچه متوجه شخص نیز باشد اموال فرد موردنظر است نه خود فرد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۳۹-۳۸).

وندالیسم ازجمله جرائمی است که کمتر مجازات حقوقی و کیفری در برداشته است. هنجارشکنی که ضمن ایجاد خسارت‌هایی برای دولت، مبین مشکلات مهم و بزرگ‌تر جامعه آتی است. با توجه به وضعیت جمعیت ایران که بیش از نیمی از جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، این کشور ازجمله کشورهایی است که در معرض آسیب‌های اجتماعی زودرس، ازجمله پدیده‌ی وندالیسم است که بیشتر وندال‌ها نیز نوجوانان و جوانان هستند (محمدی بلبلان آباد، ۱۳۸۴: ۳).

۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

به‌طور کلی خرابکاری نه‌تنها به‌عنوان یک رفتار بزهکارانه بلکه به‌مثابه یک معضل یا مسئله اجتماعی در بسیاری از جوامع از سوی صاحب‌نظران و آسیب‌شناسان مطرح شده است. شواهد موجود گویای آن است که در دهه‌های اخیر نسبت به دهه‌های قبل، میزان بزهکاری جوانان از نظر شدت و نوع، فزونی یافته است. از این‌رو، هرگونه تحقیقی که درباره توصیف و تبیین این مسئله اجتماعی صورت گیرد، مناسب و ضرورت آن قابل توجیه است.

کنترل‌پذیری آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای شناخت علمی آن‌ها را برای پاسخ به پرسش‌های نظری، عملی و کاربردی از ایده‌ها و یافته‌های عملی تولیدشده در برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت برای مقابله صحیح با آسیب‌های اجتماعی، درمان یا پیشگیری از گسترش و پیدایش آن‌ها ضروری و بااهمیت می‌سازد. (باتومور، ۱۳۷۵: ۲۱۴) لذا تا زمانی که علل و عوامل جرم‌زایی اجتماعی شناخته نشود و فقط به محاکمه عمل مجرمانه، اکتفا شود نه فرد بزهکار درمان می‌شود و نه ریشه‌های جرم از جامعه کنده نخواهد شد، زیرا محکوم کردن فرد بزهکار، بدون شناخت شخصیت مجرم و عوامل اجتماعی - فرهنگی و ساختاری جرم‌زا، که مجرم را به این سمت سوق می‌دهد، به دور از عدالت است (کی‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۰).

وندالیسم برای بسیاری از افراد جامعه حتی برای اهل فن نیز ناشناخته است. نگاهی به آمار و ارقام بزهکاری‌ها و جرائم چندساله اخیر مراکز قضایی ایران، مارا به این واقعیت رهنمون می‌سازد که بزهکاری و رفتار خرابکارانه در بین نوجوانان، جوانان و دانش‌آموزان کشور، روند غیرطبیعی و فزاینده‌ای داشته است که آثار و نتایج آن بر سلامت عمومی جامعه تأثیر منفی دارد (محبی، ۱۳۸۲: ۱۳). پژوهش‌های متعدد در دنیا، نشان می‌دهد که بزهکاری نوجوانان - که شاخه‌ای از آن وندالیسم است - از چند جنبه مهم است. کودکان و نوجوانانی که گرفتار این مسئله اجتماعی می‌شوند، در اکثر موارد فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل و کار از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آینده آن‌ها تأثیر فراوانی می‌گذارد و با توجه به پذیرفته نشدن آن‌ها در حلقه‌های درسی و کاری، قشری مطرود از این‌گونه افراد به وجود می‌آید که به‌نوبه‌ی خود مسئله را برای نسل‌های آینده تشدید می‌کند و باعث تباهی کودکان و نوجوانان بیشتری می‌شود (مشکانی، ۱۳۸۳: ۲۴۰).

به‌ویژه آنکه این متغیر، در کشورهای درحال توسعه‌ای چون کشور ما، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و روزبه‌روز بر میزان و تنوع آن افزوده می‌شود. با توجه به اینکه نیروی انسانی سالم و کارآمد و جذب سرمایه در حوزه تولید از محورهای اساسی برنامه‌ریزی‌های توسعه محسوب می‌شوند؛ بنابراین توجه به سلامت و کارآمدی نسل جوان به‌عنوان نیروی تولید، لازم و ضروری محسوب می‌شود و مدارس با توجه به نقشی که در پرورش نیروی انسانی جهت تولید دانش به‌عنوان عامل اصلی توسعه دارند، همواره موردتوجه جدی تحلیل‌گران بوده است و همواره درصدد بوده‌اند که مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی را ابتدا در مدارس حل کنند تا به‌تبع آن ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش یابد. چراکه گسترش ناهنجاری‌ها و خرابکاری‌ها یا بی‌توجهی به آن و عدم کنترل آن، امکانات و تجهیزات موجود را به‌سرعت فرسوده می‌کند و هزینه‌های بسیار زیادی را به جامعه تحمیل می‌کند. امروزه، آموزش و پرورش محیطی است که افراد جامعه در مسیر زندگی خود آن را تجربه می‌کنند. معمولاً در این‌گونه کشورها، با توجه به علل گوناگون، وندالیسم می‌تواند مانع مهمی در راه رسیدن به توسعه باشد بنابراین مسئله‌ای که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که چه عواملی سبب شده که مدرسه به‌عنوان یک مکان تعلیم و تربیت مبدل به فضایی برای انجام رفتارهای وندالیستی شود. چه عواملی سبب شده که مدرسه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه به‌جای آنکه تضمین‌کننده نظم اجتماعی باشد

خرده‌فرهنگ‌های محل نظم اجتماعی در آن پدیدار شده است. به‌منظور بررسی این مسئله تعدادی از مدارس متوسطه دخترانه و پسرانه شهر گرگان گزینش خواهند شد و این صورت از رفتارها بین دختران و پسران دانش‌آموز بررسی و تبیین خواهد شد. نتایج حاصل از این پژوهش، محققان دیگر را قادر خواهد ساخت تا با داشتن اطلاعات کاربردی این مطالعه، راهکارهای جامعه‌شناختی و تربیتی لازم را برای این معضل اجتماعی، ارائه نمایند.

۴- تاریخچه وندالیسم

وندالیسم^۱ مشتق از واژه وندال^۲ است. وندال نام قومی از اقوام ژرمن-اسلاو به شمار می‌رفت که روزگاری در سرزمین‌های واقع در میان دو رودخانه بزرگ اودر^۳ و ویستول^۴ زندگی می‌کردند. در عهد سلطنت ژانسریک یا گنسریک پادشاه این قوم که از سال ۴۲۸ تا ۴۷۷ میلادی حکمرانی می‌کرده است، وندال‌ها سرزمین گل فرانسه امروزی و اسپانیا را تصرف کرده بودند و به تصرفات روم در آفریقا هجوم آوردند و طی چند سال حوزه وسیعی شامل کارتاژ تا مدیترانه را تحت نفوذ خود داشتند چراکه آن‌ها مردمانی جنگجو، خون‌خوار و بی‌رحم بودند و به کرات به سرزمین‌های اطراف خود تجاوز می‌کردند و به هر جا که می‌رفتند به تاراج و تخریب اموال و آتش زدن آبادی‌ها می‌پرداختند و بر سر راه خود از آبادی و آبادانی هیچ‌چیزی برجای نمی‌گذاشتند. همین شهرت تاریخی و روحیه ویرانگرانه این قوم سبب شده است که همه‌ی رفتارهای بزهکارانه‌ای که به‌منظور تخریب آگاهانه اموال، اشیاء و متعلقات عمومی و تخریب و نابودی، آثار هنری و دشمنی با علم و صنعت و آثار تمدن صورت می‌گیرد به‌گونه‌ای به وندالیسم منتسب گردد. وندالیسم در این معنا، از بلاهای جامعه امروزی است که درگذشته دیده نشده است. وندالیسم در شکل جدید آن با شکل‌گیری جوامع مدرن پدید آمد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۷).

در سال ۱۹۷۴ اسقف هنری گری گوار تخریب کورکورانه ارزش‌های هنری و فرهنگی در ایام انقلاب فرانسه را با غارت کتابخانه‌های صومعه‌ها و آثار هنری مذهبی رم در سال ۴۵۵ میلادی توسط وندال‌ها مقایسه نمود و بدین طریق واژه وندالیسم متولد شد (هایپریت، ۱۹۸۷: ۷۸۵).

۵- وندالیسم و انواع آن

وندالیسم به مفهوم داشتن نوعی روحیه بیمارگونه به‌کاررفته و مبین تمایل به تخریب آگاهانه، ارادی و خودخواسته اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷).

کلیه رفتارهای انحرافی که به‌منظور تخریب آگاهانه و ارادی اموال، اشیای و متعلقات عمومی و نیز آثار هنری و دشمنی با علم و آثار تمدن صورت می‌گیرد، مشمول تعریف وندالیسم می‌باشند. همچنین می‌توان آن را به‌مثابه جنایتی خرد و از انواع بزهکاری جوانان دانست (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۶).

میر و کلینارد (۲۰۰۳)، وندالیسم را تخریب ارادی اموال و متعلقات عمومی به صورتی مداوم و مکرر تعریف می‌کنند. برت لاند، وندالیسم را خراب کردن اموال عمومی یا خصوصی از طریق بی‌ریخت کردن یا ناقص کردن آن‌ها بدون رضایت صاحب یا سازنده آن تعریف می‌کند (لاند، ۱۹۷۳؛ به نقل از مقصودی و بنی فاطمه، ۱۳۸۳: ۲۷۱).

به‌طورکلی وندالیسم را می‌توان به دو صورت مشاهده کرد:

۱- وندالیسم گروهی؛ وندالیسمی که در آن برنامه و هدف مشخصی دیده می‌شود و غالباً نیز گروهی انجام می‌شود.

۲- وندالیسم فردی؛ وندالیسمی که در آن برنامه و هدف مشخصی دیده نمی‌شود و غالباً فردی صورت می‌گیرد.

در نوع اول، واضح‌ترین شکل آن را در محیط‌های ورزشی هنگام مسابقات فوتبال می‌توان مشاهده کرد. بخشی از وندال‌ها را مبتلایان به شخصیت ضداجتماعی تشکیل می‌دهند. از ویژگی‌های مبتلایان به این نوع اختلال آن است که این افراد دل‌بستگی به قانون ندارند و هرگز احساس مسئولیت نمی‌کنند، در پی ارضای فوری خواسته‌های خویش هستند و به‌سادگی دست به خشونت می‌زنند، همچنین آن‌ها قدرت تحمل کردن شرایطی که باب میلشان نیست و به تعویق انداختن خواسته‌هایشان را ندارند.

نوجوانان و جوانانی که دارای اختلال سلوک می‌باشند جزء این دسته از وندال‌ها می‌باشند. اساساً اختلال سلوک، عبارت است از رفتاری که حقوق اساسی دیگران و هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کند. پرخاشگری^۵، ویرانی و تخریب اموال، سرقت و تقلب، دروغ‌گویی و... در میان افراد مبتلا به اختلال سلوک مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است ملاک‌های تشخیص اختلال سلوک شامل پرخاشگری نسبت به انسان‌ها و حیوانات، در معرض زورگویی و تهدید و ارباب دیگران، تخریب اموال عمومی، بی‌رحمی نمودن

1 - Vandalism

2 - Vandal

3 - Oder

4 - Vistol

5 - aggression

از لحاظ جسمی به دیگران، آتش‌افروزی عمدی با نیت آسیب‌رسانی جدی، ورود به‌زور به خانه، ساختمان یا ماشین دیگران، دروغ‌گویی برای به دست آوردن کالا، منافع یا اجتناب از انجام وظایف و نقض جدی قوانین و مقررات است.

گروه دیگر وندال‌ها، شهروندان عادی در جامعه هستند که شرایط محیطی و وضعیت‌های موقتی در بروز رفتارهای وندالیستی این افراد نقش مهمی دارند. رفتارهای تخریب‌گرایانه این افراد در شرایطی به وقوع می‌پیوندد که احساس ناکامی و سرخوردگی کنند؛ مثلاً زمانی که دستگاه تلفن عمومی، شماره موردنظر را نمی‌گیرد، برخی از افراد با عصبانیت به تلفن مشتم می‌زنند یا شیشه باجه را می‌شکنند. یا در مورد تخریب وسایل حمل‌ونقل عمومی که گاه مرتبط با انتظار طولانی برای سوارشدن و نگرانی از تأخیر و توقف‌های مکرر در ایستگاه‌ها است که سبب فشار روانی و تحریک‌پذیری مسافران می‌شود (غریبی، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۹).

از دیدگاه اجتماعی، وندالیسم را می‌توان در پنج گروه دسته‌بندی کرد:

۱- وندالیسم مال‌اندوز^۱: صدمه‌های وارده در این نوع، برای کسب پول و اموال است. اعمالی مانند کندن و برداشتن علائم راهنمایی، آرم اتومبیل‌ها، تابلوها و تلفن عمومی. شخص وندال در این حالت، تنها در اندیشه تصاحب اشیای عمومی است؛ حتی چیزهای بی‌ارزش.

۲- وندالیسم تاکتیکی^۲: خسارت‌های ایجادشده در این حالت، یک تاکتیک حساب‌شده است. این وندالیسم بیشتر از به دست آوردن دارایی، در پی یک مقصود خاص است. خسارت وارده لزوماً بیانگر خصومت نیست و اغلب هدف تخریبی، دلخواه و آزاد انتخاب می‌شود؛ اما اندیشه این‌گونه رفتار تخریبی به‌عنوان یک تاکتیک، به‌طور کامل طراحی‌شده و حساب‌گرایانه است. برخی از اعمال که برای جلب‌توجه زیاد و همراه با خسارت انجام می‌شود، در زمره این نوع وندالیسم است. متداول‌ترین خسارت در این نوع وندالیسم، کاری است که ولگردان و بی‌خانمان‌ها برای به دست آوردن جای خواب و غذای گرم انجام می‌دهند.

۳- وندالیسم انتقام‌جو^۳: تخریب اموال به‌قصد انتقام، از انواع مهم و شدید وندالیسم به‌حساب. درصد تخریب واقعی به‌طورمعمول از آنچه به‌ظاهر دیده می‌شود، بیشتر است و پیامدهای زیادی به دنبال دارد. این وندالیسم عوامل زیادی دارد. در این نوع از انتقام‌جویی، درصد لذت، آنی، کوتاه‌مدت و پایین است؛ ولی نتیجه عمل از امنیت بیشتری برخوردار است.

۴- وندالیسم تفریحی^۴: ویرانی‌های زیادی بر اثر این نوع وندالیسم و تفکر حاکم بر آن بر پیکر جامعه وارد می‌آید. این کار یک قانون‌شکنی محض است؛ اما در موارد زیادی هم نقض هیچ قانون مشخص نیست. در بیشتر وندالیسم‌های تفریحی، قدری خصومت هم وجود دارد. محرکاتی مانند کنجکاوی، رقابت و مهارت بسیار مهم است؛ برای مثال، هدف قرار دادن حباب شیشه‌ای چراغ پارک یا خیابان به‌منظور کسب لذت، نوعی وندالیسم تفریحی است. این نوع در بین خردسالان زیاد رایج است و احتمال دارد هرکسی به این کار مبادرت کرده باشد. در این میان، پدیده‌ای موسوم به "گل‌وله برفی" وجود دارد که در گروه تفریح تخریبی جای می‌گیرد. بر اساس این نظریه، دیدن یک شیشه شکسته، یا یک سطل درب‌وداغان، دیگران را به مشت و لگدزدن و تخریب بیشتر آن شیء خراب برمی‌انگیزد.

۵- وندالیسم خصومت‌گرایانه^۵: مثال‌هایی از این نوع وندالیسم خشن و وحشیانه از خط کشیدن روی بدنه اتومبیل، بیرون کشیدن گل‌های پارک، آزار دادن حیوانات و جانوران برخی تفریحگاه‌های عمومی، پنجر کردن لاستیک‌های اتومبیل‌های یک توقفگاه، شکستن آنتن و آئینه اتومبیل و موتورسیکلت، قرار دادن موانع بزرگ روی خطوط راه‌آهن، پرتاب سنگ به شیشه‌های قطار در حال حرکت و اتصال برق به وسایل عمومی. پیش‌بینی نتایج حاصل از این نوع وندالیسم بسیار گسترده و دشوار است؛ اما شاید بتوان مواردی، همچون: خستگی، ملالت، غضب، نومیدی، درماندگی و افسردگی را پیامدهای اولیه آن دانست. جوامع مختلف هنوز به دلیل جنبه کاملاً غیرانسانی این نوع وندالیسم پاسخ‌درخور و مناسبی برای آن نیافته‌اند. این اعمال از سویی به‌اندازه وندالیسم‌های انتقام‌جو، مال‌اندوز و تاکتیکی، خاص نیست و از سوی دیگر، به‌اندازه مفاهیم همچون شیطنیت، حرص‌گری و بی‌خیالی، کلی نیست. در میان بیشتر الگوهای رفتاری که در این نوع وجود دارد، شاید بتوان نتایج زیر را عمومیت داد: الف- در تخریب‌هایی که صورت می‌گیرد، بیشتر، هدف اموال عمومی است؛ ب- برخی ویژگی‌های فیزیکی، عامل ترغیب تخریب است، مانند ساختمان‌های نیمه‌کاره؛ ج- با توجه به ویژگی‌های اجتماعی برخی مکان‌ها و مناطق، تخریب زیاد را چنین می‌توان شناسایی کرد: محوطه‌های بزرگ بیشتر از کوچک، آپارتمان‌ها بیشتر از ویلاها و خانه‌های شخصی و در آخر مناطق فقیر بیشتر از مرفه (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۱۵).

از بعد دیگر وندالیسم را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) وندالیسم سازمانی: به اعمال و رفتارهایی گفته می‌شود که هدف آن‌ها معطوف به تخریب و آسیب زدن به منابع، امکانات، محیط و کالاهایی است که فرد آن‌ها را متعلق به سازمان متبوعش می‌داند. از ویژگی‌های آن عبارت‌اند از این که باانگیزه کسب سود فردی یا جمعی نباشد، هدف آن ضربه زدن به اموال سازمان باشد و انفرادی انجام شود.

- 1 - Aquistive
- 2 - Tactical
- 3 - Vindictive
- 4 - Play
- 5 - Malicious

ب) وندالیسم خصوصی: در اینجا اعمال تخریب معطوف به اموال و منابع و امکانات فردی و شخصی دیگران است که برخی از ویژگی‌های آن عبارت‌اند از این که هیچ انگیزه و نفع جمعی ندارد، ناشی از درگیری بین فردی نیست و عمدتاً بدون شناخت از صاحب و مالک اصلی است.

ج) وندالیسم عمومی: در اینجا منظور از رفتار خرابکارانه علیه اموال، منابع و امکانات عمومی است منابع و امکاناتی که افراد آن را متعلق به حکومت یا کل جامعه می‌دانند ویژگی‌های این نوع عمل خرابکارانه عبارت‌اند از انگیزه شخصی و فردی در آن متصور نیست، به صورت آگاهانه و عمدی انجام می‌شود و ممکن است به صورت علنی یا در خفاء باشد، عمل تشکیلاتی و سازمان‌یافته نیست، بیشتر به شکل فردی صورت می‌گیرد و کمتر حالت جمعی دارد؛ اگرچه بعضاً ممکن است، جمعی باشد، شکل جمعی آن نباید جنبه شورش یا اعتراض داشته باشد که عمدتاً در برخی هیجان‌های اجتماعی ظهور و بروز می‌کند، هدف آن اموال شخصی افراد نیست، هدف و انگیزه سیاسی به معنای تشکیلاتی آن را نداشته باشد. (دغاقله و کلههر، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۵).

۶- انواع رفتارهای وندالیستی

بر اساس گزارش‌های بین‌المللی و جهانی، موضوعات مختلفی در معرض وندالیسم و تخریب عمدی وندال‌ها قرار دارند. در ذیل به فهرست برخی از آن‌ها اشاره می‌شوند:

- نوشتن روی درودیوار شهر و مؤسسات عمومی
- پاره کردن صندلی‌های اتوبوس‌های شهری و مترو
- چسباندن آگهی‌های تبلیغی، آگهی مجالس ختم، آگهی
- تخریب ایستگاه‌های اتوبوس
- فروش وسایل منزل، تبلیغ فیلم، اطلاعیه‌های
- آسیب رساندن به بانه‌های تلفن عمومی
- کلاس‌های درسی و آموزشگاه‌ها در محل‌های غیرمجاز
- شکستن لامپ‌ها و چراغ‌های خیابان
- یادگاری نویسی روی درخت‌ها، درودیوارهای توال‌های
- شکستن و دزدیدن سطال‌های زباله
- عمومی، بناهای تاریخی، آسانسورها
- ایجاد حریق عمدی در پارک‌ها خصوصاً پارک‌های جنگلی
- شکستن و دزدیدن سطل‌های زباله
- نصب تابلو و پرچم یا میخ یا سیم و کابل به بدنه درختان
- کندن علائم راهنمایی و رانندگی
- خیابان و در و دیوار شهر
- خرابی و تخریب تابلوهای تبلیغاتی نصب‌شده در خیابان‌ها
- خط کشیدن به بدنه اتومبیل‌ها و وسایط نقلیه شخصی و عمومی
- زشت و ترسیم تصاویر ناپسند
- تخریب شیرهای آب و دستگاه‌های آب‌سردکن داخل پارک‌ها و فضاهای سبز
- شل کردن پیچ و مهره صندلی‌های اتوبوس‌ها
- تخریب توال‌ها و دستشویی‌های داخلی پارک‌ها و فضای سبز
- تخریب مجسمه‌ها و تابلوهای نصب‌شده در داخل پارک‌ها و فضای سبز
- دزدیدن شیرهای دستشویی‌های عمومی (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۱).

بر اساس نظریه کلارک، انجام اعمال وندالیستی، عمدتاً در قشر جوانان و نوجوانان، در خانواده‌های ازهم‌گسیخته ...، و در برخی مکان‌ها و موقعیت‌های خاص بیشتر بروز می‌کند، و نیز میزان بروز آن در دو جنس می‌تواند متفاوت باشد. به این دلایل و با استناد به این یافته‌ها، جمعیت هدف در این مطالعه را نوجوانان دبیرستانی دختر و پسر مناطق سه‌گانه شهر گرگان تشکیل داده‌اند. آر کلارک، در مدلی علی-وصیفی، به روش تحلیل مسیر، متغیرهای مستقل مؤثر در پیدایش رفتارهای وندالیستی را مدنظر قرار می‌دهد و آن‌ها را به هشت گروه تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از:

- ۱- محیط‌های تربیتی و تجربه‌های نخستین دوران کودکی؛ (طلاق، اعتیاد، زندان، تنبیه بدنی در خانه و...)
- ۲- توارث: از طریق توارث، مواردی مثل ضریب هوشی، تمایل به پرخاشگری ایجاد می‌شود؛ اغلب مطالعات نشان می‌دهد که افراد پرخاشگر در مقایسه با سایرین دارای ضریب هوشی پایین‌تری هستند، بعلاوه آنان از آسیب‌های روانی نظیر اختلالات شخصیتی، اضطراب و افسردگی رنج می‌برند.
- ۳- شخصیت مجرمان دچار آسیب شده، افرادی که دست به جرائم می‌زنند از نظر شخصیتی در دسته‌های خاص قرار دارند، بنابراین در این گروه، به شکل‌گیری شخصیت کج‌رو پرداخته‌شده است.
- ۴- وضعیت جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی نظیر سن، جنس، وضعیت تأهل، طبقه و پایگاه اجتماعی است که برای هر تحلیل جامعه‌شناختی از جرم و بزهکاری اساسی است؛ تخریب گرایان از نظر سنی نوجوانان و جوانان، از نظر جنس مذکر - (زیرا پسران از آزادی نسبی بیشتری نسبت به دختران برخوردارند و در مقابل، رفتارهای وندالیستی، احتمالاً کمتر از دختران مورد مواخذه قرار می‌گیرند. به عبارتی مردان نشان دادن توانایی‌های جسمانی‌شان را نوعی امتیاز و برتری می‌دانند) -

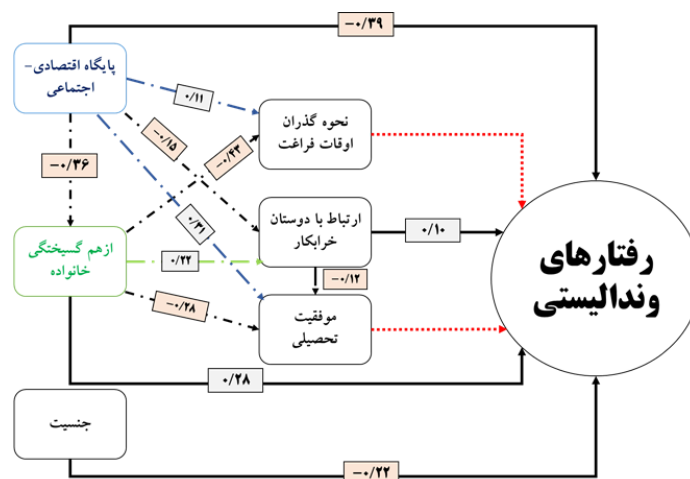
دارای تحصیلات پایین، از نظر شغلی در رده پایین، و غیر ماهر، از نظر وضعیت تأهل مجرد و در طبقات پایین اجتماع قرار دارند.

۵- گروه پنجم متغیرها به زمینه گسترده‌تر از یک تحلیل جامعه‌شناختی از فرآیند جامعه‌پذیری و یادگیری رفتار مجرمانه متوجه است؛ در این گروه وضعیت و شرایط فعلی زندگی فرد، نظیر میزان کنترل والدین بر فرزند خود، آزادی‌های کودک در فعالیت‌ها و امور روزانه، منطقه محل سکونت فرد، نوع مدرسه، گروه همسالان و نحوه گذران اوقات فراغت موردنظر است، بر اساس نظر کلارک تخریب گرایان در مناطق درون شهر و مناطق فقیرنشین سکونت داشته و دارای رفقای بزهکار و منحرف‌اند.

۶- در گروه ششم متغیرهایی که تحت عنوان بحران‌ها و وقایع طبقه‌بندی گردیده‌اند (درگیری و کتک‌کاری در مدرسه و خانه، تنبیه بدنی در مدرسه، عملکرد موفق و یا ضعیف تحصیلی، دوستان دستگیرشده به برخی از عوامل که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در تمایلات فرد به وندالیسم مؤثر است، توجه شده است، وی معتقد است که داشتن تمایلات اولیه و آمادگی روانی بر ارتکاب عمل وندالیستی می‌تواند ناشی از احساس کسالت، درماندگی، افسردگی، خشم و عصبانیت فرد باشد خود این احساسات نیز معلول شرایط نامطلوب، تیره‌روزی‌ها و بحران‌ها و مشکلات زندگی فرد هستند.

۷- گروه هفتم متغیرهایی هستند که کلارک آن‌ها را شرایط، موقعیت‌ها و وضعیت‌های خاص می‌نامد، مثلاً وی خیابان‌های مناطق فقیرنشین، مکان‌های فاقد گشت پلیس، مکان‌های مخروبه و متروکه، کوچه‌ها و خیابان‌های تاریک و خلوت و اشیا و موضوعاتی که قبلاً وندال‌ها ویران کرده‌اند، را بیشتر در معرض وندالیسم می‌داند.

۸- در گروه هشتم متغیرها، جریان‌های شناختی و ادراکی و وضعیت‌های انگیزشی فرد مانند توجیه‌پذیری عمل، تصور کیفر پایین، احساس اجحاف، درماندگی، ناکامی و خشم را مطرح می‌کند. وی معتقد است که وندال‌ها غالباً تمایل به رفتارهای مخاطره‌آمیز دارند، برای عمل خود توجیه‌هایی پیدا کرده و تصور کیفر پایینی برای رفتارهای خود داشته و احساس اجحاف، درماندگی و خشم دارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۶۵-۱۶۷).



شکل ۱- نمودار چارچوب پژوهش (ماخذ: نگارندگان)

از کل نمونه اختصاص یافته برای این پژوهش، ۴۵ درصد از پاسخگویان را دانش‌آموزان پسر و ۵۵ درصد را دانش‌آموزان دختر تشکیل داده‌اند. از نظر سن، بیشتر پاسخگویان در سن ۱۶ سالگی قرار داشتند، و تنها یک مورد از آن‌ها در سن ۲۰ سالگی قرار داشت. در رابطه با قومیت پاسخگویان، ۸۵ درصد آنان را دانش‌آموزان فارس تشکیل داده‌اند که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. ۵۱ درصد پاسخگویان نیز در رشته انسانی مشغول به تحصیل بوده‌اند. در رابطه با معدل پاسخگویان، ۱۸۳ نفر یعنی ۴۹ درصد آنان دارای معدل متوسط بودند. بیشتر پاسخگویان یعنی در حدود ۸۲ درصد آنان در مسکن شخصی سکونت داشته‌اند و از نظر درآمد خانواده، ۳۹ درصد آنان دارای درآمد پایین بوده‌اند. در رابطه با تحصیلات پدر پاسخگویان، بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات دیپلم (۷۵ نفر) و کمترین آن مربوط به تحصیلات دکترا (۴ نفر) است و در رابطه با تحصیلات مادر پاسخگویان، بی‌سوادی (۲۷ درصد) و تحصیلات حوزوی (تنها ۰/۳ درصد) بیشترین و کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. از لحاظ شغل پدر پاسخگویان، بیشترین فراوانی مربوط به شغل آزاد (۳۷ درصد) می‌باشد و تنها ۱/۴ درصد آنان به بیکار بودن پدر خود اشاره کرده‌اند. در رابطه با شغل مادر پاسخگویان نیز، بیشترین فراوانی مربوط به خانه‌داری (۸۵ درصد) و کمترین آن نیز مربوط به پزشکی و استاد دانشگاه و بازنشسته با ۰/۳ درصد می‌باشد. از لحاظ وضعیت ارتباطی والدین پاسخگویان، ۸۸/۶ درصد آنان به زندگی باهم والدین خود، اشاره کرده‌اند و تنها ۱/۳ درصد آنان به ترک والدین اشاره کرده‌اند. در رابطه با مسائل و مشکلات والدین نیز،

۸۲/۹ درصد پاسخگویان، به عدم وجود مشکل اشاره کرده‌اند و ۵/۲ درصد پاسخگویان اعتیاد، ۱/۳ درصد پاسخگویان بیماری روانی، ۸/۸ درصد زندان و ۹/۸ درصد پاسخگویان اختلافات خانوادگی را گزارش داده‌اند. از نظر شیوه‌های تربیتی والدین پاسخگویان نیز، بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به گفتگو و تصمیم مشارکتی و کنترل سخت، و کمترین آن نیز مربوط به آزادی زیاد با ۴/۹ درصد می‌باشد.

۷- جمع‌بندی

وندالیسم یا تخریب اموال عمومی، یکی از پیچیده‌ترین نمونه‌های رفتارهای انسانی است. واکنش نسبت به تخریب اموال عمومی بر اساس اوضاع و شرایط مختلف اجتماعی ممکن است متفاوت باشد. بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران و تحلیل گران علوم اجتماعی باید گفت که وندال شدن یک فرد تابع علل و عوامل مختلفی می‌باشد که مهم‌ترین عوامل که به نظر می‌رسد تأثیر بسزایی در این زمینه دارند، تحت تأثیر خانواده و نهاد آموزش و پرورش و محیط اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، می‌باشد. به‌طوری‌که در صورت ناسالم بودن این کانون‌ها، بیشترین تأثیر را بر رفتار نوجوانان خواهد داشت. نتایج به‌دست‌آمده از روابط همبستگی و تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که گروه وسیعی از عوامل اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و فردی و روانی در بروز رفتارهای وندالیستی دخالت دارند که در پژوهش حاضر موضوع وندالیسم و ارتباط این متغیر به‌عنوان یک متغیر وابسته با برخی از متغیرهای اجتماعی، مورد مطالعه قرار گرفته است؛ لذا مطابق با نتایج به‌دست‌آمده و در پرتو الگوی نظری پژوهش و بر اساس همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته و نوع و نحوه تأثیرات میان آن‌ها در تحلیل چند متغیره و تحلیل مسیر، می‌توان استدلال کرد که از یک‌سو وضعیت اقتصادی - اجتماعی نامناسب باعث خواهد شد تا این عامل تفاوت‌های خود را در لایه‌های درونی زندگی نظیر تربیت خانوادگی، معضلات و مشکلات خانوادگی، مشکلات تحصیلی، اوقات فراغت و جنبه‌های عقیدتی و اخلاقی نشان دهد و به حوزه‌های ملموس زندگی و رفتار اجتماعی کشیده شود. در چنین حالتی سازه‌های موجود - چه مدارس و امکانات موجود در آن، و چه سازه‌های موجود در سطح شهر - و مخصوصاً در مناطق مرفه نشین بیش‌ازپیش در معرض تخریب وندالیسم قرار خواهند گرفت. در رابطه با ازهم‌گسیختگی خانواده، مسلماً خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری می‌باشد و شخصی که کودکی و یا نوجوانی خود را نزد کسی غیر از پدر و مادر خود گذرانده است و یا پدر و مادر وی به علت طلاق یا فوت یکی از آن‌ها از هم جدا بوده‌اند و همچنین در خانواده او، همواره درگیری و بحث بوده است، آسیب‌پذیرتر بوده و امکان ناسازگاری او و بروز رفتارهای خرابکارانه بیشتر است. همچنین اختلافات خانوادگی باعث می‌شود که محیط خانواده برای تربیت فرزندان، ناامن و نامناسب شود. وقتی خانواده کانون و محیط نامناسبی برای زندگی نباشد، انسان سعی می‌کند بیشتر اوقات خود را در خارج از خانه بگذراند و این کار علاوه بر تأثیر منفی بر عملکرد تحصیلی او، ارتباط او را با دیگرانی که (دوستان خرابکار) ممکن است تأثیر منفی بر او بگذارند، بیشتر می‌کند و آن‌ها نیز این فرد را به سمت رفتارهای انحرافی و خرابکارانه سوق می‌دهند. از سوی دیگر شرایط اقتصادی - اجتماعی نامناسب و معضلات و مشکلات خانوادگی و دوستان خرابکار در نحوه گذران اوقات فراغت افراد تأثیر بسزایی دارند. وقتی خانواده با توجه به وضعیت اقتصادی - اجتماعی خود نتواند امکانات و محدوده گذران فراغت را برای فرزندان خود مشخص کند و یا اینکه خانواده نابسامان باشد، فرد ممکن است پایگاه عاطفی خود را از خانواده به جمع دوستان انتقال دهد و حال اینکه دوستان وی ناباب و خرابکار باشند تأثیر منفی بر رفتارشان دارند و ممکن است فرد برای پذیرش در گروه دوستان، تن به خواسته‌های دوستان دهد و از اوقات فراغت خود استفاده ناصحیح کند و خود را در رفتارهای خرابکارانه نشان دهد. علاوه بر این، ارتباط با دوستان خرابکار در عملکرد تحصیلی فرد تأثیر دارند و فرد بجای تمرکز بر درس و موفقیت در آن، وقت خود را در کنار دوستان و اقدام به رفتارهای خرابکارانه می‌گذراند. همچنین نتایج در این تحقیق نشان می‌دهد که میزان رفتارهای وندالیستی در دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است. و پسران بیش از دختران این رفتارها را انجام می‌دهند، که البته این نتیجه دور از انتظار نیست، زیرا پسران از آزادی نسبی بیشتری نسبت به دختران برخوردارند و در مقابل، رفتارهای وندالیستی، احتمالاً کمتر از دختران مورد مواخذ قرار می‌گیرند. به عبارتی مردان نشان دادن توانایی‌های جسمانی‌شان را نوعی امتیاز و برتری می‌دانند.

درمجموع می‌توان گفت وندالیسم، پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد زیادی عوامل متفاوت وابسته است؛ به‌عبارت دیگر با هر الگویی که این متغیرهای متعدد را به‌کارگیریم می‌توانیم استدلال کنیم که افراد در بطن نیروهای اجتماعی محاط شده‌اند؛ تفاوت‌های شخصیتی باعث می‌شود که افراد به لحاظ آمادگی برای پاسخ به محرک‌های اجتماعی متفاوت باشند؛ اینکه پیش‌شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی تا چه حد بر فعالیت و رفتار اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند، تا حدود زیادی به محیط‌های اجتماعی شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی - سیاسی بستگی دارد، این سه دسته از متغیرها به‌شدت مرتبط و به هم آمیخته‌اند و هر تغییری در هر یک از آن‌ها برکنش‌ها و رفتارهای آدمی تأثیر می‌گذارد.

منابع

- ۱- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). "نظریه‌های انحرافات اجتماعی". شیراز: انتشارات زر.
- ۲- احمدی، حبیب. (۱۳۸۹). "جامعه‌شناسی انحرافات". تهران: سمت.

- ۳- براتیان، علی رحیم. (۱۳۹۰). "بررسی عوامل مؤثر در بروز رفتارهای وندالیستی در میان دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستانی ایزه". مقاله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران
- ۴- بیرو، آلن. (۱۳۸۰). "فرهنگ علوم اجتماعی". ترجمه باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان.
- ۵- باتامور، تی.بی. (۱۳۷۵). "جامعه‌شناسی". ترجمه: منصور، سید حسن. تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۶- بیکر، ترز، ال. (۱۳۹۰). "نحوه انجام تحقیقات اجتماعی". ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی
- ۷- پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). "بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی". پایان‌نامه دکتری در رشته روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران
- ۸- تنهایی، حسین. (۱۳۷۴). "درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی". گناباد: نشر مریندز
- ۹- جمشیدی، احمد. (۱۳۸۰). "بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر خرابکاری اموال عمومی توسط دانش‌آموزان شهر تهران در سال ۸۰-۱۳۷۹". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
- ۱۰- حیدری، اسلام. (۱۳۹۱). "عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر وندالیسم (مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر اهواز)". مقاله کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- ۱۱- دوچ، هورتون و روبرت م، کراوس. (۱۳۷۴). "نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی". تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۲- دغاقله، عقیل. کلهر، سمیرا. (۱۳۸۶). "آسیب‌های شهر تهران (وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار، تکدی گری)". انتشارات: شهرداری تهران
- ۱۳- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۷). "آنانومی جامعه". تهران: شرکت سهامی انتشار
- ۱۴- ستوده، هدایت اله. (۱۳۷۸). "آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)". تهران: انتشارات آوای نور.
- ۱۵- سخاوت، جعفر. (۱۳۸۳). "جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی". تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۶- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۸). "آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)". تهران: انتشارات سمت
- ۱۷- صلاحی، جاوید. (۱۳۸۷). "کلیات بزهکاری اطفال و نوجوانان". تهران: نشر میزان
- ۱۸- غریبی، الف. (۱۳۸۵). "نگاهی به پدیده وندالیسم و رفتارهای وندال ها: راه‌های کنترل و هدایت خرابکارها". مجله رشد مشاور مدرسه، شماره ۶
- ۱۹- قاسمی، و؛ ذوالاکتاف، و؛ نورعلی وند، ع. (۱۳۸۸). "جامعه‌شناسی ورزش وندالیسم و اوباش گری در ورزش فوتبال". تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- ۲۰- قائمی فر، حسین. بامیرزایی، عزت اله. (۱۳۸۸). "رفتارهای وندالیستی". شیراز: ایلاف
- ۲۱- کی نیا، مهدی. (۱۳۸۵). "مبانی جرم‌شناسی". نشریه مکتب امام.
- ۲۲- گود، ویلیام، جی. (۱۳۵۲). "خانواده و جامعه". ترجمه: ویدا ناصحی. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- ۲۳- مظفری، ا. (۱۳۸۴). "عوامل اقتصادی - اجتماعی در بروز رفتارهای وندالیستی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران
- ۲۴- محمدی بلبان آباد، اسعد. (۱۳۸۴). "سنجش میزان وندالیسم و عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با آن در میان دانش آموزان ناحیه یک مقطع متوسطه شهر سنندج". پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز
- ۲۵- محبی، ج. (۱۳۸۲). "بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر خرابکاری به‌عنوان مقدمه رفتار بزهکاری در بین دانش آموزان دبیرستان‌های زرین‌دشت". رساله کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۲۶- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۹). "مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق". نامه علوم اجتماعی شماره ۱۶، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۷- محسنی تبریزی، ع. ر. (۱۳۸۳). "وندالیسم". تهران: انتشارات آن
- ۲۸- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۴). "بررسی علل وندالیسم در شهر تهران و راه‌های پیشگیری و درمان آن". تهران: مرکز مطالعات اسناد و مدارک ملی ایران
- ۲۹- مشکانی، م و مشکانی، ز. (۱۳۸۳). "سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری". مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات آگاه.
- ۳۰- مقصودی، س؛ و بنی فاطمه، ز. (۱۳۸۳). "تحلیل محتوای دیوانه‌نویسی‌های کلاس‌های درس دانشگاه شهید باهنر کرمان". رفاة اجتماعی، شماره ۳، صص: ۲۶۷-۲۹۰
- ۳۱- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). "انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها". تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
- ۳۲- نیکخواه، زهرا. (۱۳۹۱). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش آموزان دبیرستانی شهر یاسوج". مقاله کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج
- ۳۳- نقدی، ا. (۱۳۸۶). "حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی". همدان: انتشارات فن‌آوران

- 34- Amato, P. R., & Keith, B. (1991). Parental divorce and the well-being of children: a meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 110, 26–46.
- 35- Brown, Gregory, Devlin & Ann Sloan (2003): Vandalism: Environmental and Social Factors, *Journal of college student Development*, Jul/Aug
- 36- Ceccato, V. and haining, R. (2007). Assessing the geography of Vandalism: Evidence from a swedish city. *Urban Studies*, 42. Pp: 1637-1656
- 37- Coslin, P (1989): Adolescence and vandalism, *Jurnal of orientation schoolaire etde Professionnelle*, Vol.1, N.4, PP357-364
- 38- Demores & Others (1987): Vandalism among college students, *Juornal of Applied social psycology*, Vol.18, N.1, PP80-91
- 39- Gove, W. R. and Crutchfield, R. D. (1982). The family and juvenile delinquency. *Sociological Quarterly*, 23, 301–319.
- 40- Horowitz, T. & Tobaly, D. (2003): School vandalism: individual and social context, *Adolescence*, V38, N149, pp: 131-139
- 41- Hibbert, C. (1987). *The English: a social history 1066-1945*. London: grafton books. 785 p
- 42- Heck, C., & Walsh, A. (2000). The effects of maltreatment and family structure on minor and serious delinquency. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 44, 178–193.
- 43- Loeber, R. and Stouthamer-Loeber, M. (1998). Development of juvenile aggression and violence. Some common misconceptions and controversies. *American Psychologist*, 53, 242–259.
- 44- Lowenstein, I. (1986): Vandalism in School, *Juornal of Healt at Schools*, Vol..2, N.3, PP.12-37
- 45- McLanahan, S., & Sandefur, G. D. (1994). *Growing up with a single parent: What hurts, what helps*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- 46- Moser, G. (1988): Vandalism in urban public telephones, *Juornal of Mears*, D. P., Ploeger, M. and Warr, M. (1998). Explaining the gender gap in delinquency: peer influence and moral evaluations of behavior. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 35, 251–266.
- 47- O'Neill, D. (1998): Poststructuralist review of Theoretical Litratue Surrounding Wife Abuse Violence Against Women, Vol.4, pp.457-591
- 48- Perez, C. (2009). Understanding university library user's Mistreat of Book's. the *journal of Academic librarianship*, 35 (2), 177-183.
- 49- Rosenbaum, J. L. and Lasley, J. R. (1990). School, community context, and delinquency: rethinking the gender gap. *Justice Quarterly*, 7, 493–513.
- 50- Sanders, W. B. (1981). "juveile delinquency; causes, patterns and reaction"s, newyork: holt, Rinehart & Winston.
- 51- Stephan, Cook, w and Stephan, walter, G (1990): *two Social Psychdogist*, Belmont, wadsworth publishing company, PP200-201
- 52- Smelser, Neil J. (1988): *Sociology*, Englewood cliffs, New Jersey Prentice-Hall P130
- 53- Schaefer, R. (1998): *Sosiology*, Mc Grow-Hill, Inc U.S.A., P197
- 54- Seaman, m. (1985): On the meaning of Alienation, *Amarican Sociological Review*, Vol.24, pp.783-791
- 55- Snyder, J. and Patterson, G. (1987). Family interaction and delinquent behavior. In *Handbook of Juvenile Delinquency*, Quay, H. C. (Ed.). New York: John Wiley and Sons, pp. 216–243.
- 56- Vold, G. B. and Bernard, T. (1986): *Theoretical Criminology*, Oxford University, P146
- 57- Vitaro, F., Brendgen, M., & Tremblay, R. E. (2000). Influence of deviant friends on delinquency: Searching for moderator variables. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 28, 313–325.
- 58- Woodhill, B. M., & Samuels, C. A. (2004). Desirable and undesirable androgyny: A prescription for the twenty- first century. *Journal of gender studies* vol. 13, pp.15-28
- 59- Wise, J. (1982) A gentle deterrent to vandalism. *Psychology today*. September: 31-38
- 60- Wilson, P and Healy, P (1986). "Graffiti and vandalism", A Report to new state Rail Authority
- 61- Wiehe, V. R. (2003): *Understanding Family Violence, Treating and Pereventing Partner, Chaild, Sibling and elder abuse*, Sage Publications

طراحی مدل فراترکیب شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی دانشجویان در دانشگاه

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۰۷

کد مقاله: ۱۴۴۹۶

محسن نیازی^۱، علی فرهادیان^۲، احسان صنعتکار^{۳*}

چکیده

سرمایه فرهنگی یکی از مفاهیم مهمی است که در سال‌های اخیر به‌خصوص در ایران موردتوجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی قرار گرفته است. از طرفی نیز دانشگاه به‌عنوان یکی از نهادهای اثرگذار در جامعه و دانشجو به‌سان هسته اصلی و قلب آن است. بر این اساس هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی دانشجویان از طریق فراترکیب است. از این منظر این پژوهش از نظر هدف کاربردی بوده و محقق پس از بازبینی مقالات مرتبط آن‌ها را با یکدیگر ترکیب کرده است. در این راستا پس از بررسی‌های اولیه و نظر اساتید این حوزه، ۱۲ مقاله از میان ده‌ها مقاله رصد شده در پایگاه‌های اطلاعاتی به‌عنوان جامعه آماری انتخاب و مورد بررسی و ارزیابی دقیق صورت گرفته است. یافته‌ها این پژوهش نشان می‌دهد تاکنون در ۱۱ بعد و ۵۸ مؤلفه پیرامون عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی دانشجویان تحقیق صورت پذیرفته که پس از طی مراحل متعدد مدل مفهومی مرتبط با این موضوع ارائه شده است. فهم نتایج این مطالعه که ماحصل تحقیقات پیشین است می‌تواند به‌عنوان راهنمایی جامع برای محققان در این حوزه عمل کند.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، دانشجو، فرامطالعه، فراترکیب

۱- استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان

۲- استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی دانشگاه کاشان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) e.sanatkar1373@gmail.com

۱- مقدمه

در گذشته تصور عمومی از کلمه سرمایه، شامل سرمایه‌های مادی مثل اقتصادی و یا انسانی می‌شده است؛ اما با ایجاد اصطلاح سرمایه فرهنگی توسط پی‌یر بوردیو^۱ در دهه ۱۹۶۰، مفهوم سرمایه به‌طور کلی متفاوت شده و ابعاد جدیدی به خود گرفته است. بوردیو تنها اقتصاد را عامل اصلی تعیین طبقه افراد قلمداد نمی‌کند بلکه علاوه بر آن برای تحلیل طبقاتی و پایگاه افراد در جامعه به سرمایه فرهنگی توجه ویژه‌ای می‌کند و نشان می‌دهد که طبقات چگونه با استفاده از این نوع سرمایه به بازتولید خود می‌پردازند (فائقی و باینگانی، ۱۳۹۵: ۱۵۱). سرمایه فرهنگی^۲ به معنای قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود (گرشاسبی فخر و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۷). به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌هایی می‌باشد که به انسان کمک می‌کند تا جایگاه‌های بالاتری را در جامعه کسب کند.

شهروندان یک جامعه دارای سرمایه‌های گوناگونی هستند که این سرمایه‌ها تعیین‌کننده منزلت و جایگاه آن‌ها در جامعه هست. همچنین سرمایه غنی فرهنگی می‌تواند موجب اعتلای شهروندان و درنهایت یک جامعه شود. بوردیو در تعریفی از سرمایه فرهنگی می‌نویسد: صورت‌هایی از دانش، مهارت‌ها، آموزش و مزایایی که یک انسان واجد آن است و به او اجازه می‌دهد که یک جایگاه بالاتری در جامعه را کسب کند (حسن روحانی، ۱۳۸۸: ۱۷). درواقع افراد از طریق استفاده از سرمایه فرهنگی می‌توانند موقعیت خویش را در جامعه بهبود بخشند و به اعتبار اجتماعی خویش بی‌افزایند و از طرفی نیز می‌توانند این سرمایه را به سایر سرمایه‌ها از جمله ثروت تبدیل کنند. بوردیو سرمایه فرهنگی را به سه بعد تقسیم می‌کند: الف) سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته ب) سرمایه فرهنگی عینیت یافته ج) سرمایه فرهنگی نهادینه شده.

جامعه ایران به‌عنوان یک جامعه در حال گذار همواره در این سال‌ها درگیر دوگانه سنت-تجدد بوده است و این دوگانگی منجر به برخی مسائل در حیطه فرهنگی کشور شده است. تغییر در فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در سال‌های اخیر از یک‌سو و از سوی دیگر تبعات ناشی از مقوله جهانی‌شدن و افزایش اطلاعات مردم و به‌ویژه قشر جوان و دانشجو در زمینه‌های مختلف در سال‌های اخیر به‌نوعی در سرمایه فرهنگی اثرگذار بوده است. دانشجو به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در هر جامعه ای می‌باشد و سرمایه فرهنگی دانشجویان یکی از کليدواژه‌های اصلی در روایت آن‌ها از جهان پیرامون خود و ابعاد مختلف زندگی می‌باشد و به نوعی انباشت یا عدم انباشت سرمایه فرهنگی در دانشجویان می‌تواند در جامعه اثرگذار باشد.

در این مطالعه پس از بررسی‌ها و بازنگری در مقالات و پژوهش‌ها این نتیجه حاصل گردید که عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی دانشجویان در دانشگاه‌ها دارای ۱۱ بعد شامل: انواع سرمایه، سرمایه اجتماعی، سرمایه علمی، هویت، سبک زندگی، مدیریت بدن، شادکامی، توسعه گرای، عوامل جمعیتی، نحوه استفاده از کالا و گرایش‌ها می‌باشد که در یافته پژوهش‌های متعددی چون (شربتیان و اسکندری، ۱۳۹۴؛ سلطانی بهرام و همکاران، ۱۳۹۱؛ صمدی و تمنا، ۱۳۹۵؛ بولاغی و همکاران، ۱۳۹۶؛ صالحی امیری و همکاران، ۱۳۹۳؛ حسین زاده، ۱۳۸۷؛ بنی عقیل و همکاران، ۱۳۹۲؛ بابایی فرد و حیدریان، ۱۳۹۴؛ عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ سهامی، ۱۳۹۴؛ حسن زاده یامچی و عزیززاده اقدم، ۱۳۹۵ و نامدار جویمی و همکاران، ۱۳۹۳) قابل مشاهده است که در هر کدام به برخی از مؤلفه‌ها پرداخته شده است. از این جهت هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی دانشجویان در دانشگاه با روش فراترکیب می‌باشد.

۲- مبانی نظری

سرمایه به ثروت انباشته‌شده که یکی از ارکان اصلی در بازار است اطلاق می‌شود. از نظر بوردیو، سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد (Stones, 1998: 221). سرمایه به‌عنوان یک منبع عام به دو شکل ملموس و غیرملموس می‌باشد. این اصل هرچند از اقتصاد سرچشمه می‌گیرد اما امروزه سرمایه فقط به مسائل اقتصادی و مادی محصور نمی‌شود. از نظر بوردیو ۴ نوع سرمایه در هر میدانی وجود دارد که شامل سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین می‌باشد.

هرکدام از این سرمایه‌ها در میدان‌های مختلف وجود دارد و اگر افراد بتوانند این سرمایه‌ها را کسب کنند برتر از سایرین خواهند بود و می‌توانند آن‌ها را در میدان‌های مختلف به‌کارگیرند. بوردیو عقیده دارد که سرمایه اقتصادی می‌تواند برای صاحب خود، سرمایه فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند و سرمایه فرهنگی نیز با کارکرد خود سرمایه اقتصادی به بار آورد (کارکنان نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۸). همچنین از نظر وی تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی با سهولت بیشتری صورت می‌پذیرد (Bourdieu, 1977: 42).

1 Pierre Bourdieu

2 Cultural capital

از نظر بورديو علاوه بر سرمايه اقتصادي، سرمايه فرهنگي و اجتماعي نيز اهميت دارد. سرمايه فرهنگي يعني قدرت شناخت و قابليت استفاده از كالاهاي فرهنگي در هر فرد و آن دربرگيرنده تمايلات پايدار فرد است كه در خلال اجتماعي شدن در فرد انباشته مي‌شود (بورديو، ۱۳۸۴: ۷۸). سرمايه فرهنگي مشتمل بر كفايت زباني، فرهنگي و مهارت در فرهنگ طبقات بالاتر است (Dumas's, 2002, 60). ريچارد زويينگهافت^۱ سرمايه فرهنگي انواع گوناگون دانش‌ها و مهارت‌ها مي‌داند و بر كس^۲ و فولك^۳ واژه سرمايه فرهنگي را براي اشاره به قابليت‌هاي انعطاف‌پذير جوامع انساني براي پرداختن به زيبست محيط و اصطلاح آن به كار مي‌برد (تراسبي، ۱۳۸۲: ۷۴). هائيس^۴ اصطلاح سرمايه فرهنگي را بازنماي جمع نبروهاي غيراقتصادي مانند زمينه خانوادگي، طبقه اجتماعي، سرمايه‌گذاري‌هاي گوناگون و تعهدات نسبت به تعليم و تربيت، منابع مختلف و مانند آن‌ها مي‌داند كه بر موفقيت آكادميك اثر مي‌گذارد (همان). دومايس^۵ نيز اشاره مي‌كند كه سرمايه فرهنگي مشتمل بر كفايت زباني و فرهنگي و مهارت در فرهنگ طبقات بالاتر است (حيدرخاني، ۱۳۹۵: ۱۴۸). از نظر ديماجو^۶ سرمايه فرهنگي يعني داشتن ذائقه‌هاي داراي پرستيژ و توانايي درك و شناخت اشيا با سبك‌هاي هنري است كه دارندگان اقتدار فرهنگي به آن‌ها اهميت مي‌دهند. (فاضلي، ۱۳۸۶: ۴۹). ديويدي^۷ تراسبي^۸ در تعريف ديگر سرمايه فرهنگي را نوعي دارايي مي‌داند كه مجسم كننده، ذخيره كننده يا تأمين‌كننده ارزش فرهنگي علاوه بر هرگونه ارزش اقتصادي است كه مي‌تواند داشته باشد (تراسبي، ۱۳۸۲: ۶۸).

سرمايه فرهنگي برخلاف سرمايه اقتصادي كه به ارث برده مي‌شود، اكتسابي است و به زمان نياز دارد و فرد بايد آن را در طول زندگي خود و در فرايند جامعه‌پذيري و يادگيري به دست آورد تا اين سرمايه را از آن خود كند. سرمايه‌ي فرهنگي بازتابنده طبقه اجتماعي صاحب آن سرمايه است. بورديو سرمايه فرهنگي را در سه بعد زير ملاحظه مي‌نمايد:

الف) سرمايه فرهنگي تجسم‌يافته: آن بخش از سرمايه فرهنگي است كه فرد خود بايد آن را كسب كند و قابل‌انتقال به غير نيست و طي زمان در خود دروني كند و از اين رو همواره با فرد و در درون فرد هست و به شكل گرايشات، سلايق و عادات بروز پيدا مي‌كند. درواقع اين حالت، مجموعه توانايي‌ها و دانايي‌هاي ذهني و مهارت‌هاي عملي و تجربی و رفتاری است كه در شيوه سخن گفتن، باورها و ارزش‌ها و نگرش‌هاي خاص فرد تجلي پيدا مي‌كند و مي‌توان اكثر ويژگي‌هاي سرمايه فرهنگي را از اين بخش دانست. بورديو سرمايه فرهنگي تجسدي را حق استفاده دائمي فرد از ذهن و جسم خود مي‌داند. (تراسبي، ۱۳۸۲: ۴۴).

ب) سرمايه فرهنگي عينيت يافته: اين بخش آشكارترين شكل سرمايه فرهنگي مي‌باشد و قابل عينيت و همچنين قابل انتقال و تملك نيز داراست زيرا در كالاها و اشياي مادي همچون نوشتار، تابلو، مجسمه، ابزارهاي و كالاهاي هنري و نظاير آن متجسم مي‌باشد. اين نوع از سرمايه پيوند تنگاتنگي با سرمايه فرهنگي دروني شده دارد. به‌تمامي اشياء و كالاهاي فرهنگي، سرمايه فرهنگي عيني مي‌گويند؛ اما خصلت اساسي اين سرمايه در اين است كه اثر آموزشي بر دارندگان آن مي‌گذارد (ابراهيمي و همكاران، ۱۳۹۵: ۳۱ به نقل از بورديو، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

ج) سرمايه فرهنگي نهادينه‌شده: اين نوع از سرمايه به‌گونه‌اي رسيمت بخشيدن به سرمايه فرهنگي فرد است و شامل داشتن مدارك و گواهي‌نامه‌هاي مختلف مي‌باشد. از نوع به اين دليل كه قانوني و رسمي مي‌باشد قابليت سنجش و مقايسه بين افراد را نيز دارد و از آنجايكه حالي رسمي دارد براي فرد پايدار اجتماعي همراه با مقبوليت اجتماعي مستحكم‌تري را ايجاد مي‌كند و به‌عنوان وسيله‌اي براي تعادل ميان اقتصاد و فرهنگ عمل مي‌كند و بدین شكل مي‌تواند سرمايه فرهنگي را به نحوي به سرمايه اقتصادي تبديل كند. اين سرمايه قابل انتقال و واگذاري نيست و به دست آوردن آن براي افراد به شرايط معيني بستگي دارد. (همان).

۳- پيشينه تحقيق

با نگاهی به مطالعات پژوهشی می‌توان دریافت که تاکنون نوشته‌ها و مقالات متعددی در داخل کشور پیرامون سرمايه فرهنگي با رویکردها مختلف صورت پذیرفته است؛ اما در باب ارتباط مفهوم سرمايه فرهنگي و قشر دانشجو تعداد محدودی کار انجام گرفته است که در جدول شماره ۱ بيان شده است.

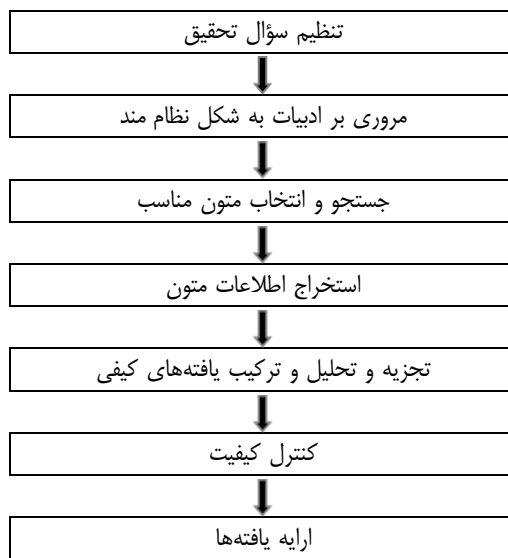
- 1 Richard Zweinhaven
- 2 Brex
- 3 Volk
- 4 Elaine Hayes
- 5 Dumais
- 6 Dimajoo
- 7 David Trebizby

جدول ۱: فهرست مقالات صورت پذیرفته در ارتباط با سرمایه فرهنگی دانشجویان (ماخذ: نگارندگان)

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	سال	مکان	یافته‌ها
۱	بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی در بین دانشجویان تبریز	میکائیل حسین زاده	۱۳۸۷	تبریز	یافته‌های حاکی از آن است که میان سرمایه فرهنگی و انواع هویت همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین بیشترین همبستگی با هویت ملی، قومی، دینی و فردی است و کمترین آن با هویت جهانی می باشد.
۲	ارتباط سرمایه فرهنگی با مدیریت بدن در میان دانشجویان دانشگاه تبریز	سعید سلطانی بهرام و همکاران	۱۳۹۱	تبریز	یافته‌ها حاکی از آن است که میان مدیریت بدن و سرمایه فرهنگی دانشجویان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و همچنین مدیریت بدن دانشجویان نیز در حد متوسط می باشد.
۳	انواع سرمایه ها، حلقه مفقوده در تبیین شادکامی دانشجویان (دانشجویان دانشگاه تبریز)	محمد عباس زاده و همکاران	۱۳۹۱	تبریز	نتایج این بررسی نشان می‌دهد به ترتیب میان ابعاد سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با شادکامی دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین میزان شادی در میان دانشجویان این دانشگاه در سطح متوسط به بالا قرار دارد
۴	ارتباط سرمایه فرهنگی با عملکرد علمی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان سال ۱۳۹۲	آسیه السادات بنی عقیل و همکاران	۱۳۹۲	گلستان	نتایج این بررسی نشان دهنده ارتباط میان سرمایه فرهنگی با عملکرد علمی و افزایش نمرات دانشجویان می باشد.
۵	بررسی تاثیر سرمایه فرهنگی بر تولیدات علمی دانشجویان	صالحی امیری و همکاران	۱۳۹۳	تهران	بر اساس این تحقیق سرمایه فرهنگی در تمامی ابعادش بر تولیدات علمی دانشجویان تاثیرگذار است.
۶	بررسی رابطه سرمایه نمادین با سرمایه فرهنگی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)	احسان نامدار جویمی و همکاران	۱۳۹۳	ایلام	نتایج نشان دهنده آن است که افرادی که سرمایه نمادین بیشتری در اختیار دارند دارای سرمایه فرهنگی بیشتری هستند و یعنی این دو مفهوم رابطه مستقیمی دارند.
۷	پیش بینی ارزش های معطوف به توسعه دانشجویان بر اساس سرمایه فرهنگی و اجتماعی	سوسن سهامی	۱۳۹۴	تهران	بر اساس این پژوهش میان سرمایه فرهنگی و اجتماعی با ارزش های علم گرایی، رضایت از زندگی، عام گرایی و اعتماد رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد، اما میان این سرمایه ها با جهانی شدن رابطه ای برقرار نیست
۸	تاثیر سرمایه فرهنگی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان	اسدالله بابایی فرد و امین حیدریان	۱۳۹۴	کاشان و آران و بیدگل	بر اساس این پژوهش میان مشارکت آموزشی و فرهنگی، مصرف کالاهای فرهنگی، رفتارها و رویه های فرهنگی، ارزش های شغلی و تحصیلی خانواده، تاثیرپذیری از رسانه های جمعی و سرمایه فرهنگی و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.
۹	تحلیل جامعه شناختی شاخص های سرمایه فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه های پیام نور و آزاد اسلامی قاین)	محمد حسن شریتیان و زهرا اسکندری	۱۳۹۴	شهرستان قائن	وجود ارتباط بین متغیرهای مستقل (فراغت، موبایل، مصرف گرایی، گرایش به سلیقه، سبک بدن و موسیقی) با متغیر وابسته (میزان سرمایه فرهنگی). بر اساس این تحقیق مهم ترین عامل اثرگذار بر سرمایه فرهنگی موبایل می باشد
۱۰	بررسی رابطه سبک زندگی (سلامت محور) و سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد هادی شهر در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴	داوود حسن زاده یامچی و محمد باقر علیزاده اقدم	۱۳۹۵	هادی شهر	میان بعد ورزش، تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از بیماری ها، سلامت روان شناختی، سلامت اجتماعی، سلامت معنوی، اجتناب از داروها، مواد مخدر و الکل و پیشگیری از حوادث با سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد اما میان سلامت جسمانی و محیطی با سرمایه فرهنگی ارتباطی نمی باشد.
۱۱	رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی	سمیه صمدی و سعید تمنا	۱۳۹۵	شهرستان اهر	بر اساس این مطالعه میان شاخص های سرمایه فرهنگی و اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی رابطه مستقیمی وجود دارد.
۱۲	بررسی جامعه شناختی تاثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی دینی دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران	مهدی بولاغی و همکاران	۱۳۹۶	مازندران	نتایج تحقیقات نشان می‌دهد میان سرمایه فرهنگی و سبک زندگی دینی در دو بعد (عینیت یافته و نهادینه شده) رابطه معکوس وجود دارد، اما در بعد تجسم یافته رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

۴- روش شناسی

تاکنون مقالات متعددی سرمایه فرهنگی را در ارتباط با ابعاد مختلف برای قشر دانشجو در نظر گرفته و اقدام شده است. این پژوهش در نظر دارد با استفاده از روش فرامطالعه مقالاتی که تاکنون صورت پذیرفته را بررسی و تجزیه و تحلیل نموده و نتایج آن‌ها را مشخص نماید. فرامطالعه روشی است که برای بررسی، ترکیب و آسیب شناسی پژوهش‌های گذشته استفاده می‌شود. این روش یک بررسی دقیق و ژرف از مطالعات انجام شده می‌باشد. فرامطالعه شامل چهار مدل: فراروش (تحلیل روش شناسی مطالعه‌های اولیه)، فرانظریه (تحلیل نظریه‌های مطالعات اولیه)، فراتحلیل (تحلیل کمی محتوای مورد مطالعه) و فراترکیب (تحلیل کیفی محتوای اولیه) می‌باشد. فراتحلیل به‌عنوان مشهورترین حوزه فرامطالعه، به‌طور ویژه بر مطالعات کمی پیشین تمرکز دارد. این روش اگر به‌صورت کیفی انجام شود و مفاهیم و نتایج مورد استفاده در مطالعات پیشین با شیوه کدگذاری متداول در پژوهش‌های کیفی مثل نظریه برخاسته از داده‌ها مورد بررسی قرار دهد، به نام فراترکیب شناخته می‌شود (کشتکار هرانکی و مبینی دهکردی، ۱۳۹۵: ۱۲۲).



شکل ۱- مراحل پیاده سازی روش فراترکیب

فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که یافته‌ها و نتایج مشابه را از مقالات و پژوهش‌ها مختلف بررسی، استخراج و تنظیم می‌نماید و به تحلیل یافته‌های مطالعات می‌پردازد و به نوعی بازنگری می‌کند. به عبارتی فراترکیب، تفسیر تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعه‌های منتخب است. فراترکیب با فراهم کردن یک نگرش نظام مند برای پژوهش‌گران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد و با این روش، دانش جاری را ارتقا داده و یک دید جامع و گسترده‌ای را نسبت به مسائل به وجود می‌آورد (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶). در این پژوهش از روش فراترکیب استفاده شده است که به ترتیب مراحل آن در ادامه بیان می‌شود:

- مرحله اول: طرح سؤال‌های تحقیق:** برای تنظیم سؤال پژوهش از پارامترهای مختلفی مانند: جامعه مورد مطالعه، چه چیزی، چه موقع و چگونه روش استفاده می‌شود. در این پژوهش، سؤالات زیر مورد کنکاش قرار می‌گیرد:
- ۱- مهمترین عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی دانشجویان در دانشگاه کدام است؟
 - ۲- مهمترین ابعاد اثر گذار بر سرمایه فرهنگی دانشجویان در دانشگاه کدام است؟

مرحله دوم: مروری بر ادبیات به شکل نظام مند: در این مرحله کلمات کلیدی مرتبط انتخاب و در سرتاسر تحقیق تعاریف واژه‌های جستجو یا چارچوب زمانی به‌طور مستمر دوباره ارزیابی می‌گردد؛ بنابراین محقق جستجوی سیستماتیک خود را بر مقالات منتشرشده در ژورنال‌های مختلف متمرکز می‌کند. در انتها، محقق مجموعه‌ای از جستجوهای آنلاین را انجام می‌دهد تا مطالعات منتخب را مشخص کند. در این پژوهش، محقق جستجوی نظام مند خود را بر پایگاه مجلات علمی مصوب در سایت Magiran متمرکز کرده و واژگان کلیدی مرتبط را انتخاب نموده است.

جدول ۲- واژه کلیدهای تحقیق (ماخذ: نگارندگان)

فارسی
سرمایه فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینیت یافته، سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی نهادینه شده، دانشجو

مرحله سه: جستجو و انتخاب متون مناسب: در این مرحله محقق در هر بازبینی تعدادی از مقالات را رد می‌کند که این مقالات در فرآیند فراترکیب مورد بررسی قرار نمی‌گیرند و مشخص می‌کند آیا مقالات یافت شده متناسب با سؤال تحقیق

می‌باشد یا خیر. به‌منظور رسیدن به این هدف، او مجموعه مطالعات منتخب را چندین بار مورد بازبینی قرار می‌دهد تا به مقالات منتخب دست یابد.

ملاک های انتخاب مقالات طبق معیارهای ذیل معرفی گردیدند:

- محل چاپ مقاله: مقالات پذیرش در پایگاه مجلات علمی مصوب در سایت Magiran
 - موضوع مدنظر: عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی در دانشگاه
 - حیطه کلی تحقیق: سرمایه فرهنگی در فضای دانشگاهی
 - روش تحقیق: فراترکیب
 - محدوده زمانی تحقیق: پژوهش های از سال ۱۳۸۷ به بعد
 - زبان های مورد استفاده شده: فارسی
- بر مبنای برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی به بررسی کیفیت مقالات بر اساس ۱۰ معیار ذیل پرداخته شد (هر معیار حداکثر ۵ امتیاز):
- هدف پژوهش، اصول و روش ها، ساختار پژوهش، نمونه، مرتب سازی داده‌ها، انعکاس پذیری، مبانی اخلاق حرفه ای، دقت تحقیق، تبیین روشن نتایج، نتیجه گیری کلی تحقیق.
- نتایج نهایی مقاله نهایی به شرح ذیل می باشد:

جدول ۳- امتیازات داده شده به مقاله منتخب (ماخذ: نگارندگان)

مقاله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
نمره نهایی	۵۰	۴۵	۳۹	۴۶	۳۸	۳۶	۴۴	۴۵	۴۰	۳۷	۴۱	۴۸

در این مرحله از بین ۶۵ مقاله ابتدا ۳۵ مقاله انتخاب شده و سپس ۱۲ مقاله بر اساس ده معیار ذکر شده تایید نهایی گردید. با توجه به نتایج حاصل شده حداکثر امتیاز داده‌شده به مقالات ۵۰ و حداقل امتیاز داده شده ۳۶ بوده است.

جدول ۴- نتایج گزینش مقالات نهایی (ماخذ: نگارندگان)

تعداد کل مقالات و منابع اولیه: ۶۵
تعداد مقالات پذیرش نشده بر اساس عنوان تحقیق: ۳۵
تعداد مقالات پذیرش نشده بر اساس چکیده تحقیق: ۰
تعداد مقالات پذیرش نشده بر اساس محتوای کلی تحقیق: ۰
تعداد مقالات پذیرش نشده بر اساس کیفیت تحقیق: ۰
تعداد مقالات پذیرفته شده نهایی: ۱۲

مرحله چهار: تبیین استخراج نتایج: با توجه به اینکه در روش فراترکیب، پژوهشگر به‌طور پیوسته مقالات منتخب و نهایی شده را، به‌منظور دستیابی به یافته‌های درون محتواهای مجزایی که در آن‌ها مطالعات اصلی و اولیه انجام می‌شوند، چند بار مطالعه می‌کند، در مرحله تبیین و استخراج نتایج، محتوای مقالات منتخب و نهایی شده، به منظور دستیابی به ابعاد سرمایه فرهنگی و یافته‌های درون محتوایی چندین بار مرور شده و اطلاعات پژوهش‌ها در جدول ۵ بر اساس موضوع مقاله و عوامل مؤثر بر آن تشریح گردید.

جدول ۵- مقالات منتخب (ماخذ: نگارندگان)

عنوان مقاله	عوامل مؤثر
۱	تحلیل جامعه‌شناختی شاخص های سرمایه فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی قاین
۲	بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی در بین دانشجویان تبریز
۳	ارتباط سرمایه فرهنگی با عملکرد علمی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان سال ۱۳۹۲
	عملکرد علمی، عملکرد آموزشی و پژوهشی
	اوقات فراغت، استفاده از موبایل، گرایش به سلیقه، سبک بدن و موسیقی
	هویت جمعی، هویت فردی، هویت دینی، هویت ملی، هویت قومی، منابع هویت جمعی(زمان و تاریخ، زبان، میراث مشترک و فرهنگ عامه)، منابع هویت فردی (خودانگاره منسجم، عزت نفس)

عنوان مقاله	عوامل مؤثر
۴ بررسی جامعه شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی دینی دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران	سبک زندگی دینی شامل بعد اقتصادی، بعد اجتماعی (تعهد اجتماعی، مشارکت دینی، معاشرت با دیگران)، بعد فرهنگی (اوقات فراغت، ظاهر و پوشش، تغذیه و آداب آن، پابندی به اخلاق مذهبی، خانواده)، سبک زندگی
۵ بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر تولیدات علمی دانشجویان	آموزش های رسمی، موفقیت تحصیلی، تولیدات علمی
۶ تأثیر سرمایه فرهنگی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان	مشارکت آموزشی و فرهنگی، مصرف کالاهای فرهنگی، رفتارها و رویه های فرهنگی، ارزش های شغلی و تحصیلی خانواده، رسانه های ارتباط جمعی
۷ ارتباط سرمایه فرهنگی با مدیریت بدن در میان دانشجویان دانشگاه تبریز	هویت فردی، هویت فرهنگی، مدیریت بدن (مراقبت های بهداشتی و آرایشی، رویه های کنترل وزن و لاغری، میزان علاقه مندی به تناسب اندام)، جنسیت، وضعیت تاهل، مقطع تحصیلی، سن،
۸ انواع سرمایه ها، حلقه مفقوده در تبیین شادکامی دانشجویان (دانشجویان دانشگاه تبریز)	سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی (انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی)، شادی (رضایت از زندگی، رضایت از خاطر، حرمت خود، خلق مثبت، انرژی مثبت)، روابط اجتماعی، اوقات فراغت
۹ پیش بینی ارزش های معطوف به توسعه دانشجویان بر اساس سرمایه فرهنگی و اجتماعی	مشارکت اجتماعی، رضایت از زندگی، اعتماد، ارزش های علم گرایی، عام گرایی، ارزش های مربوط به توسعه،
۱۰ بررسی رابطه سبک زندگی (سلامت محور) و سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد هادی شهر در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴	سبک زندگی، ورزش، تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از بیماری ها، سلامت روان شناختی، سلامت اجتماعی، سلامت معنوی، اجتناب از داروها، مواد مخدر و الکل، پیشگیری از حوادث
۱۱ بررسی رابطه سرمایه نمادین با سرمایه فرهنگی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)	ابعاد سرمایه نمادین (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی)، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، اعتماد بین شخصی
۱۲ رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی	شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، همیاری، مصرف کالا، فرآورده های فرهنگی، تمایلات و گرایشات روانی فرد، آگاهی دانشجویان، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی

مرحله پنجم: بررسی و ادغام نتایج: با توجه به اینکه هدف فرا ترکیب ایجاد تفسیر یکپارچه و جدیدی از یافته‌ها می‌باشد، در پژوهش حاضر مفاهیمی که مشابه بودند استخراج شد و در کدهایی به‌عنوان مؤلفه دسته بندی گردید و پس از آن مؤلفه های شناسایی شده در بعد های مختلف بر اساس تعلق مفهومی قرار گرفتند.

جدول ۶- ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی (ماخذ: نگارندگان)

ردیف	ابعاد	مؤلفه
۱	سرمایه	سرمایه نمادین، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه علمی.
۲	سرمایه اجتماعی	تعهد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، معاشرت با دیگران، روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی (اعتماد تعمیم یافته، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی).
۳	سرمایه علمی	آموزش های رسمی، مشارکت آموزشی و فرهنگی، عملکرد علمی، عملکرد آموزشی و پژوهشی، موفقیت تحصیلی، تولیدات علمی.
۴	هویت	هویت جمعی، هویت فردی، هویت دینی، هویت قومی، هویت ملی، هویت فرهنگی.
۵	مدیریت بدن	سبک بدن، تغذیه و آداب آن، مراقبت های بهداشتی و آرایشی، رویه های کنترل وزن و لاغری، میزان علاقه مندی به تناسب اندام، ورزش، تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از بیماری ها، اجتناب از داروها، مواد مخدر و الکل، پیشگیری از حوادث.
۶	سبک زندگی	اوقات فراغت، خانواده، آگاهی، سلامت (اجتماعی، معنوی).
۷	شادکامی	رضایت از خاطر، حرمت خود، خلق مثبت، انرژی مثبت، رضایت از زندگی.
۸	توسعه گرایی	ارزش های علم گرایی، عام گرایی.
۹	نحوه استفاده از کالاها	استفاده از موبایل، موسیقی، ظاهر و پوشش، فرآورده های فرهنگی، مصرف کالا، مصرف کالای فرهنگی، رسانه های ارتباط جمعی.
۱۰	عوامل جمعیتی	جنسیت، سن، وضعیت تاهل.
۱۱	گرایشات	گرایش به سلیقه، پابندی به اخلاق مذهبی، همیاری، رفتارها و رویه های فرهنگی، ارزش های شغلی و تحصیلی خانواده.

مرحله ششم: تعیین کیفیت نتایج: محقق جهت کنترل نتایج استخراجی خود از مقایسه نظرات خود با چند خبره دیگر نیز استفاده نموده است و سپس نتایج از طریق شاخص کاپا ارزیابی و مورد تایید قرار گرفت.

مرحله هفتم: اعلام نتایج: در این مرحله از روش فرا ترکیب، یافته‌های حاصل از مراحل گذشته در قالب یک مدل بر اساس ابعاد و مؤلفه‌ها ارائه می‌گردد.



شکل ۲- ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (ماخذ: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

افراد جامعه از طریق سرمایه فرهنگی خود نحوه رفتار، گفتار و شیوه عمل خود را تعیین و خود را از سایرین متمایز می‌کنند. سرمایه فرهنگی با توجه به کارکردهایش به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های بازتولید سلسله‌مراتب اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش باهدف بررسی شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی دانشجویان با روش فراترکیب صورت پذیرفته است دانشجویان به‌عنوان موتور محرک یک جامعه و دانشگاه به‌عنوان قلب تپنده جامعه جایگاه ویژه‌ای در بین اقشار مردم دارد.

مدل مفهومی استخراج شده این پژوهش که ثمره مطالعه مقالات مرتبط با این موضوع است شامل ۱۱ بعد و ۵۸ مؤلفه می‌باشد. این ابعاد شامل: سرمایه، سرمایه اجتماعی، سرمایه علمی، سبک زندگی، مدیریت بدن، هویت، شادکامی، توسعه گرایی، عوامل جمعیتی، نحوه استفاده از کالا و گرایش‌ات می‌باشد. مدل ارائه‌شده در این پژوهش یک مدل مفهومی و ثمره تمام تحقیقاتی است که تاکنون پیرامون این موضوع انجام گردیده که این مهم با توجه به نتایج مطالعات پیشین و استخراج متغیرها و مؤلفه‌های آنان برای استفاده از این مدل صورت پذیرفته است؛ بنابراین سایر محققان در پژوهش‌های آتی در این موضوع می‌توانند با استفاده از این مدل به بسیاری از یافته‌های مقالات گذشته دست یابند.

هر یک از مقالات ذکر شده، سرمایه فرهنگی دانشجویان را در ارتباط با یک یا چند مؤلفه به کار برده و بررسی کرده است. یافته‌های حاکی از آن است که عوامل متعددی از جمله موارد ذکر شده بر سرمایه فرهنگی دانشجویان اثرگذار می‌باشد.

نتایج تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد مفهوم سرمایه فرهنگی با مؤلفه‌های ذکر شده رابطه مستقیم و معناداری داشته و وجود یا عدم وجود آن باعث تفاوت در دانشجویان می‌شود. در دنیای امروز افراد با نشان دادن سرمایه فرهنگی خود جایگاه اجتماعی خویش را می‌سازند و اعتبار اجتماعی خود را افزایش می‌دهند به همین جهت سرمایه فرهنگی در کنار سایر سرمایه‌ها اهمیت شایانی می‌یابد. همچنین پیشنهاد می‌گردد معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه‌ها به طور مستمر میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان را پالایش کرده و در راستای افزایش آن از طریق ابعاد و مؤلفه‌های ذکر شده به تناسب موقعیت عمل نمایند.

منابع

۱. روحانی، حسن (۱۳۸۸) «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی» فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳
۲. گرشاسبی فخر، سعید و دیگران (۱۳۹۴) «برآورد روند سرمایه فرهنگی در ایران» فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان ۹۴
۳. فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی
۴. تراسبی، دیوید (۱۳۸۲) اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر نی
۵. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۴) شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازی
۶. فاضلی، محمد (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مصرف موسیقی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
۷. حیدرخانی، هابیل و همکاران (۱۳۹۵) تحلیل و بررسی رابطه ابعاد سرمایه فرهنگی و هویت ملی جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر کرمانشاه، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دهم، شماره ۲
۸. عرفانیان قصاب، المیرا و شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۶) مطالعه تأثیر سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های آن بر سبک تغذیه شهروندان مشهد، فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، سال یازدهم، شماره ۴
۹. ابراهیمی، قربانعلی و همکاران (۱۳۹۵) بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر اعتماد اجتماعی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال ششم، شماره ۲۱
۱۰. کارکنان نصرآبادی، محمد و همکاران (۱۳۹۱) عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی میان شهروندان کاشان و آران و بیدگل، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره ۲۷
۱۱. فائق، سحر و باینگانی، بهمن (۱۳۹۵) سنجش سرمایه فرهنگی براساس پایگاه اقتصادی- اجتماعی میان شهروندان اصفهان، جامعه پژوهشی، فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره پاییز
۱۲. سهرابی، بابک و همکاران (۱۳۹۰) آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب، فصلنامه چشم انداز مدیریت دولتی، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۶
۱۳. مبینی دهکردی، علی و کشتکار هرانکی، مهران (۱۳۹۵) فراترکیب مدل‌های نوآوری اجتماعی، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶
14. Bourdieu, P. (1977). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*, Camhin. Harvard University Press.
15. Stones, Roy (1998), *Key Sociological Thinkers*, Mcmillan Press Ltd. U.k
16. Dumas's. (2002), "Cultural Capital, Gender, and School Succes: The Role of Habitu", *Sociology of Education*, Vol.75, No.1, pp.44-68

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری،
خیابان شهید سبحانی، پلاک ۴۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵

۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷
۰۲۶۳۴۴۵۳۱۳۱
www.ASSCS.ir

ISSN: 2645-4475

